جمله، جمله‌واره و ترکیب

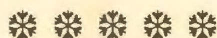
ادبیات فارسی آزمون سراسری دانشگاهها
شامل ۹۳۲ تمرین چهارجوابی فقط از فارسی
اول تا چهارم

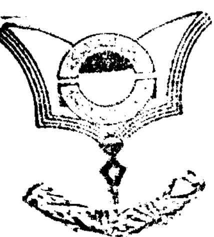
تألیف : سیّد عبدالرشید صهبا

برای استفاده دانش آموزان و پژوهندگان:

۱- کتاب «**حرفهای اضافه، ربط و نشانه**» بیش از هشتاد صفحه شامل معرفیِ حروف با مثالهایی از فارسی و دستورِ اول تا چهارم دبیرستانها که در شهریور ۷۱ منتشر شده، می‌تواند نیاز دانش آموزان را در زمینه حروف برآورده نماید.

۲- کتاب «**۷۰۰ پرسش و پاسخ نظم و نثر**» شامل: سبک شناسی، صنایع لفظی و معنوی، کلمات متشابه، نثرنویسان و آثار آنان در دوره‌های مختلف تاریخ و شاعران بنامِ ایران همراه با تمرین چهارجوابی در دیماه ۷۱ منتشر شده است.





جمله، جمله واره

و

ترکیب

شامل:

۹۳۲ تمرین چهارجوابی
از فارسی و دستورکلاس
اول تا چهارم دبیرستانها

«سید عبدالرشید صهبا»

۱۳۷۲



۹۰۷۸

نام کتاب : جمله، جمله واره و ترکیب

مؤلف : سید عبدالرشید صهبا تلفن ۲۵۰۲۸۰

ویراستار : استاد جمال صدری

چــاپ : چاپخانه نشاط

ناشــر : انتشارات گلبهار

نوبت چاپ : اول

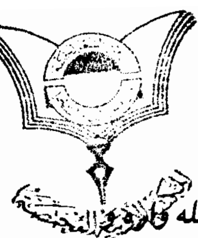
حروفچینی کامپیوتری : مرکز تایپ اندیشه

تیراژ : ۳۰۰۰ جلد

طرح روی جلد : سید عبدالرشید صهبا

بهاء :

****



بسمه تعالی

 دانش آموزان و دانش‌پژوهان عزیز، با سلام، کتاب **جمله، جمله واره و ترکیب**، در دو بخش از نظر گرامی شما می‌گذرد.

بخش اول شامل جمله، جمله واره و نقشها، همراه با ترکیب و بخش دوم شامل ۹۳۲ تمرین چهارجوابی از فارسی و دستور چهار کلاس دبیرستان به تفکیك همراه با پاسخ تشریحی.

از ویژگیهای این تمرینها این که به ترتیب درسها و مجزا از یکدیگر در چهار قسمت جداگانه شامل «***نوع و نقش کلمات، درك مطلب، تاریخ ادبیات، صنایع لفظی و معنوی، کلمات مترادف و متشابه همراه با پاسخ تشریحی***». دانش آموز می‌تواند درسِ مورد نظر را بیاموزد و آنگاه خود را بیازماید. در جمع تمرینهای مربوط به هر درس، پرسشهای آزمون سراسری با علامت «***آ - س***» به چشم می‌خورد. امید است کتاب حاضر بتواند نیازها، خواسته‌ها و نظریات شما خواننده عزیز را در موارد کلی و جزیی برآورده نماید.

اینجانب با تلفن ۰۳۱/۲۵۰۲۸۰ پاسخگوی پرسشها و پیشنهادات شما هستم.

ویژگی دیگر کتاب، آن که به قلم توانمند همکار عزیزمان، استاد جمال صدری - خدا او را نگهدار باد - ویراستاری و مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است. لازم است جامعهٔ آموزش و پرورش به همکارانی ادب دوست چون صدری‌ها به خود ببالد و ارزش آنان را بداند.

«چه گفت آن هنرمند مرد خرد   که دانا ز گفتار او برخورد»
«همیشه خرد را تو دستور دار   بدو جانت از ناسزا دور دار»
«به گفتار دانندگان راه جوی   به گیتی بپوی و به هر کس بگوی»
«ز هر دانشی چون سخن بشنوی   ز آموختن یك زمان نغنوی»

در پایان اگر موارد ضعفی توسط خوانندگان محترم مشاهده شود، به بزرگی خود ببخشند و اینجانب را مورد عفو قرار دهند. بعون الله تعالی

دبیر ادبیات فارسی سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان (شهید اژه‌ای)

سید عبدالرشید صهبا



فهرست مطالب کتاب

● بخش اول:

● **بخش دوم:**

بسمه تعالی

بخش اول

۱- تعریف دستور زبان فارسی:

دستور زبان مجموعه قواعدی است که به وسیله آن درست سخن گفتن و درست نوشتن را می‌آموزیم، اگرچه درکودکی سخن گفتن را بدون قواعد دستوری آغاز می‌کنیم ولی این سخن، گفتاری یا محاوره‌ای است. سخنِ نوشتار با توجه به قواعد زبان زیباست.

۲- الفبای زبان فارسی:

حرفهایی است که ما بدان سخن می‌گوییم وکتاب می‌نویسیم و شامل ۳۲ حرف است و عبارتند از:

ا، ء، ب، پ، ت، ث، ج، چ، ح، خ، د، ذ، ر، ز، ژ، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ك، گ، ل، م، ن، و، ه، ی.

۳- الفبای مخصوص زبان عربی در فارسی:

چون زبان فارسی با عربی آمیخته است، ۸ حرف از الفبای زبان فارسی

مخصوص زبان عربی است که عبارتند از : **ث** ، **ح** ، **ص** ، **ض** ، **ط** ، **ظ** ، **ع** ، **ق** که در فارسی **ث** و **ص** را مانند «**س**» و**ح** را مانند «**ه**» و **ض** و **ظ** را مانند «**ز**» و **ط** را مانند «**ت**» و **ق** را مانند «**غ**» و **ع** را مانند «**همزه**» تلفظ می‌کنند مانند کلمه‌های: ***ثقل***، ***حلال***، ***صورت***، ***رضایت*** ، ***طلب*** ، ***ظهر*** ، ***قمر*** و ***علم*** .

۴- الفبای مخصوص زبان فارسی :

چهار حرف «**پ** ، **چ** ، **ژ** ، **گ** » مخصوص زبان فارسی است مانند: **پدر**، **چادر**، ***ژاله***، ***ارژنگ*** .

۵- تعریف ساختمانی واژك، واژه (کلمه) :

کلمه واحد زبان فارسی است که از یك واژك یا بیشتر ساخته شده است. ساختمان کلمه را می‌توان مرکب از سه عنصر دانست که عبارتست از: **پیشوند**، **پایه** و **پسوند** که **پیشوند** و **پسوند** عناصری اختیاری هستند ولی پایه عنصر اجباری در ساختمان کلمه است. برای شناخت بیشترِ هر یك از سه عنصر آنها را با علامت اختصاری «**پیشوند** = **پ**، **پسوند** = **پس** و **پایه** = **پا**» نشان می‌دهیم و به ذکر چند مثال می‌پردازیم.

* **همسفر** = **هم** (پ) + **سفر** (پا) = ۲ واژك

* **پرورشگاه** = **پرور** (پا) + **ـِش** (پس ۱) + **گاه** (پس ۲) = ۳ واژك

* ***ناسازگاری*** = **نا** (پ) + **ساز** (پا) + **گار** (پس ۱) + **ی** (پس ۲) = ۴ واژك

* ***دانشمندانه*** = **دان** (پا) + **ـِش** (پس ۱) + **مند** (پس ۲) + **انه** (پس ۳) = ۴ واژك

با ذکر مثالهای فوق می‌توان نتیجه گرفت که یك کلمه (واژه) می‌تواند از یك واژك یا چندین واژك به وجود آمده باشد لذا کوچکترین کلمه در زبان فارسی واژك نامیده می‌شود.

٦- اقسام کلمه (واژه):

عبارتست از: فعل، اسم، صفت، قید، ضمیر (متصل، منفصل، مشترك و مبهم)، حروف (اضافه ، ربط و نشانه) و صوت .

۷- ابزار سخن گفتن:

هر انسانی برای درست سخن گفتن و درست نوشتن از جمله دستوری، شبه جمله و صوت استفاده می‌کند.

۸- تعریف جمله:

جمله، کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست (فاعل، مفعول، متمم، فعل، مسندالیه، مسند و رابطه) که بر روی هم معنی کاملی را بیان می‌کند. لذا انسان افکار واندیشه‌های خود را در قالب جمله برای دیگران بیان می‌کند مانند: ***بخشاینده‌ای که تار عنکبوت را سدِّ عصمتِ دوستان کرد.*** *(کلیله و دمنه: فارسی دوم)*

به عبارت دیگر جمله سخنی است که حداقل دارای دوجزء اصلی باشد: نهادو گزاره. مانند کلمه «***آمدم***» که یك جمله است.

یا : خدا بزرگ است = خدا ***(نهاد)*** + بزرگ است ***(گزاره)***

۹- نهاد:

نهاد کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست که در ساختمان جمله همراه گزاره می‌آید و انجام یافتنِ مفهوم گزاره را عملی می‌کند.

- در جمله ***اسمیه، مسندالیه***، همان ***نهاد*** است و در جمله ***فعلّیه*** هم ***نهاد***، همان ***فاعل*** است، اما مسندالیه همان فاعل نیست. باید توجه داشت که تمام کلمه‌ها در دستور زبان فارسی به استثنای فعل و حرف ، مسندالیه واقع می‌شوند مثلاً" می‌گوییم: ***چهار کم است***، عدد چهار ***مسندالیه*** و «کم» ***مسند*** است.

- در جمله فعلیه به دلیل این که فاعل، کننده کار است، نامها بیشتر فاعل واقع می‌شوند. مانند: دانش آموزان آمدند یا اتومبیل در درّه سقوط کرد.

۱۰- اقسام نهاد:

نهاد دو نوع است

الف - نهاد اجباری ***ب - نهادِ اختیاری***

الف - نهاد اجباری ،همان شناسه است که به فعل اضافه می‌شود و عبارتست از:

« م، ی، د، یم، ید، ند».

مانند: چون خود را نشناسی، دیگری را چون شناسی.

(کیمیای سعادت فارسی ۴ ، ص ۱۳)

ب - نهادِ اختیاری ، اسم یا ضمیری است که همراه فعل می‌آید و می‌توان آن را از جمله حذف کرد مانند:

هرکه آمد عمارتی نو ساخت رفت و منزل به دیگری پرداخت

(گلستان - فارسی ۴ ، ص ۱۹)

*****

- ***حضرت محمد مصطفی (ص)*** آن کعبه را از بتان پاك کرد، تو این کعبه را از اصنام هوا و هوس پاك گردان. ***(مناجاتنامه - فارسی ۴ ، ص ۳۸)***

می توانیم «***حضرت محمد مصطفی (ص)***» و «***تو***» همچنین «***هرکه***» را از جمله حذف کنیم زیر نهادِاختیاری هستند. در نمونه‌ای که می‌آید، نهاد اختیاری حذف شده است

مانند:

- ... سپس شربتها و داروهای گیاهی بر او مقرر دارد و نسخه‌ای بر اولیای بیمار به شهادت کسانی که نزد بیمار باشند بنویسد. *(معالم القربة فی امور الحسبه - فارسی ۴، ص ۴۱)*

در مثال فوق نهادِ اختیاری کلمه «**پزشك**» بوده که حذف شده است ولی نهاد اجباری را نمی‌توان از آخر فعل حذف کرد.

۱۱- تعریف گزاره:

گزاره که هسته جمله است، کلمه یا گروهی از کلمه‌هاست که گوینده به وسیله آن مطلب اصلی خود را بیان می‌کند.

-گزاره معمولاً" فعل یا گروه فعلی است مانند: اندیشهٔ نارسای من بال و پر مـی‌گیرد. *(مرد حق - فارسی ۲، ص ۵)*

- در جملهٔ «***اندیشهٔ نارسای من***» گروه نهاد و «***بال و پر می‌گیرد***» گروه فعلی و گـزاره است.

- باید توجه داشت که گزارهٔ اصلی از دو جزء فعل و شناسه تشکیل شده و شناسه همان ضمـایر «**م، ی ، د ، یم ، ید، نـد**» است و همـانطور کـه گـفته شـد، شناسه جایگزین نهاد می‌شود.

برای این که با نهاد و گزاره بیشتر آشنا شویم و جمله را بهتر بشناسیم، ۶گروه از مثالهای زیر را مورد توجه قرار می‌دهیم و اسمیّه و فعلیّه بودن آنها را بررسی می‌کنیم[1] .

الف - خدا آفریننده است - پیامبران راهنمایان مردم بودند - طبیعت شگفت انگیز است.

ب - این انگشتر از طلا است - این نامه از پروین است - این مردم از روستاهای ایران هستند.

ج - احمد در خانه نبود - هیچ پرنده‌ای در باغ نبود.

---

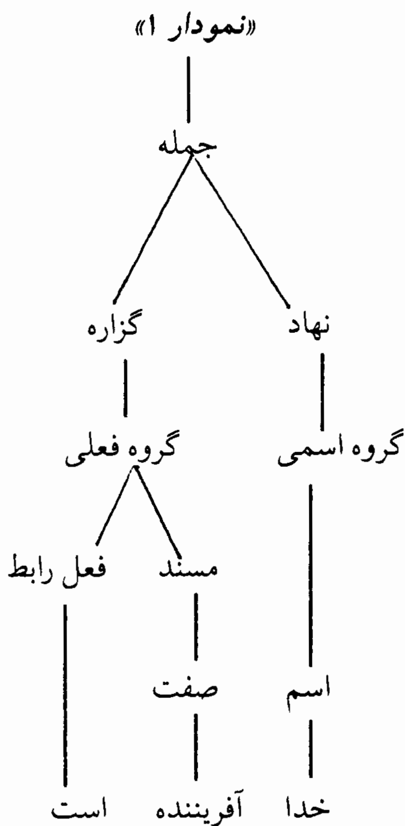
۱) دکتر مهدی مشکوة الدینی ، دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری

د - علی می‌آید - احمد رفت - موسی کار می‌کند - هوا گرم می‌شود - خورشید می درخشد - جانداران می میرند.

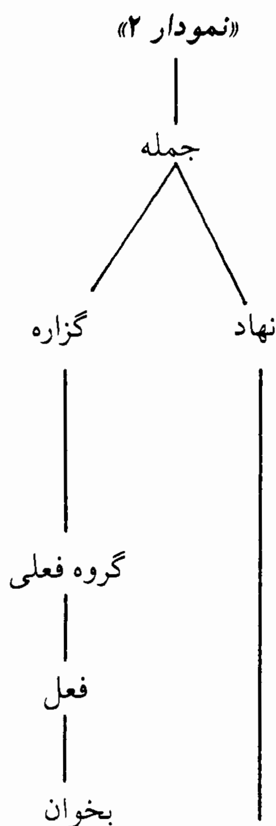
هـ - احمد کتاب را خواند - علی خانه ساخته است - جاندار غذا می خواهد.

و - به نظر می‌رسد که از کار تازه‌اش راضی است - پیداست که همه مردم به یکدیگر نیارمندند - احمد نگفت کی برمی‌گردد.

اینك نمودار «دیاگرام» بعضی از جمله‌های بالا را رسم می‌کنیم.



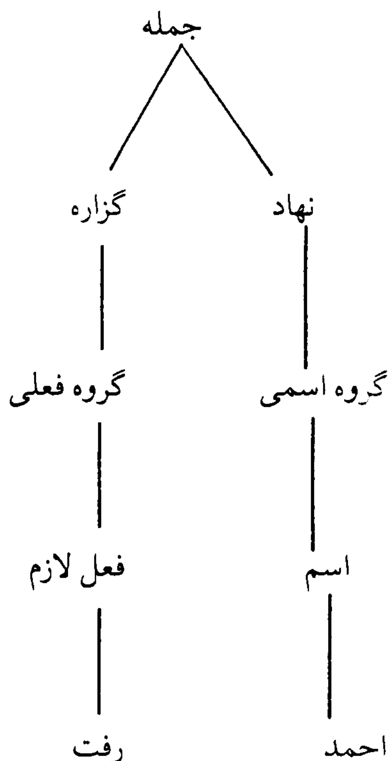
خدا آفریننده است (اسمیّه)



× ***بخوان (فعلیّه)***

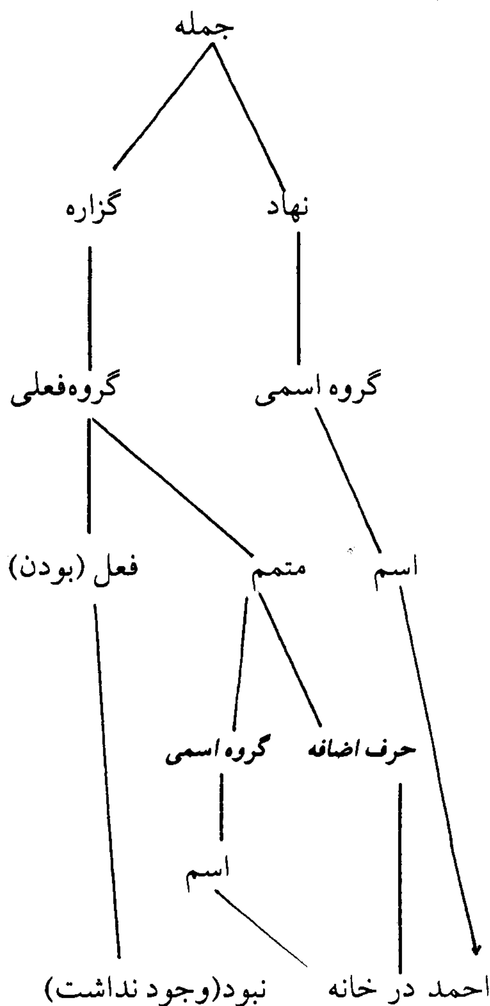
****

«نمودار ۳»



احمد رفت (فعلّیه)

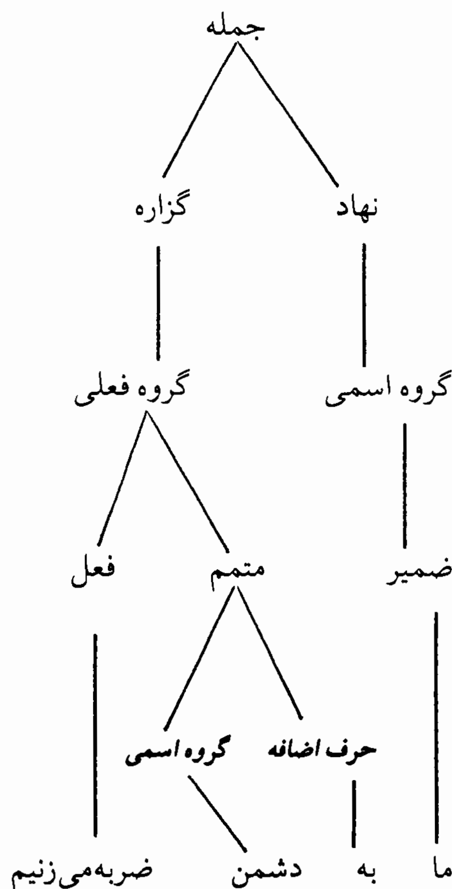
«نمودار ۴»



احمد در خانه نبود(وجود نداشت)- فعلیّه

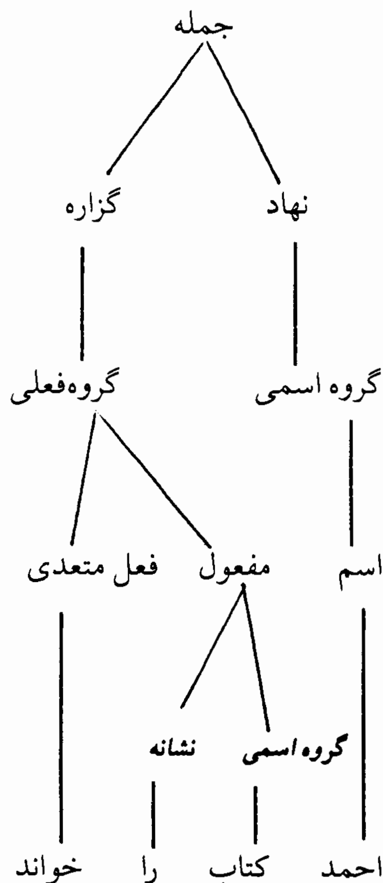
****

«نمودار ۵»



ما به دشمن ضربه می‌زنیم - فعلیّه

«نمودار ۶»



احمد کتاب را خواند (فعلیّه)

****

۱۲- تشخیص فعل ربطی از غیر ربطی و جمله فعلیّه از اسمیّه

اگر **فعلهای ربطی** (فعل عام)، است ، بود، باشد، شد، گشت و گردید به وجودآورندهٔ جمله باشند چنین جمله‌ای را اسمیه (اِسنادی) نامند مانند:

کلید معرفتِ خدای تعالی، معرفت نفس خویش است. *(فارسی چهارم)*
بعضی اوقات فعلهای ربطی، فعل خاصّ‌اند و برعکس گاهی فعلهای خاص، ربطی هستند لذا برای آشنا شدن به این موارد، هر یك از فعلهای ربطی را مورد مطالعه قرار می‌دهیم:

۱ - فعل «است» از مصدر استن:

الف - اگر فعل ***«است یا هست»*** معنیِ ***«وجود داشتن»*** بدهد فعل ***خاصّ***است مانند:

گر درِ خلد را کلیدی‌هست= اگر کلید برای درِ خلد وجود دارد؟

ب - اگر وسیله ارتباط حالت یا صفتی از اسم یا صفتی به اسم یا ضمیر باشد، فعل ربطی است مانند: بِنیَتِ آدمی آوندی ضعیف است. *(فارسی چهارم)*

۲- فعلِ شد از مصدرِ شدن :

الف - اگر فعل ***«شد»*** معنیِ ***«رفت»*** داشته باشد، فعل خاص است مانند :

شدغلامی که آب جوی آرد آب جوی آمد و غلام ببرد

ب - اگر تغییر یك وضعیت را اعلام کند ربطی (عام) است مانند:

هوای اتاق سرد شد

۳- فعلِ بود از مصدرِ بودن :

فعل بود در شرایطِ است و هست قرار دارد.

۴- فعل گشت وگردید از مصدرِ «گشتن وگردیدن».

الف - اگر مانندِ فعل ***«شد»*** یک وضعیت را اعلام کند ربطی (عام) است مانند:

هوای اطاق سرد گشت .

ب - اگر به معنی آمدن یا رفتن یا گردش کردن باشد، فعل خاص است مانند:

بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا درنبندد هوشیار

۴- فعلِ آمد از مصدرِ آمدن:

این فعل اگر مانندِ «**شد**» عمل کند و حالت یا وضعیت را اعلام کند، جمله اسمیّه می‌سازد. مانند:

چو صبح صادق آمد راست گفتار = چو صبح صادق، راست گفتار شد

در قدیم از مصدرِ آمدن به جای شدن، فعل مجهول می‌ساختند مانند:

خوشتر آن باشد که سرّ دلبران گفته‌آید در حدیث دیگران

موارد دیگری هم برای تشخیص فعل ربطی از غیر ربطی وجود دارد[1].

اگر قبل از فعلهای ربطی «**است، بود، باشد، شد، گردید و گشت**» ریشه یا ***بن ماضی + هاء غیر ملفوظ*** باشد دیگر این فعلها ربطی نیستند بلکه مجموعه آنها یك فعل است و موارد آن عبارتست از:

۱ - ریشه یا بن ماضی از فعل خاص غیر ربطی + ه + فعل ربطی = فعل خاص مانند:

در سراسر کشورهای اسلامی تحوّلی فکری و جنبشهای امیدبخش پدیدآمده‌است. ***(فارسی چهارم)***

۲- ریشه یا بن ماضی از فعل ربطی + ه + فعل ربطی = فعل ربطی مانند:

یکی از صفهات ممتاز خواجه نصیرالدین توسی، عشق کامل به علم و فصاحت کلام بوده است. ***(فارسی سوم)***

۳- صفتی که اصل فعلی آن متعدّی باشد + فعل ربطی = فعل خاص مرکب متعدی مانند: هیچ مسلمانی نیست، که آرزوی آن سیادت و سعادت نخستین را نکند و تجدید مجد و عظمت دیرین را خواستارنگردد ***(فارسی چهارم)*** یا خریدار + است =

---

۱) **دستور زبان فارسی، چاپ دوم سال ۶۶، دکتر شریعت**

خریدار است یا خواستار + است = خواستار است.

۴ - صفتی که با فعل ربطی بعد از خود معنی متعدی بدهد + فعل ربطی = فعل خاص مرکب متعدی مانند: تقاضامند + است = تقاضامند است.

۱/۱۲- جمله اسمی (إسنادی):

آنست که فعل آن عام یا ربطی باشد مانند: ***بود، شد، گشت، گردید، است و آمد،*** این فعلهای ربطی ارتباط دهنده صفت و حالتی ***(مسند)*** به اسم یا ضمیر دیگر ***(مسندالیه)*** می‌باشند.

جمله اسمیّه سه رکن دارد: الف - ***مسندالیه*** ، ب - ***مسند*** ، ج - ***رابطه (فعل ربطی)***

مانند: «توانگر فاسق، کلوخ زراندود است». ***(گلستان - فارسی چهارم)***

در جمله بالا، توانگر فاسق = ***گروه مسندالیهی*** ، کلوخ زراندود = ***گروه مسندی*** و «است» ***رابطه*** است.

در جمله اسمیه علاوه بر سه رکن نامبرده، متمم و گاهی قید هم اضافه می‌شود مانند:

خداوند	از دلها	آگاه	است
۱	۲	۳	۴

۱۳- ارکان جمله فعلی (فعلیّه):

جمله فعلی آنست که فعل آن تام (خاص) باشد، در این جمله، دو رکن اصلی وجود دارد، اول فاعل - دوم فعل، مانند: خورشید طلوع کرد.

بعد از دو رکن اصلی، رکن دیگری به نام مفعول وجود دارد که فرمول آن چنین است:

فاعل + مفعول + فعل

سایر قسمتهای جمله فعلیّه از قبیل: قید، متمم و وابسته‌ها (صفت - مضاف الیه) است که اجزاء جمله را تشکیل می‌دهند مانند:

دیروز راننده اتوبوس دانش‌آموزان کلاس سوم ریاضی را برای شرکت در مسابقه

المپیاد به سالن آزادی برد(به شماره‌های ۲۵ ، ۲۶ و ۲۷ مراجعه کنید).

۱۴- جمله ساده :

آنست که دارای یك فعل باشد و در واقع یك جمله اصلی و اگر دارای مفهومی تمام و کامل باشد جمله کامل یا مستقل نامیده می‌شود مانند:
خدا توانا است - بخوان - پیامبر اسلام مردم را به پرستش خدای یگانه دعوت کرد.

۱۵- جمله مرکّب :

آنست که بیش از یك جمله ساده یا اصلی باشد مانند:
علی به کتابخانه دبیرستان رفت و کتابی گرفت.
احمد کتاب خواند و علی روزنامه .
جمله مرکب بر دو نوع است. ***جمله مرکب همپایه، جمله مرکب ناهمپایه.***

۱۶- جمله مرکب همپایه :[۱]

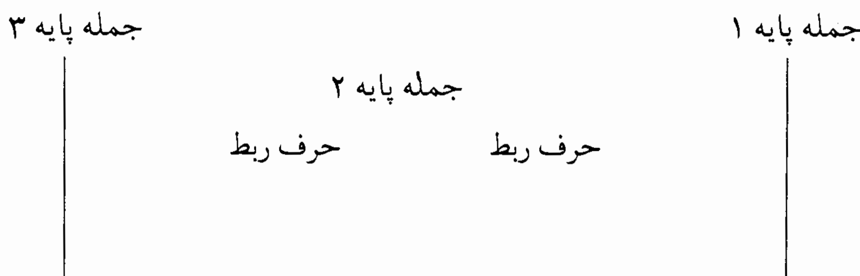
این نوع جمله‌ها از پیوند دو یا چند جمله اصلی (ساده) تشکیل می‌شود که با یکی از حرفهای ربط همپایگی یعنی: ***و،اما، ولی، ولیکن*** یا حرفهای ربط مزدوج به یکدیگر مربوط می‌شوند (به کتاب حرفهای ربط ، اضافه و نشانه از نگارنده مراجعه کنید).

این نکته لازم به تذکر است که جمله‌های پایه سازندهٔ جمله مرکب همپایه، هیچگونه رابطه نحوی خاص با یکدیگر ندارند یعنی، از لحاظ نحوی و معنایی هر جملهٔ پایه مستقل است و از اینرو می‌تواند به تنهایی به کار رود مانند: احمد به کتابخانه رفت، مدتی مطالعه کرد و دوباره به خانه برگشت.

---

۱ . در دستورهای عمومی چنین جمله‌هایی را جمله‌های پیوسته نامیده‌اند و مطالعه این قسمت برای دانش آموزان اختیاری است.

نمودار جمله پیوسته همپایه



احمد به کتابخانه رفت، مدتی مطالعه کرد و دوباره به خانه بازگشت

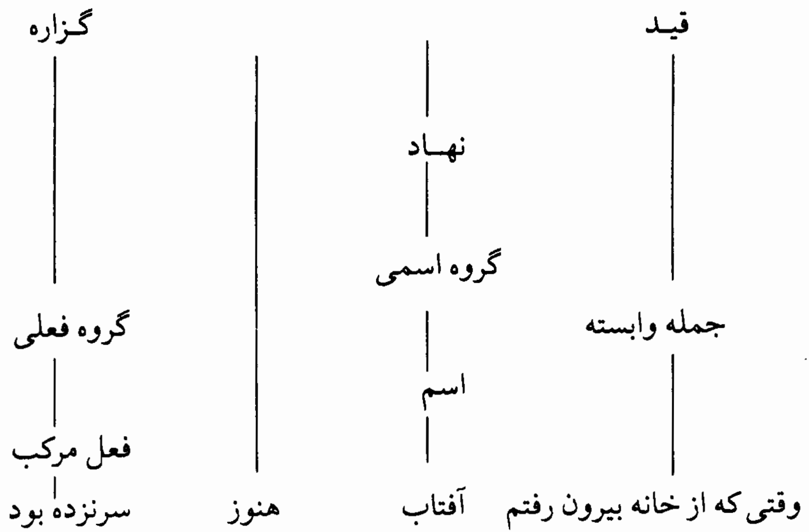
۱۷- جمله مرکب ناهمپایه (پایه و پیرو):

جمله مرکب ناهمپایه از یك جمله پایه (اصلی) و یك یا چند جمله وابسته (پیرو) که در یکی از جایگاههای نحوی جمله پایه ظاهر می‌گردد، تشکیل می‌شود. در جلو جمله وابسته (پیرو) معمولاً" یکی از حرفهای ربط (یا پیوند ناهمپایگی) به کار می‌رود. از قبیل: **که، *تا*، *اگر*، چون ، *زیرا* ، زیراکه، *وقتی که*، *هنگامی که*، *زمانی که*، *حالی که*، *کجا*** و غیره.

در برخی جمله‌های مرکب ناهمپایه ممکن است ، حرف ربط ظاهر نشود با این حال در این گونه جمله‌ها نیز حرف ربط می‌تواند به کار رود. مانند:

- ***وقتی که از خانه بیرون رفتم، هنوز آفتاب سرنزده بود.***
- ***احمد که تازه از راه رسیده بود نگران به نظر می‌رسید.***
- ***این خانه‌ای است که چندین سال در آن زندگی کرده‌ام.***
- ***معلوم نیست کجا رفته است.***
- ***به نظر می‌رسد که از کار تازه‌اش راضی نیست.***

نمودار جملهٔ مرکب ناهمپایه



وقتی که از خانه بیرون رفتم آفتاب هنوز سرنزده بود.

****

نمودار جمله مرکب ناهمپایه



احمد که تازه از راه رسیده بود نگران به نظر می‌رسید =

احمد نگران به نظر می‌رسید (پایه (اصلی)) که **تازه از راه رسیده بود** (وابسته (پیرو))

۱۸- انواع جمله مرکب ناهمپایه (پایه و پیرو):

هر جمله مرکب تشکیل می‌شود از یك جمله پایه که غرض و مقصود اصلی گوینده را در بر دارد و یک یا چند جمله پیرو که با مفهومی از قبیل علّت، غرض، شرط، تفسیر و جز آن معنی جمله پایه را کامل‌تر می‌کنند. این جمله‌ها با توجه به موقعیّت و حرف ربط سه حالت پیدا می‌کنند.

الف - جمله با یکی از حرفهای ربط «***اگر، گر، ار، اگرچه، گرچه، ارچه، چنانچه، چنان که، چونکه، چون، چه، تا، با این که، با آنکه، با وجود این که، هر چند که***» آغاز

می‌شود. مانند:

چونکه تا اقصای هندستان رسید در بیابان طوطی چندی بدید

(فارسی چهارم - مولوی)

ب - حرف ربط درست بین دو جمله قرار می‌گیرد و حرفهایی که چنین هستند عبارتند از: «**چونکه، چون،که، *تا*، *زیرا*، زیراکه، *ازیرا*، *ازیراکه*، چه**، «**به معنی *زیرا***» مانند:

آن چه دیدی بهتر از پیکار من تا شدی تو سُست در اشکار من

(فارسی چهارم - مولوی)

ج - جمله با یك یا دوکلمه غیر فعل شروع می‌شود و پس از آن حرف ربط «**که**» بیاید مانند:

کسی که ناز مرا می‌کشید مادر بود کسی که حرف مرا می‌شنید مادر بود

یا ***(فارسی اول - عبدالعلی نگارنده)***

هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد چون دم عیسی درکالبدم جان آرد

(سید حسن غزنوی - فارسی اول)

مثال دیگر:

تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد ***(حافظ)***

چنین بوده است:

تو کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد که از سرای طبیعت بیرون نمی‌روی

پایه **پیرو**

سخن کاو از سر اندیشه ناید نوشتن را و گفتن را نشاید

= سخن برای نوشتن و گفتن شایسته نیست که او از سر اندیشه ناید.

اورا به تو معرفی خواهم کرد که دوستمن است.

پایه **پیرو**

۱۹- اقسام جمله از حیث مفهوم و چگونگی بیان :

چهار نوع است :

الف - جمله خبری : آنست که خبری را خواه مثبت خواه منفی بیان کند مانند: هزار سال پس از اسکندر حضرت خاتم انبیاء محمدبن عبدالله (ص) ظهور کرد. ***(فارسی اول)***

ب - جمله سئوالی یا پرسشی : در آن موضوع و مطلبی پرسیده می‌شود و در نوشتن از کلمه‌های پرسشی مانند: ***آیا، کی، چه، که، کدام*** و یا تنها از علامت پرسش (؟) مشخص می‌شود، اما در گفتار، گوینده با تغییر صدا سؤال را مطرح می‌کند مانند :

«آخر ما در کاروان یك درم نقد نیافتیم و تو این بدرهٔ زر را باز می‌دهی؟».

(فارسی اول - داستان فضیل عیاض)

ج - جمله عاطفی : بیانگر احساسات و عواطفی چون تعجّب، تأسّف، تحسین و آرزو است مانند:

- وه ! چه پایگاه بلندی ! - چه منظره زیبایی - دریغ از جوانی -کاشکی قیمت انفاس بدانندی خلق - به امید ظهور مهدی موعود (عجل ا...)

د - جمله امری : خواهش یا فرمانی را بیان می‌دارد مانند:

- به غم جانکاه تیره روزان بیندیش - ای خدا اسرارم را ناگفته بدان.

۲۰- انواع جمله از نظر وجه فعلی که در آن به کار رفته است :

- سه نوع است :

الف - جمله خبری : آنست که نه التزامی باشد و نه امری، در این گونه جمله‌ها معمولاً" مطلب به صورت خبر خواه مثبت خواه منفی بیان می‌شود مانند:

- نام پر افتخار علی (علیه‌السلام) همه جا یادآورندهٔ اصول عدالت و دادگری است.

(فارسی سوم)

ب - جمله التزامی : آنست که وجه فعل آن التزامی باشد، منظور از وجه

التزامی، این است که در فعل، مفهوم «*تردید*» و «*تمایل*» وجود داشته باشد. مانند:
شاید محمود برای انجام دادن مأموریت به روستاهای اطراف رفته باشد.*(فارسی اول)*

ج - ***جمله امری*** : آنست که دستور، فرمان، توصیه و خواهش را در بر دارد و فعل آن از وجه امری است مانند:

ای به تقلیدش اسیر، آزاد شو دامن قرآن بگیر، آزاد شو

(اقبال لاهوری - فارسی اول)

۲۱- مقایسه جمله‌های پرسشی، خبری، امری و عاطفی (از نظر دکتر خانلری)[1]:

۱- جمله پرسشی درست مانند جملهٔ خبری است و تفاوت آن دو را از آهنگ جمله می‌توان دریافت.

۲- در اول جمله پرسشی (آیا) می‌آید: مانند: آیا کتاب و لوازم التحریر خریده‌ای؟

۳- در جمله پرسشی غیر از «آیا» کلمه‌های پرسشی مانند: **که، چه ،کی ، چه وقت ، چقدر ، چند،کجا، چگونه، چرا** به کار می‌رود.

۴- جمله پرسشی غالباً محتاج پاسخ است.

۵- ضمیر پرسشی گاهی جانشین اسم می‌شود مانند: که آمد (نقش فاعلی)

۶- جمله عاطفی جمله‌ای را می‌گویند که با آن حالت هیجان روحی گوینده بیان شود.

۷- جمله عاطفی مانند جمله پرسشی است، اما گویندهٔ آن انتظار پاسخ ندارد.

۸- حالت عاطفی با کلمه «چه» بیان می‌شود و این کلمه در جمله گاهی ضمیر و گاهی صفت قرار می‌گیرد.

مانند: چه حرفهای عجیبی زده‌اند! - چقدر عجب است ! - چقدر دیر آمدی !

۹- در جمله عاطفی گاهی بعضی از اجزای جمله حذف می‌شود مانند: چه حرفها!،

---

۱ . دستور زبان فارسی دکتر خانلری ، چاپ دوازدهم ۱۳۷۰

چه دیر!

۱۰- در جمله عاطفی، گاهی برای بیان حالت روحی به جای جملهٔ عاطفی یکی از اصوات به‌کار می‌آید مانند: افسوس، خدایا، و ...

۱۱- گاهی پیش از جمله امری نام کسی را که باید کار را انجام بدهد، یا حالتی را بپذیرد ذکر می‌کنیم. این نام بردن، ندا خوانده می‌شود مانند: ای ایرج کتاب را بیاور.

۱۲- جمله امری از همان ماده مضارع ساخته می‌شود.

۱۳- گاهی در زبان قدیم جزء پیشین «می» به اول فعل امر افزوده می‌شود.

می‌کن = بکن   می‌نویس = بنویس

برو کار می‌کن مگو چیست کار   که سرمایه جاودانی است کار

۲۲- پیوستگی جمله‌های مستقل [۱]:

جمله‌های مستقل در یك گفتار یا در یك متن غالباً با هم پیوستگی دارند، این پیوند و پیوستگی یا معنوی است یا لفظی.

الف - پیوند معنوی:

گاهی دو یا چند جمله مستقل در پی یکدیگر قرار می‌گیرند و بی‌واسطه حرفی یا کلمه‌ای به هم می‌پیوندند، در این حال رابطه جمله‌ها با یکدیگر پیوند معنوی است و خود دو وجه دارد: ۱- ترتیب زمانی   ۲- ترتیب منطقی

۱- *ترتیب زمانی*: آن است که فعلهای چند جملهٔ مستقل از حیث زمان در پی هم واقع باشند:

- درویشی مجرد به گوشه صحرایی نشسته بود ⟵ پادشاهی بر او بگذشت.

(گلستان)

۱) دستور زبان دکتر خانلری، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۰، ص ۱۴۶

- با طایفهٔ بزرگان در کشتی نشسته بودم ←── زورقی در پی ما غرق شد ←── دو برادر به گردابی درافتادند.

←── یکی از بزرگان ملاح را گفت: «بگیر این هر دو را ...» ←── ملاح در آب افتاد.

(گلستان)

۲- **ترتیب منطقی** آن است که میان دو یا چند جمله رابطهٔ علت ومعلول یا مقدمه و نتیجه وجود داشته باشد:

ب - پیوند لفظی:

گاهی دو یا چند جمله مستقل به وسیله حرفهای ربط همپایگی به یکدیگر می‌پیوندند مانند:

چه یك شاهی به گدا بدهی چه یک شاهی از او بگیری. می‌روم و به او می‌گویم.

۲۳- جملهٔ بی‌فعل:

آنست که هیچگونه فعلی نداشته باشد مانند: توقف ممنوع. ورود ممنوع. صبح به خیر.

۲۴- جمله مستقیم و غیر مستقیم (مقلوب):

جمله مستقیم آنست که ارکان آن در فعلی و اسمی در جای اصلی خود باشند.

جمله فعلی = فاعل + مفعول + متمم + فعل و قید هم در جای مناسب.

جمله اسمی = نهاد (مسندالیه) + متمم + مسند + رابطه و قید هم در جای مناسب.

برای هرکدام یك مثال می‌آوریم:

الف - وقتی یزدگرد سوابق نکبت بار تازیان را برای سفیر عمربن خطاب بازگفت.

فاعل (یزدگرد) - مفعول (سوابق) - متمم (سفیر) - فعل مرکب (بازگفت)

(فارسی چهارم - محمد تقی شریعتی)

ب - پرتو نور سرادقات جلالش / از عظمت، ماورای فکرت دانا (است).

گروه اسمی مسندالیه متمم گروه اسمی مسند رابطه

(فارسی چهارم - سعدی)

جمله غیرمستقیم یا مقلوب آنست که ترتیب فوق در آن به هم خورده و جمله، از حالت طبیعی و اصلی خود خارج شده باشد مانند:

خیمه زربفت زد بر چرخ نیلی آفتاب

و ز پرند نیلگون آویخت بس زرین طناب

(فارسی چهارم)

۲۵- جمله‌های دوجزیی:

این گونه جمله‌ها خود به دو دسته تقسیم می‌شوند و عبارتند از:

الف - ***جمله‌های فعلی*** نظیر «***نشستم، می‌گویند، رفت***» که در فارسی کوتاهترین جمله هستند و از فعلهایِ تام (خاص) و لازم ساخته شده‌اند.

ب - ***جمله‌های اسمی*** که فعل ندارند مانند: ***توقف ممنوع، اینجا تهران، ساعت دوازده.***

۲۶- جمله‌های سه جزیی[1]:

این جمله‌ها هم خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف - جمله‌هایی که با فعل ربطی ساخته شده‌اند مانند: ***خوبم، چطوری.***

ب - جمله‌هایی که فعل آنها متعدی است و همراه آنها مفعول آمده است. مانند: ***علی را دیدم.***

1) دستور زبان فارسی، دکتر صادقی، دکتر ارژنگ

۲۷- جمله‌های چهارجزئی[1]:

جمله‌های چهار جزئی به دو دسته تقسیم می‌شوند

الف - جمله‌هایی که فعل آنها گذرا (متعدی) است و جز مفعول به کلمه دیگری نیز نیاز دارند و در واقع دو مفعول دارند و مفعول دوم همان تمیز است مانند افعال مصدرهای : ***نامیدن، خواندن، صدا زدن، نام گذاشتن، تصورکردن، پنداشتن، به شمار آوردن***، مانند:

هاتف ارباب معرفت که گهی   مست خوانندشان و گه هشیار

یا   ***(فارسی سوم)***

او را هوشنگ نامیدند -گاه خود را قهرمان می‌پندارد ***(فارسی دوم - دامهای شیطان)***

ب - جمله‌های غیرشخصی که فاقد نهاد هستند و در فارسی امروز متداول است مانند: ***خنده‌اش گرفت - خوابم می‌برد، لجش می‌گیرد، سردش نمی‌شود.***

«در معرفی نقش تمیزی به این گونه جمله‌ها اشاره خواهیم کرد»

۲۸- جمله کامل (مستقل):

آن است که به جمله قبل یا بعدِ خود احتیاج نداشته باشد، مانند: ***خدا بیناست، خدا از دلهای ما آگاه است.***

۲۹- جمله ناقص:

آن است که معنای آن به خودیِ خود تمام و کامل نباشد بلکه جمله دیگری معنی آن را تمام و کامل گرداند مانند: ***هرکه به زیردستان نبخشاید.***

۳۰- جمله مکمـــــل:

آنست که معنای جمله ناقص را کامل و تمام می‌گرداند. بنابراین، مکمل جملهِ

---

۱) ***دستور زبان فارسی، دکتر صادقی، دکتر ارژنگ***

ناقصِ «هر که به زیردستان نبخشاید» عبارتست از : «به جور زبردستان گرفتار آید.»

۳۱- جمله انشائی :

آنست که مفهوم جمله خبری را نرساند بلکه به شکلهای دیگری باشد مانند: جمله امری (به طور مثبت یا منفی) - جمله دعائی - جمله استفهامی، جمله تمنائی - جمله شرطی - جمله ندائی،

بنابراین جمله‌های زیر انشائی هستند.

بیا، مرو، الهی او به زودی نجات یابد،کاش او بیاید، اگر او به خانهٔ ما بیاید، ای پسر به کار نیك کوش.

بطور کلی اگر بتوانیم در جمله‌هایی احتمال صدق و کذب بدهیم خبری و در غیر این صورت انشائی است.

۳۲- جمله جوابی:

آنست که شامل سؤال و جواب باشد مانند:

گفتم غم تو دارم، گفتا: غمت سرآید　　　گفتم که ماه من شو، گفتا: اگر برآید[۱]

۳۳- جمله تعلیلی :

آنست که علت جمله دیگری در آن بیان شده باشد مانند:

من در خانه شما نمی‌مانم چون پدر شما تمایل ندارد.

میازار موری که دانه کش است　　　که جان دارد و جان شیرین خوش است

(فردوسی)

این جمله همان جمله پیرو است که بعد از حرفهای ربط :**که** ، **چه** ، **چون** و مانند اینها می‌آید.

---

۱) دستور زبان فارسی ، چاپ دوم سال ۶۶ ، دکتر محمد جواد شریعت

۳۴- جمله تفسیـــری:

آنست که جمله‌ای کلمه یا نکته‌ای را در جمله دیگر تفسیر کند مانند:

برای ورود به دانشگاه مشکلی دارم و آن نداشتن معلومات کافی است.

۳۵- جمله مـــؤوّل[۱]:

مؤوّل اسم مفعول از مصدر تأویل است، تأویل در اصطلاح یعنی: «***برگردانیدنِ مطلب به جهتی که احتمال داشته باشد***» یا «***بیان معنی کلام به طوری که غیر از ظاهر آن باشد***». بنابراین جمله مؤوّل، یعنی: ***جمله‌ای که به صورتی غیر از ظاهرش تفسیر و در نظر گرفته شود***، ***تمامی جمله‌های پیرو از این گونه‌اند***، زیرا جمله‌های پیرو، ذاتاً یکی از ارکان وابسته به جمله پایه هستند و معمولاً کار وصف، مضاف الیه، بدل، قید، مفعول و نهاد جمله را انجام دهند و عبارتند از:

الف - جمله‌هایی که نقش وصف دارند:

-کتابی که تازه خریده‌ام، با خود آوردم = کتاب تازه خریده شده را با خود آوردم.

پیرو **وصف**

- دوستم که به سفر رفته بود امروز بازگشت = دوست سفر کردهٔ من امروز بازگشت.

پیرو **وصف**

- این صفات که در باطن تو جمع کرده‌اند، بعضی صفات ستوران و ... بعضی صفات ددگان است.(***کیمیای سعادت***)

جمع کرده شده در باطن تو

---

۱) نگارش و دستور سال دوم ادبیات / ۱۳۷۰ و دستورنامه ص ۲۳۰

ب - جمله‌های پیرو که نقش مسندالیه دارند:

دل آینه صورت غیب است ولیکن　　　شرط است که بر آینه زنگار نباشد
پیرو
(فارسی دوم - غزل سعدی)

= زنگار بر آینه نبودن شرط است.
مسند الیه

از دست و زبان که بر آید　　　کز عهده شکرش بدر آید

= از عهده شکرش بدر آمدن از دست و زبان که بر آید؟　***(فارسی سوم - سعدی)***

- معلوم شد که دوست شما بی‌وفا و فراموشکار است = فراموشکار و بی‌وفا بودنِ
پیرو　　　مسندالیه
دوست شما معلوم شده. ***(فارسی سوم)***

- بر من روشن شد که شما از قرآن کتاب آسمانی ما، بی‌خبر مانده‌اید = بی‌خبرماندن
پیرو　　　مسندالیه
شما از قرآن، کتاب آسمانی ما، بر من روشن شد ***(فارسی سوم)***

ج - جمله‌هایی که نقش مضاف‌الیه دارند:

کتابی را که مال دوستم است، با خود آوردم = کتاب دوستم را با خود آوردم.
پیرو　　　مضاف‌الیه

ﻫ - جمله‌هایی که به صفت بدلی تبدیل می‌شوند:

آن که دایم هوس سوختن ما می‌کرد　　　کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد
(فارسی چهارم)

جملهٔ: «دایم هوس سوختن ما می‌کرد» تأویل می‌شود به: «دایم هوس کننده سوختن ما» که **بدل** است از آن.

و - جمله‌هایی که نقش قید دارند:

بشنو از نی چون شکایت می‌کند   از جداییها حکایت می‌کند
قید زمان = زمان شکایت کردن

کز نیستان تا مرا ببریده‌اند   در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
از زمان بریده شدن من از نیستان = قید زمان
(مولوی)

- احمد درحالی‌که خنده‌می‌کرد وارد منزل شد =احمدخنده‌کنان‌واردمنزل شد

ز - جمله‌های پیرو که خود نقل قول گوینده‌اند و در حکم مفعول پایه می‌باشند:

گفت :کای جان من ز تو شاد   همه جانها فدای جان تو باد

(نظامی)

- او گفت که : «من فردا در مسابقه شرکت می‌کنم»

۳۶ - جمله معترضه :

این گونه جمله‌ها برای افزودن توضیحی بر موضوع اصلی مابین دو خط تیره می‌آید و اگر حذف شود خللی به سایر جمله‌ها وارد نمی‌کند مانند:

فقط قرآن است که بدون هیچ تغییر و تحریفی در همان زبان اصلی‌اش -که زبان زنده و رایج و پرمایه و وسیع است - محفوظ مانده و ... *(فارسی چهارم)*

۳۷ - شمارش جمله در نثر و نظم:

اگر بخواهیم تعداد جمله را در یك نوشته (نثر یا نظم) تعیین کنیم باید فعلهای جمله را بشماریم و تعداد جمله برابر تعداد فعل است مانند:

نترسد آنکه بر افتادگان نبخشاید   که گر ز پای در آید کسش نگیرد دست
(فارسی سوم -گلستان) (۴ جمله)

باید توجه داشت که گاهی فعل به قرینه لفظی یا معنوی حذف می‌شود و در

شمارش جمله باید منظور شود مانند منّت خدای را عزوجل که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت [است](۳ جمله).

۳۸ - کاربرد کلمهٔ «نوع» در پرسشهای دستوری:

شناخت یك کلمه را در جمله **«نوع»** گویند که همان تجزیه است مانند: پدر من از لشکریان بود، نوع کلمهِ **«پدر»**، اسم و نوع کلمه **«من»** ضمیر است. پس **«نوع»** در تجزیه و صرف می‌آید.

۳۹ - نقش (حالت) در جمله:

ارتباط کلمه‌ها در جمله، فاعل با فعل و مسند با مسندالیه را ترکیب و نحو گویند که با نقش یا حالت بیان می‌شود.

۴۰ - نقشهای اصلی در جمله فعلیّه و اسمیه:

نقشهای اصلی در جمله عبارتست از:

۱- نقش نهادی (فاعلی، مسندالیهی) ۲- مفعولی ۳- متممی ۴- وصفی ۵- اضافی (مضاف الیهی) ۶- مسندی ۷- قیدی ۸- بدلی ۹- تمیز ۱۰- ندایی ۱۱- و بالاخره فعل

۴۱ - نقش نهـــادی:

نهاد کلمه یا گروه کلماتی است که انجام کار یا حالت و صفتی را به آن نسبت می‌دهند و می‌تواند به نام فاعل و مسندالیه در جمله نقش داشته باشد، البتّه هر فاعلی، مسندالیه است ولی هر مسندالیهی فاعل نیست.

برای آشنایی بیشتر با نقش فاعلی و مسندالیهی مثالهای گوناگون می‌آوریم.

۱-کمندی به فتراک زین بر، بیست *(فردوسی - فارسی سوم)*

این مصراع جمله مستقیم و فاعل در فعلِ «**ببست**» مستتر است.

۲- نهادند پیمان دو جنگی که کس *(فردوسی - فارسی سوم)*

این مصراع جمله غیرمستقیم (مقلوب) است ←—— دوجنگی پیمان نهادند،

دوجنگی = صفت شمارشی + اسم + ی فاعلی = نقش فاعلی.

۳-کدام دانه فرو ریخت در زمین که نَرُست. *(فارسی سوم - مولوی)*

مصرع، دو جمله است، اولی = کدام دانه در زمین فرو رفت، ***کدام = صفت پرسشی + اسم، و «کدام دانه» = نقش فاعلی.***

۴- همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار *(فارسی سوم -گلستان)*

همه = ضمیر مبهم = مسندالیه و فعل ربطی «اند» محذوف است.

۵- بنده همان به که ز تقصیر خویش ... = همان به است که بنده از تقصیر خویش ...

همان = ضمیر اشاره = مسندالیه.

۶-خدای‌خوانان از خواب ناز برجستند *(حمید سبزواری - فارسی سوم)*

خدای خوانان = صفت به جای اسم = اسم = فاعل

۷- سیاست نه شرقی نه غربی کشور ما افتخارآمیز است *(فارسی سوم)*

سیاست نه شرقی نه غربی =گروه مسندالیهی

۸-هجده کم است. هجده با نقش مسندالیهی.

۹- چون که صدآمد نود هم پیش ماست.

صد = فاعل، نود = مسندالیه.

۱۰- اوآمد، او = ضمیر منفصل = فاعل

۱۱- این قرآنها، در واقع جلوه‌گاه ایمان و اعتقاد راسخ مسلمینِ سرزمینهای گوناگون است *(فارسی سوم - محمد مهدی رکنی)*.

این قرآنها = این (صفت اشاره) + اسم + علامت جمع = مسندالیه

۱۲- چه آبادیِ باصفایی، در دامنه کوه بود (وجود داشت).

چه = صفت تعجبی + اسم + ی = فاعل

۱۳- بسا کسا که به روز تو آرزومند است *(فارسی دوم)*.

بسا = بس (صفت) + الف کثرت + کس (ضمیر مبهم + الف کثرت) = بسیار افراد وجود دارند، کسا = فاعل.

۱۴- شکسته شد آن تیغهای گران . *(فردوسی - فارسی سوم)*

آن تیغها = صفت اشاره + موصوف = مسندالیه **(جمله‌ها با فعل مجهول اسمیه هستند).**

۴۲ - نهاد مؤوّل:

گاهی در یك جمله مرکب، نهاد، خود یك جمله است و این مورد در جمله مؤول (تأویل شده) به چشم می‌خورد مانند:

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید

(فارسی سوم - گلستان)

بیت فوق دو جمله است و هرگاه «*تأویل*» شود، چنین است:

از عهده شکرش بدرآمدن، از دست و زبان که برآید، «**که**» در ابتدای مصرع دوم، «**که**» تأویلی نامیده می‌شود و نهاد عبارتست از: «***از عهده شکرش بدرآمدن***».

مثال دیگر:

آن که دائم هوس سوختن ما می‌کرد کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد

= دائم هوس سوختن ماکننده کاش می‌آمد و از دور تماشا می‌کرد.

۴۳- نهاد مفعولی[۱]:

و آن بدین معنی است که کلمه یا ترکیبی در یك جمله مفعول و در جمله دیگر

۱) دستور زبان فارسی، دکتر احمدی گیوی، جلد (۲)، ص ۱۱۹ - چاپ ششم.

فاعل باشد مانند: غذایی پخته‌ام که خوردنی است وکتابی نوشته‌ام که خواندنی است.

مثال: بگو تا سوار آورم زابلی که باشند با خنجر کابلی *(فارسی سوم - فردوسی)*

۴۴ - نهــاد متممــی:

و آن بدین معنی است که یك کلمه یا ترکیب در یك جمله متمم و برای جمله دیگر نهاد است مانند:

... سایر حکما از تأویل آن فرو ماندند مگر درویشی که به جای آورد. *(فارسی سوم - سعدی)*

در مثال فوق **«درویشی»** برای جمله اول متمم و برای جمله دوم نهاد است مثال دیگر:

درشتی و نرمی به هم در به است چو فاصد که جراح و مرهم نه است

= فاصد، نهادِ متممی است و برای جملهٔ بعد، مسندالیه است.

۴۵ - نقش مفعــولی:

- ***مفعول*** کلمه‌ای - اسم، ضمیر، صفت جانشین اسم - است که کار و فعل بر آن واقع می‌شود و تقریباً معنی فعل را تمام می‌کند مانند:

«حافظ اشعار خود راتحت تأثیرحالات مختلف سروده است» - (فارسی چهارم - تماشاگه راز)

اگر مفعول را حذف کنیم چنین می‌شود:

- «حافظ تحت تأثیر حالات مختلف سروده است»، اگر سؤال کنیم ***«چه چیز را»*** سروده است؟ جواب می‌شود: ***«اشعار»*** که مفعول است.

- پس، فرمول یافتن مفعول

چه چیز را (یا چه کس را) + فعل جمله

باید توجه داشت که گاهی مفعول بین دو جزء فعل مرکب قرار می‌گیرد مانند:

مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش

کاو به تأیید نظر، حلّ معما می‌کرد

(حافظ - فارسی چهارم)

مصرع دوم چنین بوده است: «که او معما را به تأیید نظر حل می‌کرد» و مفعول بین دو بخش فعل مرکب قرار داشته است یا:

طی این مرحله بی همرهی خضر مکن ظلمات است مترس از خطر گمراهی

(فارسی سوم - حافظ)

- در مصرع اول، مفعول = این مرحله و جمله چنین بوده است:

«این مرحله را بی‌همرهی خضر طی مکن»

۱/۴۵ - مفعول و حرف نشانه:

در اکثر جمله‌ها، مفعول، همراه با حرف نشانه «*را*» است و گاهی بدون آن.

۲/۴۵ - مفعول همراه با «مر» در اول و «را» بعد از آن مانند:

بر بدان رحمت کن که بر نیکان خود رحمت کرده‌ای که مر ایشان را نیک آفریده‌ای. *(گلستان - فارسی چهارم)*

۳/۴۵ - مفعول همراه با «را» و بدون «را» همراه با «ی»:

دل هر ذره را که بشکافی آفتابیش در میان بینی

(فارسی سوم - هاتف)

- در مصرع اول مفعول «*دل*» همراه با «*را*» و در مصرع دوم، مفعول «*آفتابی*» بدون «*را*» و همراه با «*ی*» نکره آمده است، در صورتِ نکره بودن «*را*» وجود ندارد.

- باید توجه داشت که گاهی مفعول معرفه است و بعد از آن حرف نشانه «را» نمی‌آید مانند:

مجنون چو بدید روی لیلی   از هر مژه‌ای گشاد سیلی

(نظامی)

در مثالی دیگر، ضمیر «م» مفعول است و حرف نشانه «را» ندارد مانند:

کاش قضایم چو تو برمی‌فراشت   کاش سپهرم چو تو برمی‌گزید

= کاش قضا مرا چو تو برمی‌فراشت. *(پروین - فارسی سوم)*

- گاهی گروه مفعولی کلاً" نقش مفعولی دارد مانند:

آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند   تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم

(حافظ - فارسی اول)

۴۶ - نقش وصفی (اضافه وصفی):

هرگاه صفت به اسم اضافه شود یك ترکیب اضافیِ وصفی است که اولی را موصوف و دومی را صفت می‌گویند و نقش دومی را نقش وصفی گویند. در جمله، صفت می‌تواند باکسره به نهاد (فاعل، مسندالیه)، مفعول، متمم و مسند اضافه شود که این صفتها معمولاً" بیانی هستند مانند: صفت ساده، صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت نسبی و صفت لیاقت. برای موارد بالا پنج مثال می‌آوریم.

۱- زن‌ماهیگیر پرده خوابگاه را به سویی زد و گفت: نگاه کن «هر دو اینجا خفته‌اند» *(از قطعه بیچارگان - فارسی سوم)*

* **«ماهیگیر»** صفت فاعلی با نقش وصفی برای **فاعل** (زن).

۲- نمی‌دانید با شنیدنِ جوابِ مکتبدار دیلمقانی چگونه بارقهٔ شادی چشمانِ تیرهٔ پیرمردِ پاره دوز را چراغان کرد. *(سعید نفیسی - فارسی سوم)*

* **«تیره»** صفت ساده با نقش وصفی برای **مفعول** (چشمان).

۳- از دوستان بد دوری کن و با نیکان و پرهیزکاران، همنشین باش.

(فارسی سوم)

* **(بد)**، صفت ساده با نقش وصفی برای متمم (دوستان).

۴- توانگرفاسق، کلوخ زراندود است. *(گلستان - فارسی چهارم)*

* فاسق صفت ساده برای مسندالیه (توانگر) با نقش وصفی.

۵- گلستان سعدی از آثار جاویدان ادب فارسی است، کتابی است آموزنده و سرگرم کننده.

* جاویدان، آموزنده و سرگرم کننده، به ترتیب، صفتِ **مسندهایِ** (از آثار و کتابی) هستند با نقش وصفی.

در پنج مورد بالا صفت‌های پسین با نقش وصفی برای رکنهای: فاعل، مسندالیه، مفعول، متمم و مسند آمد و اینك نقش صفتهای پیشین را می‌آوریم.

صفتهای پیشین عبارتند از :

الف - صفت اشاره : این ، آن همین ، همان

ب - صفت شمارشی : یك ، دو ، سه ... ده ، بیست ، .... نود، صدو ...

ج - صفت مبهم : فلان، بهمان، چنان ، چنین ، چند ، چندان، چندین ، هر ، همه ، هیچ ، دیگر، دگر .

د - صفت پرسشی : چه ، چند ،کدام ، هیچ، کدامین ، چگونه و ...

ه - صفت تعجبی : چه ، عجب ، چه طور،

هر گاه صفتهای پیشینِ فوق قبل از هر یك از ارکان جملۀ فعلیّه یا اسمیّه قرار گیرند در نقش، با آنها یکی هستند. برای هر گروه یك مثال می‌آوریم و زیر آن خط می‌کشیم.

- آن متکبر متمرد، دقیانوس، بر این صفت پادشاهی و مملکت می‌راند.

نقش فاعلی **بدل** *(اصحاب کهف - فارسی دوم)*

-دو مرد مسلمان که ایمان خویش از دقیانوس پنهان می‌داشتند.
نقش فاعلی *(اصحاب کهف - فارسی دوم)*

- شاعر و نویسنده و هنرمند، در هر زمانه و در هر جامعه‌ای نسبت به آن جامعه و
ن متممی ن متممی
زمانه، وظایف و مسؤولیتهایِ خاصّی دارد. *(احمد احمدی بیرجندی - فارسی سوم)*

- ... چرا می‌نویسند و برای چکسانی قلم به دست گرفته‌اند. *(فارسی سوم)*
ن متممی

- چه منظرهٔ زیبایی = چمنظره زیبایی وجود دارد.
ن فاعلی

***** تذکر ۱ - صفتهای: به، مه، که، بیش، کم = صفت ساده‌اند. هرگاه «تر» به آنها اضافه شود = بهتر، مهتر، کهتر، بیشتر و کمتر = صفت برتر و هرگاه «ین» و «ترین» به آنها اضافه شود = بهین، کهین، یا بهترین، مهترین، کهترین، بیشترین و کمترین = صفت برترین (عالی).***

***** تذکر ۲ - دو کلمه «دیگر» و «دگر» صفت مبهم هستند معمولاً بعد از موصوف و گاهی قبل از موصوف می‌آیند مانند: روز دیگر یا دیگر روز.***

***** تذکر ۳ - متممِ صفت تفضیلی «برتر» معمولاً بعد از یکی از سه حرف (از، که، تا) می‌آید مانند: برادر من بزرگتر از برادر شما است.***

***** تذکر ۴ - بیشتر مسندها صفت هستند.***

***** تذکر ۵ - (ی) نکره هم به موصوف یا صفت اضافه می‌شود.***

***** تذکر ۶ - مفعول و وابسته آن را گروه مفعولی گویند.***

۴۷ - نقش اضافی:

نقش اضافی آن است که اسم یا کلمهٔ جانشینِ اسم مانندِ صفت یا ضمیر با کسره (کسره مضاف) به اسم ماقبل خود اضافه می‌شود که اولی را مضاف و دومی را مضاف الیه و نقش آن را نقش اضافی گویند. مانند: کتابِ علی.

ترکیب مضاف و مضاف الیه یا ترکیبِ اضافی انواع گوناگون دارد و عبارتست از:

۱- اضافه بیانی ۲- اضافه توضیحی ۳- اضافه تشبیهی ۴- اضافه تخصیصی

۵- اضافه ملکی ۶- اضافه استعاری ۷- اضافه اقترانی ۸- اضافه بنوّت

و در تجزیه نوع اضافه را تعیین می‌کنند.

۱/۴۷ - حالات ترکیب اضافی (گروه اسمی)[1]:

ترکیب اضافی در جمله دو حالت پیدا می‌کند. یکی آن که مضاف نقش جداگانه ومضاف الیه نقش اضافی دارد مانند. علی کتاب تقی را آورد. در اینجا «***تقی***» نقش اضافی دارد. گاهی مضاف و مضاف الیه با هم یك نقش دارند و عبارتند از:

الف - نقش مسندالیهی: ترکیب اضافی، مسندالیه جمله است.

عیب درویش و توانگر به کم و بیش بد است

کار بد مصلحت آن است که مطلق نکنیم

(حافظ - فارسی اول)

ب - ***نقش مفعولی:*** ترکیب اضافی مفعول جمله است.

ما نگوییم بد و میل به ناحق نکنیم

جامه کس سیه و دلق خود ازرق نکنیم

(حافظ - فارسی اول)

آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند

تکیه آن به که بر این بحر معلق نکنیم

(حافظ - فارسی اول)

ج - ***نقش مسندی،*** ترکیب اضافی در جمله مسند است. مانند.

کاهلی، سبب بدبختی است، راستی موجب رستگاری است.

---

۱) دکتر معین: کتاب اضافه.

د - ***نقش فاعلی:*** ترکیب اضافی در جمله فاعل است. مانند:

ارباب هنر هر کجا روند، گرامی باشند.

ه - ***نقش متممی:*** ترکیب اضافی در جمله نقش متممی دارد مانند:

کوری چشم عدو را روی در روی حبیب

خاك ره بر فرق اعدا کن کمال این است و بس

(فارسی چهارم - حاج میرزا حبیب)

و - ***نقش ندایی:*** ترکیب اضافی ممکن است منادا شود مانند:

ای پادشه خوبان! داد از غم تنهایی

دل بی‌تو به جان آمد، وقت است که بازآیی

(حافظ)

۲/۴۷ - اضافه مقلوب:

هرگاه مضاف بعد از مضاف الیه آید، ترکیب جدید را اضافه مقلوب گویند مانند:

پادشاهی جهان (اضافه مستقیم) ← جهان پادشاهی (اضافه مقلوب)

بن کدو (اضافه مستقیم) ← کدوبن (اضافه مقلوب)

گاهی کسرهٔ اضافه حذف می‌شود و اسم مرکب جدیدی پیدا می‌شود که در این حالت هم فك اضافه گویند مانند: پدرزن، مادر شوهر، صاحبخانه،

گاهی بین مضاف و مضافه الیه فاصله می‌افتد مانند:

خویی که از نخست کسی را به سر نشست

او را همواره تا به دم مرگ بر سر است

= خویی که از نخست به سر کسی نشست. ***(فارسی دوم)***

- مابین موصوف و صفت هم فاصله می‌افتد مانند: دین اسلام در سرزمینی ظهور کرد، شعرپرور و شاعر خیز.

= دین اسلام در سرزمینی شعرپرور و شاعر خیز ظهور کرد.

۳/۴۷ - تتابع اضافات:

هر گاه چند کلمه با کسره به یکدیگر اضافه شوند، این نوع ترکیب را تتابع اضافات گویند. در این ترکیب یك کلمه مضاف الیه است سپس برای کلمه بعد مضاف می‌شود مانند:

- یك شب .... و سنگ سراچهٔ دل به الماسِ آبِ دیده می‌سفتم.

خواب نوشین بامداد رحیل　　　باز دارد پیاده را ز سبیل

(فارسی چهارم -گلستان)

۴۸ - نقش متممی:

هر گاه اسم یا کلمهٔ جانشین اسم پس از حرف اضافهٔ ساده یا مرکب قرار گیرد، آن اسم یا کلمه متمم نامیده می‌شود. مانند: طبیب در وظیفهٔ خود سستی نکند. کلمه **«وظیفه»** متمم است.

در گذشته، متمم را مفعول بواسطه می‌نامیدند و امروز هم بعضی از دستورنویسان اعتقاد به وجود همین کلمه دارند، اما در کتابهای درسی و آزمونهای دستوری، وقتی موضوع نقش (حالت) کلمه مطرح می‌شود، می‌گویند: **«نقش متممی»** نه مفعول بواسطه‌ای.

متمم کلمه‌ای است که معنی فعل یا کلمهٔ دیگر را تمام می‌کند و با فعلهای لازم و متعدی می‌آید، غیر از مورد مذکور، انواع متمم عبارتست از: متمم فاعل، متمم مفعول، متمم متمم، متمم مضاف الیه، متمم قید.

اینك مثال برای هر کدام:

۱- از این ملاقات نتایج زیادی به دست آورد.

در این مثال **«به دست»** جزء لاینفك (جدانشدنی) فعل است که متمم فعل است، و

جزء فعل شده است.

۲- تلفات ارتش عراق در جنگ با کردها به ده هزار نفر رسید.

در اینجا «**ده هزار نفر**» متمم فعل است.

۳- دوری از او برای من سخت است (**متمم مسندالیه**).

۴- برادری از برادران او برای چند روز از شهر بیرون رفت (**متمم فاعل**).

۵- یك روز که دلم مالامال از غم بود (**متمم مسند**).

۶- یکی از برادران را در کنار اتومبیل پیدا کردند (**متمم مفعول**).

۷- قانون جامعی برای حمایت از اطفال نداریم (**متمم متمم**).

۸- شبی از شبها به خانه خورشید می‌رود (**متمم قید**) (**دستور دکتر شریعت**)

آقای دکتر خانلری در مورد متمم فعل نوشته‌اند که متمم فعل یك یا چند کلمه است که با یکی از حروف اضافه به جمله می‌پیوندد و توضیحی به مفهوم فعل می‌افزاید مثال:

ایرج از مدرسه آمد.

ایرج از مدرسه به خانه آمد.

ایرج به سرعت از مدرسه به خانه آمد

ایرج برای استراحت، در پنج دقیقه، با دوچرخه، از مدرسه، به خانه آمد.

دکتر خانلری در مورد متمم اسم نوشته‌اند (این متمم اسمها همان مضاف الیه است که وابستهٔ اسم دیگری شده است).

متمم اسم، اسم دیگر یا ضمیری است که معنی اسم اول را تکمیل می‌کند. اسم ممکن است نهاد، یا مفعول، یا متمم فعل واقع شود.

بنابراین متمم اسم گاهی وابسته نهاد یا فاعل است، گاهی وابسته مفعول، گاهی وابسته متمم فعل و گاهی وابسته متمم اسم دیگر. چند مثال:

خانه فریدون دور است (**متمم وابسته نهاد**)

باغ پسر فریدون پشت خانهٔ من است (**فریدون متممِ پسر**)

فریدون باغ حسن را آباد کرد. ***(حسن، متممِ مفعول)***

فریدون از باغ حسن دیدن کرد. ***(حسن، متممِ متمم فعل)***

صفت وابسته به اسم است و هر صفتی ممکن است متممی داشته باشد مانند:

خانه او بزرگتر از مسجد است. ***(مسجد متمم صفت برتر است)***

متمم مانند نهاد ***(مسندالیه، فاعل)*** و مفعول، گاهی ضمیر یا صفت است مانند:

برادرم از من پول گرفته است،

من از نویسندهٔ کتاب تشکر کردم.

۴۹ - نقش گروههای (نهاد، مفعول، متمم و قید)

به جمله‌های زیر توجه کنید:

- دانش آموزانِ کلاسِ سومِ ریاضیِ دبیرستانِ شهدایِ ادب تمام تمرینهای فارسی و
گروه نهادی — **گروه مفعولی**

دستور خود را در طولِ تعطیلاتِ نوروز سال ۱۳۷۲ با نهایت عشق و علاقه
گروه متممی — **گروه قیدی**

نوشته بودند.
فعل

تحلیل انقلاب اسلامیِ ایران بدون شناخت رهبر بزرگ آن و (بدون) تحلیل
گروه نهادی (مسندالیهی) — **گروه متممی**

شخصیت چندبعدی و کم نظیر این چهرن استثنایی زمان جدا از شناسایی انقلاب
گروه متممی — **گروه متممی**

ممکن نیست. *(فارسی سوم - صحیفه نور)*
مسند رابطه

● در دو مثال فوق به نهاد، مفعول، متمم، قید و وابسته‌های آن، ***گروه نهادی، مفعولی، متممی و قیدی*** گویند. لازم به تذکر است که وابسته‌ها نقش اصلی را ندارند و نقش

اصلی، نهاد، مفعول، متمم و قید بدون وابسته است.

۵۰ - نقش مسنـــدی :

اسم یا صفت در جمله گاهی نقش مسندی پیدا می‌کند مانند:

جهان چون زلف و خط و خال و ابـروست
که هر چیزی به جای خویش نیکو است

(شیخ محمود شبستری - فارسی چهارم)

در بیت فوق کلمه‌های زلف، خط ، خال و ابرو اسم و مسند هستند و کـلمه **«نـیکو»** صفت و مسند است. ضمناً گاهی حرف اضافه قبل از مسند می‌آید مانند مثال فوق و مثالهایی چون :

- گندم از غلات است. ***(فارسی سوم - مسند)***
- موش از جوندگان است. ***(فارسی سوم - مسند)***
- گلستان سعدی از آثار جاویدان ادب فارسی است. ***(فارسی سوم - مسند)***

در جمله بالا به مسند و وابسته آن گروه اسمی مسندی می‌گویند.

۵۱ - نقـش بـــدلی :

گاهی اسم به تنهایی یا با وابسته‌هایی معادل اسم دیگر و هم نقش آن می‌آید که به آن بدل یا نقش بدلی می‌گویند مانند:

- خواجه عبدالله انصاری، پیر هرات از بزرگان طریقت تصوّف بود.
- اصفهان نصف جهان شهری با آب و هوای معتدل و سرسبز است.
- من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود.

بـــدان را نـیک دار ای مـرد هشیـار
که نیکان خود بـزرگ و نـیکروزند

(فارسی سوم)

- هرگاه در زندگینامه بزرگانِ علم و ادبِ کشورِ خود، ایران دقت کنیم.

ایران = ***بدل از مضاف الیه (خود)*** ***فارسی سوم***

- زاخاو، شرق‌شناس آلمانی در مقدمه مشروحی که بر آثار الباقیه نوشته و...

شرق شناس آلمانی = بدل از فاعل (زاخاو) ***(فارسی دوم)***

در مثالهای فوق کلمه‌هایِ «خود، ایران و شرق شناس آلمانی» ***بدل*** و کلمه‌هایِ نیکان، خود (در مثال دوم) و ***زاخاو، مبدلٌ منه*** نامیده می‌شوند.

۵۲- فرق بـــدل با صفت و مضاف الیه[1]:

فرق بدل با صفت آن است که موصوف با کسره به صفت اضافه می‌شود ولی مبدل منه با کسره به بدل اضافه نمی‌شود مانند:

شاگردِ خوب آمد. حسین، شاگرد خوب آمد.

فرق بدل با مضاف الیه آن است که ***اولاً*** : مضاف با کسره به مضاف الیه اضافه می‌شود ولی مبدل منه به بدل اضافه نمی‌شود. ***ثانیاً*** : مضاف و مضاف الیه معمولاً دو موجود مستقل و جداگانه‌اند، در حالی که بدل و مبدلٌ منه یکی هستند. مانند: کتاب علی گم شد «***مضاف و مضاف الیه***». سعدی، شاعرِنامی گوید «***بدل و مبدل منه***».

۵۳ - نقـش تمیـــزی:

همانطور که قبلا" اشاره شد، تمیز کلمه‌ای است که در جمله اِبهام را بـرطرف می‌کند مانند:

در خانواده ایرانیِ ساکن خوارزم، نوزادی چشم بدین جهان گشود که او را «***محمـد***» نامیدند. ***(فارسی دوم)***

- فعل جمله‌هایی که دارای تمیز هستند متعدی است و از مصدرهـای، ***پـنداشـتن، تصورکردن، خواندن، نامیدن، صدازدن، نام گذاشـتن، بـه شـمـار آوردن، نـام نهـادن*** می‌باشد.

---

۱) دستور زبان دکتر احمدی گیوی، دکتر انوری، جلد (۲)، ص ۱۳۱.

هــاتف اربــاب مــعرفت کـه گـهی ‌ ‌ ‌ ‌ مست خــوانندشــان و گــه هشیـار

(فارسی سوم)

- کلمه‌های **مست و هشیار** تمیز هستند. چند مثال دیگر:

او را قهرمان صدا کردند، احمد را عاقل پنداشتم، او را هوشنگ نامیدند، این کار را غیر ممکن تصور می‌کنند.

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست ‌ ‌ ‌ ‌ این رستخیز عام که نامش محرم است

(فارسی دوم)

= اگر او را (محرم) ***قیامت دنیا*** خوانم، بعید نیست، ***قیامت دنیا*** = **تمیز**

۵۴ - نقش قیــــدی:

قید کلمه‌ای است که با مفهومهای، ***زمان، حالت، مکان، ترتیب، تکرار، تأکید، تشبیه، تأسف، استثنا، مقدار و کیفیت*** که در تجزیه نوع آن، ***قید*** و در ترکیب ***نقش قیدی*** گفته می‌شود مانند:

دیروز عصر، از ساعت چهار، مردم راه افتادند، اول پیاده‌ها و زرنگها.

(فارسی دوم)

در این مثال، دیروز عصر، از ساعت چهار و اوّل همگی ***نقش قیدی*** دارند.

۵۵ - نقش نــدایــی:

آنست که یك کلمه یا ترکیب منادا واقع شود مانند:

طــوطی مــن ، مــرغ زیرکســار مــن ‌ ‌ ‌ ‌ تــرجمــان فکــرت و اســرار مــن

طوطی من و مرغ زیرکسار من، ***نقش ندایی*** دارند و حرف ندا محذوف است.

(مولوی - فارسی چهارم)

گفت: ای طوطی خوب خوش حنین ‌ ‌ ‌ ‌ این چه بودت ؟ این چرا گشتی چنین ؟

(مولوی - فارسی چهارم)

یـــا :

یـــــار بــــی‌پرده از در و دیـــــوار   در تجلی است یا اولی الابصار

(هاتف - فارسی سوم)

۵۶ - نقـش فعـــل :

در جمله اسمیه و فعلیه ضمن برشماریِ نقشِ کلمه‌ها، فعل را هم از نظر تجزیه و ترکیب مورد بررسی قرار می‌دهیم، فعل ربطی را در جمله اسمیه **«رابطه»** می‌نامیم و فعل تام را در جمله فعلیّه و در ترکیب می‌گوییم: **«فعل»** با این تفاوت که در تجزیه زمان، شخص، لازم و متعدی، ساده و مرکب بودن را برای فعل تعیین می‌کنیم. چون در جمله چند نوع فعل به کار می‌رود. در زیر انواع کاربردی آن را می‌آوریم.

۱/۵۶ - فعل خاصِ ساده : که یك جزء دارد مانندِ : آمد، نوشت، خورد.

زکـام مأذنـه بـانك اذان صـبح‌آمد   طـنین دلکش تکـبیر در فضـاپیچید

(فارسی سوم - نماز)

۲/۵۶ - فعل پیشوندی : مانند: برآمدن (بالا آمدن)، بازآمدن (برگشتن)، فرود آمدن (پیاده شدن)، فرورفتن (داخل شدن)، در آمدن (وارد شدن)، فراگرفتن (یاد گرفتن)، فراز آمدن (جلو آمدن)، اندر آمدن (داخل شدن)، فرود آمدن (پایین آمدن).

کدام دانه‌فرو رفت در زمین که نرست   چرا به دانه انسانیت این گمان بـاشد

(مولوی - فارسی سوم)

۳/۵۶ - فعلهـــای مرکـب :

فعلهایی هستند که از ترکیب صفت و فعل یا قید و فعل یا اسم و فعل ساخته

می‌شوند.

الف - اگر جزء اول صفت باشد آن فعل، همیشه مرکب است مانند : خوشحال کردن، راضی ساختن، آرام کردن.

ب - اگر جزء اول صفت یا اسم باشد و از مجموع آنها با فعل یك معنی برآید، مرکب است مانند :

شتاب +کردن = شتافتن	●	پرسش +کردن = پرسیدن
گزین +کردن =گزیدن	●	رنجه + داشتن = آزردن
نام + نهادن = نامیدن	●	پیدا کردن = یافتن
آخر + شدن = انجامیدن	●	آرام + یافتن = آرامیدن

ج - گاهی جزء اول قید است مانند : من دانش‌آموز را خندان دیدم. در این حالت، فعل مرکب نیست . (ساده)

۳/۵۶ - تشخیص فعل مرکب از ساده :

الف - اگر مابین جزء اول و فعل که در ظاهر مرکب به نظر می‌رسد حرف ***«را»*** قرار دهیم و معنی‌دار باشد مرکب نیست مانند: کتاب خواندم = کتاب را خواندم یا کاغذ خریدن =کاغذ را خریدم .

ب - اگر فعل لازم بود و بتوانیم جزء اول را نهادِ جزء دوم ***(فعل)*** قرار دهیم در این صورت فعل ساده است مانند: قلم افتاد، در صورتی که جزء اول نهادِ جزء دوم نشود فعل مرکب است مانند: راه افتاد ***(فعل مرکب)***.

ج - گاهی یك فعل در معنی حقیقی ساده است اما در حقیقت مفهوم دیگر دارد مانند: دست شستن در بیت زیر که فعل مرکب است و معنای رها کردن را دارا است.

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

(حافظ - فارسی چهارم)

۴/۵٦ - فعلهای پیشوندی مرکب:

آنهایی هستند که فعل علاوه بر پیشوند با یک کلمه دیگر ترکیب می‌شود مانند: دم درکشیدن (خاموش شدن)، سر در آوردن (فهمیدن) ، تن در دادن (تسلیم شدن)، سرباز زدن (خودداری کردن)، زبان درکشیدن .

که فردا چو پیک اجل در رسد — به حکم ضرورت زبان‌درکشی

(فارسی دوم - سعدی)

۵/۵٦ - عبارتهای فعـلی :

آن است که از مجموع چند کلمه با فعل معنی واحدی به دست آید و غالباً یك حرف اضافه هم دارد مانند: به هم برکردن (پریشان کردن)، از پای در آمدن (خسته شدن یا افتادن). استعانت به دیوار بردن (از دیوار کمك گرفتن). سر در قدم رفتن (فدا شدن).

بـه هـم بـر مکن تـا توانی دلی — کـه آهـی جهـانی بـه هـم بـرکند

(فارسی دوم - سعدی)

بیـــاموز رفتـــار از آن طـــفل خـــرد — که چون استعانت به دیوار برد

گر بانگ برآید که سری درقدمی رفت — بسیـــار مگـــویید کـــه بسیـــار نبـــاشد

(بوستان سعدی - فارسی دوم)

٦/۵٦ - فعلهای ربطی :

عبارتند از : **بود، شد، گشت، گردید**، است که جملهٔ اسنادی می‌سازند مگر این که ***بر انجام کاری دلالت کنند.***

شد غـــلامی کـــه آب جـوی آرد — آب جـــوی آمـــد و غـــلام بـــبرد

فعلهای ربطی در جمله اسمیه ***(اسنادی)*** رابطه نامیده می‌شود (قبلا" اشاره شد).

۷/۵۶ - فعلهای معیـــن :

فعلهایی هستند که برای کمك به صرف بعضی از زمانهای افعال به کار می‌روند، فعلهای معین در فارسی عبارتند از: خواه (در مستقبل). شد (در فعلهای مجهول). بوده باشی (در ماضی بعید و التزامی). است (در ماضی نقلی) داشت و دار (در ماضی و مضارع مستمر).

فعلهای **«باید»**، **«بایست»**، **«شاید»** و **«توان»** نیز از افعال معین هستند مانند: نباید گفت ، نشاید گفت ، نتوان گفت.

فعلهای آمد، گردید و گشت گاهی به جای **«شد»** در صرفِ فعلِ مجهول به کار می‌روند که در این حال معین هستند مانند گفته آمد، گفته گردید، گفته گشت.

خوشتر آن باشد که سر دلبران گفته آید در حدیث دیگران

(فارسی اول)

- فعل **«باید»** از مصدر **«بایستن»** به معنیِ لازم بودن، ضرورت داشتن، مورد احتیاج بودن، است . این فعل دو مورد استعمال دارد یکی آن که لزوم چیزی را برای کسی بیان کند مانند:

-ماناگزیرباید (لازم است) با سلاح وقت مسلح شویم - و هرکس بگوید باید (لازم است) فارسی خالص باشد اول در قیافه او تفرس و نظر باید (لازم است). ***(فارسی سوم- دهخدا)***

عمرِ بسیار بباید پدر پیر فلك را = عمر بسیار برای پدر پیر فلك لازم است.

(فارسی سوم)

- دیگر آن که، لزوم انجام دادن یا واقع شدن فعل دیگری از آن برمی‌آید مانند: **باید رفت - باید گفت** . دکتر خانلری در مورد **«باید»** چنین می‌نویسد :

۱ - در فارسی امروز فعل از مصدر بایستن با شناسه (بایم - بایی - بایند) و ضمیر مفعولی متصل (مرا بایست - شما را بایستی) معمول نیست و این فعل فقط به

صورت ناقص (غیر شخصی) به کار می‌رود.

۲- از صیغه غیرشخصی نیز صورتهای «**ببایست**» و «**ببایستی**» و «**همی بایستی**» و «**همی ببایستی**» و «**همی باید**» و «**ببایند**» متروك است.

۳- فعل بایستن به هیچ صیغه و صورتی به معنی لازم بودن چیزی برای کسی، یعنی به طریقی که متعلق آن اسم باشد، به کار نمی‌رود. جمله‌هایی نظیر «**مراکلاه باید**» به معنی «**من کلاه لازم دارم**» به کلی متروك است.

۴- استعمال این فعل با تابع مصدر هیچ معمول نیست. «**باید آمدن**» و «**ترا باید گفتن**» متروك است.

۵- در موردی که مقصود اشاره به شخص نیست. فعلِ تابع به صورت مصدر مرخم به کار می‌رود: باید رفت - باید گفت.

۶- معمولترین صورت استعمال این فعل در زبان امروزی آن است که فعلِ تابعِ آن، مضارع التزامی باشد با «**که**» حرف ربط یا بی آن. باید برویم - باید که بروید.

۷- اگر صیغه‌های «**بایست**» و «**بایستی**» به کار می‌رود باید در معنی لزوم وقوع فعل در زمان گذشته باشد. در این حال یا تابع آن، مصدر مرخّم است یا مضارع التزامی - هرگاه تابع به صورت مصدر مرخّم به کار برود، اشاره‌ای به شخص نمی‌شود: **بایست رفت - بایستی گفت.**

- از مطالب فوق استنباط می‌شود که شکلهای «**باید و می‌باید**» مضارع هستند و فعل بعد از آنها باید به صورت مضارع التزامی یا مصدر باشد. مانند باید درسمان را بخوانیم.

- شکلهای بایست، می‌بایست و بایستی، ماضی و به معنی «**لازم بود**» هستند. از این رو، فعل بعدی آنها باید ماضی استمراری باشد. مانند: بایست درسمان را می‌خواندیم. برای شناخت نگارش درست، لازم است آنها را خوب به خاطر بسپاریم.

۸/۵۶ - فعل در نقش قیـــد:

بعضی از فعلها از قبیل: ***گویی، گوئیا، گویا*** (به معنی ظاهراً)، ***گفتی، تو گفتی، شاید، پنداری، پنداشتی، باید، گیرم، گرفتم*** (به معنی فرض یا فرضاً) در نقش قید به کار می‌روند. چند مثال:

ز رستم بپرسید خندان دولب — تو گفتی که با او به هم بود شب

(فردوسی - فارسی دوم)

خروش آمد از بارهٔ هر دو مرد — تو گفتی بدرید دشت نبرد

(فردوسی - فارسی سوم)

کمربند رستم گرفت و کشید — ز بس زور، گفتی زمین بردرید

(فردوسی - فارسی دوم)

راست پنداری که خلعتهای رنگین یافتند

باغهای پرنگار از داغگاه شهریار

(شعر داغگاه - فرخی)

گیرم که آب و دانه دریغم نداشتند

چون می‌کنند با غم بی‌همزبانیم

(شهریار)

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب

کاشوب در تمامی ذرّات عالم است

(محتشم کاشانی - فارسی دوم)

هر بیشه گمان مبر که خالی است — شاید که پلنگ خفته باشد

(گلستان سعدی)

فعل شاید امروزه به معنی قید به کار می‌رود و در گذشته در معنی اصلی خود (فعل) به کار می‌رفته و در کتابهای درسی امروز هم وجود دارد مانند:

سخن کاو از سرِ اندیشه ناید — نوشتن را و گفتن را نشاید

= برای نوشتن و برای گفتن شایسته نیست. *(فارسی سوم - نظامی)*

۹/۵۶ - فعلهای غیر شخصی:

مصدرهای «*بایستن، یارستن، توانستن و شایستن*» فعلهایی می‌سازند که به شخص معینی دلالت نمی‌کنند این فعلها را فعلهای غیر شخصی می‌گویند.

به عذر و توبه «توان رستن» از عذاب خدای
ولیك مـی‌نتوان از عـذاب مـردم رست

گـر چـه بـیرون ز رزق «نـتوان خـورد»
در طـلب کـاهلی «نشـاید کـرد»

اگـر خـویشتن را مـلامت کـنی
ملامت «نباید شنیدن» ز کس

خرد را و جان را که «یاردستود»
وگر من ستایم که «یارد شنود»؟

فعلهای غیرشخصی در حقیقت همان وجه مصدری است که وقوع فعل را به طور کلی و عمومی بیان می‌کند و به فاعل خاصی منسوب نیست مانند:
نتوان رفت، نباید گفت، نشاید رفت، نیارستند کرد.

۱۰/۵۶ - فعل وصفی:

آن است که فعل با ساختمان صفت مفعولی (بن ماضی + ـه) به کار رود. در این صورت فعل دیگری در آخر جمله یا عبارت می‌آورند وارزش فعلِ آخرِ جمله (از جهت شخص، زمان و وجه) ارزش فعل وصفی را مشخص می‌کند مانند:

پس ایشان را بخوانده، جایگاهی بساخت و ایشان را به ترتیب بنشانده، هر یکی را کاردی به دست راست و ترنجی به دست چپ داد.

(فارسی اول - تفسیرکشف‌الاسرار)

برخی از دستورنویسان، استعمال فعل وصفی را در صورتی جایز می‌دانند که شرایط زیر در آن رعایت شده باشد[1].

الف - اتحاد فاعل، یعنی فاعل فعل وصفی و فاعل فعل اخیر یکی باشد.

ب - نیاوردن «**و**» بعد از فعل وصفی.

ج - نیاوردن دو یا چند فعل وصفی پشتِ سرِ هم.

- فعل وصفی به جای زمانهای زیر به کار می‌رود[2].

۱- ماضی مطلق:

- آقا لطف الله ... سر به گوشم نهاده گفت. «***نهاده***» به جای «***نهاد***».

۲- مضارع اخباری:

- در همه دنیا ... وقایع عمدهٔ آن سال را بعضیها در یک کتاب نوشته، انتشار می‌دهند. «***نوشته***» به جای «***می‌نویسند***».

۳- مضارع التزامی:

عاقبت، مرافعه، به این ختم شد که یهودی یك صد دینار به تاجر داده، از کلیّه حقوق خود بگذرد. «***داده***» به جای «***بدهد***».

۴- مستقبل:

سیمین فردا به بیمارستان رفته از نسرین عیادت خواهد کرد.

«***رفته***» به جای «***خواهد رفت***».

---

۱) *دستور زبان فارسی: دکتر انوری، دکتر احمدی گیوی*

۲) *دستور زبان فارسی: دکتر انوری، دکتر احمدی گیوی*

۵- امـــــر:

سیمین! به بیمارستان رفته، از نسرین عیادت کن.

«رفته» به جای **«برو»**.

نکته مهم: نباید وجه وصفی با فعل ماضی نقلی و بعید، التزامی و مجهول که فعلهای معین آنها به قرینه حذف شده اشتباه شود مانند:

روزگار ما را آزموده و در کوره حوادث پرورده است *(فارسی اول - وجه وصفی)*

۵۷- حذف در ارکان و اجزای جمله:

در بعضی جمله‌ها، ارکان ***«فاعل، مفعول، متمم، فعل، مسندالیه، مسند و رابطه»*** و در بعضی جمله‌ها زواید به قرینه حذف می‌شود، اگر مورد حذف در جمله یا جمله‌های متوالی وجود داشته باشد، آن را حذف به قرینه ***«لفظی»*** گویند، چنانچه در مفهوم کلی جمله‌ها حذفی صورت گرفته باشد آنرا حذف به قرینه ***«معنوی»*** گویند. ما در زیر به ذکر انواع حذف می‌پردازیم.

۱/۵۷- حذف فاعـــل:

در اغلب جمله‌ها فاعل به قرینه حذف می‌شود و ضمیر متصل به فعل جمله جانشین آن می‌شود، مثال:

- خواجه ابوعلی بیامد و ***«خواجه ابوعلی»*** کارد بر کارد مالید و ***«خواجه ابوعلی»*** فرو نشست و ***«خواجه‌ابوعلی»*** دست بر پهلوی او نهاد.

(فارسی چهارم - داستانی از سختکوشی بوعلی ص ۴۳)

در مثال فوق فاعل در سه مورد داخل پرانتز به قرینه لفظی حذف شده است، ناگفته نماند که حذف در جمله‌ها مخصوصاً فاعل موجب زیبایی و روانی جمله می‌شود.

- در فعل امر و جمله امری غالباً فاعل حذف می‌شود مانند:

ای بی‌خبر بکوش که صاحب خبر شوی   تا راهرو نباشی کی راهبر شوی

فاعلِ محذوف = تو   ***(فارسی چهارم - حافظ)***

۲/۵۷ - حذف مسندالیه:

در تمام مثالها، مورد حذف داخل گیومه نوشته می‌شود تا احتیاج به توضیح و اطاله کلام نگردد مانند: آدم غرب زده هرهری مذهب است. ***«آدم‌غرب‌زده»*** به هیچ چیز، اعتقاد ندارد، امّا، ***«آدم‌غرب‌زده»*** به هیچ چیز هم بی‌اعتقاد نیست، ***«آدم غرب‌زده»*** یك آدم التقاطی است. ***«آدم غرب زده»*** همه چیز برایش علی‌السویه است.

(فارسی چهارم - جلال آل احمد)

۳/۵۷ - حذف مسندالیه و رابطه:

حذف مسندالیه مانند این بیت:

به بالا ز سرو سهی برتر است   چو خورشید تابان به دو پیکر است

(فردوسی - فارسی سوم)

بابدان بد باش و با نیکان نکو (باش) - فعل ربطی ***«باش»*** حذف شده است.

حذف مسندالیه و رابطه:

تمام تابلوها فقط مسند است و مسندالیه و رابطه آن محذوف است مانند:

اداره آموزش و پررورش = اینجا اداره آموزش و پرورش است «اینجا و است به ترتیب مسندالیه و رابطه هستند».

۴/۵۷ - حذف مفعول:

علی خراسان و ماوراءالنهر و ری و جبال و گرگان و طبرستان و سپاهان و خوارزم و نیمروز و سیستان بکند و بسوخت. فعل **بسوخت** در معنی متعدی به کار رفته است.

مفعول این فعل همان مفعولهای جملهٔ قبل است. ***(فارسی چهارم)***

مثال دیگر:

گفتند: «هیچ طعام داری یا پاره‌ای شیر که به ما دهی؟» گفت: «دارم»، لیکن ... مفعول فعلِ ***«دارم»*** عبارتست از ***«طعام و پاره‌ای شیر»*** که محذوف است. ***(فارسی دوم)***

۵/۵۷ - حذف متمم و حرف اضافه:

و نامه‌ها نبشتند به ماوراء النهر و رسولان فرستادند ***«به ماوراءالنهر»*** و به اعیان ترکان بنالیدند.

مثال دیگر: ***(تاریخ بیهقی - فارسی دوم ص ۱۳۷)***

استاد امام از آن ساعت باز، قول کرد که نیز به بدِ شیخ ما سخن نگوید و ***«به‌بدِ شیخ ما»*** سخن نگفت. ***(اسرار التوحید، محمدبن منّور ص ۱۳۰ - فارسی دوم)***

۶/۵۷ - حذف حرف اضافه و مضاف:

و امیر رضی الله عنه، سخن کس بر وی نمی‌شنود ... تا خراسان به حقیقت در سرِ ظلم و ***«درسر»*** درازدستیِ وی بشد. ***«تاریخ بیهقی - فارسی دوم، ص ۱۳۷)***

۷/۵۷ - حذف حرف اضافه:

از رعایای خراسان باید پرسید که بدیشان چند رنج رسانیده باشد به شریف و ***«به»*** وضیع تا چنین هدیه ساخته آمده است. ***(تاریخ بیهقی - فارسی دوم ص ۱۳۶)***

یا:

بیان شوق چه حاجت که سوز آتش دل توان شناخت ز سوزی که در سخن باشد

= به بیان شوق چه حاجت است؟ ***(حافظ)***

۸/۵۷ - حذف موصوف:

و هزار اشتر آوردند، دویست ***«اشتر»*** با پالان و افسارهای ابریشمین و سیصد

اشتر از آن با محمل و مهد، بیست **«اشتر»** با مهدهای بِزر.

(اموال رعیت ، فارسی چهارم ، ص ۱۵۰)

۹/۵۷ - حـذف مضاف الیه و رابطه :

سور آن بر شیون قاصر است و اندوه **«آن»** بر شادی راجح **«است»**.

(کلیله و دمنه - فارسی ۴ ، ص ۳۰)

۱۰/۵۷ - حــذف رابطــه :

بِدان، خدای که این افلاک را بر پای داشت و این املاک را برجای، که هر حسنه را مکافاتی **«است»** و هر سیئه را مجازاتی **«است»** ، هر حلال را حسابی **«است»** و هر حرام را عذابی (است). ***(مقامات حمیدی، فارسی ۴ ، ص ۳۸-۳۹)***

اگر **«است»** به معنی **«وجود دارد»** به حساب آید، آن وقت فعل تام خواهد بود.

۱۱/۵۷ - حـذف صفت پیشین :

تو از خویشتن (همین شناسی):، این سر و روی و **«این»** دست و پای و **«این»** گوشت و پوستِ ظاهر بیش نشناسی. ***(فارسی چهارم -کیمیای سعادت، ص ۱۳)***

۱۲/۵۷ - حــذف مسند:

موارد حذف مسند بسیار محدود است و هرگاه وجود داشته باشد همراه با رابطه است مثال :

بـــرای گـــردن و دست زن نکـــو پـــروین!

سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان «سزاست»

- هم برادرم مردود است و هم پسر عمویم ***«مردوداست»***

۱۳/۵۷ - حــذف حــرف نــدا:

«ای» سعدی حیوان راکه سر از خواب گران شد

در بـــنـدِ نســـیم خـــوشِ اسحـــار نبـــاشد

(سعدی - فارسی دوم)

گویند مگو «ای» سعدی چندین سخن از عشقش

مـــی‌گویم و بـــعد از مـــن گـــویند بـه دورانـها

(سعدی - فارسی دوم)

۱۴/۵۷ - حـــذف حرف ربـــط:

حذف حرف ربط بیشتر درگفتار عمل می‌شود ولی سعدی جمله‌های بدون ربط آورده که آنرا پیوند معنوی گویند. مانند:

با طایفه بزرگان درکشتی نشسته بودم، زورقی در پی ما غرق شد، دو برادر به گردابی در افتادند، یکی از بزرگان ملّاح راگفت: «بگیر این هر دو را ...»، ملاح در آب افتاد.***(گلستان)***

۱۵/۵۷ - حـــذف فعـــل:

حذف فعل در جمله از سایر مواردِ حذف بیشتر است وباید مشروح‌تر بیـان شود. حذف فعل به دو صورت است.

الف - حذف فعل به قرینه لفظی

۱- حذفِ مضاف الیه ورابطه :

تا یکی از دوستان که درکجاوه انیس من بود و در حجره جلیس **«من بود»**.

(فارسی چهارم - گلستان سعدی)

۲- حذف مسند و رابطه :

در دم از یار است و درمان نیز هم «از یار است»

دل فدای او شد و جان نیز هم «فدای او شد»

۳- حذف بخشی از فعل مرکب :

اوکتاب را تسلیم و رسید آن را دریافت کرد = اوکتاب را تسلیم **«کرد»** و رسید آن را دریافت کرد. ***(فارسی اول ادبیات)***

۴- حذف فعل معینِ «بود» در ماضی بعید مانند:

صولت برد آرمیده بود و ایام دولت ورد رسیده **«بود»**. ***(فارسی چهارم - گلستان)***

- بعید است که در طبیعت چیزی زیباتر ازگل پرورده شده **«باشد»** و در علم چیزی زیباتر ازگل وجود داشته باشد. ***(درس گل - دکتر حداد عادل)***

۵- حذف فعل تام (غیرربطی) :

- اقبال لاهوری را یکی از بنیانگذاران پاکستان باید شمرد و نیز از معتقدان گرم‌رو و صمیمی اسلام **«باید شمرد»** ***(فارسی اول ادبیات - دکتر غلامحسین یوسفی)***

- پس من دنیا را بدان چاه پرآفت و مخافت مانند کردم و موشانِ سپید و سیاه و مداومت ایشان بر بریدن شاخها، به شب و روز **«مانند کردم»**.

(کلیله و دمنه - فارسی چهارم)

در جمله مرکب فوق علاوه بر حذف فعل «**مانند کردم**» حرف نشانه هم محذوف است.

- ... فلان عزم کرده است و نیت جزم «**کرده است**» ***(گلستان - فارسی چهارم)***

۶-گاهی در سؤال و جواب، بخش اعظم جمله به قرینه لفظی حذف می‌شود:

- «ملك سهراب خندید و گفت، باشد، حاضرم شرط ببندیم،
- زری پرسید، سرِ چی؟ «**شرط ببندیم**» ؟
- ملک سهراب گفت : سرِ یک تفنگ برنو «**شرط ببندیم**»

(فارسی اول ادبیات - سووشون - سیمین دانشور)

ب - حذف فعل به قرینه معنوی:

اگر فعل یا جزیی از اجزای جمله را حذف کنیم و معادل آن در جمله وجود نداشته باشد و با توجه به معنی جلمه این نکته را تشخیص دهیم، این نوع حذف را «**معنوی**» گویند، ولی حذف به قرینه لفظی همانطورکه قبلاً" اشاره شد، معادل آن در جمله وجود دارد. چند مثال[1] :

- اول دفتر به نام ایزد دانا = اول دفتر را به نام ایزد دانا شروع می‌کنیم. **(معنوی)**

(فارسی چهارم - سعدی)

- به نام خداوند جان آفرین = به نام خداوند جان آفرین شروع می‌کنم. **(معنوی)**

(شاهنامه فردوسی)

- منّت خدای را عزّ و جّل = منّت خدای را (است) **(معنوی)**

(فارسی سوم -گلستان)

گاهی مهمترین جزء جمله را می‌گویند و بقیه را حذف می‌کنند ولی شنونده با

۱) *دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی - فارسی اول ادبیات*

توجه به زمان و مکان، منظور گوینده را می فهمد مانند:

«آتش» = تیراندازی کنید = آتش کنید. **«معنوی»**

«کمك» = کمك کنید = به دادم برسید. **«معنوی»**

تولدت مبارک = تولدت مبارک باد **«معنوی»**

چنانچه کلمه‌های نشانه سوگند را به کار ببرند و پس از آنها حرف ربط **«که»** بیاید، باید کلمه‌های سوگند را مجموعاً یک جمله به شمار آورد که فعل جمله به قرینه معنوی حذف شده است اما اگر پس از کلمه‌های نمودار سوگند، حرف ربط **«که»** نباشد باید آنها را بخشی از جملع بعدی بدانیم.

- به خدا (۱ جمله) که گر بمیرم (۱ جمله) که دل از تو بر نگیرم (۱ جمله) = (سوگند می‌خورم) به خدا که گر بمیریم...

- خدای را مددی ای رفیق ره تا من = برای خدا مددی (کن) ای رفیق ره ...

(فارسی چهارم - حافظ)

- چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان

که ز ما بگردان ره آفت بلا را

(فارسی دوم - شهریار)

= چو تویی قضای گردان، (تو را سوگند می‌دهم) به دعای مستمندان که ...

- در جمله‌های عاطفی (دعایی یا تعجبی) گاهی فعل حذف می‌شود، اما شکل جمله و موقعیّت، آن گونه است که شنونده خود، متوجه منظور گوینده می‌شود مانند:

- عجب هوای گرمی! (است).

- چه منظره زیبایی : (وجود دارد یا می‌بینیم).

گاهی در شعر و نثر ممکن است که فعل جمله به دلیل آهنگ شعر یا واضح بودن مطلب حذف بشود.

از همگان بی‌نیاز (است) و بر همه مشفق (است)

از همه عالم نهان (است) و بر همه پیدا (است)

******* (فارسی چهارم)

پرتو نور سرادقات جلالش   از عظمت ماورای فکرت دانا (است)

******* (فارسی چهارم - سعدی)

آن پر از لاله‌های رنگارنگ (است)   وین پر از میوه‌های گوناگون (است)

******* (فارسی چهارم)

اول اردیبهشت ماه جلالی   بلبل گوینده بر منابر قُضبان (است)

******* (فارسی چهارم)

برای شمارش جمله باید فعلهای حذفی را به حساب آورد.

۵۸ - مطابقه نهاد با فعل:

نهاد (مسندالیه، فاعل) به دو صورت نهاد با فعل مطابقت دارد و باید داشته باشد یعنی در صورت مفرد بودنِ نهاد، فعل مفرد و در صورت جمع بودنِ نهاد، فعل هم جمع است. نهاد و فعل هر دو جمع باشند مانند:

خدای خوانان، از خوابِ ناز برجستند   ز آب چشمه تسلیم شستشو کردند

(فارسی سوم - نماز)

نهاد و فعل هر دو مفرد باشند

گذاشت بستر و بر بام شد مؤذن پیر   به هر کرانه درافکند نغمه توحید

(فارسی سوم - نماز)

نهاد و فعل هر دو مفرد است.

گل کیست ؟ قاصدی است ز بستان عقل و جان

گل چیست ؟ رقعه‌ای است ز جاه و جمال گل

(مولوی - فارسی چهارم)

ناصر خسرو در سفرنامه برای نهاد جمعِ فعل مفرد به کار برده است. مانند:

– و بازاری دیدم از آنِ صرافان که اندر او دویست مرد صراف بود.

(ناصر خسرو – فارسی چهارم)

مواردی هم وجود دارد که نهاد جاندار با فعل مطابقت ندارد و عبارت است از:

۱– وقتی انسان نویسنده باشد در این صورت فعل به صورت جمع می‌آید و در نتیجه نویسنده به جای من، ما به کار می‌برد مانند:

ما نگوییم بد و میل به ناحق نکنیم   جامه کس سیه و دلق خود از رق نکنیم

(حافظ – فارسی اول)

مثال دیگر:

اکنون در دنباله این موضوع، یک فحص و بحث پیرامون مشهودات خود به میان می‌آوریم. ***(فارسی سوم – موجود اشرف)***

۲– برای احترام، نهادِ مفرد، دارای فعل جمع است. مانند:

– آقای رئیس تشریف آوردند.

۳– برای اسم جمع می‌توانیم فعل مفرد یا جمع بیاوریم.

مردم آنجا می‌گفتند: هرگز بدین شهر هفت من نان کمتر به یک درم کس ندیده است.

= اسم جمع و جاندار (**مردم**) با فعل جمع ***(ناصر خسرو – فارسی چهارم)***

چو لشکر بیامد برِ پهلوان   بگفتند با او زکار جوان

= اسم جمع و جاندار (**لشکر**) با فعل مفرد ***(فردوسی)***

۴– برای کلمه‌هایِ «**هرکدام، هر یک، هیچیک و هیچکدام**» آوردن فعل جمع و مفرد، هر دو جایز است مانند:

هر یک جداگانه آمدند.

هر یک از آنها جداگانه آمد. (هر یک جداگانه آمد)

هر کدام جداگانه آمدند.

هر کدام از آنها جداگانه آمد. (هر کدام جداگانه آمد)

هیچ یک در جلسه حاضر نبودند.
هیچ یک از آنها در جلسه حاضر نبود. (هیچ یک در جلسه حاضر نبود)

۵- بعضی از اسمهای جمع فقط با فعل مفرد می‌آیند مانند:
گله از صحرا آمد.
قافله دیروز به مقصد رسید.
کاروان رفت.

۶- برای بعضی نهادها که بر تعداد نامعینی از افراد دلالت دارند با این که نشانه جمع ندارند فعل به صورت جمع می‌آید مانند:

همه آمدند، برخی نیامدند، بعضی نشسته بودند.

«مردم» همیشه دارای فعل جمع است امّا در قابوسنامه چنین آمده است:
چون مردم طمع از دل بیرون کند و قناعت را پیشه کند از همه خلق بی‌نیاز است.

(قابوسنامه - فارسی چهارم)

در اینجا کلمه مردم به معنی ***«شخص»*** به کار رفته است.

ب - نهاد جمله غیرجاندار باشد :

هرگاه نهاد غیرجاندار باشد، ***نهادِ*** این‌گونه جمله‌ها می‌تواند دارای فعل مفرد یا جمع باشد. مانند:

جبرها و تحمیلها مادام که به صورت یک نیاز درونی درنیامده‌است، مـــانند

جبرها و تحمیلهای سیاسی، آنقدر خطرناك نیست.

(زهد و آزادگی - شهید مطهری - فارسی چهارم)

= نهاد جمع با فعل مفرد.

این قضایا بسیار متعدد و گوناگون می‌باشند. ***«فارسی اول ادبیات - آفرینش و انسان»***

= نهاد و فعل هر دو جمع .

اگر نویسنده برای زیبانویسی به یک موجود بی‌جان، جان بدهد، در شرایط جاندار قرار می‌گیرد و نهاد با فعل تطبیق می‌کند مانند:

● گلها در بهار به روی رهگذران لبخند می‌زنند.

۵۹- چگـونه ترکیب کنیم؟

برای ترکیب کردن نثر یا نظم باید این گونه عمل کنیم:

۱- ابتدا تعداد جمله را معین می‌کنیم.

۲- بعد اسمیه یا فعلیه بودن آن را بررسی می‌کنیم.

۳- اگر فعلیه بود، نهاد (فاعل - مسندالیه) و فعل را می‌شناسیم.

۴- برای تشخیص مفعول از فرمولِ ***[چه چیز را یا چه کس را + فعل]*** استفاده می‌کنیم.

۵- متمم کلمه‌ای است که معنی فعل یا سایر ارکان را تمام می‌کند و معمولاً" با حرف اضافه همراه است.

۶- اگر جمله اسمیه بود دارای سه رکن مسندالیه، مسند و رابطه است.

۷- برای یافتن مسندالیه از فرمولِ **[چه چیز را (یا چه کسی) + مسند + فعل به صورت سوم شخص مفرد]** استفاده می‌کنیم مثلاً" در جملهٔ - خانه زیبا است - می‌گوئیم چه چیز زیبا است؟ جواب = خانه که مسندالیه است.

۸- برای یافتن مسند، می‌پرسیم، چه جور یا چه نوع است و پاسخ مسند است. در همان جمله بالا که گفتیم: خانه زیبا است، می‌گوییم: خانه چه جور است، پاسخ می‌آید: زیبا است، که زیبا مسند است.

۹- گاهی ممکن است، مسندالیه خود، جمله باشد. مانند:

آن که رفیق تواش به یاد بود　　　به از آن کز غم تو شاد بود

(فارسی سوم)

یعنی :

آن کسی که رفق تو به یاد او بود از آن کس بهتر است که از غم تو شاد بود.

جمله «آن کسی که رفق تو به یاد او بود = مسندالیه برای بهتر.

برای مثال چند بیت شعر از فارسی کلاس چهارم را ترکیب می‌کنیم.

****

۱ـ اول دفتر به نام ایزد دانا　　صانع و پروردگار حیّ توانا

ترتیب جمله با توجه به ارکان عبارتست از:

اول دفتر را به نامِ ایزدِ دانا و صانع و پروردگارِ حیِّ توانا آغاز می‌کنیم.

سؤال	جواب
بیت چند جمله است ؟	● یک جمله
فعل جمله لازم است یا متعدّی	● متعدیّ
مفعول جمله چیست ؟	● اول دفتر
حذف فعل در جمله چگونه است؟	● حذف معنوی
متمم جمله کدام است	● نام
مصدر فعل جمله چیست	● آغاز کردن
وابسته‌های نام کدام است؟	● ایزد دانا، صانع، پرورگار حی توانا

****

۲ـ اکبر و اعظم خدایِ عالم و آدم　　صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

س	ج
بیت چند جمله است ؟	● دو جمله

عده‌ای از دستورنویسانِ اخیر معتقدند که هرگاه بعد از فعلِ جمله «واو» آمد و پس

از آن کلمه‌ای دیگر فعل دوم به قرینه لفظی حذف شده است مانند:

علی آمد و برادرش = علی آمد و برادرش آمد.

با این نظر بیت فوق دو جمله است. این نظریه درکتابهای نگارش و دستور رشته ادبیات آمده است و در مجله رشد هم مورد تأیید عده‌ای قرارگرفته است. عده دیگر منجمله متقدمین معتقدند که این طور نیست و بیت فوق چنین است :

اکبر و اعظم، خدای عالم و آدم صورت خوب و سیرت زیبا را آفرید.

فعل جمله لازم است یا متعدی ؟	● متعدی
مفعول یا مفعولها کدامست	● صورت و سیرت
فعل جمله کدام است ؟	● آفرید
فاعل جمله کدامست ؟	● خدای

اکبر و اعظم از اسمای حُسنای خداوند و از صفات اوست اگر از صفات باشد جمله چنین است؟ «خدایِ اکبر و اعظم و عالم و آدم» که همگی وابسته می‌شوند

خوب و زیبا چه نوع و نقشی دارند ؟	● صفت با نقش وصفی

۳- پرتو نور سرادقات جلالش   از عظمت ماورای فکرت دانا

س	ج
بیت چند جمله است	● یک جمله
فعلیّه است یا اسمیّه	● اسمیّه
مسندالیه کدام است	● پرتو
مسند کدام است	● ماورا
رابطه چیست	است (محذوف)
حذف فعل از چه نوع است	● معنوی
وابسته مسندالیه چیست	● نور سرادقات جلالش
نور سرادقات جلالش را اصطلاحاً چه گویند	● تتابع اضافات
نقش «ش» در جلالش چیست	● اضافی

متمم جمله کدام کلمه است	● عظمت
وابستهٔ مسند کدام است	● فکرت دانا

****

۴ـ یک شب تأمل ایام گذشته می‌کردم و بر عمر تلف کرده، تأسف می‌خوردم و سنگ سراچه دل به الماس آب دیده می‌سفتم و این بیتها مناسب حال خود می‌گفتم.

س	ج
عبارت چند جمله است	● چهار جمله
فعل جمله اول چیست	● تأمل می‌کردم
فعل جمله لازم است یا متعدّی،	● لازم
مفعول جمله اول کدام است	● ایام
گذشته چه نقشی دارد	● وصفی
یک شب چه نقشی دارد	● قیدی
فعل جمله دوم چیست	● تأسف می‌خوردم
عمر چه نقشی دارد	● متممی
وابسته متمم چیست	● تلف کرده با نقش وصفی
مفعول جمله سوم کدامست	● سنگ
الماس چه نقشی دارد	● متممی
سراچه دل چه ترکیبی است	● اضافه تشبیهی
سنگ سراچه دل چه اضافه‌ایست	● اضافه تشبیهی
الماس آب دیده چه اضافه‌ایست	● تشبیهی
«می‌سفتم» لازم است یا متعدی	● متعدی
بن مضارع «می‌سفتم» چیست	● سنب
می‌گفتم لازم است یا متعدی	● متعدی

س	ج
مفعول می‌گفتم چیست ؟	● این بیتها
مناسب چه نقشی دارد	● متممی
وابستهٔ مناسب چیست	● حال خود

****

۵ـ هر دم از عمر می‌رود نفسی چون نگه می‌کنم نمانده بسی (کسی)

س	ج
بیت چند جمله است	● سه جمله
جمله‌ها، اسمیه است یا فعلیه	● فعلیه
فاعل جمله اول چیست	● نفسی
عمر چه نقشی دارد	● متممی
مصدر افعال بیت کدام است	● رفتن، نگاه کردن، ماندن
هر دم چه ترکیبی است	● صفت و موصوف
هر دم چه نقشی دارد	● قیدی
نقش بسی چیست	● فاعلی (بسی از انواع قیدهاست)

****

٦ـ ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی

س	ج
بیت چند جمله است	● پنج جمله
جمله اول چیست	● ای کسی
پنجاه چه نقشی دارد	● فاعلی

جمله سوم کدام است	● در خواب هستی
جمله سوم اسمیه است یا فعلیه	● اسمیه
مسند جمله سوم چیست	● در خواب
مگر چیست	● جملـه
فاعل جمله آخر چیست	● «ی»
دریابی لازم است یا متعدی	● متعدی
این پنج روز چه نقشی دارد	● مفعولی
مصدر دریابی چیست	● دریافتن
مفعول دریابی چیست	● این پنج روز

****

٦٠- تعریف شبه جمله (جمله واره) و صوت:

شبه جمله عبارت است از کلمه یا گروه کلمه‌ها که بدون داشتن فعل نظر گوینده را بیان کند مانند: ***کلمه‌های افسوس، دریغا، آفرین، پروردگارا، آفرین بر تو.***

چون شبه جمله و منادا و صوت در حکم جمله‌اند باید آنها را در دستور زبان فارسی جمله به حساب آورد. در نثر و نظم هرگاه ***«ای»*** که حرف نداست قبل از کلمه‌ای بیاید، علاوه بر این که آن کلمه منادا است، یک جمله است. ***(فارسی سوم دبیرستانها، ص ۳۸ و ۳۹)***. مثال:

- برو ای گدای مسکین در خانه علی زن = برو ای کسی که گدای مسکین هستی در خانه علی زن = ۳ جمله ... ***(فارسی دوم - شهریار)***
- خوشا آنون که از پا سر ندونند = خوش به حال کسانی باشد که از پا سر ندونند (۲ جمله) ***(فارسی دوم - باباطاهر)***
- خدای را مددی ای رفیق ره تا من = برای خدای مددی کن ای کسی که رفیق ره هستی = ۲ جمله ***(فارسی چهارم)***

- الا ای هوشمند خوبکردار = آگاه باش ای کسی که هوشمند خوبکردار هستی = ۲ جلمه **(فارسی چهارم - عطار)**

۶۱- صوت و اسم صوت:

صوت کلمه‌ای است که برای تحسین، شادی، افسوس، ندا، رنج، تنبیه و غیره به کار می‌رود، بعضی از انواع صوت از عربی وارد فارسی شده است.

چون مفهوم صوت به جمله شبیه است آنرا شبه جمله یا جمله‌واره نیز گویند. چنانکه وقتی می‌گوییم: ***افسوس***، این کلمه معادل است با «***تأسف می‌خورم***» یا هنگامی که می‌گوییم: «***آفرین***» در حقیقت این کلمه برابر است با: «***تو را تحسین می‌کنم***».

- اسم صوت، شبه جمله یا جمله نیست و در حکم اسم است مانند: «***بَع بَع، تَك تَك، پِچ پِچ، خِش خِش، جیك جیک، شُرشُر، غُرغُر، واق واق، قارقار، عَرعَر، دَرق درق، قاه قاه***.

۶۲- اقسام صوت:

۱/۶۲ - ***صوت تحسین و آفرین*** عبارتست از: **به به، خوب، زه، خه، خوشا، بارك الله، آفرین، مرحبا، ماشاء الله، حبّذا، خرّما، خنک، احسنت، زهی، اینت** مثال:

چون بهرام گور این نبشته‌ها بدید، گفت: «زه این خصم را او بر من آورده است و ...»
(برگزیده سیاست نامه ص ۱۶)

شعر حافظ همه بیت الغزل معرفت است　　آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش
(فارسی ۴، تماشاگه راز)

حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم　　خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
(فارسی ۳ - عالم قدس)

خاك تنی را به آفتاب رساند　　اینت گرانسنگ کیمیای معلم
(نگارش دوم - شأن والای معلم)

اینت شرف بزرگوار و کرامت تمام و نواخت بینهایت که رب‌العالمین بر اصحاب کهف نهاد که ایشان را جوانمردان خواند.　(فارسی ۳ - قصه اصحاب کهف)

مرحبا ای هدهد هادی شده　　در حقیقت پیک هر وادی شده
(منطق الطیر عطار)

نیک و بد چون همی بباید مرد　　خنک آنکس که گوی نیکی برد
(فارسی چهارم - گلستان)

۲/۶۲ - صوت تأسف، دریغ و ترحّم:

عبارتست از: ***افسوس، دریغ، وای، آخ، آه، آوخ، اوه، اوف، اوخ، دریغا، حیف، واسفا، وای، واویلا، فریاد، واحسرتا، ویحك.***

افسوس، مردم روزگار به عظمت مقام علی (ع) پی نبردند و از دانش بیکرانش چونان که باید بهره‌مند نشدند.　(فارسی سوم)

برای من مگریّ و مگو دریغ، دریغ　　به دام دیو درافتی دریغ آن باشد
(فارسی سوم - مولوی)

دریغا که رنجم نیامد به سر　　ندیدم در این هیچ روی پدر
(فارسی دوم - فردوسی)

ویحك ای بی‌خبر ز عالم عشق　　ناچشیده حلاوت غم عشق
(فارسی سوم)

یعقوب وار واسفاها همی زنم　　دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست
(فارسی ۴ - مولوی)

- آوخ که برای علیقلی چه آواز روحبخشی است.　(فارسی دوم - اذان مغرب)

- چشم مرد بر ملک افتاد. بشناخت گفت: «***آوخ***، آن سوار ملک بهرام بوده است.

(برگزیده سیاست نامه ص ۱۷)

بودم بر آستان تو یک عمر بنده‌وار

واحسرتا که بنده مهجور زان درم

(فارسی سوم - زادگاهم افغانستان)

گفت: ویحک! خدای بتواند مزد بدهد، گناه بستاند

(فارسی دوم - سنایی)

۳/۶۲ - *صوت شگفتی و تعجّب* عبارتست از:

عجب، عجبا، شگفتا، لوحش الله «لا اَو حَشَهُ الله = یعنی خدا او را غمگین و ملول نکند)، ***چه خوب، چه عالی، وه وه، چه عجب، سبحان الله، بَه***

-***شگفتا*** از این بیرحمی استعمارگران که بر مردم جهان رحم نمی‌کنند.

خال سرسبز تو خوش دانه عیشی است ولی

برکنار چمنش وه که چه دامی داری

(حافظ)

هر کسی از دور آن اکلیل گل را دید گفت

لوحش الله کاین شجر باج از گل رعنا گرفت

(بهار)

سبحان الله! دست توانای آفریدگار در این صفحه که مازندرانش خوانند چه قدرت نماییها کرده است.

(فروزانفر)

۴/۶۲ - *صوت تحذیر (برحذر داشتن) و تنبیه*

عبارتست از: ***هان، ها***، هلا، زینهار، ***مبادا، هیهات، الامان، الا، زنهار، هله، تا، زینهار***

هان ای دل عبرت بین از دیده عِبَر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان
(خاقانی - فارسی سوم)

به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری بسا کسا که به روز تو آرزومند است
(فارسی ۲ - رودکی)

به دو چشم خونفشانم هله ای نسیم رحمت

که زکوی او غباری به من آر توتیا را
(فارسی دوم - شهریار)

زینهار از رفیق بد زینهار و قِنا ربّنا عذاب النّار
(سعدی)

اَلا ای هوشمند خوب کردار بگویم با تو رمزی چند، ز اسرار
(فارسی ۴ - عطار)

سنگی به چند سال شود لعل پاره‌ای

زنهار تا به یک نفسش نشکنی به سنگ
(فارسی چهارم - سعدی)

تو که ناخوانده‌ای علم سماوات تو که نابرده‌ای ره در خرابات

تو که سود و زیان خود ندانی به یاران کی رسی؟ هیهات، هیهات
(فارسی دوم - باباطاهر)

گاه «*زینهار*» صوت نیست و به صورت اسم به کار رفته است مانند: ولکن تو به زنهار به من دادی، «زینهاردار نباید که زینهار خوار باشد» *(فارسی دوم - قابوسنامه)*

۵/۶۲ - صوت سرزنش و نفرین:

عبارتست از: **تفو، تف، ننگ، نفرین، مرگ، مرده باد.**

- مرگ بر مزدوران بیگانه، مرگ بر استثمارگران عالم، تفو بر تو ای دنیا! چرا چهره ظاهر فریبت برای بعضی دام می‌شود. *(فارسی سوم)*

۶/۶۲ - صوت بیان محبت مانند: **چَشم، بچشم، به روی چشم، بله قربان.**

۷/۶۲ - صوت امید و آرزو:

عبارتست از: ***ای کاش، کاشکی، کاش، ان شاء الله.***

-کاش قیمت انفاس بدانندی خلق.

کاشکی مادر نزادی مرمرا یا مرا شیری بخوردی در چَرا

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی وین خرگه بلند ستون بی‌ستون شدی

(فارسی دوم - محتشم کاشانی)

- ان شاء الله امسال درکنکور موفق می‌شوی.

- ای کاش اطلاع داشتم و در مراسم او شرکت می‌کردم.

۸/۶۲ - صوت فرمان یا امر

عبارتست از: **بسم الله، ساکت، هیس، پیشت، کیش، چخ**، البته بیشتر این صوتها در زبان گفتار، کاربرد دارد نه در نوشتار.

مایم و نوای بی‌نوایی بسم اللّه اگر حریف مایی

۹/۶۲ - صوت ندا:

عبارتست از: ***آهای، هی، خبردار.***

لازم به تذکر است که صوت و شبه جمله می‌توانند متمم یا جمله پیرو داشته باشند مانند: وای بر تو، وه که از دست او به جان آمدم. ضمناً خیلی از کلمه‌ها و ترکیبهای عربی در فارسی اعّم از نظم و نثر وجود دارد که شبه جمله هستند و به ذکر دو نمونه می‌پردازیم.

نــعوذُ بـاللّه، اگـر خـلق غـیب دان بـودی

کسی به حال خود از دست کس نیـاسودی

(گلستان - فارسی ۴)

وَاللــه کـه شـهر بـی تـو مـرا حـبس مـیشود

آوارگـــی و کـــوه و بیـــابانم آرزوست ۰

(مولوی - فارسی چهارم)



* فهرست منابع و مآخذ *

۱- اضافه، چاپ سوم، دکتر معین /۱۳۶۱ .
۲- اسم مصدر، چاپ سوم، دکتر معین /۱۳۶۱ .
۳- ادبیات فارسی چاپ اول دکتر علی سلطانی گردفرامرزی .
۴- توصیف ساختمان دستور زبان فارسی، دکتر محمدرضا باطنی.
۵- تست آزمون سراسر دانشگاهها در سالهای گوناگون.
۶- دستور زبان فارسی ۱ و ۲ چاپ نهم ۱۳۷۰ دکتر احمدی گیوی، دکتر انوری.
۷- دستور زبان فارسی چاپ دوازدهم ۱۳۷۰ ، دکتر خانلری.
۸- دستور زبان فارسی چاپ دوم /۱۳۶۶ ، دکتر شریعت.
۹- دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری /۶۶ دانشگاه مشهد، دکتر مشکوةالدینی.
۱۰- دستور زبان فارسی (دستورنامه) ، دکتر مشکور.
۱۱- دستور تطبیقی ایتالیایی - فارسی. دکتر اشرف وزیری فراهانی.
۱۲- دستور زبان فارسی ۲ و ۳ و ۴ آقایان دکتر غلامرضا ارژنگ و دکتر علی اشرف صادقی.
۱۳- فارسی اول تا چهارم دبیرستانهای عمومی، وزارت آموزش و پرورش.
۱۴- فارسی و دستور اول تا چهارم رشته ادبیات.
۱۵- نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، دکتر محمدرضا باطنی.

******

«بخش دوم»

تمرینهای چهارجوابی
از فارسی و دستور کلاسهای
اول تا چهارم دبیرستانها

تمرین چهارجوابی - درک مطلب، تاریخ ادبیات، دستور، صنایع ادبی و کلمات مترادف از فارسی اول دبیرستان

****

۱- بسم الله الرحمن الرحیم هست کلید درِ گنج حکیم

با توجه به بیت بالا همه گزینه‌ها بجز گزینه ..... درست است.

۱- کلید : مسند ۲- در: حرف اضافه ۳- هست: رابطه

۴- بسم الله الرحمن الرحیم : مسندالیه

۲- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- آغاز دین معرفت کردگار است = پایه و مایه دینداری شناخت آفریدگار است.

۲- نسیم عشق وزیدن گرفت = محبت خدا در آغاز آفرینش شروع به وزیدن کرده است.

۳- وجودی است که با عدم سابقه ندارد = هستی او همیشه بوده و ازلی است.

۴- سیر آفاق و انفس = گردش در افقها و نَفْسها

۳- معنی و مفهوم ***«وجودی است که با عدم سابقه ندارد»*** در همه گزینه‌ها بجز گزینه .... غلط است.

۱- هستی است که با نیستی ارتباط ندارد ۲- وجود است که عدم را به وجود می‌آورد.

۳- هستی او همیشه بوده و ازلی است ۴- خدا ابدی است.

۴- کدام پاسخ درباره کتابهای گلستان و بوستان سعدی صحیح است (آ - س).

۱- اولی نثر و دومی نظم ۲- اولی نظم - دومی نثر

۳- هر دو نظم ۴- هر دو آمیخته به نظم و نثر

۵- اشعار بوستان در چه قالبی است ؟ (آ - س)

۱- غزل ۲- قصیده ۳- قطعه ۴- مثنوی

۶- ***«گلستان»***، کتابی است :

۱- تألیف شیخ سعدی دارای حکایات آموزنده واشعار نغز.

۲- تألیف شیخ سعدی دارای ۸ باب و حکایات آموزنده و اشعار نغز.

۳- تصنیف شیخ سعدی دارای ۸ باب مشتمل بر حکایات آموزنده و اشعار نغز.

۴- تصنیف شیخ سعدی دارای ۸ باب مشتمل بر حکایات به نثر مسّجع و اشعار نغز.

۷- بیت زیر چند جمله است .

وانهمه پیرایه بسته جنت فردوس   بو که قبولش کند بلال محمّد

۱- یک جمله   ۲- دو جمله   ۳- سه جمله   ۴- چهار جمله

۸-گزینه‌های زیر بجز گزینه .... جمله اسنادی هستند.

۱- عرصه گیتی مجال همت او نیست   روز قیامت نگر مجال محمّد

۲- وعده دیدار هر کسی به قیامت   لیلهٔ اسری شب وصال محمّد

۳- آن کیست بدین حال و که بوده است و که باشد جز شیر خداوند جهان حیدر کرار؟

۴- مستان خدا، گرچه هزارند یکی‌اند   مستان هوا جمله دوگانه است و سه گانه

۹- بیت زیر چند جمله است ؟

«سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی   عشق محمّد بس است و آل محمّد»

۱- دو جمله   ۲- سه جمله   ۳- چهار جمله   ۴- پنج جمله

۱۰- *«بوستان»*، کتابی است :

۱- دارای ۸ باب به نظم در قالب غزل

۲- دارای ۱۰ باب به نظم در قالب غزل

۳- دارای ۱۰ باب در قالب مثنوی حِکْمی و اخلاقی

۴- دارای ۸ باب در قالب مثنوی حِکمی و اخلاقی

۱۱- در گزینه‌های زیر معنی کدام کلمه غلط است ؟

۱- ظِلال : سایه‌بان   ۲- نِعال : کفشها   ۳- کرّار: تکرارکننده ۴- مجال: جولانگاه

۱۲- نگارش کدام گزینه شیواتر است (آ - س)

۱- در فرهنگ ما شهادت یک حادثه خونین و گواراست .

۲- شهادت در فرهنگ ما حادثه خونین و ناگوار محسوب نمی‌شود.

۳- شهادت یک حادثه خونین و ناگوار در فرهنگ ما نیست.

۴- شهادت در فرهنگ ما یک حادثه خونین و ناگوار نیست.

۱۳- در کدام گزینه غلط املایی دیده نمی‌شود؟

۱- شعائر پدران و مآرف اجداد   ۲- هیچ یار و قرین چون سلاح نیست.

۳- به او مسؤولیت جهاد با اینهمه قصاوت داده است.

۴- صِله در قبال سرودنِ اشعار نغز .

۱۴- با توجه به جملهٔ : «***دانستن توانستن است***»، همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه ... درست هستند.

۱- دانستن = مسندالیه ۲- توانستن = مسند.

۳- دانستن توانستن است = جمله اسنادی .

۴- دانستن و توانستن = فعل متعدی.

۱۵- با توجه به مصرع : «***این همان چشمه خورشید جهان افروز است***» تمام گزینه‌ها بجز گزینه ... درست هستند.

۱- این : مسندالیه ۲- همان : مسند ۳- همان چشمه : مسند

۴- جهان افروز : وابسته وصفی

۱۶- تعداد جمله در بیت زیر عبارت است از :

من هر چه دیده‌ام ز دل و دیده، دیده‌ام گاهی زدل بود گله گاهی ز دیده‌ام

۱- ۲ جمله ۲- ۳ جمله ۳- ۴ جمله ۴- ۵ جمله

۱۷- بیت زیر چند جمله است ؟

«نیرزد عسل، جان من زخم نیش قناعت نکوتر، به دوشاب خویش»

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۱۸- با توجه به بیت : «بلندی از آن یافت کو پست شد| در نیستی کوفت تا هست شد»

«***در نیستی کوبیدن***» کنایه از

۱- بی‌پول بودن ۲- ترک هواهای نفسانی ۳-کسی در خانه نبودن

۴- درِ خانه را زدن

۱۹- مفهوم بیت زیر به کدام گزینه نزدیکتر است ؟ (آ - س)

« خبر داری ای استخوانی قفس که جان تو مرغی است نامش نفس »

۱- مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش .

۲- آیا خبر داری که جانت از تن خواهد رفت.

۳- مرغ دانا قفس شکن باشد. ۴- مرغ در قفس ایمن بود ز چنگال باز.

۲۰- بیت زیر چند جمله است ؟

« بـه انـدازه بـود بـاید نـمود خجالت نبرد آن که ننمود و بود »

۱- سه ۲- چهار ۳- پنج ۴- شش

۲۱- گزینه‌های زیر بجز گزینه ... درست هستند.

۱- **خَرقِ اجماع**: به کنار نهادن آنچه همگان پذیرفته‌اند.

۲- **مَضحکه**: کسی که مورد مسخره مردم قرار گیرد.

۳- **تعمّد کردن**: کاری را روی عمد انجام دادن.

۴- **تفنّن**: کاری را روی فنّ انجام دادن

۲۲- املای تمام گزینه‌ها با توجه به معنی بجز گزینه .... درست است.

۱- مرافقت : همراهی کردن ۲- سقیم : نادرست

۳- سخیف : کم عقل ۴- تألّم : یاد دادن

۲۳- کدام دو کلمه در گزینه‌های زیر مترادف نیستند ؟

۱- آلام : دردها ۲- انتباه : بیداری ۳- لجّه : میان دریا ۴- دوشاب : دوغ

۲۴- املای کدام کلمه در گزینه‌های زیر با توجّه به معنی غلط است ؟

۱- تولاّ : دوستی ۲- صَلا : آواز دادن ۳- اریکه : تخت ۴- ذِمام : افسار

۲۵- جملهٔ همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه .... اسنادی است.

۱- که باشد گنهکاری امیدوار ۲- که جان تو مرغی است نامش نفس

۳- دمی پیش دانا به از عالَمی است ۴- بلندی از آن یافت کو پست شد.

۲۶- املای کدام گزینه با توجه به معنی غلط است ؟

۱- نمط : روش ۲- خضوع : فروتنی ۳- خید: غله نارس ۴- اهتزاز: جنبیدن

۲۷- کدام گزینه از نظر تعداد جمله با دیگر گزینه‌ها نابرابر است.

۱- قوی در بلاغات و در نحو چست ولی حرف ابجد نگفتی درست

۲- چو بیچاره شد پیشش آورد مهد که ای سست مهرِ فراموش عهد

۳- تو آنی کز آن یک مگس رنجه‌ای که امروز سالار و سرپنجه‌ای

۴- به حالی شوی باز در قعر گور که نتوانی از خویشتن دفع مور

۲۸- با توجه به بیتِ زیر همه گزینه‌ها بجز گزینه ..... درست است.

« عالِمی را که گفت باشد و بس چون بگوید نگیرد اندر کس »

۱- بیت : ۴ جمله ۲- گفت : ماضی ساده ۳- بس : یک جمله

۴- بگوید: مضارع التزامی

۲۹- با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

«بـه سـوگند خـوردن کـه زر مـغربی است
چه حاجت؟ محکّ خود بگوید که چیست؟»

۱- بیت : ۳ جمله ۲- چیست : مسند و رابطه

۳- به سوگند خوردن چه حاجت : جمله پایه ۴- زر : مسندالیه

۳۰- با توجه‌به دو بیت زیر کدام گزینه درست نیست ؟

« یکـی خـارِ پـای یـتیمی بکَـند به خواب اندرش دید صدر خجند »
« همی گفت و در روضه‌ها می‌چمید کز آن خار بر مـن چـه گلهـا دمـید»

۱- صدر خجند مرد نیکوکاری را در خواب دید. ۲- مرد نیکوکار در بهشت قدم می‌زد.

۳- مرد نیکوکار صدر خجند را در خواب دید. ۴- می‌گفت در اثر این کار خوشبخت شدم.

۳۱- با توجه به مصرع : «به اندازه بود باید نمود» تمام گزینه‌های زیر بـجز گـزینه .... درست است .

۱- باید ظاهر و باطن هم‌آهنگ و یکی باشد.

۲- بود و نبود یکی است.

۳- در بندگی و طاعت خدا نباید ریا و تظاهر کرد.

۴- به اندازه موجودی باید پرداخت.

۳۲- کدام پاسخ را می‌توان به جای نقطه‌چین قرار داد تا معنی این بیت کـامل شـود (آ- س)

« در زمان انداخت شمشیر آن عـلی کـــرد او انـــدر ... یش کــاهلی »

۱- غذا ۲- غزا ۳- غضا ۴- قضا

۳۳- کدام گزینه از مفهوم این بیت دورتر است ؟

« بـاد خشـم و بـاد شـهوت بـاد آز بـرد او راکـه نـبود اهـل نماز »

۱- ایمان موجب مقاومت در برابر نفس می‌باشد.

۲- یاد خدا دل را مطمئن می‌سازد.

۳- هیچ چیزی از پایداری مؤمن نمی‌کاهد.

۴- مؤمن طمعی به مال دنیا ندارد.

۳۴- کدام کلمه با بقیّه همخانواده نیست ؟

۱- احترام ۲- رحمت ۳- حرمت ۴- حرام

۳۵- با توجه به بیت زیر گزینه نادرست کدام است ؟

«شیر حقّم، نیستم شیر هوا   فعل من بر دین من باشد گوا»

۱- م در حقم : فاعل   ۲- م در نیستم : مسند الیه

۳- فعل : مسند الیه   ۴- گوا : مسند

۳۶- بیت «خشم بر شاهان شه و ما را غلام| خشم را من بسته‌ام زیر لگام» کدام مفهوم را در بر ندارد؟ (آ - س)

۱- خشم فرمانده شاهان است   ۲- خشم تحت کنترل من است

۳- خشم غلام من است   ۴- شاهان خشمگین شدند و ما را غلام خود ساختند.

۳۷- تمام گزینه‌ها بجز گزینه ... جملهٔ اسنادی هستند.

۱- کو هم و هستیّ من بنیاد اوست   ور شوم چون کاه، بادم باد اوست

۲- کَه نیَم کوهم ز صبر و حلم و داد   کوه را کی در رباید تندباد

۳- گشت حیران آن مبارز زین عمل   ور نمودن عفو و رحم بی‌محل

۴- شیر حقّم نیستم شیر هوا   فعل من بر دین من باشد گوا

۳۸- کدام گزینه مفهوم مصراع : «نیست جز عشق احد سرخیل من» را در بردارد؟

۱- یک عشق دارم و بس   ۲- فرمانده من عشق است و بس

۳- عاشقی یگانه هستم و بس   ۴- عاشق خدا هستم و بس

۳۹- فعلِ کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها نامناسب است ؟

۱- از چه افکندی مرا بگذاشتی   ۲- گفت : بر من تیغ تیز افراشتی

۳- در غزا بر پهلوانی دست یافت   ۴- هر که را دانش است خواسته نیست

۴۰- کدام گزینه در مورد بیت : «یکی خار پای یتیمی بکند| به خواب اندرش دید صدر خجند» صحیح است ؟

۱- یتیم صدر خجند را در خواب دید

۲- کسی که خار را از پای یتیم بدر آورده بود صدر خجند را در خواب دید

۳- صدر خجند کسی را که خار از پای یتیم بدر آورده بود در خواب دید.

۴- صدر خجند آن یتیم را در خواب دید.

۴۱- تمام گزینه‌ها بجز گزینه .... اسنادی است.

۱- جوانی هنرمند و فرزانه بود   که در وعظ چالاک و مردانه بود

۲ـ بهایم خموشند و گویا بشر زبان بسته بهتر که گویا به شر
۳ـ به نطق است وعقل آدمی زاده فاش چو طوطی سخنگوی نادان مباش
۴ـ چو بیچاره شد پیشش آورد مَهد که ای سست مهر فراموش عهد

۴۲- کدام کتاب از آثار این سینا نیست (آ - س)

۱- الاشارات ۲- التحصیل ۳- المباحثات ۴- رسالة العشق

۴۳- ابوالحسن بهمنیار، ابوعبدالله معصومی و ابوعبید جوزجانی از شاگردان او بودند، نامبردگان در قرن پنجم می‌زیستند استاد آنان .... بوده است.

۱- ابونصر فارابی ۲- زکریای رازی ۳- ابوعلی سینا ۴- امام محمد غزالی

۴۴- .... حکیم نامدارِ یونانی است وی معروفترین شاگرد افلاطون و مشهورترین فیلسوف دنیای قدیم است. آثار او بسیار متنوع و شامل جمیع علوم جبر و ریاضی است از جمله کتابهای معروف او «**فن شعر**» است.

۱- ارسطو ۲- کاموی فرانسوی ۳- آندرسن ۴- سقراط

۴۵- لطیف‌ترین تعبیر فیلسوفانه در بزرگداشت شأن والای علی (ع) را ابوعلی سینا گفته و عبارتست از:

۱- از او به عنوان معقول در میان محسوس یاد می‌کنند.

۲- او سمبل حلم و مقاومت است.

۳- او سمبل شجاعت و رشادت است.

۴- او بنده حق و در راه حق تیغ می‌زند.

۴۶- آیه شریفه: «***اَلا بِذِکرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ القُلوب***» با کدام گزینه مناسب نیست.

۱- انسان در بن‌بستهای زندگی از پروردگار استمداد می‌جوید.

۲- انسان یاد خداوند و لطف او را موجب آرامش روان می‌داند.

۳- مددکار انسان در رهایی از مشکلات و بن‌بستها است.

۴- برای بقاء نوع انسان و رسیدن او به کمال وجودی خویش است.

۴۷- کتابهای «**فن شعر و فن خطابه**» اثر کدامیک از بزرگان زیر است؟

۱- ابونصر فارابی ۲- ارسطو ۳- افلاطون ۴- ابوعلی سینا

۴۸- گزینه نامناسب کدام است؟

۱- بارع: برجسته ۲- اِتیان: آوردن ۳- مبدع: شروع ۴- نَمَط: روش

۴۹-کدام دو کلمه در گزینه‌های زیر مترادف نیستند؟

۱- اِتیان : آوردن ۲- مُبدع : نوآور ۳- نمط : روش ۴- تبحر: زرنگ

۵۰-کدام گزینه جمله فعلیه است ؟

۱- اطبّاء از معالجت او عاجز آمدند ۲- جمعی سیاه روز سیهکاری تواند

۳-که امروز سالار و سرپنجه‌ای ۴- بس بگردید و بگردد روزگار

۵۱- بیت : «شادمان گردم چون دلشده‌ای کز زاریش | هم ملامتگر او وعده جانان آرد» کدام مفهوم را بهتر می‌رساند.

۱- خیلی شادمان می‌شوم ۲-کمی شادمان می‌شوم

۳- مثل ملامتگرها شادمان می‌شوم ۴- مانند جانان شاد می‌شود

۵۲- شاعر در بیت : «هر نسیمی که به من بوی خراسان آرد| چون دم عیسی در کالبدم جان آرد» می‌خواهد بگوید : (آ - س)

۱- به زیارت خراسان رود و جان مرده را زنده کند.

۲- عطر گلهای خراسان مثل نَفس عیسی او را نوازش دهد.

۳- نسیم خراسان که به کالبدش برسد پیام عیسی را بیاورد.

۴- نسیمی که از خراسان خیزد دم عیسی را بدو برساند.

۵۳- مفهوم بیت : «بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم| باد گویی که به پیر غم کنعان آرد» درکدام گزینه نهفته است ؟

۱- بوی پیراهن یوسف سبب روشنی چشم او شد.

۲-گویی باد پیراهن یوسف را نزد پیرکنعان آورد.

۳-گویی بوی پیراهن یوسف توسط باد به سرزمین خراسان آمد.

۴- وقتی حضرت یعقوب بوی پیراهن او را استشمام کرد چشمانش بینا شد.

۵۴- پیام شاعر در بیت :«تن آدمی شریف است به جان آدمیّت | نه همین لباس زیباست نشان آدمیّت » چیست ؟

۱- باید از بند شهوات رها شد تا به اوج آدمیّت رسید.

۲- باید طیران آدمیّت مانند پرواز مرغان از دام و بند باشد.

۳- آدمیت در لباس فاخر پوشیدن نیست.

۴- ملا شدن چه آسان آدم شدن چه مشکل !

۵۵- کدام کلمه از این بیت : «طیران مرغ دیدی تو ز پای بند...| بدر آی تا ببینی طیران آدمیّت » حذف شده است (آ - س)

۱- رخوت ۲- شهوت ۳- تهمت ۴- غفلت

۵۶- با توجه به بیت: «به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد| که همی سخن بگوید به زبان آدمیت» گزینه غلط کدام است؟

۱- باش: فعل امر ۲- باشد: فعل ماضی ۳- بگوید مضارع اخباری ۴- بیت: ۴ جمله

۵۷- درکدام مصراع بر فعل تأکید شده است (آ - س)

۱- تن آدمی شریف است به جان آدمیّت ۲- خرقه تزویر از باد غرور آبستن است.

۳- نیست پروا تلخکامان را ز تلخیهای عشق

۴- خور و خواب و خشم و شهوت شغب است و جهل و ظلمت

۵۸- با توجه به مصرع : «رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند» کدام گزینه درست است ؟

۱- آدمی به مرحله‌ای می‌رسد که به خداشناسی توجهی ندارد.

۲- آدمی به جایی می‌رسد که فقط خدا را می‌بیند.

۳- آدمی به جایی می‌رسد که خدا را فراموش می‌کند.

۴- آدمی به جایی می‌رسد که چیزی غیر از خدا را نمی‌بیند.

۵۹- کدامیک از پاسخها، در مورد تولد و زمان زندگی «*صائب تبریزی*» درست است؟ (آ - س)

۱- هند، قرن دهم ۲- تبریز، قرن دهم

۳- اصفهان، قرن یازدهم ۴- اصفهان، قرن دوازده

۶۰- بیت : «هیچ کاری گرچه صائب ! بی تأمل خوب نیست| بی‌تأمل آستین افشاندن از دنیا خوش است» چند جمله است؟

۱- ۲ جمله ۲- ۳ جمله ۳- ۴ جمله ۴- ۵ جمله

۶۱- مفهوم مصراع : «با کمال احتیاج، از خلق استغنا خوش است» کدام گزینه را می‌ستاید (آ - س)

۱- بی‌اعتنایی همراه با بی‌نیازی ۲- بی‌نیازی در عین نیازمندی

۳- نیاز با وجود بی‌نیازی ۴- نیازمندی در عین بی‌اعتنایی

۶۲- در مصرع : «باکمال احتیاج از خلق استغنا خوش است» مسندالیه چیست (آ- س)

۱- احتیاج ۲- استغنا ۳- خو ش ۴-کمال

۶۳- مفهوم مصراع : «آب دریا در مذاق ماهی دریا خوش است» به کدام گزینه نـزدیك است (آ - س).

۱- هر کس به هر چه دارد قانع و خرسند است.

۲- عادت، تلخیها را اندک اندک شیرین می‌کند.

۳- شکیبایی و صبر غوره را حلوا می‌کند.

۴- زندگی هر کس از دیدگاه همان کس زیباست.

۶۴- شاعر در بیت : «باکمال احتیاج از خلق استغنا خوش است| با دهان تشنه مردن بر لب دریا خوش است» خواهان چیست ؟ (آ - س)

۱- باکمال نیاز مردم باید غنی بود ۲- باکمال نیاز باید نیاز مردم را تأمین کرد.

۳- احتیاج کامل مردم باید به مال و ثروت در نظر گرفته شود.

۴- در عین نیاز و درویشی نباید چشم به مال و جاه مردم داشت.

۶۵- با توجه به بیت : «هر چه رفت از عمر یاد آن به نیکی می‌کنند| چهره امروز در آیینه فردا خوش است» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- امروز و فردا: قید ۲- خوش : مسند ۳- آن : متمم ۴- هر چه : فاعل

۶۶- درمصراع: «چهره امروز در آیینه فردا خوش است» توجه شاعربه چیست؟(آ- س)

۱- آسوده طلبی ۲- آینده‌نگری ۳- به حال اندیشیدن ۴- دم را فراموش کردن

۶۷- مفهوم بیت : «برق را در خرمن مردم تماشاکرده است| هر که پندارد که حال مردم دنیا خوش است» چگونه انسانی را معرفی میکند؟ (آ - س)

۱- ساده اندیش و بی‌خبر ۲- ژرف اندیش و خوش بین

۳- دردمند و دردشناس ۴- هوشمند و تیزهوش

۶۸- بیت : «برق را در خرمن مردم تماشاکرده است| آنکه پندارد که حال مردم دنیا خوش است» چه صفتی را نفی می‌کند (آ - س)

۱- آتش افروزی ۲- خوشگذرانی ۳- ظاهر بینی ۴- لذت گرایی

۶۹- کدام گزینه از مفهوم بیت :«برق را در خرمن مردم تماشاکرده است| آنکه پندارد که حال مردم دنیا خوش است» دریافت نمی‌شود. (آ - س)

۱- هیچ کس آسوده و دلخوش نیست   ۳- خوشیها دیدنی نیست

۳- جهان جای خوشی نیست   ۴- تصور خوش بودن واقع گرایانه نیست.

۷۰- «*آستین افشاندن*» با توجه به مصرع : «بی‌تأمل آستین افشاندن از دنیا خوش است» کنایه از :

۱- آستین را تکان دادن   ۲- آستین را بالا زدن

۳- پشت پا زدن به چیزی   ۴- وضو گرفتن

۷۱- در بیت : «کسی که در غم و اندوه و در پریشانی| به دردهای دلم می‌رسید مادر بود» شاعر در پی چیست ؟ (آ - س)

۱- پریشان   ۲- دردمند   ۳- غمگین   ۴ - غمگسار

۷۲- تمام گزینه‌ها با توجه به بیت : «کسی که گنج به دستم سپرد بود پدر|کسی که رنج به پایم کشید مادر بود» بجز گزینه ... درست است.

۱- پـدر = مسند   ۲-کسی که گنج به دستم سپرد = مسندالیه

۳- مصدر فعل جمله سوم =کشیدن   ۴- بیت = چهار جمله

۷۳- در بیت : «دانش و خواسته است نرگس و گل |که به یک جای نشکفند بهم» شاعر در پی بیان چیست ؟ (آ - س)

۱- دانش و مال با هم جمع نمی‌شوند

۲- دانش و آرزوی آدمی، همچون گل و نرگس با هم هستند.

۳-کسی که دانش خواسته دنبال نرگس و گل نیست.

۴- یا باید دنبال آرزو و خواهش نفسانی بود یا دانش.

۷۴- «**به یک جای**» در بیت : «دانش و خواسته است نرگس و گل|که به یک جای نشکفند بهم» به کدام معنی آمده است؟ (آ - س)

۱- به جای هم   ۲- در یک باغ   ۳- در یک فصل   ۴- در یک سرزمین

۷۵- با توجه به بیت : «هر که را دانش است، خواسته نیست| و آن که را خواسته است دانش کم» شاعر معتقد است که : (آ - س)

۱- اندکی علم و اندکی ثروت   ۲- نه علم نه ثروت

۳- هم علم و هم ثروت   ۴- یا علم یا ثروت

۷۶-کدام کتاب از آثارِ «*ناصر خسرو قبادیانی*» نیست ؟ (آ - س)

۱- خوان اخوان ۲- زادالمسافرین ۳- سفرنامه ۴- مصیب‌نامه

۷۷- مفهوم مصرع : «چون تیغ به دست آری مردم نتوان کشت» به مفهوم کدام گزینه نزدیک است ؟

۱- خویشتنداری با وجود قدرت نکوست ۲- قدرت آن است که عامل تباهی نگردد.
۳- قدرت نباید عامل تباهی شود ۴- هر جا که قدرت باشد فساد نیز هست.

۷۸- گزینه نادرست با توجه به بیت : « گفتا که :که راکشتی تاکشته شدی زار؟| تا بازکه او را بکشد آنکه تراکشت» کدام است؟

۱- بیت : ۵ جمله ۲- که راکشتی تاکشته شدی زار : مفعول
۳- کشته شدی : فعل ماضی معلوم ۴- باز : قید

۷۹- بیت : «این تیغ نه از بهر ستمکاران کردند | انگور نه از بهر نبید است به چرخشت» شاعر در پی بیان چیست؟ (آ - س)

۱- از قدرت نباید استفاده کرد ۲- تیغ نه فقط برای ستمکاران است
۳- تیغ را از دست ستمکاران باید گرفت ۴- قدرت را نباید وسیله ستمگری کرد.

۸۰- در کدام مصدر *«بن مضارع»* موجود است ؟

۱- آفریدن ۲- خواستن ۳- دویدن ۴- گفتن

۸۱- در تمام گزینه‌ها فعلها از مصدر خواستن، بجز گزینه ... معین هستند.

۱- مرا سیر شد دل ز جنگ و بدی همی جست خواهم ره ایزدی
۲- در آن ساعت که خواهند این و آن مرد نخواهند از جهان بیش از کفن برد
۳- حالت مال وعلم اگر خواهی که بدانی که هر یکی چون است
۴- مگو آنچه طاقت نداری شنود که جو کشته، گندم نخواهد درود

۸۲- همه گزینه‌ها بجز گزینه .... فعلیّه هستند.

۱- دیر زیاد آن بزرگوار خداوند ۲- زنده باد اسلام
۳- چو ایران نباشد تن من مباد ۴- شانهٔ عاج ار نبود بهر ریش

۸۳- بیت : «به مارماهی مانی نه این تمام نه آن | منافقی چه کنی؟ مار باش یا ماهی» چند جمله است ؟

۱- ۳ جمله ۲- ۴ جمله ۳- ۵ جمله ۴- ۶ جمله

۸۴- مفهوم بیت مقابل چیست ؟ «یکی نغز بازی کند روزگار| که بنشاندت پیش

آموزگار».

۱- بازی روزگار ترا در نزد آموزگار می‌نشاند.

۲- روزگار بازیگر خوبی است، ترا به کلاس معلم، راهنمایی می‌کند.

۳-گردش روزگار ترا با داناتر از خودت روبرو می‌کند.

۴- مردم زمانه بازیگوش هستند و روزگار مانند معلم آنها را ادب می‌کند.

۸۵- ... شاعر و عارف بزرگ ایران در قرن ششم هجری، وی در ابتدا مداح غزنویان بود ولی از این کار توبه کرد و به عرفان روی آورد. از جمله آثار او «***سیر العباد الی المعاد***» است.

۱- ناصر خسرو ۲- شهید بلخی ۳- سید حسن غزنوی ۴- سنایی

۸۶- «***زبـور عجم***» اثر کیست ؟

۱- عباس اقبال آشتیانی ۲- علی اکبر دهخدا

۳- محمد اقبال لاهوری ۴- ملک الشعرای بهار

۸۷-کدام گزینه از نظر تعداد جمله با دیگر گزینه‌ها ناهمگون است؟

۱ - ناموس ازل را تو امینی تو امینی ۲- دارای جهان را تو یساری تو یمینی

۳- ای بنده خاکی ! تو زمانی تو زمینی ۴- معمار حرم ! باز به تعمیر جهان خیز

۸۸- «***دارای جهان را تو یساری تو یمینی***» اشاره است به :

۱- خلیفة اللّهی انسان در زمین ۲- شرقی و غربی بودن

۳- دارنده شرق و غرب بودن ۴- دارای دست راست و چپ بودن

۸۹- ... مدّاح اهل بیت پیغمبر (ص) و از اصحاب حضرت باقر و حضرت صادق علیهاالسلام بوده است، مدایح او به قصد قربت بوده و صِله‌ای در برابر آنها قبول نمی‌کرده است. قصاید وی به «***هاشمیّات***» معروف است،علاوه بر مقام شاعری، حافظ قرآن و نخستین کسی که در مذهب شیعه مناظره کرده است نام وی ... است.

۱-کواکبی ۲- حسّان بن ثابت انصاری

۳-کمیت بن زید اسدی ۴- دِعبل بن علی خُزاعی

۹۰- مسندالیه این بیت چیست ؟ (آ - س)

«بـه چـه کـار آیـدت جهـانداری مـردنت بـه کـه مـردم آزاری»

۱- به ۲- به چه کار ۳- مردم آزاری ۴- مردن

۹۱-گزینه نادرست با توجه به دو بیت زیر کدام است؟

عمر گرانمایه در این صرف شد تا چه خوردم صیف و چه پوشم شتا

ای شکم خیره به تایی بساز تا نکنی پشت به خدمت دو تا

۱- بیتها : قطعه ۲- تایی : نانی ۳- شتا : تابستان ۴- مصرع سوم: دو جمله

۹۲-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بَد زندگانی : آدم ستمگری که به فکر شرانگیزی و فساد باشد.

۲- کمر شمشیر زرّین : شمشیری که در موقع خدمت با کمربند زرین حمایل کنند.

۳- پارسایی را پرسیدند : «پارسایی» مفعول است.

۴- آهک تفته : آهك داغ

۹۳- «ظالمی را خفته دیدم نیمروز|گفتم این فتنه است خوابش برده به» یعنی :

۱- خواب ظالم همچون مرگ است ۲- ظالم را خوابیده هم بینی، بترس

۳- غفلت ظالم نعمت است ۴- غفلت ظالم فتنه‌انگیز است.

۹۴-کدام فعل «*ماضی مجهول* » است. (آ - س)

۱-گفته باشد ۲-گفته آید ۳- خوانده آمده است ۴- خوانده می‌شود

۹۵- در کدام گزینه فعل مجهول نیامده است؟

۱-گفته آمد که به دلجویی ما می‌آیی ۲-گفته آید در حدیث دیگران

۳- میل دارم حقیقت گفته شود ۴- دو پیک را ایستانیده بودند

۹۶- پروین اعتصامی از معروفترین شاعران معاصر است کدامیک از گزینه‌های زیر در مورد او صادق نیست.

۱- اندررهای حکیمانه و تفکرات وی مایه شگفتی است.

۲- در سرودن قصاید پیرو ناصرخسرو بوده است.

۳- در مثنویهای پرارزش و غزلها پیرو سبک عراقی بوده است.

۴- رباعیهای او بسیار معروف است.

۹۷- در کدام گزینه «**مسند**» وجود دارد ؟

۱- تحقیق حال گوشه نشینان گناه نیست.

۲- از آتش فساد تو جز دود آه نیست.

۳- در کیفر فلک غلط و اشتباه نیست.

۴- یک مرد رزمجوی ترا در سپاه نیست.

۹۸- «روز شکار پیرزنی با قباد گفت |کز آتش فساد تو جز دود آه نیست» پس پیرزن : (آ- س)

۱- آه می‌کشد ۲- از آتش و دود می‌نالد ۳- شکایت می‌کند ۴- ناسزا می‌گوید.

۹۹- معنی مصرع : «در دامن تو دیده جز آلودگی ندید» چیست ؟ (آ - س)

۱- چشم در وجود تو جز بدکاری و ستمگری ندیده است.

۲- چشم و وجود تو دامنهٔ ستمگری را نمی‌بیند.

۳- دیده و دامن تو هر دو از آلودگی پاك است.

۴- دیده و دامن هر دو جز ستمگری چیزی ندیدند.

۱۰۰- بیت : «مردی در آن زمان که شدی صید گرگ آز| از بهر مرده حاجت تخت و کلاه نیست» چند جمله است؟

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۱۰۱- «*نیست*» در کدام گزینه فعل «*خاص*» است ؟

۱- کار تباه کردی و گفتی تباه نیست. ۲- میدان همت است جهان، خوابگاه نیست.

۳- یغماگر است چون تو کسی پادشاه نیست .

۴- یک مرد رزمجوی تو را در سپاه نیست .

۱۰۲- قابوسنامه را در سال **۴۷۵** ه ق در **۴۴ *باب*** با ***نثری ساده وروشن*** برای فرزند خود نوشت تا او را با مسائل مختلف زندگی در آن دوره آشنا کند. نام نویسنده چیست؟

۱- قابوس ۲- گیلانشاه ۳- عنصرالمعالی ۴- اسکندربن قابوس

۱۰۳- در عبارت : «***آدمی باید در راه آرمانی و هدفی مقدس تلاش کند***» نهاد کدام است؟

۱- آدمی ۲- آرمان ۳- تلاش ۴- مقدس

۱۰۴- کدام گزینه فعل معین ندارد؟

۱- چه نیکو زده است این مثل بَرهَمَن | بود حرمت هر کس از خویشتن

۲- نیک و بد چون همی بباید مرد | خنک آن کس که گوی نیکی برد

۳- هر چه نپاید دلبستگی را نشاید.

۴- چون کارها ساخته آمد به شکار رفت.

۱۰۵- بیت زیر چند جمله است ؟

« گر بدی گفت حسودیّ و رفیقی رنجید گو تو خوش باش که ما گوش به احمق نکنیم

۱- چهار ۲- پنج ۳- شش ۴- هفت

۱۰۶- بیت : «آسمان کشتی ارباب هنر می‌شکند| تکیه آن به که بر این بحر معلّق نکنیم» چه مفهومی را در بر دارد؟

۱- آسمان یا روزگار با صاحبان هنر و دانش سرستیز دارد.

۲- در دریای متلاطم زندگی کشتی آنان را در هم می‌شکنند.

۳- بهتر آن که به فلک اعتماد نکنیم و بدو دل نبندیم.

۴- شکایت از مردم روزگار و قدرتهای ستمگر حاکم بر جوامع بشری است.

۱۰۷- با توجه به بیت «شاه اگر جرعهٔ رندان نه به حرمت نوشد | التفاتش به می صاف مُرَوّق نکنیم» مقصود اصلی شاعر درکدام گزینه نهفته است ؟

۱- پادشاه شراب رندان یا آزادگانِ پاکدل را به عزت نیاشامد.

۲- ما به باده صاف و بی دُرد او اعتنایی نمی‌کنیم.

۳- اگر شخص مستکبر به مستضعف به دیده بی‌اعتنایی بنگرد به همان چشم به او می‌نگریم.

۴- اگر شاه جرعه رندان را با احترام بنوشد ما به او توجهی نداریم.

۱۰۸- کدام دو کلمه در گزینه‌های زیر مترادف نیستند؟

۱- صیدلانی : داروش فروش ۲- مُجبرّین : شکسته‌بندها

۳- جرائح : زخمها ۴- کحّال : داروفروش

۱۰۹- کدام گزینه بر معنی و مفهوم بیت : « گر چه قرآن از لب پیغمبر است| هر که گوید حق نگفت او کافر است» منطبق است؟

۱- قرآن از لب مبارک پیغمبر بیان شده و اگر کسی بگوید، درست نگفته، کافر است.

۲- قرآن را پیامبر بیان کرد ولی هر کس بگوید، سخن حق را نفرموده کافر است.

۳- قرآن را پیامبر فرمود و هر کس بگوید خداوند نفرموده، کافر است.

۴- قرآن را پیامبر فرمود و در آن حقیقت را بیان کرد.

۱۱۰-کدام گزینه معنی و مفهوم عبارت : «**وقت آن آمد که ما نیز راه تو زنیم**» است.

۱- زمان آن رسیده است که ما راه را بر تو ببندیم.

۲- وقت آن شده است که راهزنی کنیم.

۳- توراز راه‌باطل به راه هدایت بازآوریم. ۴-گزینه ۱و۲ پاسخ درست عبارت است.

۱۱۱-کدام دو کلمه درگزینه‌های زیر مترادف نیستند؟

۱- بَدرَه: کیسه پول ۲- سَبق: پیشینیان ۳- طین: گِل یَنبوع : چشمه

۱۱۲-کدام گزینه ناظر است به : «**القرآنُ یُفَسِرُّ بَعضُهُ بعضاً**».

۱- حرف قرآن را مدان که ظاهر است زیر ظاهر باطنی هم قاهر است

۲- نک منم ینبوع آن ذات حیات تا رهانم عاشقان را از ممات

۳- معنی قرآن ز قرآن پرس و بس وز کسی کاتش زده است اندر هوس

۴- من کتاب و معجزت را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن دافعم

۱۱۳- آیه شریفه : «**یَقُولُ الَّذینَ کَفَروا اِنْ هذا اِلّا اَساطیر الاَوّلین**» اشاره به کدام بیت است؟

۱- تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین دیو آدم را نبیند غیر طین

۲- گرچه قرآن از لب پیغمبر است هر که گوید حق نگفت او کافر است

۳- تا قیامت می‌زند قرآن ندا کای گروه جهل را گشته فدا

۴- مرمرا افسانه می‌پنداشتید تخم طعن و کافری می‌کاشتید

۱۱۴- آیه شریفه از سوره حجر که می فرماید: «**اِنّا نَحنُ نَزَّلنَاالذِّکرَ و اِنّا لَهُ لَحافظون**» بر مفهوم کدام گزینه دلالت دارد؟

۱- زهره نی کس را که یک حرفی از آن یا بدزدد یا فزاید در بیان

۲- مصطفی را وعده کرد الطاف حق گر بمیری تو، نمیرد این سبق

۳- من کتاب و معجزت را حافظم بیش و کم کن را ز قرآن دافعم

۴- تا قیامت باقیش داریم ما تو مترس از نسخ این، ای مصطفی

۱۱۵- مفهوم ابیات زیرکدام عامل را حافظ قرآن می‌داند؟ (آ - س)

«مصطفی را وعده کرد الطاف حق گر بمیری تو نمیرد این سبق»

«من کتاب و معجزت را حافظم بیش و کم کن راز قرآن دافعم»

۱- اعجاز قرآن ۲- خداوند ۳- لطف خدا به پیامبر ۴- معنویت قرآن

۱۱۶- درگزینه‌های زیر کدامیک از جمله‌هادارای فعل ربطی نیست ؟

۱- چیست حاصل سوی شراب شدن ۲-گشتیم سالها به بیان و کوه ودشت.

۳-گشت غمناک دل و جان عقاب ۴- اولش شرّ و آخر آب شدن.

۱۱۷- با توجه به دو بیت زیر- همه گزینه‌ها بجز گزینه ..... درست است.

آن شنیدستی که در اقصای غور بارسالاری بیفتاد از ستور

گفت: چشم تنگ دنیا دوست را یا قناعت پر کند یا خاک گور

۱- شنیدستی : ماضی نقلی ۲- بیت دوم: سه جمله

۳- دو بیت : یک قطعه ۴- آن شنیدستی : جمله پیرو

۱۱۸- با توجه به عبارت : **« و این قبالهٔ فلان زمین است و فلان چیز را فلان ضمین»** همهٔ گزینه‌ها بجز گزینهٔ ..... درست است.

۱- فلان ۱ و ۲ : صفت مبهم ۲- فلان ۳ : ضمیر مبهم

۳- ضمین : مسند ۴- عبارت : یک جمله

۱۱۹- همه بیتها جز گزینهٔ .... ردیف دارند.

۱ـ خود بدیدید ای خسیسان ز من که شما بودید افسانه نه من

۲ـ ای به تقلیدش اسیر! آزاد شو دامن قرآن بگیر، آزاد شو

۳ـ صد جهان تازه در آیات اوست عصرها پیچیده در آنات اوست

۴ـ گرگی اندر پوستین بره‌ای هر زمان اندر کمین بره‌ای

۱۲۰- با توجه به بیت: «یورپ از شمشیر خود بسمل فتاد|زیر گردون رسم لادینی نهاد» کدام گزینه در مورد «**بسمل**» نادرست است؟

۱- بسمل : مخفف بسم‌الله ۲- به هر چه قربانی شود اطلاق می‌شود

۳- به جانور سربریده گویند ۴- اروپائیان بسم‌الله نمی‌گویند

۱۲۱-کدام دو کلمه درگزینه‌های زیر مترادف نیستند.

۱- آنات : جمع آن به معنی لحظه ۲- شنگ : شیرین رفتار

۳- رَباب : از آلات موسیقی ۴- تنقید : تعریف

۱۲۲-کدام گزینه به مفهوم این بیت نزدیك است ؟ (آ - س)

«یار من آن که لطف خداوند یار اوست بیداد و داد و ردّ و قبول اختیار اوست

۱- خواست خدا همان خواست یار است ۲- خواست، خواست خدااست

۳- خواست، خواست یار است ۴- خواست یار همان خواست خداست

۱۲۳- اگر بیت: «یار من آن که لطف خداوند یار اوست| بیداد و داد و ردّ و قبول اختیار اوست» نخستین بیت از یک قالب ده بیتی باشد، آن قالب چه نامیده می‌شود؟ *(آ - س)*

۱- مسمّط ۲- قطعه ۳- قصیده ۴- غزل

۱۲۴- مفهوم بیت: «سعدی رضای دوست طلب کن نه حظّ خویش| عبد آن کند که رأی خداوندگار اوست» با همه گزینه‌ها، بجز گزینه .... نامتناسب است؟

۱- اجتناب از خلق ۲- استغناء از خلق

۳- تسلیم در برابر حق ۴- مناجات با حق

۱۲۵- کتابهای ***«جوامع الحکایات»*** و ***«لباب الالباب»*** دو اثر ارزنده از:

۱- عبید زاکانی ۲- احمد عوفی ۳- محمد عوفی ۴- ناصرخسرو

۱۲۶- در کدام مصراع **«مسند و مسندالیه»** نیست؟ (آ - س)

۱- سخن شناس نئی جان من خطا اینجاست

۲- چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست

۳- فضای سینه حافظ هنوز پر ز صداست ۴- رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست

۱۲۷- در عبارت: «گلها با دلربایی به ما خیره می‌شوند، یعنی، قدرت خدا را در ما بنگرید» پیش از کلمه **«یعنی»** از کدام علامت نگارشی باید استفاده کرد؟

۱- خط فاصله (-) ۲- ویرگول (،) ۳- نقطه بند(؛) ۴- دو نقطه (:)

۱۲۸- علامت گیومه « » در کدامیک از موارد زیر به کار نمی‌رود؟

۱- هنگامی که سخنی را عیناً از کسی یا جایی نقل قول کنند.

۲- هر گاه بخواهند عنوان آثار هنری، مقاله یا کتاب را در جمله‌ای بیاورند.

۳- هر گاه بخواهیم اصطلاح یا کلمه‌ای را به دلیلی خاص مشخص سازیم.

۴- هر گاه بخواهیم مطلب، عنوان جمله معترضه داشته باشد.

۱۲۹- این علامت در آخر جملات، عاطفی، تعجبی، دعایی یا شبه‌جمله می‌آید.

۱- سه نقطه ... ۲- علامت ! ۳- ویرگول ، ۴- علامت سؤال ؟

۱۳۰- این علامت معمولاً" برای توضیح کوتاه یا وفات کسی یا یک جمله کوتاه می آید.

۱- پرانتز ۲- قلاّب ۳- ممیّز ۴- خط فاصله

رَبَّنا لاتُزِغْ قُلوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَ هَبْ لَنا من لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهّاب *(آیه ۷ - آل عمران)*

ای پروردگارا، دلهای ما را به باطل مگردان بعد از آن که راه را به ما نمودی و ما را از نزد خود رحمتی ببخش به درستی که تو بخشنده هستی.



پاسخ تشریحی تمرینهای چهارجوابی فارسی و دستور و صنایع ادبی کلاس اول دبیرستانها

****

۱- **جواب (۲)**. «در» اسم و در نقش اضافی است.

۲- **جواب (۴)**. یعنی سیر و گردش و تأمل در جهان و در دنیای درون و جان خویش.

۳- **جواب (۳)**. در ستایش خداوند آمده: که وجود خداوند همیشه بوده و ازلی است.

۴- **جواب (۱)**. گلستان نثر آمیخته به نظم و بوستان مثنوی اجتماعی و اخلاقی و فاقد نثر است.

۵- **جواب (۴)**. اشعار بوستان در ۱۰ باب و مثنوی اخلاقی است.

۶- **جواب (۴)**. گلستان تصنیف و نثر مسجع است. تصنیف نوشته‌ای است که نویسنده خود به نوشتن و انشاء عبارات بپردازد و از نوشته دیگران استفاده نکند و در غیر این صورت تألیف خواهد بود.

۷- **جواب (۳)**. جمله اول = جنّت فردوس آنهمه پیرایه بسته است، جمله دوم = بوکه = باشد که یا بود که یا امید است که. جمله سوم = بلال محمّد او را قبول کند.

۸- **جواب (۱)**. زیرا فعل «نگر» خاص است و جمله فعلیّه است، بقیّه جمله‌ها اسمیه هستند.

۹- **جواب (۲)**. و جمله‌ها عبارتند از: ۱- ای سعدی ۲- اگر عاشقی وجوانی‌کنی ۳- عشق محمّد و آل محمّد بس است.

۱۰- **جواب (۳)**.

۱۱- **جواب (۳)**. زیرا «کرّار» لقب حضرت علی و به معنیِ بسیار حمله‌برنده است چه، وی بی‌پروا به صف دشمنان حمله می‌کرد.

۱۲- **جواب (۴)**. زیرا مسندالیه، اولِ جمله و مسند و رابطه بعد از آن آمده‌اند.

۱۳- **جواب (۴)**. غلطهای ۱ و۲ و۳ به ترتیب عبارتند از: مآرف ← معارف . سلاح ← صلاح . قصاوت ← قساوت .

۱۴- **جواب (۴)**. تمام مصدرها اسم هستند و نقشهای اسم را می‌پذیرند.

۱۵- **جواب (۲)**. «همان» صفت اشاره است که در اینجا به تنهایی مسند نیست. همیشه صفتهای پیشین (اشاره، مبهم، شمارشی، تعجبی» با موصوف نقش می‌پذیرند.

۱۶- **جواب (۳)**. جمله‌های بیت = من هر چه دیده‌ام + ز دل ودیده دیده‌ام +گاهی گله از دل بود +گاهی گله از دیده‌ام (چشم) بود.

۱۷- **جواب (۳)**. جمله‌ها عبارتند از : الف - ای جان من ب - عسل به زخم نیش (زنبور)

نیرزد ج - قناعت به دوشاب خویش نکوتر است.

۱۸- جواب (۲). کنایه از ترک خودخواهیها و نفس پرستیها است.

۱۹- جواب (۲). منظور از استخوانی قفس (انسان) و منظور از مرغ «جان» است.

۲۰- جواب (۲). در مصرع اول «بود» مضاف الیه و فعل نیست، «باید» فعلِ معینِ «نمود» است. پس مصرع اول یک جمله است، جمله دوم = آن خجالت نبرد. جمله سوم = ننمود و جمله چهارم = بود.

۲۱- جواب (۴). معنی کلمه: «گوناگون شدن یا گوناگونی» است که به اشتباه معنی شده است.

۲۲- جواب (۴). تألم به معنی اندوهگین شدن، است و تعلّم به معنی یاددادن.

۲۳- جواب (۴). دوشاب به معنی شیره یا شیره انگور است و دو کلمه مترادف نبوده‌اند.

۲۴- جواب (۴). زمام : افسار.

۲۵- جواب (۴). فعل «یافت» خاص است. گزینه (۱) = گنهکاری امیدوار باشد. (۲)= جان تو مرغی است نامش نفس است. (۳) = دمی پیش دانا از عالَمی بهتر است و همگی اسنادی هستند.

۲۶- جواب (۳). درستِ «خید» = خوید.

۲۷- جواب (۴). زیرا فعلهای «شوی» و «نتوانی» سازنده دو جمله هستند. گزینه (۱)= در بلاغات قوی بود و در نحو چست بود ولی حرف ابجد را درست نمی‌گفت. گزینه (۲)= «شد و آورد» دو جمله مصرع اول را می‌سازند و «ای» که حرف نداست جمله سوم را. درگزینه (۳). ی در «آنی» و «ای» در رنجه‌ای و «ای» در سرپنجه‌ای» سه جمله می‌سازند.

۲۸- جواب (۲). «گفت» مصدر مرخم است و بیت چهار جمله است. «بس» اسم فعل است و برابر است با کافی است یا تمام کن. ضمناً قید هم می‌شود و به معنی «فقط» می‌باشد. (فرهنگ معین).

۲۹- جواب (۱). بیت چهار جمله است و عبارتند از : به سوگند خوردن چه حاجت است - زر مغربی است - محك خود بگوید - چیست .

۳۰- جواب (۳). مصرع دوم بیت اول چنین است: صدر خجند او را به خواب دید.

۳۱- جواب (۴). مفهوم بیت را در بر ندارد.

۳۲- جواب (۲). زیرا شعر مربوط به جنگ است و «غزا» به معنی جنگ است.

۳۳- جواب (۳).

۳۴- جواب (۲).

۳۵- جواب (۱). م در حقّم = مسندالیه.

۳۶- جواب (۴). «را» در مصرع اول، فک اضافه است و چنین بوده: خشم به شاهان شه است و

غلام ماست. لذا گزینه «۴» مفهوم شعر نیست.

۳۷- جواب (۲). زیرا «در رباید» از مصدر «در ربودن» و فعل خاص است و جمله فعلیّه می‌سازد.

۳۸- جواب (۴). اَحَد به معنیِ «خدا» و عشقی جز عشق به خدا برای من وجود ندارد.

۳۹- جواب (۴). زیرا «است و نیست» فعل مضارع هستند ولی فعلهای: «بگذاشتی»، «افراشتی»، و «دست یافت» همگی ماضی مطلق هستند.

۴۰- جواب (۳). اگر از آخر به اول بنویسیم چنین می‌شود صدر خجند او را (ش بعد از، اندر) در خواب دید که خار از پای یتیم بدر آورده بود.

۴۱- جواب (۴). زیرا فعل «آورد» خاص است و جمله فعلیّه.

۴۲- جواب (۲). و این کتاب از شاگرد ابن سینا یعنی بهمنیار است.

۴۳- جواب (۳). شاگرد معروف ابن سینا «بهمنیار» و شاگرد نزدیک ابوعلی، «ابوعبید جوزجانی» و سومی «ابوعبدالله معصومی» بوده است که ابوعلی سینا «رسالة العشق» خود را به نام او نوشته است.

۴۴- جواب (۱). ارسطو در قرن چهارم قبل از میلاد می‌زیست.

۴۵- جواب (۱). و این جملهٔ زیبا از ابوعلی سینا در مورد حضرت علی (ع) است. البته سایر گزینه‌ها هم در مورد حضرت علی (ع) صادق است.

۴۶- جواب (۴). قرائت این آیه برای بقاء نوع انسان نیست بلکه برای آرامش روح و اطمینان خاطر انسان است لذا سه مورد دیگر مناسب آیه است.

۴۷- جواب (۲). به قلم ارسطو فیلسوف و حکیم نامدار یونانی در قرن چهارم قبل از میلاد.

۴۸- جواب (۳). «مُبدع» به معنیِ نوآور است و «مَبدأ» به معنی شروع و آغاز است.

۴۹- جواب (۴). و تبحّر از مادّه بحر به معنای دریاست یا کسی در تمام علوم و یا چندین علم وارد باشد.

۵۰- جواب (۴). زیرا گردیدن و چرخش روزگار فعلیّت دارد. در گزینه (۱). عاجز آمدند= عاجز شدند. در گزینه(۲). اند = هستند.

۵۱- جواب (۱). معنی بیت چنین است: مانند دل از دست داده‌ای که به خاطر گریه زیادش ملامت کننده‌اش هم بر سر لطف آید و وعده دیدار معشوق را به او دهد، شادمان می‌شوم.

۵۲- جواب (۴). زیرا بوی خراسان، همانند دَم عیسی به کالبد جان می‌دهد. اگر در شماره (۳) کلمه «پیام» نیامده بود می‌توانست پاسخِ صحیح باشد.

۵۳- جواب (۳). شاعر نسیم خراسان را به بوی پیراهن یوسف تشبیه می‌کند که به سرزمین

خراسان می‌آید.

۵۴- جواب (۳). بقیه تناسبی با بیت ندارند.

۵۵- جواب (۲). فارسی اول دبیرستان. شعر آدمیت.

۵۶- جواب (۲). زیرا «باشد» فعل مضارع است. «بگوید» هم مضارع اخباری است زیرا قبل از آن «همی» آمده است و گرنه، یک جمله است.

۵۷- جواب (۳). زیرا فعل، اول جمله آمده. برای تأکید فعل را اول جمله می‌آورند.

۵۸- جواب (۴). زیرا مفعول فعلِ «نبیند» چیزی یا کسی است و خدا متمم فعل است. پس «چیزی یا کسی را غیر از خدای نمی‌بیند» درست است.

۵۹- جواب (۳). صائب (۱۰۱۶ - ۱۰۸۱ هـ ق) شاعر قرن یازده و دارای سبک هندی و آرامگاه او در اصفهان است.

۶۰- جواب (۲). و عبارتست از : الف - ای صائب ب - گرچه هیچ کاری بی‌تأمّل خوب نیست. ج - آستین افشاندن بی‌تأمل از دنیا خوش است.

۶۱- جواب (۲). زیرا، احتیاج = نیازمندی و استغناء یعنی بی‌نیازی. پس با کمال نیازمندی بی‌نیازی خوب است.

۶۲- جواب (۲). زیرا جمله اسمیه چنین بوده: استغناء با کمال احتیاج از خلق خوش است.

۶۳- جواب (۴). زیرا زندگی و خوشیِ ماهی به وجود آب دریا بستگی دارد.

۶۴- جواب (۴). تقریباً ترجمه مصراع است.

۶۵- جواب (۱). هر دو کلمه مضاف الیه هستند و جمله اول چنین است: «هر چه از عمر رفت آن را به نیکی یاد می‌کنند. «هرچه» فاعل است.

۶۶- جواب (۳). زیرا باید به حال فکر کنیم تا آینده خوب داشته باشیم.

۶۷- جواب (۱). زیرا کسی که ساده‌اندیش است ظاهر چیزها را می‌بیند و به عمق و کُنه مسائل پی نمی‌برد.

۶۸- جواب (۳). زیرا مفهوم شعر اشاره به ظاهر بینی است که در مصرع دوم کاملاً آشکار است.

۶۹- جواب (۲). زیرا این مفهوم در شعر نیست.

۷۰- جواب (۳). صائب توصیه می‌کند که انسان نباید عجله کند بلکه باید تأمّل و صبر داشته باشد. اما در مورد پشت پا زدن به مسایل دنیایی و مادیّات و ترک گفتن آنها تأمّل جایز نیست.

۷۱- جواب (۴). برای این که غمگسار به دردهای دل شخص غمگین و دردمند و پریشان می‌رسد و در اینجا این غمگساری به عهده مادر است (بهتر بود در گزینه غمگساری می‌آمد).



۷۲- جواب (۳). مصدر فعل رنج کشیدن است.

۷۳- جواب (۱). شاعر دانش را به نرگس و خواسته (ثروت) را به گلْ تشبیه کرده چون فصل رویش این دو یکی نیست. لذا دانش و مال هم با هم جمع نمی‌شوند.

۷۴- جواب (۳). زیرا نرگس، گل زمستان و گل سرخ، گل بهاری است.

۷۵- جواب (۴). زیرا شاعر معتقد است که: هر که دانش دارد مال و ثروت ندارد. ممکن است این تصور به وجود آید که افراد دانشمند ثروت هم دارند. اما اینطور نیست. انسانهای متهد و مقیّد همیشه متعادل هم هستند.

۷۶- جواب (۴). این کتاب شعر اثر عطار نیشابوری است و بقیه از ناصر خسرو و به نثر است.

۷۷- جواب (۳). زیرا لازمه داشتنِ تیغ، داشتن قدرت است و نباید قدرت را در راه خطا و خلاف به کار برد.

۷۸- جواب (۳). فعل ماضی مجهول است.

۷۹- جواب (۴). زیرا تیغ به دست داشتن معادل قدرت است و نباید وسیله ستمگری قرار داد.

۸۰- جواب (۳). زیرا اگر «یدن» را حذف کنیم، بقیه «دو» بن مضارع است ولی این حالت در بقیه گزینه‌ها نیست.

۸۱- جواب (۳). و چنین است: اگر خواهی که حالت مال و علم را بدانی که هر یکی چون است. کاربردِ «خواهی» فعل اصلی است. اما د (۱) همی خواهم جست در (۲) خواهند مرد و در (۴) نخواهند درود به صورت معین بوده است.

۸۲- جواب (۲). جملهٔ اسمیه است و «زنده = مسند» و «اسلام» مسندالیه و «باد» فعل ربطی و دعایی است. گزینه (۱). زیاد= فعل دعایی از مصدر زیستن. (۲) - «نباشد» = وجود نداشته باشد. (۳) - «نبود» = وجود نداشت.

۸۳- جواب (۴). جمله‌ها عبارتست از: ۱- به‌مارهاهی مانی ۲ و ۳ - نه این تمام هستی نه آن تمام هستی. ۴- منافقی چه کنی ۵- مار باش ۶- ماهی (باش).

۸۴- جواب (۳). معنی و مفهوم بیت است. یعنی یکی از بازیهای قشنگ روزگار، قرار دادنِ تو پیش استاد است.

۸۵- جواب (۴).

۸۶- جواب (۳).

۸۷- جواب (۳). زیرا سه جمله دارد. بنده منادا و یک جمله است. تو زمان هستی و تو زمین هستی، هر یک، یک جمله و در مجموع سه جمله. اما سایر گزینه‌ها هر یک دو جمله.

۸۸- جواب (۱). یعنی این که خدا انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داده *(فارسی اول)*.

۸۹- **جواب (۳)**.

۹۰- **جواب (۴)**. زیرا چنین بوده: مردن تو از مردم آزاری بهتر است.

۹۱- **جواب (۳)**. زیرا شتا به معنیِ «زمستان» است.

۹۲- **جواب (۳)**. «را» حرف اضافه و به معنی «از» آمده و پارسا متمم است.

۹۳- **جواب (۳)**. زیرا غفلت معادل خواب و نعمت معادل «بهتر» است.

۹۴- **جواب (۳)**. در گذشته برای ساختن فعل مجهول از مصدر آمدن استفاده می‌کرده‌اند. گزینه (۱) ماضی التزامی، گزینه (۲) مضارع مجهول. گزینه (۴) مضارع مجهول و بالاخره گزینه (۳) ماضی نقلی مجهول.

۹۵- **جواب (۴)**. «ایستانیده» صفت مفعولی از ایستانیدن و معلوم است. اما در گذشته از مصدر آمدن، برای ساختن فعل مجهول استفاده می‌کرده‌اند لذا، گفته آمد، گفته آید و گفته شود مجهول هستند.

۹۶- **جواب (۴)**. زیرا پروین در سرودن رباعی هیچگونه تخصصی نداشته است.

۹۷- **جواب (۱)**. و گناه «مسند» است.

۹۸- **جواب (۳)**. و سه گزینه دیگر مورد ندارد.

۹۹- **جواب (۱)**. زیرا جمله مستقیم آن = دیده (چشم) در دامن تو (وجود تو) جز آلودگی (بدکاری و ستمگری) ندید.

۱۰۰- **جواب (۲)**. فعلها عبارتند از : «مُردی، شدی و نیست».

۱۰۱- **جواب (۴)**. زیرا جمله چنین است: یک مرد رزمجوی در سپاه تو وجود ندارد.

۱۰۲- **جواب (۳)**. زیرا امیر عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندربن قابوس کتاب را خطاب به فرزندش گیلانشاه نوشته و از نثرهای زیبای ادب فارسی است.

۱۰۳- **جواب (۱)**. آدمی «نهاد» است یعنی هم فاعل است برای تلاش می‌کند و «مسندالیه» است برای باید «لازم است».

۱۰۴- **جواب (۳)**. زیرا «نپاید» و «نشاید» فعل اصلی هستند. سایر فعلهای معین عبارتند از : «است»، «بباید» و آمد به جای «شد».

۱۰۵- **جواب (۲)**. و فعلها عبارتند از: ۱-گفت ۲- رنجید ۳-گو ۴- باش ۵-گوش نکنیم.

۱۰۶- **جواب (۴)**.

۱۰۷- **جواب (۳)**. و این جمله مقصود شاعر است که در توضیحات درسِ نَفَس باد صبا، فارسی کلاس اول آمده است.

۱۰۸- **جواب (۴)**. کحّال، کسی است که درد چشمها را درمان می‌کند.

۱۰۹- جواب (۳). زیرا در مصرع دوم، منظور از حق خداوند است. یعنی هر که بگوید که خداوند نفرموده و سخن خدا نیست کافر است.

۱۱۰- جواب (۳). فارسی اول درس قرآن.

۱۱۱- جواب (۲). و سبق به معنی پیش رفتن و از دیگران درگذشتن یا مقداری از کتاب که هر روز آموخته شود.

۱۱۲- جواب (۳). زیرا در مصرع اول آمده است که معنی قرآن را باید از قرآن پرسید و در آیه هم آمده است، بخشی از قرآن بخش دیگر را تفسیر و بیان می‌کند.

۱۱۳- جواب (۴). و اشاره به پندار کافران و منکران قرآن، امثال ابوجهل است که می‌گفتند قرآن اساطیر الاولین است یعنی افسانه‌های گذشتگان ***(سوره انعام - آیه ۲۵).***

۱۱۴- جواب (۳). زیرا آمده است که من قرآن را محافظت می‌کنم و بر معنی آیه دلالت دارد که می‌فرماید ما قرآن را فرستادیم و حافظ او هستیم.

۱۱۵- جواب (۲). زیرا در مصرع سوم آمده است «من حافظ کتاب و معجز تو هستم» که منظور «خداوند تبارک و تعالی» است.

۱۱۶- جواب (۲). فعل «گشتیم» یعنی گردش کردیم و خاص است. در گزینه (۱) «است» و در (۳) گشت و در (۴) «است» حذف شده و همگی ربطی هستند.

۱۱۷- جواب (۴). «آن شنیدستی» = جمله پایه و بقیهٔ بیت پیرو است.

۱۱۸- جواب (۴). عبارت دو جمله است و «است» در جمله دوم به قرینه اول حذف شده است. باید توجه داشت که «فلان» سوم ضمیر مبهم و به جای او نشسته و جمله چنین است: «و این قباله فلان زمین است و فلان چیز را او ضمین (ضامن) است.

۱۱۹- جواب (۱). زیرا «من» حرفهای قافیه است و ردیف ندارد.

۱۲۰- جواب (۴). معنی مصرع اول نیست و معنی آن عبارتست از : اروپا اسیر و کشتهِ فسادِ تمدنِ مادّی و بیدینی خود شد. در مصرع اول «بسمل فتاد» به معنی «کشته شده» آمده و در گزینه (۱) درست است. زیرا موقع کشتن حیوان «بسم الله» گویند و بسمل شامل حال هر حیوانی می‌شود که قربانی کنند (۳) به جانور سربریده هم اطلاق می‌شود.

۱۲۱- جواب (۴). زیرا تنقید به معنیِ «انتقاد» و خرده‌گیری و یا جداکردن خوب از بد می‌باشد.

۱۲۲- جواب (۳). بیداد و داد و رد و قبول اختیار اوست، پس، خواست، خواستِ یار است.

۱۲۳- جواب (۴). این بیت مطلع یک غزل سعدی است که در فارسی اول دبیرستان آمده است.

۱۲۴- **جواب (۳)**. زیرا کسب رضای دوست (خدا) تسلیم در برابر او (حق) است.

۱۲۵- **جواب (۳)**. سدیدالدین محمد عوفی در قرن ششم و هفتم می‌زیست که این دو کتاب ارزنده را نوشته است و شامل حکایات ادبی و اشعار و شرح حال بزرگان و شاعران است.

۱۲۶- **جواب (۴)**. جمله فعلیه است و دو مفعول دارد و فعل «آراست» هم خاص است، لذا، مسند و مسندالیه ندارد.

۱۲۷- **جواب (۳)**.

۱۲۸- **جواب (۴)**. جمله معترضه را بین دو خط تیره (-) می‌نویسیم.

۱۲۹- **جواب (۲)**.

۱۳۰- **جواب (۱)**.

رَبَّنا فَاغْفِر لَنا ذُنوبَنا وَ کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الاَبرار

(۱۹۲ - آل عمران)

پروردگارا پس بیامرز برای ما گناهان ما را و بازپوشان از ما بدیهای ما را و بمیران ما را با نیکان.

* * * * *

تمرین چهارجوابی: درک مطلب، تاریخ ادبیات، دستور، صنایع ادبی و کلمات مترادف از فارسی و دستور دوم دبیرستانها

****

«به نام آن که جان را فکرت آموخت چراغ جان به نور دل برافروخت

۱- با توجه به بیت بالا تمام گزینه‌ها بجز گزینه... درست است.

۱- به نام آن = جمله پایه ۲- «را» : حرف نشانه مفعول

۳- بیت : ۳ جمله ۴- فعلهای : آموخت و برآفروخت : متعدی

۲-کدام گزینه دربارهٔ رودکی درست است؟ (آ - س)

۱- در دربار سامانی و صفاری زندگی می‌کرد.

۲-کلیله و دمنه را از عربی به نثر فارسی گردانده است.

۳- مرگ او در قرن چهارم هجری واقع شده است. ۴- «مسمّط» از ابتکارات اوست.

۳-کدام جمله از نظر نگارش درست تر است؟

۱- آثار قدرت او از چهره روز، تابان است. ۲- آثار او بر چهره روز روشن تابان است.

۳- بر چهر روز روشن آثار قدرت او تابان است.

۴- آثار قدرت او بر چهره روز روشن تابان است.

۴-کدام گزینه نادرست است؟

۱- سپاس و ستایش مر خدای را : سپاس و ستایش مخصوص خداست.

۲- بدایع ابداع در عالم پدید آورد: تازه‌های هر چیز نو را به وجود آورد.

۳- صحن گیتی را به نور علم آذین بستند: جهان را روشن و منّور کردند.

۴- چراغ برکردن = روشن کردنِ چراغ.

۵- املای چند کلمه در عبارت : «در فترت کاینات به وزیر و مشیر و مؤونت و مضاهرت محتاج نگشت و رسولان فرستاد تا خلق را از ظلمت جهل وظلالت برهانیدند» غلط است؟

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۶- مفهوم جمله : «***بدایع ابداع در عالم پدید آورد***» برکدام صفت تکیه دارد؟ (آ- س)

۱- دوباره آفرینی ۲- شگفت آفرینی ۳- ناگهان آفرینی ۴- نوآفرینی

۷- جمله: «***بخشاینده‌ای که تار عنکبوت را سدّ عصمت دوستان کرد***» دارای صنعت:

۱- تضاد ۲- ترصیع ۳- تلمیح ۴- مراعات نظیر

۸- جملهٔ : «***نیش پشّه را تیغ قهر دشمنان گردانید***» دارای صنعت ...

۱- مراعات نظیر ۲- تلمیح ۳- تضاد ۴- نیست

۹- بدعت یعنی :

۱- زیباسازی ۲- شگفتی در کار ۳- کفرگویی ۴- نوآوری در دین

۱۰- کدام دو کلمه در گزینه‌های زیر مترادف نیستند؟

۱- گزاف = فراوان ۲- بدایع : نوآوری ۳- فضیلت: برتری ۴- معرفت: شناخت

۱۱- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن «***گمراهی***» درست است ؟ (آ- س)

۱- ذلالت ۲- زلاّت ۳- ضلالت ۴- ظلالت

۱۲- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن «***لغزش و خطا***» درست است؟ (آ -س)

۱- ذلّت ۲- زلّت ۳- ضَلّت ۴- ظلّت

۱۳- ... بزرگترین شاعری است که داستانهای بزمی می‌سراید.

۱- مولوی ۲- فخرالدین اسعد گرگانی ۳- عطار نیشابوری ۴- نظامی گنجوی

۱۴- کدام کتاب اثر نظامی گنجوی نیست ؟ (آ - س)

۱- اسکندرنامه ۲- خسرو و شیرین ۳- لیلی و مجنون ۴- هفت اورنگ

۱۵- با توجه به مصرع : «***همه آفریده است بالا و پست***» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

۱- آفریده است : ماضی نقلی ۲- آفریده است : مسند و رابطه

۳- همه : ضمیر مبهم ۴- مصرع : یک جمله

۱۶-گزینه نادرست با توجه به بیت : «***خدایا جهان پادشاهی تو راست/ زما خدمت آید خدایی تو راست***» کدام است؟

۱- تو را : مسند ۲- خدای : منادا

۳- جهان پادشاهی: ترکیب وصفی مقلوب ۴- بیت : چهار جمله

۱۷-کدام گزینه جملهٔ مستقیم بیتِ «مرا در غبار چنین تیره خاك | تو دادی دل روشن و جان پاك » است ؟

۱- تو مرا در غبار چنین تیره خاك، دل روشن و جان پاك دادی.

۲- تو دل روشن و جان پاک ، در غبار چنین تیره خاك به من دادی

۳- تو در غبار چنین تیره خاك ، دل روشن و جان پاک به من دادی.

۴- تو در غبار چنین تیره خاك ، به من دل روشن وجان پاک دادی.

۱۸- با توجه به بیت : «مهندس بسی جوید از رازشان| نداند که چون کردی آغازشان» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است؟

۱- «شان» در مصرع اول ضمیر متصل است. ۲- «شان» در مصرع دوم مفعول است.

۳- فعلهای بیت = جوید، نداند، کردی ۴- مهندس = فاعل

۱۹- مفهوم مصراع : «چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را؟» با کدام گزینه مناسب‌تر است؟ (آ - س)

۱- برای وفاداری با سر بشتابد ۲- بی وفایی را از سر بدر کند.

۳- رسم وفاداری را خاتمه دهد ۴- شرط وفاداری را تماماً به جای آورد.

۲۰- جمله مستقیم مصرع : «چه زنم چو نای هردم| ز نوای شوق او دم» عبارتست از:

۱- ز نوای او چو نای دم چه زنم ۲- هر دم چه زنم ز نوای شوق او دم چو نای

۳- هر دم ز نوای شوق او چو نای چه دم زنم ۴- هر دم چو نای چه دم ز نوای او زنم

۲۱- بیت : «به امید آن که شاید برسد به خاك پایت | چه پیامها سپردم همه سوز دل صبا را» چند جمله است؟

۱- دو جمله ۲- سه جمله ۳- چهار جمله ۴- یک جمله

۲۲- با توجه به مصرع : «نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است؟

۱- مصرع : ۴ جمله ۲- خدا و بشر: نقش تمیزی ۳- «ش»: مفعول

۴- هر دو «نه» حرف ربط مزدوج

۲۳- کدام گزینه نامناسب است ؟

۱- به دوست عهد بندد: با خدا پیمان بندد ۲- دست یازیدن : دست دراز کردن

۳- عَلَم کردن : برپا کردن ۴- مجارات : جمعِ مجار

۲۴- در کدام گزینه «را» نشانهٔ مفعول نیست ؟

۱- که عَلَم کند به عالم شهدای کربلا را ۲- جواهر ببخش دل سنگ را

۳- به علی شناختم من به خدا قسم خدا را ۴- شماریم خود را همه همسران.

۲۵- در کدام گزینه مفعول وجود ندارد؟

۱- حذر کن ز آنچه دشمن گوید آن کن ۲- از او برگرد و راه دست چپ گیر

۳- گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید ۴- ندیدم در این هیچ روی پدر

۲۶- در کدام گزینه «را» نشانه مفعول است ؟

۱- زمانه را چو نکو بنگری همه پند است ۲- خویی که از نخست کسی را به سر نشست

۳- او را هماره تا به دم مرگ بر سراست ۴- مرا بین که از پای تا سر بسوخت

۲۷- کتاب اخلاق ناصری از کیست ؟ و به نام چه کسی تألیف شده است؟

۱- از خواجه نظام الملک به نام ملکشاه سلجوقی

۲- خواجه نصیرالدین به نام ناصرالدّین

۳- خواجه نصیرتوسی به نام ناصرالدّین شاه ۴- از ناصرالدّین شاه به نام ناصری

۲۸- اخلاق ناصری، کتابی است به زبان فارسی که .....

۱- نویسنده درباره حکمت عملی و اصول اخلاق نوشته است.

۲- نویسنده از سخنان افلاطون و ارسطو در زمینه اخلاق استفاده کرده است.

۳- نویسنده، عقاید گذشتگان را شرح کرده است.

۴- این کتاب در قرن ششم تألیف شده است .

۲۹- مفهوم عبارت: «از حکیمی پرسیدند که، چرا استماع تو از نطق زیادت است» کدام است؟ (آ - س)

۱- از چه بیش، فرمان می‌بری و اعتراض نمی‌کنی.

۲- از چه دو گوش داری و یک زبان بیش نداری.

۳- چرا بیش گوش می‌داری و کم می‌گویی.

۴- چرا پُر گویی، ترا از شنیدن باز می‌دارد.

۳۰- عبارت : «*مرا دو گوش داده‌اند و یک زبان یعنی دو چندان که گویی می‌شنو*» چند جمله و مفعول جمله اول کدام است؟

۱- سه جمله، مرا ۲- چهار جمله، دو گوش ۳- پنج جمله، دو گوش ۴- پنج جمله ، مرا

۳۱- معنی کدام کلمه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (آ - س)

۱- تیماج ۲- ساغری ۳- همیان ۴- پوست دباغی شده

۳۱/۱- کلمات کدام گزینه مترادف است ؟

۱- اذعان - انکار ۲- سب - شتم ۳- طرد - اخذ ۴- مفترق- مشترک

۳۲- همه گزینه‌ها بجز گزینه .... دربارهٔ سبکساری درست است. (آ - س)

۱- اسم مرکب ۲- اسم مصدر ۳- اسم معنی ۴- حاصل مصدر

۳۳- بیت : «چو زینب زنانی به رغم اسارت ره دخت زهرای اطهر گرفته | فری دخترانی به پاکّی و عصمت که گوهر از آن پاک مادر گرفته» چند جمله است ؟

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۳۴- درکدام گزینه پسوند «*ی*» در مفهوم مفعولی به کار رفته است.

۱- انگیزه روانی ۲- راز نهانی ۳- کتاب خواندنی ۴- مرد جنگی

۳۵- با توجه به بیت :«در جوانی حمزه ، عم مصطفی | با زره می‌شد مدام اندر وغا» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است ؟

۱- عم مصطفی : بدل ۲- می‌شد: فعل ربطی ۳- مدام : قید ۴- وغا : متمم

۳۶- بیت : «اندر آخر حمزه چون در صف شدی | بی زره سرمست در غزو آمدی» یعنی: حمزه : (آ - س)

۱- بی‌باک به کارزار می‌شتافت ۲- بی زره وارد کارزار می‌شد

۳- در آخر صف بی‌زره کارزار می‌کرد ۴- سرمست و بی‌زره در صف کارزار بود.

۳۷- مفهوم بیت : «آن که مُردن پیش چشمش تهلکه است | امر «لا تُلقوا» بگیرد او به دست» در وصف چه کسی است ؟ (آ - س)

۱- آن که مرگ را با روی خوش استقبال می‌کند.

۲- آن که مرگ را پایان زندگی می‌داند.

۳- آن که مرگ را سعادتی عظیم می‌شمارد. ۴- آن که مرگ را مرحله‌ای از زندگی می‌شمارد.

۳۸- کدام گزینه معنی روان مصرع : «***نیستم این شهر فانی را زبون***» است؟

۱- من تو سری‌خور این دنیای فانی نیستم ۲- من زیر بار این دنیا نمی‌روم.

۳- من زبون و بیچاره این دنیای ناپایدار نیستم ۴- من تابع این جهان نیستم.

۳۹- «***را***» در مصرع : «***کی بود تمییز تیغ و تیر را***» از چه نوع است ؟

۱- حرف اضافه ۲- نشانه معفول ۳- فک اضافه ۴- زاید

۴۰- نقش دستوری «***این شهر***» در بیت زیر چیست؟ (آ - س)

«لیک از نور محمد من کنون نیستم این شهر فانی را زبون»

۱- اسنادی ۲- اضافی ۳- متممی ۴- مفعولی

۴۱- در کدام مصراع «***را***» به معنی «***به***» به کار رفته است؟ (آ - س)

۱- پند می‌دادند او را از عبر ۲- بود بقراط را خمی مسکن

۳- تیغ، حرمت می ندارد پیر را ۴- کی بود تمییز تیغ و تیر را

۴۲- املای کلمات همه گزینه‌ها بجز گزینه ... با توجه به معنی مقابل آن صحیح است.

۱- زَفت : نیرومند ۲- فحل : دلیر ۳- نَسق : شیوه ۴- نَمت : روش

۴۳- معنی مصراع : «***که استقامت از شما رسیده کوهسار را***» در کدام گزینه است؟

۱- استواری و پایداری شما کوهها را متلاشی می‌کند.

۲- شما ایستادگی و استواری را از کوهساران آموخته‌اید.

۳- شما درکوهستانها استقامت بیشتری از خود نشان می‌دهید.

۴-کوه ایستادگی و پایداری را از شما آموخته است.

۴۴-درکدام مصراع فعل ربطی هست ؟ (آ- س)

۱- بهار شد، بهار شد، وطن چو لاله زار شد

۲- بهار شد، بهار شد، دریغ از آن، دریغ از آن

۳- بهار شد چو خزان ازدر آمد باز

۴- بهار جوانی شد از دست ما

۴۵- با توجه به جملهٔ «در میان این شهر مرد پاره دوزی در دکان چوبی محقّری زندگی می‌کرد» گزینه نادرست کدام است؟

۱- ی در «پاره دوزی» : نکره

۲- ی در «چوبی» : نسبی

۳- ی در «محقّری» : نکره

۴- این : مضاف الیه و ضمیر اشاره

۴۶-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ی فاعلی در ترکیبهای ، مرد جنگی و گوهری وجود دارد.

۲- ی لیاقت در ترکیبهای، خوردنی و شنیدی وجود دارد.

۳- ی مصدری در ترکیبهای، خوبی و بدی وجود دارد.

۴- ی جانشین فعل هستی، درکجایی، چه طوری وجود دارد.

۴۷- درکدام گزینه مفعول هست ؟

۱- دعای ما نثارتان، دلاوران عصر ما!

۲- فرات تشنه می‌رود ز سوک تشنگان ما.

۳- سوخته پر منم، منم، به شعله مرادخود

۴- سپیده در سپیده دم طلوع آفتاب بین.

۴۸- درکدامیک از مصراعهای زیر مفعول نیست ؟

۱- وه که به جان خریده‌ام لذت این شرار را

۲-که استقامت از شما رسیده کوهسار را

۳-که سیل نور می‌کند ریشه شام تار را

۴- بخوان، بخوان ز دفترم شوکت این تبار را

۴۹- کدام صنعت ادبی در بیت : «سپیده در سپیده دم طلوع آفتاب بین | که سیل نور می‌کند ریشه شام تار را» دیده نمی‌شود.

۱- صنعت تخلّص ۲- مراعات نظیر ۳- تضاد ۴- سجع

۵۰- مفهوم بیت : «ماری تو که هر که را ببینی بزنی| یا بوم که هر کجا نشینی بکنی» به کدام گزینه نزدیکتر است ؟ (آ - س)

۱- همه را می‌آزاری ۲- کار تو ویرانگری است

۳- شرارت، ذاتی توست ۴- با هیچ کس سرسازگاری نداری

۵۱- ***«از اینان یکی سر برنمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد»*** یعنی :

۱- فقط یک نفر از اینها، برای نماز صبح بیدار نمی‌شود.

۲- یکی از این دو نفر برنمی‌خیزد که دوباره نماز بخواند.

۳- یکی از اینها سرافکنده است چون نماز نمی‌خواند.

۴- یکی از اینها بیدار نمی‌شود تا نماز دور رکعتی بجای آرد.

۵۲- در بیت : «نبیند مدّعی جز خویشتن را|که دارد پرده پندار در پیش» علّت خودبینی مدّعی در چیست ؟ (آ - س)

۱- احساس بی‌نیازی نسبت به دیگران ۲- بی‌توجهی به عواقب کارها

۳- پیروی از لذّات زندگی ۴- حجاب کمال عقل

۵۳- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- نماز پیشین: نماز ظهر ۲- نماز پسین: نماز عشاء ۳- نماز دیگر : نماز عصر

۴- دوگانه‌ای بگزارد: دو رکعت نماز بخواند یا نماز دو رکعتی بخواند.

۵۴- انواع «ی» در بیت : «خبیث را چو تعهّد کنی و بنوازی | به دولت تو گنه می‌کند به انبازی» به ترتیب عبارتست از :

۱- ضمیر فاعلی، ضمیر فاعلی، نکره ۲- ضمیر فاعلی، شناسه، مصدری

۳- شناسه، شناسه، نکره ۴- ضمیرفاعلی، ضمیر فاعلی، مصدری

۵۵- در جملهٔ ***«رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیکان»*** مسند کدام است ؟

۱- رحم آوردن ۲- بدان ۳- ستم ۴- نیکان

۵۶- «بیفایده هر که عمر درباخت | چیزی نخرید و زر بینداخت» مناسب است با: (آ - س)

۱- عمر باختن و زر انداختن فاید ندارد ۲- عمر آدمی باید سودمند باشد.

۳- عمری که در آن چیزی نخریده بی‌فایده است.

۴- کسی که عمری باخته است زر نخریده انداخته است.

۵۷- مفهوم درستِ «***رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیکان***» در کدام گزینه است (آ - س)

۱- باید بدان را عفو کنیم تا بر نیکان ستم نکنند.

۲- بدان قابل ترحّمند، اگرچه بر نیکان ستم کرده‌اند.

۳- بخشش ستمگران، نوعی نیکوکاری است.

۴- بخشودن بدان، نوعی ستم بر مردم نیک است.

۵۸- بیت : «خامشی به که ضمیر دل خویش | با کسی گفتن و گفتن که مگوی» چه چیز را توصیه می‌کند (آ - س)

۱- با خاموشی، اسرار خود را حفظ کن ۲- با خاموشی درِ گفتگو را بر همه ببند

۳- خاموشی نشان رضاست ۴- خاموشی ز نادان سخت نکوست.

۵۹- مفهوم بیت : «پیش دیوار آنچه گویی هوش دار| تا نباشد در پسِ دیوار گوش» بر کدام گزینه تکیه دارد؟ (آ - س)

۱- ترس و نگرانی ۲- دوراندیشی و پیش‌بینی

۳- سکوت و خویشتنداری ۴- کاردانی و شایستگی

۶۰- بیت : «بشوی ای خردمند از آن دوست دست |که با دشمنانت بود هم نشست» حامل چه پیامی است ؟ (آ - س)

۱- ترک دوستی ۲- طردِ منافق ۳- پرهیز از خصومت ۴- میانه‌روی در محبّت

۶۱-گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- طرح : ریختن ۲- حیف : ستم ۳- در پوستین خلق افتادن: کنایه از عیبجوئی است

۴- هر که پرهیز و زهد و علم فروخت : هر که پرهیزگار گشت و عالم گشت.

۶۲- مفهوم عبارت : «**خشم بیش از حد گرفتن وحشت آرد و لطف بی‌وقت هیبت ببرد**» با کدام گزینه مناسبتر است ؟ (آ - س)

۱- با بدان بد باش و با نیکان نکو ۲- جای گل، گل باش و جای خار، خار

۳- درشتی و نرمی به هم‌در، به است ۴- هر چیز به جای خویش نیکوست.

۶۳- مفهوم کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- ای سلیم! آب ز سرچشمه ببند که چو پر شد نتوان بستن جوی

۲- بگفتا: نیمکردی کن نه چندان که گردد خیره گرگ تیز دندان

۳- پسندیده است بخشایش ولیکن منه بر ریش خلق آزار، مرهم

۴- ندانست آنکه رحمت کرد بر مار که آن ظلم است بر فرزند آدم

۶۴- بیت «درشتی نگیرد خردمند پیش | نه سستی که ناقص کند قدر خویش» خردمند را چگونه انسانی می‌داند؟ (آ - س)

۱- درون گرا ۲- خویشتن دار ۳- متعادل ۴- نرمخو

۶۵- کدام گزینه به مفهوم این بیت نزدیک است ؟ (آ - س)

«برو با دوستان آسوده بنشین چو بینی در میان دشمنان جنگ»

۱- اختلاف بینداز و حکومت کن ۲- اختلاف دشمنان را غنیمت دان

۳- با دوستان بساز و با دشمنان بستیز ۴- به یاری دوستان با دشمنان بجنگ

۶۶- گزینه نادرست با توجه به بیت : «گرت به سایه در آسایشی به خلق رسد| بهشت بردی و در سایهٔ خدای آسای» کدام است؟

۱- ی در «آسایشی» : نکره ۲- آسایشی : فاعل

۳- ت در «گرت» : مضاف الیه ۴- آسای = دوم شخص مضارع

۶۷- با توجه به بیت : « ورنه چو ناموس رفت نام نماند | خانه نپاید چو خانواده پراکند» گزینه نادرست کدام است؟

۱- بیت ۵ جمله ۲- چو : حرف ربط

۳- نپاید : از مصدرِ پاییدن یا پایستن ۴- نماند : ماضی ساده

۶۸- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ؟

۱- هَرَج : تنگی ۲- حایل : مانع ۳- هایل : ترسناك ۴- غنود: خوابید

۶۹- کدام دو کلمه مترادف نیستند؟

۱- حیف : ستم ۲- طرح : ریختن ۳- فاصد : آلوده ۴- گزاردن: بجای آوردن

۷۰- املای کدام گزینه غلط است ؟

۱- الفاظ قریب و کنایات نامستعمل به کار ندارد.

۲- اگر بدان محتاج شود قلق و ضجرت ننماید.

۳- تا خلق را از ظلمت جهل و ضلالت برهانیدند.

۴- چه غیبت فاکهه اهل نار است.

۷۱- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- سر آزار داشتن : قصد رنجاندن داشتن

۲- در پوستین خلق افتادن : کنایه از عیب‌جویی و غیبت کردن

۳- تعهد کردن: مواظبت کسی را بر عهده گرفتن

۴- به هم برکردن : متصل کردن

۷۲- کلمات کدام پاسخ «***مترادف***» نیستند؟ (آ - س)

۱- زلّت و خطا ۲- سرادق و سراپرده ۳- صدا و صوت ۴- مصون و محفوظ

۷۳- کدام گزینه به ترتیب حاصل مصدر- اسم مصدر است؟ (آ - س)

۱- بخشش - پاکدامنی ۲- دوستی - رفتار ۳- رفتار - تاریکی ۴- سوز- نیکی

۷۴- ساخت کدام «***اسم مصدر***» با «***اسم مصدر***»های دیگر متفاوت است؟ (آ - س)

۱- جست و جو ۲- رفت وروب ۳- سوخت وساخت ۴- گفت وگو

۷۵- کدام پاسخ مصدر جعلی نیست؟ (آ - س)

۱- شنیدن ۲- طلبیدن ۳- طوفیدن ۴- فهمیدن

۷۶- «***سبك شناسی***» اثر کیست ؟ (آ - س)

۱- اقبال لاهوری ۲- پروین اعتصامی ۳- علی‌اکبر دهخدا ۴- محمدتقی بهار

۷۷- درکدام بیت صفت بیانی هست ؟ (آ - س)

۱- آن شاخه‌های نارنج اندر میان ابر چون پاره‌های اخگر اندر میان دود

۲- از تیغ کوه تالب دریا کشیده‌اند — فرشی کش از بنفشه و سبزه است تاروپود
۳- برطرف رود چون بوزد باد بر درخت — آید به گوش نالهٔ نای و صفیر رود
۴- بنگر بدان درخش کز ابر کبود فام — برجست و روی ابر به‌ناخن همی شخود

۷۸- با توجه به بیت : «خویی که از نخست کسی را به سر نشست | او را همواره تا به دم مرگ بر سر است» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است.

۱- «را» فک اضافه است ۲- کسی: مضاف الیه ۳- او: مفعول ۴- خویی: نهاد

۷۹- در بیت: «کوه از درخت گویی مردی مبارز است | پرهای گونه گون زده چون جنگیان به خود» چه صنعتی از صنایع بدیعی وجود دارد؟

۱- مراعات نظیر ۲- تضاد - تشبیه ۴-کنایه

۸۰- دو مصرع بیت : «آن شاخهای نارنج اندر میان ابرا چون پاره‌های اخگر اندر میان دود» نسبت به هم با کدام صنعت‌های زیر مطابقت دارند؟

۱- استعاره ۲- ایهام ۳- تشبیه ۴-کنایه

۸۱- بیت : «کز سبزه و بنفشه و گلهای رنگ رنگ | گویی بهشت آمده از آسمان فرود» چه صنعتی دارد؟

۱- تضاد ۲- تشبیه ۳- مراعات نظیر ۴- ایهام

۸۲- کدام دو کلمه از نظر ساختمان با دو کلمه «**سنب و سنبه**» شباهت دارد؟ (آ - س)

۱- رند ، رنده ۲- دماغ، دماغه ۳- ریش، ریشه ۴- تیغ، تیغه

۸۳- رابطه کدام دو کلمه با کلمه‌های «**خند، خنده**» همانندی دارد؟

۱-گیر، گیره ۲-کوب ،کوبه ۳- پوی ، پویه ۴- رست ، رسته

۸۴- کدام گزینه درباره سنایی غزنوی شاعر و عارف معروف ایرانی درست نیست؟

۱- او در تغییر سبک شعر فارسی و ایجاد تنوع و تجدد در آن مؤثر بوده است.

۲- در مرحلهٔ نخستین زندگی، شاعری مدیحه سرا بود.

۳- در مرحلهٔ دومِ زندگی افکار اخلاقی و عرفانی خود را در سبک حقیقی خودنشان داده است.

۴- وی کتاب «التّحصیل» را در قرن ششم نوشته است .

۸۵- با توجه به بیت : «گنهم محوکن بیامرزم | کز گرانی چو کوه البرزم» گزینه نادرست

کدام است ؟

۱- م در البرزم : مسندالیه ۲- م در بیامرزم : مفعول

۳- م در گنهم : مفعول ۴- کوه : متمم

۸۶- مفهوم مصرع : «**گفت برتر شو از بر خورشید**» چیست ؟ (آ - س)

۱- از جلو خورشید کنار برو و سایه‌ات را از سرم کم کن

۲- از خورشید تابان هم تابان‌تر باش.

۳- اوج بگیر و از خورشید هم بالاتر برو

۴- چون به نزد خورشید رسیدی از آنجا پرواز کن

۸۷- در کدام بیت ضمیر هست ؟ (آ - س)

۱- ای خداوند فرد بی‌همتا جسم را همچو اسم بخش سنا

۲- برتری مر خدای را زیباست که به ملکت همیشه بی‌همتاست

۳- روزی از اتفاق سرما یافت از سوی خم به سوی دشت شتافت

۴- گفت بر تو شو از برِ خورشید که رطب خیره بار نارد بید

۸۸- با توجه به بیت : «بود بقراط را خمی مسکن | بودش آن خم به جای پیراهن» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است ؟

۱- بقراط : مضاف الیه ۲- بقراط : اسم خاص

۳- «را» : فک اضافه ۴- «را» نشانهٔ مفعول

۸۹- کدام گزینه دربارهٔ سناعی نادرست است ؟ (آ - س)

۱- از سبک شعری عطار بهره فراوان برد ۲- در تغییر سبک شعر فارسی مؤثر بود

۳- دو سبک شعری متفاوت داشت

۴- سبک حقیقی شعریش متعلق به دوران دوم زندگی اوست

۹۰- کدام گزینه جمله مستقیم مصرع : «که رطب خیره بار نارد بید» است ؟

۱- که بید خیره رطب بار نارد ۲- که رطب بید خیره بار نارد

۳- که خیره، بید، بار نارد رطب ۴- که خیره بید رطب بار نارد

۹۱- با توجه به بیت : «شد برِ او فراز و گفت ای تن | گر بخواهی سبک سه حاجه زمن »

گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- شد : فعل جمله اول ۲- بیت : چهار جمله

۳- سه حاجه: مفعول ۴- فراز: پیشوند فعل

۹۲- کلمه «*ناشناخته*» در عبارت :«*ارزش انقلاب الهی ما برای دشمنان ناشناخته است؟*» چه نوع صفتی است ؟ (آ - س)

۱- فاعلی ۲- لیاقت ۳- مفعولی ۴- نسبی

۹۳- ساخت دستوری کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- جریده ۲- چریده ۳- خریده ۴- خزیده

۹۴- درکدام مصراع، صفت جانشین موصوف شده است؟ (آ - س)

۱- بنی‌آدم و مرغ و مور و مگس ۲- هر کجاست خدایا بسلامت دارش

۳- پرستار امرش همه چیز و کس ۴- آن سفر کرده که صد قافله همره اوست

۹۵- از بیت: «پرستار امرش همه چیز و کس | بنی آدم و مرغ و مور و مگس» فهمیده می‌شود که :

۱- همه موجودات مخلوق اویند ۲- همه موجودات او را می‌پرستند.

۳- پرستاری از همه موجودات لازم است ۴- پرستاری آدم از حیوان ثواب است

۹۶- کدام پاسخ در مورد قطعه درست است ؟ (آ - س)

۱- تمام مصراعهای آن قافیه دارد ۲- مصرع اول ومصرع زوج آن قافیه دارد.

۳- مصرعهای آن دو به دو قافیه دارد ۴- مصرعهای زوج آن قافیه دارد.

۹۷- مفهوم بیت : «آتش حب الوطن چو شعله فروزد | از دل مؤمن کند به مجمره اسپند» درکدام گزینه آمده است؟ (آ - س)

۱- دل مؤمن از عشق وطن در سینه می‌تپد ۲- دل مؤمن در آتش عشق وطن می‌سوزد.

۳- دل مؤمن شرار آتش وطن در خود دارد ۴- دل مؤمن کانون گرم وطن دوستی است.

۹۸- مفهوم بیت : «دانه باشی، مرغکانت برچنند | غنچه باشی کودکانت برکنند» کدام گزینه را توصیه می‌کند؟

۱- بازیچه مباش ۲- سهل الوصول مباش ۳- فروتن مباش ۴- ناتوان مباش

املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ؟

۹۹) ۱- فطرت : سستی ۲- فترت : سستی ۳- ابداع : نوآوری
۴- ذلّت : خواری

۱۰۰) ۱- نطق: سخن گفتن ۲- معونت : خرجی ۳- یاریگر: کمك کننده
۴- مظاهرت : پشتیبانی کردن

۱۰۱) ۱- آذین : آرایش ۲- هیبت : شکوه ۳- خرجگذار: مالیات دهنده
۴- بارقه : درخشنده

۱۰۲- ۱- ضلالت : گمراهی ۲- بدایع: تازه‌ها ۳- تعرض: دست درازی
۴- زلت : خواری

۱۰۳) ۱- غریب : نزدیک ۲- ضجرت : تنگدل شدن ۳-کاره: ناپسند
۴- قلق : ناآرامی

۱۰۴) ۱- ذلیل : خوار ۲- ضلیل : خوار ۳- طرد: راندن
۴- حصر: منحصر کردن

۱۰۵) ۱- وفاق : سازگاری ۲- سَب: دشنام ۳- هایل: مانع
۴- سَلَف: پیشینیان

۱۰۶) ۱- حرمت : آبرو ۲- وغا: جنگ ۳- اسم :گناه ۴- هژبر: دلیر

۱۰۷) ۱-گذاردن: بجای آوردن ۲- وجاهت : زیبایی
۳- تغابن:زیانکای ۴- مولع : آزمند

۱۰۸) ۱- فضول : یاوه گو ۲- بصر: بینایی ۳- سنا: ستایش
۴- غنود : خوابید

۱۰۹) ۱- سترگ : بزرگ ۲- تابعین: پیروان ۳- غَنا: توانگری
۴- نسیب: بهره

۱۱۰) ۱- طعن: ملامت ۲- تعریض: به کنایه صحبت کردن
۳- عزیم: بزرگ ۴- ضجرت : ناآرامی

****

۱۱۱-کدام گزینه معنی مصرع : «و زهمه بدبر تن تو جوشن است» می‌باشد؟

۱- و از همه بدیها بر تن تو است ۲- و از همه پدیده‌های بد بر تن تو است

۳- و از همه پدیده‌های بد ، تن تو را مراقب است ۴- مراقب تن تو است

۱۱۲-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- الفِ ندا در جانا و یارا ۲- الفِ فاعلی در، توانا و جویا

۳- الف مبالغه در وصف در بزرگا مردا ۴- الف اسم مرکب در بسا کسا، بسا روزا

۱۱۳- مفهوم بیت : «به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری| بسا کسا که به روز تو آرزومند است » چه صفتی را توصیه می‌کند؟ (آ - س)

۱- تواضع ۲- خرسندی ۳- خوشبختی ۴- دلسوزی

۱۱۴- مفهوم مصراع : «هنری باش و هر چه خواهی باش» چه چیز راتحسین می‌کند؟ (آ - س)

۱- هوا خواه کمال و فضل بودن را ۲-کمال و فضل ستودن را

۳- اهل کمال و فضل بودن را ۴-کمال و فضل طلبیدن را

۱۱۵- بیت : «به روز نیک کسان گفت تا تو غم نخوری| بسا کسا که به روز تو آرزومند است» چند جمله است ؟

۱- ۳ جمله ۲- چهار جمله ۳- پنج جمله ۴- شش جمله

۱۱۶-کدام مصراع از لحاظ معنایی کامل است؟ (آ - س)

۱- بر آنکس که صاحب بصر است ۲- به حقیقت ز جنس گاو و خر است

۳- از لباس بدیع معتبر است ۴- نه بزرگی به مادر و پدر است

۱۱۷- در بیت زیر مسندالیه چیست ؟ (آ - س)

« نافه مشک را ببین به مثل کز لباس بدیع معتبر است»

۱- بدیع ۲- لباس ۳- معتبر ۴- نافه

۱۱۸-کلمه «*قهرمان*» در جملهٔ «***دوست را دشمن و منفور را محبوب و زشت را زیبا و جل را دیبا می‌نگرد، گاه خود را قهرمان می‌پندارد***» چه نقشی می‌پندارد؟

۱- مسند ۲- مفعول ۳- تمیز ۴- متمم

۱۱۹- واژه‌های کدام گزینه متضاد نیستند؟

۱- منفور - محبوب ۲- زشت - زیبا ۳- جل - دیبا ۴- مُلتهب - سوزش

۱۲۰- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- التهاب : سوزش یافتن ۲- ملتهب : سوزش یابنده

۳- لهیب : زبانه آتش ۴- فتور : شرار

۱۲۱- بیت : « گر کنی بخشش گویند که می‌کرد نه وی | ور کشی عربده گویند که وی کرد نه می» چند جمله است ؟

۱- پنج جمله ۲- شش جمله ۳- هفت جمله ۴- هشت جمله

۱۲۲- ساختار دستوری کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- ریخت و پاش ۲- پخت و پز ۳- سوخت و سوز ۴- ساخت و پاخت

۱۲۳- سرودن غزلهای اجتماعی تأثرانگیز کار ... است. (آ - س)

۱- اثیرالدین اخسیکتی ۲- فرخی سیستانی ۳- فرخی یزدی ۴- عراقی

۱۲۴- جملهٔ پایه، در بیت : «آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام | در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس » درکدام گزینه آمده است ؟

۱- در زمستان، پیکر عریان دهقان است و بس.

۲- آنکه لرزد، همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام.

۳- پیکر عریان دهقان است .

۴- در زمستان همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام لرزد.

۱۲۵- در بیت : «آنکه لرزد همچو مرغ نیم بسمل صبح و شام | در زمستان پیکر عریان دهقان است و بس » کدام گزینه درباره «پیکر» غلط است ؟ (آ - س)

۱- مسند ۲- مضاف الیه ۳- مضاف ۴- موصوف

۱۲۶- مفهوم بیت : «بر سر خوان خواجه پندارد که باشد میزبان | غافل است از این که خود مهمان دهقان است و بس » درکدام گزینه آمده است ؟

۱- بر سر خوان خواجه می‌اندیشد که به میزبانی پرداخته در حالی که خودش مانند مهمان است.

۲- بر خوان نعمت خواجه پندارد که میزبانی می‌کند غفلت دارد که از دهقان میزبانی می‌کند.

۳- توانگران غفلت دارند از این که دارائی‌شان حاصل تلاش دهقانان است.

۴- خواجه میزبان از احترام دهقانی که مهمان است غفلت دارد.

۱۲۷- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است .

۱- ذکی : باهوش ۲- زکی : باهوش ۳- مزکیان: پاکان ۴- تزکیه : پاک کردن

۱۲۸- کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ؟

۱- حَرَج : آشوب ۲- هَرج : آشوب ۳- ضیق : تنگی ۴- اقران : نزدیکان

۱۲۹- کدام کلمه به معنی **دست یکدیگر را برای اظهار دوستی فشردن**» صحیح است؟ (آ - س)

۱- مصافهه ۲- مسافهه ۳- مسافحه ۴- مصافحه

۱۳۰- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ؟

۱- سَلب :گرفتن ۲- سُلب : استخوان پشت ۳- سَلَب : جامه ۴- متعسّر: دشوار

۱۳۱- کدام گزینه را به ترتیب میتوان به جای نقطه چینها قرار داد تا معنی عبارت درست باشد ؟ (آ - س)

«آدمی باید .... در هیچ معصیتی نکند به ویژه غیبت که .... اهل نار است»

۱- تجاهر : فاکحه ۲- تجاحر: فاکحه ۳- تجاحر، فاکهه ۴- تجاهر: فاکهه

۱۳۲- حسن خلق خصلتی است بس شریف که هیچ کس به کنه آن نرسد یعنی: (آ- س)

۱- ژرفای خوشخویی چنان است که کس آن را در نیابد

۲- خوشخویی صفتی بسیار ارزشمندی است که کسی آن را در نیابد.

۳- خوشخویی صفتی چندان ارزشمند است که کس آن را در نیابد.

۴- صفت خوشخویی چنان ارزشمند است که بسیار کس آن را در نیابد.

۱۳۳- املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ؟

۱- سنا: روشنایی ۲- ضلیل : خوار ۳- صُلب : پشت ۴- زلّت : لغزش

۱۳۴- در جمله : «**به حقیقت، این خصلتی است بس شریف**» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است .

۱- به حقیقت : قید ۲- این : مسندالیه ۳- خصلتی: مسند ۴- شریف: مسند

۱۳۵- متضاد «**شریف**» کدام است ؟

۱- رفیع ۲- سقیم ۳- منیف ۴- وضیع

۱۳۶- جمع مکسر «**نَفَس**» چیست ؟ (آ - س)

۱- انفاس ۲- انفس ۳- نفایس ۴- نفوس

۱۳۷- در کدام گزینه غلط املایی هست ؟

۱- رتق و فتق ۲- صالح و طالح ۳- ضیق و هرج ۴- عُسر و یُسر

۱۳۸- معنی درست «**یکدیگر را به اعتذار مضطر نگردانند و با یکدیگر مصابرت نمایند**» در کدام گزینه است ؟ (آ - س)

۱- از مشکلات نهراسند و غمخوار یکدیگر باشند.

۲- با عذرخواهی مشکلات را برطرف سازند و منتظر بمانند.

۳- به خاطر عذرخواهی کسی را نرنجانند و صبوری نمایند.

۴- یکدیگر را به پوزش خواهی مجبور نکنند و شکیبایی نمایند.

۱۳۹- معنی درست «**و باید که از جمله حقوق ملتزمه، تصافح باشد**» در کدام گزینه است (آ - س)

۱- دست یکدیگر راگرفتن، حق واجب هر کس است.

۲- باید خود را ملزم به رعایت حقوق دیگران بدانیم.

۳- مساعدت به همه مردم، وظیفه اخلاقی است.

۴- دستگیری از دیگران را باید به خود لازم بدانیم.

۱۴۰- بیت : «بر آرندهٔ سقف این بارگاه نگارنده نقش این کارگاه» دارای صنعت :

۱- مراعات نظیر ۲- تشبیه ۳- تضاد ۴- ترصیع

۱۴۱-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ناز پرورد : صفت مفعولی در مفهوم مفعولی

۲- ناز پرور: صفت مفعولی

۳- ناشناس : صفت فاعلی در معنی مفعولی

۴- نشسته : صفت مفعولی در مفهوم فاعلی

۱۴۲- کدام نقش برای کلمه «**محمّد**» در جملهٔ «در خانواده ایرانی ساکن خوارزم، نوزادی چشم بدین جهان گشود که او را «**محمّد**» نامیدند» درست است ؟

۱- مسند ۲- متمم ۳- تمیز ۴- مفعول

۱۴۳- در عبارت «زاخاو، شرق شناس آلمانی در مقدمه مشروحی که بر آثار الباقیه نوشته، فضل و کمالش را برشمرده است «***شرق شناس آلمانی***» چه نقشی دارد؟

۱- مسند ۲- بدل ۳- مسندالیه ۴- مفعول

۱۴۴- زمینه اصلی کارهای ابوریحان بیرونی در .... است که در گزینه ... آمده است .

۱- ریاضیّات ، هیأت ، ستاره‌شناسی، شیمی

۲- ریاضیّات، کان شناسی ، جغرافیا، تاریخ

۳- ریاضی، هیأت ، تاریخ و جغرافیا

۴- ریاضیّات ، هیأت ، ستاره‌شناسی و فیزیک

۱۴۵- اولین اثر ابوریحان بیرونی که ثمرهٔ دوران جوانی اوست عبارت است از :

۱- الجماهر فی معرفة الجواهر ۲- ماللهند

۳- التّفهیم ۴- آثار الباقیه

۱۴۶- تألیف منیف ابوریحان بیرونی به دو زبان عربی و فارسی در آموزش مقدماتی ستاره‌شناسی عبارتست از :

۱- آثار الباقیه ۲- القانون المسعودی ۳- التفهیم ۴- ماللهند

۱۴۷- «**طلاقت**» یعنی : (آ - س)

۱- آزادی ۲- تنهایی ۳- جدایی ۴-گشاده رویی

۱۴۸-کلمه‌های کدام گزینه همخانواده نیستند؟

۱- متعسّر، عُسرت ،عَسیر ۲- مطاع، مطیع ، اطاعت

۳- انفاس، نفوس، انفس ۴- رذیلت ، رذل ، اراذل

۱۴۹- بیت : « زکف بفکن این تیر و شمشیر کین | بزن جنگ و بیداد را بر زمین» چه صنعتی دارد ؟

۱- مراعات نظیر ۲- تضاد ۳- تشبیه ۴- تضمین

۱۵۰- «هر آنگه که خشم آورد بخت شوم | شود سنگ خارا به کردار موم» یعنی:(آ - س)

۱- از بخت بد، انسانِ خشمگین مثل موم نرم می‌شود.

۲- بخت بد که هجوم کند هیچ مقاومی پایداری نتواند.

۳- سنگ خارا از خشم و بخت بد موم می‌شود.

۴- هر گاه بخت بد سر ناسازگاری داشته باشد سنگ موم می‌شود.

۱۵۱- آیه : «***اِدْفَعْ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ فَاِذَالَّذی بَیْنَك و بینهُ عداوةٌ کَاَنَّهُ ولیٌ حمیم***» با کدام گزینه در تضاد است .

۱- به پیوندی با کسی که از تو بگسلد ۲- در گذری از آنکه بر تو ستم کند.

۳- نیکی کنی به کسی که با تو بد کند ۴- شدت بگیر با کافران و آنها را دفع‌کن.

۱۵۲- جملهٔ «***خودکرده را تدبیر نیست***» با کدام گزینه منطبق است ؟

۱- بپیچید از آن پس، یکی آه کرد ۲- بدو گفت کاین بر من ازمن رسید

۳- دریغا که رنجم نیامد به سر ۴- ز نیک و بد اندیشه کوتاه کرد

۱۵۳- همهٔ ابیات بجز گزینه .... ردیف دارند.

۱- ابلهی دید اشتری به چرا گفت نقشت همه کژ است چرا

۲- بپیچید از آن پس، یکی آه کرد ز نیک و بد اندیشه کوتاه کرد

۳- تو را آتش عشق اگر پر بسوخت مرا بین که از پای تا سر بسوخت

۴- همی بی‌تن و تاب و بی‌توش گشت بیفتاد از پای و بیهوش گشت

۱۵۴- در کدام گزینه «**چون**» حرف اضافه نیست .

۱- و یا چون شب اندر سیاهی شوی ۲- به رستم در آویخت چون پیل مست

۳- که شب چون بُدی روز چون خاستی ۴- خویشتن آرای مشو چون بهار

۱۵۵- مفهوم مصرع : «دشمن نتوان حقیر و بیچاره شمرد» در کدام گزینه نهفته است ؟

۱- به سیری رسیدی همانا ز جان ۲- که دشمن مدار ارچه خرد است، خوار
۳- ببین تا چه دید این پسر از پدر ۴- بدو گفت کاین بر من از من رسید

۱۵۶- در بیت : «چو رستم ز چنگ وی آزاد گشت | بسان یکی کوه فولاد گشت» چه صنعتی وجود دارد؟

۱- مراعات نظیر ۲- جناس ۳- تشبیه ۴- تضاد

۱۵۷- بیت : «از این خویشتن کشتن اکنون چه سود | چنین رفت و این بودنی کار بود» یعنی: (آ - س)

۱- خودکشی سودی ندارد آنچه سرنوشت است بودنی است
۲- خودکشی فایده ندارد تا دنیا بود چنین بود
۳- این خویشتن کشتن چه سودی دارد باید دنبال کار خود رفت.
۴- چرا باید خودکشی کرد چنین گفته‌اند هر چه باداباد

۱۵۸- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- سر مهتری زیر گُرد آورد: سر یا پشت مردی بزرگ را زیر تن پهلوان آورد.
۲- سیه زاغ پران: استعاره از شب که از تاریکی به زاغ تشبیه شده است.
۳- کم ممناد نام : که نام من کم نباشد
۴- ز شبگیر تا سایه گسترد هور: از سحرگاه تا دیرگاهی از روز

۱۵۹- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- این بودنی کار بود : آنچه باید بشود، شد
۲- چنین رفت و این بودنی کار بود: سرنوشت چنین بود و چنین مقرر شده بود
۳- زپیکار دل بر چه آراستی : آیا دلت به نبرد متمایل شده یا نه
۴- یکی داستان زد: یك نفر داستان را مورد خطاب قرار داد

۱۶۰- در کدام گزینه صنعت طباق نیست ؟

۱- دیو چو بیرون رود فرشته در آید ۲- سخن کم گوی چون گویی نکو گوی
۳- صالح و طالح مطاع خویش نمودند ۴- گمان بد مبر بر کس نکو بر

۱۶۱- در کدام مصرع صنعت طباق نیست؟

۱- به طاعت خو کن وز معصیت دور ۲- که خود در سوختن مانی شب و روز

۳- که ندهد طاعتت با معصیت نور ۴- مکن از کینه کس سینه پر سوز

۱۶۲- در کدام گزینه طباق نیست؟ (آ - س)

۱- بر خسك وخار همچو بر گل وسوسن ۲- بیگانه شد ز خود که شود آشنای غیر

۳- جانها فدای آنکه به جان شد فدای غیر ۴- نو شده‌ای نو شده کهن شود آخر

۱۶۳- در کدام گزینه ضمیر متصل «ت» مفعولی است؟

۱- بکوبمت از آن گونه امروز یال ۲- من دیدمت که به کتابخانه می‌رفتی

۳- همی میردت عیسی از لاغری ۴- نگویمت چو زبان آوران رنگ آمیز

۱۶۴- با توجه به بیت : «با دل خونین لب خندان بیاور همچو جام | نی گرت زخمی رسد آیی چو چنگ اندر خروش» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- «ت» در «گرت» : متمم ۲- «ی» در «آیی» : ضمیر فاعلی

۳- چنگ و جام : متمم ۴- خونین : قید

۱۶۵- دربارهٔ «ترکیب بند» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است /

۱- از چند بند هم وزن درست می‌شود ۲- هر بندی ابیات هم قافیه دارد

۳- قافیه هر بند با بند دیگر متفاوت است ۴- یک بیت عیناً در میان بندها تکرار می‌شود

۱۶۶- در کدام گزینه قاعده تغلیب رعایت نشده ؟

۱- حسنین ۲- والدین ۳- عیدین ۴- مشرقین

۱۶۷- در بیت : «کاش آن زمان که این حرکت کرد آسمان | سیماب وار گوی زمین بی سکون شدی» چه صنعتی وجود دارد؟

۱- تشبیه ۲- تلمیح ۳- ایهام ۴- تضاد

۱۶۸- کدام گزینه با معنی بیت : «کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی | وین خرگه بلند ستون، بی‌ستون شدی» مناسب است.

۱- این کاخ برافراشته مانند «بیستون» می‌باشد

۲- این بارگاه عظیم را بی‌ستون برپای می‌داشتند

۳- پایه‌های قصر و بارگاه برافراشته، برداشته می‌شد.

۴- خیمه بلند آسمان، واژگون می‌شد.

۱۶۹- املای کدام گزینه درست است ؟

۱- بی نفخ صور خواسته تا عرش اعظم است ؟

۲- ارکان عرش را به تلاتم در آورند.

۳- همی خاست پیروزی و دستگاه	۴- برون زانکه یاریگری خواستی

۱۷۰- با توجه به جملهٔ «***دین اسلام در سرزمینی ظهور کرد، شعرپرور و شاعرخیز***» گزینه نادرست کدام است؟

۱- شعرپرور : مسند	۲- شاعرخیز: صفت

۳- ی در «سرزمینی» : نکره	۴- دین اسلام: نهاد

۱۷۱- درکدام گزینه متضاد نیست ؟ (آ - س)

۱- علم و عمل	۲- قسط و جور	۳- لیل و نهار	۴- نقد ونسیه

۱۷۱/۱-کدام گزینه نسبت به دیگر گزینه‌ها نامناسب است ؟

۱- حضیض: اوج	۲- ذلّت : عزت	۳- تفریط : افراط	۴- مَعرِض: مَنبِت

۱۷۲- ...... داستان‌نویس دانمارکی در قرن نوزدهم (۱۸۰۵-۱۸۷۵ م) که شهرت او به واسطه قصه‌هایی است که برای کودکان نوشته است ؟

۱-کارلایل، توماس	۲-گوبینو	۳-کریستن اندرسن	۴-گونکور

۱۷۳- با توجه به کسره در کلماتِ «***بزرگترین، پسندیده‌تر، فاضلتر و آگاهتر***» کدام گزینه نادرست است ؟

۱- آز آثار هنری بزرگترینِ نقّاشانِ جهان توشه برگرفت.

۲- پسندیده‌ترِ اخلاق مردان تقوا است.

۳- فاضلترِ اطبّا آن است که بر معالجت از جهتِ ذخیرت آخرت مواظبت نماید.

۴- غزالی آگاهترینِ نویسنده جهان بود.

۱۷۴-کدام گزینه دربارهٔ باباطاهر غلط است ؟ (آ - س)

۱- با طغرل سلجوقی دیداری داشت	۲- در قرن ششم هجری می‌زیسته است.

۲- دو بیتی‌های او معروف است.	۴- مایه‌های شعری او عموماً عرفانی است.

۱۷۵- اشعار باباطاهر عریان در چه قالب شعری سروده شده است (آ - س)

۱- دو بیتی ۲- رباعی ۳- غزل ۴- مثنوی

۱۷۶- در بیت : «جره بازی بدم رفتم به نخجیر سیه دستی زده بر بال موتیر» چه صنعتی وجود دارد؟

۱- تضاد ۲- تلمیح ۳- مراعات نظیر ۴- تشبیه

۱۷۷- با توجه به بیت : «دلا ! غافل ز سبحانی، چه حاصل ؟ | مطیع نفس شیطانی، چه حاصل !» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بیت : ۵ جمله ۲- ز سبحانی: مسند و رابطه ۳- مطیع: مسند ۴- دل : منادا

۱۷۸- میکده در اصطلاح صوفیان یعنی :

۱- جای و مرتبه خراب شدن صفات بشری ۲- جای ترک علایق دنیوی

۳- دنیای پاک جویندگان حق ۴- ۱ و ۲ و ۳

۱۷۹- باباطاهر عریان دو بیتی سرای همدانی دارای لقب «بابا» بوده است و این لقب را در آن زمان به افرادی می‌داده‌اند که یکی از خصوصیات زیر را داشته باشد.

۱- افراد پیر و سالخورده ۲- پیران سالخورده و شاعر

۳- پیران کامل و مرشد و اصل ۴- عرفاء متصوفه

۱۸۰- در بیت : «فرزند هنرهای خویشتن شو | تا همچو تو کس را پسر نباشد» چند ضمیر هست (آ - س)

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۱۸۱- در کدام گزینه ضمیر مشترک نیست (آ - س)

۱- خویش بیگانه مشو تا نخورم خون جگر ۲- خویشتن بین و بتن پرست یکی است.

۳- خویشتن خویش را رونده گمان بر ۴- خویش را بی‌سبب عزیز مدان

۱۸۲- وجه تمایز ناصر خسرو از دیگر شاعران در این است که :

۱- او به ظواهر و جنبه‌های دلفریب محیط توجه دارد.

۲- او به حقایق عقلی و مبانی و معتقدات مذهبی توجه دارد.

۳- او قصیده سرا است ۴- او نویسنده و شاعر است .

۱۸۳- عبارت : «**_شهر مکّه اندر میان کوهها نهاده است نه بلند_**» به کدام معنی است؟ (آ - س)

۱-کوههای بلند، مکه را در میان گرفته است

۲- مکه در میان کوههای کم ارتفاع قرار دارد

۳- مکه را در میان کوهها ساخته‌اند		۴- مکه در دامنه کوههای بلند قرار دارد.

۱۸۴- کدام گزینه با توجه به جمله : «**_مسجد حرام به میانهٔ این فراخنای اندر است_**» صحیح است ؟

۱- به میانه: مسند ۲- اندر : مسند ۳- این فراخنای : مسند ۴- مسجد حرام: نهاد

۱۸۵- عبارت : «**_چنان هوس کرده بودم که سرم را در اولین ستون سیمانی بزنم و بترکانم، مگر کور باشی و «سعی» کنی_**» دارای چه صنعتی است ؟

۱- ایهام ۲- مراعات نظیر ۳- ایهام و مراعات نظیر ۴- صنعتی ندارد

۱۸۶- با توجه به بیت : «که من عاشقم گر بسوزم رواست | تو را گریه و سوز باری چراست» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- من عاشقم : جمله پیرو برای جملهٔ بعد ۲- «را» فک اضافه (نشانهٔ مضاف الیه)

۳- بیت : ۴ جمله		۴- که من عاشقم گر بسوزم : مسندالیه

۱۸۷- معنی بیت : «به گاهواره مادر به کودکی بس خفت | سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان» با کدام جواب مناسب است ؟ (آ - س)

۱- گاهواره مادرلقمان مکتب حکمت بود

۲- مادرلقمان او را ازگاهواره به مکتب فرستاد

۳- لقمان حکمت را نخست از تربیت مادر گرفت .

۴- هرگاه لقمان در گاهواره مادر نمی‌خوابید به مکتب نمی‌رفت .

۱۸۸- «وظیفه زن و مرد حکیم دانی چیست ؟ یکی است کشتی و آن دیگری است کشتیبان» مناسب است با :

۱- زن در حکم کشتی است وَ مرد کشتیبان

۲- زن و مرد در اداره زندگی همکار و شریکند.

۳- زن و مرد خردمند در حکم کشتی و کشتیبانند

۴- مرد در حکم کشتی است و زن کشتیبان

۱۸۹- معنی بیت «زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید | فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان» به مفهوم کدام گزینه نزدیکتر است ؟ (آ - س)

۱- انسان بی فرهنگ بسیار زیانکار است ۲- انسان بی‌فرهنگ مرده‌ای بیش نیست.

۳- انسان بی‌فرهنگ عمردرباخته است ۴- انسان بی‌فرهنگ صاحب هیچ چیز نیست.

۱۹۰-کسی است زنده که از فضل جامعه‌ای پوشد یعنی : (آ - س)

۱- ارزش وجودی انسان به فضل اوست ۲- فضل انسان در پوشیدن جامه تقواست

۳- برازنده‌ترین جامه‌ها فضل است ۴- فضل، انسان مرده را از خاك برمی‌انگیزد

۱۹۱- با توجه به بیت : «خرم تنی که مادر دانایش از نخست | زی شاهراه دولت و اقبال رهبر است » گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بیت یک جمله است ۲- رهبر: مسند ۳- مادر : مسندالیه ۴- خرم: مسند

۱۹۲- در بیت : «فرزند خوب، مادر نادان نپرورد | این نکته، نزد مردمِ دانا مقرر است» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- مادر نادان : مفعول ۲- این نکته : مسندالیه ۳- مقرر: مسند

۴- نَپَروَرَد : متعدی

۱۹۳- با توجه به بیت : «برای گردن و دست زن نکو پروین | سزاست گوهر دانش نه گوهر الوان » گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بیت : دو جمله ۲- سزا : مسند

۳-گوهر دانش: مسندالیه ۴-گوهر الوان: مسندالیه

۱۹۴- با توجه به بیت : «خویی که از نخست کسی را به سر نشست | او را همارہ تا به دم مرگ بر سر است » همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است ؟

۱- «را» : فک اضافه *(نشانهٔ مضاف الیه)* ۲- «را» : نشانه مفعول است.

۳- «سر» : مضاف ۴- خویی : نهاد

۱۹۵- با توجه به بیت : «همی میردت عیسی از لاغری | تو در بند آنی که خر پروری»

گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ت در «میردت» : مضاف الیه ۲- ی در «آنی»: شناسه

۳- ی در «پروری» : ضمیر فاعلی ۴- ی در «لاغری» : مصدری

۱۹۶- با مشاهده بیت : «گرت به سایه در آسایشی به خلق رسد | بهشت بردی و در سایه خدای آسای» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ت در «گرت» : مضاف الیه ۲- ی در «آسایشی» : ضمیر فاعلی

۳- بیت : سه جمله ۴- «در» در مصرع اول: حرف اضافه تأکیدی

۱۹۷- کدام گزینه جمله اسنادی ندارد؟

۱- هیچت اگر دانش است و غیرت و ناموس ۲- دلش گردد از کرده خویش ریش

۳- فرزند هنرهای خویشتن شو ۴- ما خلقهای کشور خون و شهادتیم

۱۹۸- در بیت «چو زادْ سَرو مرا راست دید در همه کار | چو زاد سروم از آن هر زمان بپیراید» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- زاد سروِ اول : متمم ۲- راست : قید

۳- زاد سروِ دوم : متمم ۴- م در «زاد سروم» : فعل ربطی

۱۹۹- با توجه به عبارت : «**چرا پرستی بتی راکه او نشنود و نبیند و نه تو را سودی دارد؟ و پدر را غلبه کرد همی به حجّت**» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- «را» اول : نشانه مفعول ۲- «را» دوم و سوم : حرف اضافه

۳- «د» در «نشنود» : شناسه ۴- «د» در «نبیند» : شناسه

۲۰۰- با توجه به بیت : «که ای شوخ چشم آخرت چند بار | نگفتم که دستم ز دامن مدار» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ت در «آخرت» : متمم ۲- م در «دستم» : مضاف الیه دامن

۳- آخرت : قیامت ۴- بیت : ۳ جمله

۲۰۱- در بیت : «تو مانی و بد ونیکت چو زین عالم برون رفتی | نیاید با تو در خاکت نه فغفوری نه خاقانی» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ی در «مانی» : شناسه ۲- ت در «خاکت» : مضاف الیه

۳- بیت : سه جمله ۴- اسم مصدرِ «نیاید» : آیش

۲۰۲- جملهٔ ***«کلُّ یَومٍ عاشورا و کُلُّ اَرضٍ کربلا»*** با کدام گزینه نزدیک است ؟

۱- ما خلقهای کشور خون و شهادتیم ۲- ما ارتش دلاور اسلام و امتیم

۳- در کربلای روشن خون بینهایتیم ۴- ما خشم بی‌کرانه طوفان ملّتیم

۲۰۳- کدام گزینه دربارهٔ ابوسعید ابی‌الخیر غلط است (آ - س)

۱- «اسرار التوحید» در حالات و مقامات اوست.

۲- در میهنه و نیشابور به ارشاد می‌پرداخت.

۳- صوفی بزرگ قرن ششم بوده است ۴- علاوه بر تصوّت، شهرت شاعری نیز دارد

۲۰۴- کدام گزینه مفعوم جملهٔ: ***«آن داوری با موافقت و الفت بدل گشت»*** است (آ - س)

۱- آن خصومت ، به سازگاری و دوستی، تغییر یافت.

۲- آن قضاوت ، با موافقت طرفین به پایان رسید.

۳- آن عدالت ، با توافق طرفین از بین رفت.

۴- آن حکم ، با سازش و دوستی عوض شد.

۲۰۵- در عبارت : ***«در آن وقت که شیخ ما (ق) به نشابور شد، مدت یک سال استاد امام ابوالقاسم قشیری شیخ ما را منکر بود»*** گزینه نادرست کدام است؟

۱- جمله‌ها اسنادی است ۲- «را» : فک اضافه ۳- مدت یک سال: قید

۴- استاد امام ابوالقاسم قشیری: مسندالیه

۲۰۶- با توجه به عبارت : ***«و بباید دانست که هر که کسی را پیش تو بد گوید تو را نیز پیش دیگری بدگوید»*** گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بد در هر دو جمله مضاف است ۲- تو در جمله اول و دیگری در جمله دوم: متمم

۳- هر که : ضمیر مبهم مرکب ۴- عبارت : ۴ جمله

۲۰۷- در بیت : «چو شیرینی از من بدر می‌رود | چو فرهادم آتش به سر می‌رود»، چو در مصرع اول و دوم به ترتیب چگونه حرفی است ؟ (آ - س)

۱- اضافه، اضافه ۲- اضافه، ربط ۳- ربط ، اضافه ۴- ربط ، ربط

۲۰۸- «شیرینی» در بیت : «چو شیرینی از من بدر می‌رود | چو فرهادم آتش به سر می‌رود» دارای کدام صنعت ادبی است ؟

۱- ایهام ۲- تضاد ۳- جناس ۴- سجع

۲۰۹- در بیت : «چو شیرینی از من بدر می‌رود | چو فرهادم آتش به سر می‌رود» چه صنعتی دارد ؟

۱- تضاد ۲- مراعات نظیر ۳- ترصیع ۴- سجع

۲۱۰- درکدام پاسخ طباق (تضاد) وجود ندارد؟

۱- ناموس ازل را تو امینی تو امینی | دارای جهان را تو یساری تو یمینی

۲- ای بنده خاکی تو زمانی تو زمینی | صهبای یقین درکش و از دیر گمان خیز

۳- عالم همه ویرانه ز چنگیزی افرنگ | معمار حرم! باز به تعمیر جهان خیز

۴- بدان گونه رفتند هر دو به رزم | که گفتنی که اندر جهان نیست بزم

۲۱۱- در این بیت، چه صنعتی وجود دارد؟

«رفتار مادر از پی تعلیم کودکان | بهتر ز هر کتاب و ز هر گونه دفتر است»

۱- طباق ۲- مراعات نظیر ۳- ایهام ۴- جناس

۲۱۲- درکدام گزینه «به» صفت ساده است؟

۱- بنده همان به که ز تقصیر خویش / عذر به درگاه خدای آورد

۲- درشتی و نرمی به هم در، به است / چو فاصد که جراح و مرهم نه است

۳- خامشی به که ضمیردل خویش / باکسی گفتن و گفتن که مگوی

۴- آن که رِفق تواش به یاد بود / به از آن کز غم تو شاد بود

۲۱۳- در بیت : «تو را آتش عشق اگر پر بسوخت | مرا بین که از پای تا سر بسوخت» کدام یك از اجزای تشبیه محذوف است ؟ (آ - س)

۱- وجه شبه ۲- مشبه به ۳- مشبه ۴- ادات تشبیه

۲۱۴-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- برفت انگبین یار شیرین من : یار شیرین من (عسل) از من جداگشته است.

۲- به دیدار او وقت اصحاب جمع : یاران به دیدارِ شمع وقتی خوش و خاطری جمع

داشتند.

۳- فدایی ندارد ز مقصود چنگ : فدایی مقصود یا منظوری ندارد.

۴- به کشتن فرج یا بی از سوختن : گشایش و رهایی از سوختن با کشته شدن حاصل می‌شود.

۲۱۵- با عنایت به عبارت : ***«آن کس که در عیبهای مردم نگریست و آن را زشت دانست با اینهمه خود از آن کناره نجست ، چنین کس احمقی مسلّم است»*** گزینه نادرست کدام است ؟

۱- آن کس : صفت اشاره + ضمیر مبهم ۲- چنین کس : مسندالیه

۳- مسلّم : مسند ۴- عبارت : چهار جمله

۲۱۶- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- تاریخ بیهقی همان تاریخ مسعودی است ۲- تاریخ بیهقی همان‌تاریخ طبری است

۳- تاریخ بیهقی در قرن پنجم نوشته شده است ۴- تاریخ بیهقی قبلاً ۳۰ جلد بوده

۲۱۷- مفهوم عبارت : ***«سوری فردی متهور و ظالم بود چون دست او گشاده کردند بر خراسان، آن را ویران کرد و اعیان را مستأصل»*** کدام عامل را در ویرانی خراسان مؤثر نمی‌داند (آ - س)

۱- اختیار نامحدود حاکم ۲- بی پروایی و گستاخی

۳- ستمگری و جفاکاری ۴- عدم مقاومت سرکردگان

۲۱۸- کدام دو کلمه درگزینه‌ها مترادف نیست ؟

۱- اِنها : خبردادن ۲- مُنهی: خبرنگار ۳- مَنهی: نهی کننده ۴- دیداری ملاقات

۲۱۹- کدام دو کلمه مترادف نیست ؟

۱- طرایف : چیزهای نو و تازه ۲- ثقه : مورد اطمینان

۳- وضیع : مستکبر ۴- اِغرا : برانگیختن

۲۲۰- کدام گزینه در مورد انوری درست نیست ؟

۱- شاعر قرن پنجم است ۲- در سرودن قصاید مدحی استاد بوده است.

۳- بهترین قطعات را تا زمان خود سروده است ۴- غزلهای انوری زیباست

۲۲۱-گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- خواستن کدیه است : خواستن در تلاش است ۲- برگ و نوا: اسباب زندگی

۳- سِتام : ساخت و یراق زین اسب ۴- بَه صناعت خویش : به شغل خویش

۲۲۲- نگارش کدام گزینه درست است ؟ (آ - س)

۱- از آن خویش را دوستی به راه اندر دید

۲- از پس این مرد اتّفاق را طراری می‌رفت.

۳- چنان شنودم که مردی به سحرگاه از خانه بیرون رفت.

۴- زر خویش ای جوانمرد باز ستان.

۲۲۳- **«زینهار دار نباید که زینهار خوار باشد»** یعنی : (آ - س)

۱- امانت دار نباید خائن باشد ۲- پناه دهنده نباید پیمان شکن باشد

۳- جوانمرد باید که امین باشد ۴- جوانمرد باید که عذر پذیر باشد

۲۲۴- معنی عبارت : **«زینهار دار نباید که زینهار خوار باشد»** چیست ؟ (آ - س)

۱- امانت دار نباید به امانت خیانت کند ۲- امانت‌دار نباید فرومایه و پست باشد

۳- به امانت نمی‌شود خیانت کرد ۴- به هرکسی‌امانت مسپارکه امانت‌توخورده شود

۲۲۵- مفهوم بیت : «آن راکه بصارت نبود یوسف صدّیق | جایی بفروشد که خریدار نباشد» در کدام گزینه است (آ - س)

۱- جاهل یوسف را به نادان می‌فروشد

۲- نادان در اثر جهالت گوهر جان خود ضایع کند

۳- نادان همیشه گوهر جان خود تباه نمی‌کند

۴- یوسف صدیق گوهر جان خود را ارزان نمی‌فروشد

۲۲۶-کدام گزینه معنی **«قربان»** نیست ؟ (آ - س)

۱- آنچه در راه خدا تصدّق کنند ۲- آن که در راه خدا تصدق کنند

۳- ترکش ۴- تیردان

۲۲۷- اگر بیت : «جنگ از طرف دوست دل آزار نباشد | یاری که تحمل نکند یار نباشد» نخستین بیت از قالبی ده بیتی باشد آن قالب چه نامیده می‌شود؟ (آ - س)

۱- قطعه ۲- غزل ۳- مسمط ۴- قصیده

۲۲۸- با توجه به بیت : «دل آینهٔ صورت غیب است ولیکن | شرط است که بر آینه زنگار نباشد» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- جمله‌ها اِسنادی است ۲- غیب : صفت

۳- شرط : مسند ۴- برآینه زنگار نباشد : مسندالیه

۲۲۹- بیت : « گویند مگو سعدی چندین سخن از عشقش | می‌گویم و بعد از من گویند به دورانها » چند جمله است ؟

۱- ۳ جمله ۲- ۴ جمله ۳- ۵ جمله ۴- ۶ جمله

۲۳۰- در بیت : «هر تیر که در کیش است گر بر دل ریش آید | ما نیز یکی باشیم از جمله قربانها» صنعت ایهام در کدام کلمه است ؟

۱- تیر ۲- قربانها ۳- دل ۴- ریش

۲۳۱-کدام گزینه درست است ؟

۱- غزل، سخن عاشقانه و مصرع اول بیت اول با مصرعهای دوم هم قافیه و دارای ۷ تا ۱۲ بیت است

۲- قصیده، داستان و حکایت و پند و اندرز و مصرع اولِ بیتِ اول با مصرعهایِ دوّم هم قافیه و ابیات آن تا ۱۵۰ می‌رسد.

۳- قطعه دو یا چند بیت که مصرعهای دوم هم قافیه و موضوع معینی را بیان می‌کند.

۴- هر سه مورد (۱ و ۲ و ۳) درست است.

۲۳۲- نگارش کدام عبارت غلط است ؟ (آ - س)

۱- بایست تماشا کرد و لذت برد ۲- بایستی تماشا می‌کردی و لذت می‌بردی

۳- می‌بایست تماشامی‌کردولذت می‌برد ۴- می‌بایست تماشامی‌کردی ولذت می‌بردی

۲۳۳- در عبارت : «***امیر سخن کسی بر وی نمی‌شنود***» کدام کلمه به جایِ «بر» مناسب است؟

۱- برعلیه ۲- برله ۳- علیه ۴- له

۲۳۴-کدامیک از این جمله‌ها از لحاظ نگارش غلط است ؟ (آ - س)

۱- حسب الامر او به کار ادامه داد ۲- حسب الفرمایش او به کار ادامه داد

۳- برحسب دستور او به کار ادامه داد ۴- برحسب فرمایش او به کار ادامه داد

۲۳۵- نگارش کدام عبارت غلط است ؟ (آ - س)

۱- بایست شتافت تا یافت ۲- بایستی می‌شتافتی تا می‌یافتی

۳- می‌بایست می‌شتافت تا می‌یافت ۴- می‌بایستی می‌شتافتی تا می‌یافتی

۲۳۶- نگارش کدام عبارت از شیوایی و انسجام برخوردار نیست ؟ (آ - س)

۱- شبهای نومیدی، با همه دیرپایی، صبح روشن از پی دارد هم و روز امید

۲- شبهای نومیدی: با همه دیرپایی، هم صبح روشن از پی دارد و هم روز امید

۳- شبهای نومیدی، با همه دیرپایی، صبح روشن از پی دارد و روز امید

۴- شبهای نومیدی، با همه دیر پایی، صبح روشن و روز امید از پی دارد.

۲۳۷- با توجه به کاربرد فعلِ «*بایست*» کدام گزینه غلط است ؟

فردا باید درسم رابخوانم ۲- فردا می‌باید درسم را بخوانم

۳- دیروز می‌بایست درسم را می‌خواندم ۴- بایست درسم را بخوانم

۲۳۸- کدام گزینه از نظر نگارش درست است ؟

۱- من برای خرید از وسایل مورد نیاز به بازار می‌روم.

۲- من به بازار رفتم و لوازماتِ لازم را خریداری کرد.

۳- من به بازار مراجعه نموده و لوازم مورد نیاز را می‌خرم.

۴- من فردا به بازار می‌روم و لوازم مورد نیاز را می‌خرم.

۲۳۹- کاربرد کدام واژه اشکالی ندارد ؟

۱- باغات ۲- کوهستانات ۳- آزمایشات ۴- پاکات

۲۴۰- کاربرد کدام گزینه اشکالی ندارد؟

۱- حسب الفرمایش ۲- حسب الامر ۳- حسب الدّستور ۴- حسب الخواهش

۲۴۱- کاربرد جمع مکسّر در ادبیات فارسی فراوان است، کدام گزینه نامناسب است.

۱- اخلاقها ۲- احوالات ۳- وجوهات ۴- ۱ و ۲ و ۳

۲۴۲- کدام گزینه درست است ؟

۱- من بر علیه متهّم در دادگاه شهادت دادم

۲- من برعلیه شاکی در دادگاه شهادت دادم

۳- علی‌آقا علیه مأمور پست اعلام جرم کرد ۴- هر سه پاسخ ۱ و ۲ و ۳ درست است

۲۴۳- نگارش کدام گزینه درست‌تر است ؟

۱- دانش آموزان کلاس دوم اکثراً مریض شده بودند.

۲- اقلاً یک سوم دانش‌آموزان در امتحان موفق می‌شوند.

۳- اقلِ کم یک ساعت و حداکثر سه ساعت در صف ایستاده بود.

۴- روز یکشنبه دست‌کم ۵ نفر از دبیران به دلیل راه بندان به موقع حاضر نبودند.

۲۴۴- کدامیک از گزینه‌ها اشکال دارد؟

۱- مأمور مربوطه سرِ ساعت برای رسیدگی به حادثه حاضر بود.

۲- هوا در مراسم حج عمره در مدینه منّوره سرد بود.

۳- او هرگزله یا علیه کسی اقدام نکرده است.

۴- مأمور آگاهی برای تشخیص هویت انگشت نگاری کرد.

۲۴۵- نگارش کدام گزینه نادرست است ؟

۱- دیروز بایست درسم را بخوانم ۲- او کتاب برداشته، می‌خوانْد

۳- دیروز می‌بایست درسم را می‌خواندم ۴- بایست درسم را بخوانم

۲۴۶- نگارش کدام عبارت از شیوایی و انسجام برخوردار نیست ؟ (آ - س)

۱- بهار زندگی - با همه زیبائیش - خزان پیری دراد و برگریزان عمر

۲- بهار زندگی - با همه زیبائیش - خزان پیری دارد هم و برگریزان هم

۳- بهار زندگی - با همه زیبائیش - خزان پیری و برگریزان عمر دارد

۴- بهار زندگی - با همه زیبائیش - هم خزان پیری دارد و هم برگریزان عمر

۲۴۷- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- باید درسمان را خوب بخوانیم ۲- باید درس خواند

۳- باید درس بخوانَد ۴- باید درس خوانده باشد.

۲۴۸- کدامیک از این گزینه‌ها از لحاظ نگارش درست است ؟ (آ - س)

۱- طبیب باید درد را بشناسد و به درمان بپردازد.

۲- طبیب باید درد را تشخیص و به درمان بپردازد.

۳- طبیب باید درد را شناخته و به درمان بپردازد.

۴- طبیب باید درد را شناسایی نموده و به درمان بپردازد

۲۴۹- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- من کتاب را از دوستم گرفتم ۲- من کتابی که از دوستم گرفته‌ام را با خود آورده‌ام

۳- من کتاب دوستم را گرفتم ۴- من کتاب مفیدی را از دوستم گرفتم

۲۵۰- از نظر قواعد نگارش کدامیک از جمله‌های زیر غلط است ؟

۱- از مدتها پیش دول غرب می‌خواستند کشور ایران را زیر نفوذ خود آورند

۲- افضل ترین مردم، نزد خداوند، مردم پرهیزگار هستند.

۳- خدای تبارک و تعالی همه بندگان خود را از عذاب قرض خلاصی دهاد

۴- سر ناشکسته را به داور بردن نه از دانایی بود.

۲۵۱- کدام گزینه غلط نگارشی دارد؟

۱- امشب اعلی‌ترین میوه‌ها را برای مهمانان می‌خرم.

۲- تا کسی نتواند بر ما عیب بگیرد یا بر علیه ما سخن بگوید.

۳- فروشندگان و مأمورین مربوطه در خدمت حاضرند.

۴- هر سه گزینه (۱و ۲و ۳) غلط نگارشی دارد.

۲۵۲- کدام گزینه غلط است ؟

۱- او کتاب را برداشته، روی میز گذاشت.

۲- او کتاب را برداشته، روی میز می‌گذارد

۳- او کتاب را برداشته و روی میز خواهد گذاشت

۴- او کتاب را برداشته، روی میز خواهد گذاشت.

۲۵۳- گزینه نادرست از نظر نگارشی کدام است ؟

۱- من، کتاب را باز کردم و خواندم ۲- من کتاب را باز کرده و خواندم.

۳- من کتاب را باز کرده، خواندم ۴- من کتاب را باز کرده و خوانده‌ام.

۲۵۴- شکل نادرست جمله از نظر نگارشی در کدام گزینه است ؟

۱- او کتاب را برداشته و خوانده است ۲- او کتاب را برداشته و خوانده بود.

۳- شاید او کتاب را برداشته و خوانده باشد ۴- او کتاب را برداشته و خواند.

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَاللّهِ حقٌّ وَاسْتَغفِرْ لِذَنْبِكَ و سَبِّحْ بِحَمْدِكَ بِالْعَشيِّ وَ الاَبكار

(سورهٔ مؤمن آیه ۵۸)

پس صبرکن . به درستی که وعده خداوند حق است و طلب آمرزش کن از گناهت و حمد و ستایش کن خداوند را شبانگاه و بامدادان.



پاسخ تمرینهای چهارجوابی فارسی و دستور و صنایع ادبی کلاس دوم دبیرستانها

****

۱- **جواب (۲)** . جملهٔ مستقیمِ مصرع اول = کتاب را به نام آن شورع می‌کنم (پایه) که فکرت را به جان آموخت. «را» در مصرع اول حرف اضافه «به» و فکرت هم مفعول است. در مصرع دوم «چراغ جان» مفعول می‌باشد.

۲- **جواب (۳)** . مرگ رودکی در ۳۲۹ هـ و در زمان سامانیان می‌زیسته و شعر معروفِ «بوی جوی مولیان آید همی / یاد یار مهربان آید همی» را سروده است.

۳- **جواب (۴)** . زیرا تنها گزینه‌ای است که مستقیم است.

۴- **جواب (۳)** . «آذین» به معنی زینت و آرایش است نه به معنیِ روشن کردن.

۵- **جواب (۳)** . و غلطها عبارتند از : فترت ---← فطرت . موؤنت ---← معرفت. مضاهرت ---← مظاهرت . ظلالت ---← ضلالت.

۶- **جواب (۴)** . زیرا پدیده‌های نو و تازه را آفرید.

۷- **جواب (۲)** . زیرا اشاره به رفتن پیامبر در غار به خاطر رها شدن از دست کفار و بسته شدن غار به قدرت الهی توسط تار عنکبوت و به قولی «تخمگذاری» کنجشکی روی تار.

۸- **جواب (۲)** . و آن چنین است که : جمله یا شعری، داستانی را به خاطر آوَرَد، دارای صنعت تلمیح یعنی شیرینی است. در اینجا اشاره به داستان رفتن پشه داخل بینی نمرود.

۹- **جواب (۴)** .

۱۰- **جواب (۲)** . بدایع یعنی تازه‌ها

۱۱- **جواب (۳)** .

۱۲- **جواب (۲)** . که به معنی لغزش و خطا است.

۱۳- **جواب (۴)** . در بین شعرای ایران تنها نظامی است که داستانهای بزمی در قالب مثنوی دارد از جمله لیلی و مجنون، خسرو وشیرین و هفت پیکر. البته افراد دیگری هم داستان نویس بوده‌اند مانند: فخرالدین اسعد گرگانی که داستان معروف خود «ویس ورامین» را سروده است.

۱۴- **جواب (۴)** . که از جامی است و سه کتاب دیگر از پنج کتاب خمسه نظامی استأ

۱۵- **جواب (۱)** . معنی مصراع چنین است : آسمان و زمین، همه آفریده و مخلوق‌اند، لذا «آفریده است» مسند و رابطه می‌باشد. نه ماضی نقلی.

۱۶- **جواب (۳)** . جهان پادشاهی ترکیب اضافی مقلوب است که پادشاهی جهان بوده است.
۱۷- **جواب (۲)** . زیرا ترتیب ارکان جمله رعایت شده یعنی: ***فاعل + مفعول + متمم + فعل.***
۱۸- **جواب (۳)** . فعل جمله سوم = آغاز کردی.
۱۹- **جواب (۴)** است البته با حذف یک جمله از مصرع گزینه (۴) ساخته شده است و چنین بوده است : چو علی که می‌تواند شرط وفاداری را تماماً به جای آورد؟
۲۰- **جواب (۳)** . مصدر فعلِ جمله «دم زدن» است و «چه» قید کیفیت، هر دم نیز قید زمان است.
۲۱- **جواب (۲)** . زیرا در جمله اول یعنی «به امید آن هستم»، فعلِ «هستم» حذف شده و با دو فعل دیگر یعنی : «برسد و سپردم» سه جمله می‌سازد.
۲۲- **جواب (۱)** . جمله اول چنین است نه او را خدا توانم خواند و «توانم» فعل معین است. در این جمله، خدا نقش تمیز دارد و جمله دوم هم مشابه جملهٔ اول است و مصراع دو جمله است.
۲۳- **جواب (۴)** . مجارات یعنی با یکدیگر سخن گفتن.
۲۴- **جواب (۲)** . یعنی جواهر را به دل سنگ ببخشی.
۲۵- **جواب (۳)** . «را» حرف اضافه، یعنی رنجی به ما برسد. مفعولهای سایر گزینه‌ها به ترتیب عبارتست از : آنچه ، راه ، روی پدر
۲۶- **جواب (۴)** . «را» در اولی، حرف اضافه و در دومی فک اضافه و در سومی فک اضافه است.
۲۷- **جواب (۲)** . خواجه نصیرالدین توسی کتاب را به نام «ناصرالدین» که از محتشمان قهستان بود، تألیف نمود.
۲۸- **جواب (۴)** است زیرا کتاب در سال ۶۳۳ هـ ق (قرن هفتم) تألیف شده است.
۲۹- **جواب (۳)** . خواجه نصیر در آداب سخن گفتن (کلاس دوم) این جملهٔ سؤال را آورده که معنی آن چنین است : (چرا شنیدن تو از گفتن بیشتر است) .
۳۰- **جواب (۳)** . زیرا دو گوش را به من داده‌اند و یك زبان داده‌اند. یعنی : «خود یک جمله است» .
۳۱- **جواب (۳)**. همیان کیسه‌ای است که از چرم درست می‌شود ولی سه مورد دیگر چرم هستند ولی کیسه نیستند.
۳۱/۱- ***(تکراری)*** جواب (۲).

۳۲- جواب (۴). سبکساری : سبک + سار + ی و حاصل مصدر است ولی اسم مصدر از ترکیب بن مضارع با «ش» و «مه» و ... ساخته می‌شود.

۳۳- جواب (۲) . «فری» صوت تحسین و آفرین است که یک جمله است. دقیقی «فری» را به صورت «فریش» به کار برده است.

۳۴- جواب (۲) . زیرا، ی در «نهانی» معنی پنهان شده و مفعولی دارد. در (۱) نکره در (۳) لیاقت و در (۴) فاعلی است.

۳۵- جواب (۲) . و فعل «می‌شد» به معنیِ «می‌رفت» و خاص است (غیر ربطی)

۳۶- جواب (۲) . دلیل این که پاسخ (۴) نیست به خاطر وجود فعلِ (بود) است، چنانچه به جای «بود» «می‌شد» می‌آمد، پاسخ چهار هم درست بود.

۳۷- جواب (۲) . کسی که مردن را نابودی می‌داند به زندگی در این دنیا معتقد است و آیهٔ : ***«لا تُلقو بایدَیکم اِلَی التّهلکه»*** را دستاویز قرار می‌دهد.

۳۸- جواب (۳) . که جمله مستقیمِ مصراع و منطبق بر آن است.

۳۹- جواب (۱) . و جمله چنین است : ***«کی تمیز برای تیغ و تیر وجود دارد؟»***

۴۰- جواب (۲) . زیر «را» فک اضافه (نشانهٔ مضاف الیه) است و جمله چنین بوده است : «من زبون این شهر فانی نیستم» لذا «این شهر» مضاف الیه است. ضمناً جمله اسمیه مفعول ندارد.

۴۱- جواب (۱) . زیرا جمله چنین بوده است : آنها از عبرت‌ها به او پند می‌دادند.

۴۲- جواب (۴) . نَمت ---← غلط

۴۳- جواب (۴) . در مصراع آمده است که : استقامت از شما به کوهسار رسیده است.

۴۴- جواب (۱) . زیرا جملهٔ «وطن چو لاله‌زار شد» اسمیّه است و «شد» فعل ربطی است. در همین گزینه «شد» در جملهٔ «بهار شد» به معنی «آمد» است. در گزینه «۲» شد : رفت. در گزینه (۳) «شد : رفت . در گزینه (۴) شد : رفت.

۴۵- جواب (۴) . کلمهٔ «این» به میان اضافه شده و مضاف الیه است ولی برای شهر صفت اشاره است نه ضمیر اشاره.

۴۶- جواب (۲) . ی لیاقت به مصدر اضافه می‌شود مانند خوردنی اما فعل شنیدی دوم شخص مفردِ ماضی است و «ی» ضمیر متصل فاعلی است.

۴۷- جواب (۴) . مفعول فعلِ متعدیِ «بین» «طلوع آفتاب» است.

۴۸- جواب (۲) . که استقامت از شما به کوهسار رسیده است - کوهسار متمم است ولی سایر

گزینه‌ها مفعول هستند.

۴۹- **جواب** (۴) . آمدنِ نامِ شاعر در بیت آخر و رهاشدن از شعر «صنعت تخلص»، آفتاب، سپیده و سپیده دم «صنعت مراعات نظیر»، آمدن نور و تاریکی «صنعت تضاد» است صنعت سجع در شعر نیست و در نثر است.

۵۰- **جواب** (۴) . زیرا کسی که اذیت می‌کند و مورد احترام و توجه کسی هم نیست آدم سازگاری نیست.

۵۱- **جواب** (۴) . زیرا دوگانه، نماز دو رکعتی است، چون نماز صبح دو رکعت است می‌توان نماز صبح هم نامید.

۵۲- **جواب** (۴) . زیرا عاقلانه با مسایل برخورد نمی‌کند و تصوّرات واهی در ذهن دارد.

۵۳- **جواب** (۲) . زیرا نماز پسین به معنی نماز عشاء درست نیست. ضمناً دوگانه‌ای با داشتن «ی» وحدت، نماز صبح نیست بلکه نماز دو رکعتی. در جای دیگر هم اشاره شد، چون نماز دو رکعتی گفته می‌شود، می‌توان نام نماز صبح هم روی آن گذاشت.

۵۴- **جواب** (۴) . زیر فاعل ندارد که شناسه خوانده شود و «انباز» صفت است که با «ی» حاصل مصدر شده و «ی» مصدری است.

۵۵- **جواب** (۳) . و جمله چنین است : رحم آوردن بر بدان بر نیکان ستم است.

۵۶- **جواب** (۲) . و سر مورد دیگر مفهوم مناسب ندارند.

۵۷- **جواب** (۴) .

۵۸- **جواب** (۱) . زیرا خاموشی از ضمیر دل خویش با کسی گفتن بهتر است.

۵۹- **جواب** (۲) . زیرا در مصرع اول دوراندیشی و در مصرع دوم پیش‌بینی را توصیه می‌کند.

۶۰- **جواب** (۲) . زیرا کسی که با انسان دوست باشد و با دشمنان همنشین باشد دو رو و منافق است و باید طرد شود.

۶۱- **جواب** (۴) . زیر معنی مصرع، تظاهر کردن به زهد و علم است نه پرهیزگار گشتن و عالم گشتن.

۶۲- **جواب** (۴) . زیرا هم خشم لازم است هم لطف.

۶۳- **جواب** (۱) . زیرا از نظر معنی و مفهوم با سه گزینه دیگر تفاوت کلی دارد.

۶۴- **جواب** (۳) . زیرا انسان خردمند نه درشتی می‌کند نه سستی .

۶۵- **جواب** (۲) . زیرا وجود جنگ و اختلاف میان دشمنان غنیمت است.

۶۶- **جواب** (۴) . آسای فعل امر از مصدرِ آسودن.

۶۷- **جواب** (۴) . و «یِ» سوم، همان «ی» نکره است.

۶۸- **جواب** (۱) . و حَرَج : تنگی است.

۶۹- **جواب** (۳) . و فاصد به معنیِ رگزن و جراح است.

۷۰- **جواب** (۱) . و قریب به معنیِ نزدیک و باید به صورت «غریب» به معنی دور باشد.

۷۱- **جواب** (۴) . «به هم برکردن» به معنیِ پریشان کردن است. شعر سعدی که می‌گوید:

«بـه هـم بر مکن تا توانی دلی   کـه آهی جهانی بـه هم برکند»

۷۲- **جواب** (۳) .

۷۳- **جواب** (۲) . زیرا حاصل مصدر از ترکیبِ ***صفت + ی*** ساخته می‌شود و سه گزینه دیگر به ترتیب دارای بنهایِ «بخش، رفت و سوز» است.

۷۴- **جواب** (۳) . زیرا هر دو ماضی است ولی بقیه، اولی ماضی و دومی بنِ مضارع .

۷۵- **جواب** (۱) . زیرا شنیدن فارسی است و کلمه‌های طلب، طوف و فهم، عربی است که با «یدن» جمع شده و جعلی است.

۷۶- **جواب** (۴) . محمد تقی بهار در سه جلد نوشته است.

۷۷- **جواب** (۴) . زیرا کبودفام صفت ابر است .

۷۸- **جواب** (۳) . جمله مستقیم بیت چنین است : خویی که از نخست به سرِ کسی نشست همواره تا به دمِ مرگ بر سر او است و ***«او»*** مضاف الیه است.

۷۹- **جواب** (۳) . زیرا کوه پر درخت به کلاه خودِ پر از پر طاووس تشبیه شده است.

۸۰- **جواب** (۳) . زیرا قرار گرفتن نارنج در ابر به قرار گرفتن آتش در دود تشبیه شده است.

۸۱- **جواب** (۳) . کلمات سبزه، بنفشه و گل با بهشت ارتباط مکانی دارند.

۸۲- **جواب** (۱) . زیرا «رَند»، بن مضارع از «رندیدن» و «سُنب» بن مضارع از سفتن است ولی سایر گزینه‌ها اسم هستند.

۸۳- **جواب** (۳) . مانند «خنده» اسم مصدر است، اما گیره و کوبه اسم ابزار هستند و «رُست» ماضی ساده از مصدر «رُستن» است.

۸۴- **جواب** (۴) . کتاب «طرائق التحقیق» را نوشته و «التّحصیل» به قلمِ بهمنیار، شاگرد ابوعلی‌سیناست.

۸۵- **جواب** (۳) . و «م» نقش اضافی دارد.

۸۶- **جواب** (۱) . مصرع دوم عبارت است از : که رطب خیره بار نارد بید. و معنی بی‌خاصیت بودن شاه را به همراه دارد.

۸۷- **جواب** (۴) . ضمیر «دو» در «بار نارد» وجود دارد.

۸۸- **جواب** (۴) . «را» نشانهٔ مفعول نیست بلکه فک اضافه است ، جملهای اسنادی مفعول ندارند و فعل این گونه جمله‌ها لازم است.

۸۹- **جواب** (۱) . سنایی در قرن ۵ و ۶ می‌زیست و عطار بعد از سنایی.

۹۰- **جواب** (۱) . و در آن «بید» فاعل و «بیهوده» قید و «رطب» مفعول است. ضمناً بارآور به درختی گفته می‌شود که : «بار آوَرَد». در اینجا شاعر گفته است: بید رطب را با ناوَرَد (بار نَیاوَرد).

۹۱- **جواب** (۱) . فعل جمله اول «فراز شد» است که «فراز» پیشوند است.

۹۲- **جواب** (۳) .

۹۳- **جواب** (۱) . زیرا «جریده» اسم است و سه مورد دیگر صفت مفعولی از ماضی ساده است.

۹۴- **جواب** (۴) . زیرا «سفر کرده» صفت است که جای اسم نشسته و «آن» صفت می‌باشد.

۹۵- **جواب** (۲) . برای این که در سؤال آمده : همه چیز، همه کس، بنی‌آدم، مرغ ، مور و مگس پرستار امر او هستند.

۹۶- **جواب** (۴) . قطعه دو یا چند بیت شعر است که مصرعهای دوم (زوج) با هم قافیه هستند و در مورد موضوع معینی صحبت می‌شود و زیباترین نوع آن که معنی را می‌رساند دارای دو بیت است .

۹۷- **جواب** (۲) . زیرا وقتی آتش عشق به وطن دوستی شعله‌ور می‌شود. دل مؤمن سپندوار (مانند اسفند یا اسپند) در این منقل آتش عشق می‌سوزد.

۹۸- **جواب** (۲) . مولوی در مقابل سهل الوصول بودن، محکم و استوار بودن را توصیه می‌کند.

(فارسی چهارم)

۹۹- **جواب** (۱) .

۱۰۰- **جواب** (۱) .

۱۰۱- **جواب** (۳) .

۱۰۴- **جواب** (۲) .

۱۰۵- **جواب** (۳) .

۱۰۶- **جواب** (۳) .

۱۰۷- **جواب** (۱) .

۱۰۸- جواب (۳) .

۱۰۹- جواب (۴) .

۱۱۰- جواب (۳) .

۱۱۱- جواب (۳) . زیرا این گزینه معنی روانِ مصرع است. توجه داشته باشید که گزینه (۴) مفهوم مصرع است که مورد سؤال نبوده است.

۱۱۲- جواب (۴) . این هر دو «الف» کثرت نامیده می‌شود یعنی بسیار افراد و بسیار روزها .

۱۱۳- جواب (۲) .در بیت توصیه می‌شود که به خاطر وضع خوب دیگران غم و غصه مخور بلکه «خرسند» باش.

۱۱۴- جواب (۴) . زیرا شاعر کسب کمال را توصیه می‌کند.

۱۱۵- جواب (۳) . فعل جمله‌ها عبارتست از : ۱-گفت ۲- تا (شبه جمله) ۳- نخوری ۴- «بساکسا» وجود دارند ۵- است.

۱۱۶- جواب (۴) . زیرا معنی را به طور کامل می‌رساند اما در سایر گزینه‌ها منتظر تکمیل مطلب هستیم.

۱۱۷- جواب (۴) . زیرا نافه از لباس بدیع معتبر است.

۱۱۸- جواب (۳) . تمیز صفت یا وضعیتی است که به وسیله فعل مصدرهای : پنداشتن، خواندن، نامیدن، تصورکردن به صاحب آن نسبت می‌دهند.

۱۱۹- جواب (۴) . به معنی سوزش یابنده.

۱۲۰- جواب (۴) . فتور به معنی سستی و سست شدن است. بقیه گزینه‌ها همگی از یک ماده هستند.

۱۲۱- جواب (۴) . فعلها عبارتست از : بخشش کنی، گویند، کرد، کرد (محذوف) عربده کشی، گویند، کرد، کرد (محذوف)

۱۲۲- جواب (۴) . زیرا ساخت و پاخت هر دو ماضی و سایر گزینه‌ها، بن ماضی و مضارع هستند.

۱۲۳- جواب (۳) . تاریخ ادبیات و معرفی شاعر (فارسی دوم)

۱۲۴- جواب (۳) .

۱۲۵- جواب (۲) . زیرا جمله چنین است. آن پیکر عریان دهقان است که صبح وشام در زمستان همچو مرغ نیم بسمل می‌لرزد و بس «**پیکر**» نقش مسندی و آن نقش مسندالیهی

دارد.

۱۲۶- **جواب** (۳) .

۱۲۷- **جواب** (۲) . ذکی و ذکاوت به معنی باهوش و باهوشی است.

۱۲۸- **جواب** (۱) . حَرَج به معنی تنگی و سختی است .

۱۲۹- **جواب** (۴) .

۱۳۰- **جواب** (۲) . «صُلب» به معنی استخوان پشت است.

۱۳۱- **جواب** (۴) . زیرا تجاهر به معنی «تظاهر» و فاکهه به معنی «میوه» است از جمله مقاله‌های فیض کاشانی در زمینه اخوت است.

۱۳۲- **جواب** (۲) . «بس» به معنی بسیار است که آنرا از سایر گزینه‌ها جدا کرده است.

۱۳۳- **جواب** (۲) . ذلیل به معنی خوار است .

۱۳۴- **جواب** (۴) . و جمله چنین است : به حقیقت، این، خصلتِ بس شریفی است.

۱۳۵- **جواب** (۴) .

۱۳۶- **جواب** (۱) . و به معنی نَفَسها است و اَنفس : جانها

۱۳۷- **جواب** (۳) . زیرا حَرَج به معنیِ تنگی و سختی است.

۱۳۸- **جواب** (۴) . مضطر = مجبور کردن . مصابرت = شکیبایی.

۱۳۹- **جواب** (۱) . «تصافح» به معنیِ دست یکدیگر را گرفتن .

۱۴۰- **جواب** (۴) . زیرا تعداد کلمات و حروف مصرع اول با مصرع دوم برابر است.

۱۴۱- **جواب** (۲) . این صفت فاعلی در اصل ناز پرورَنده (صفت فاعلی مرکب مرخم) بوده. نازپرورد «صفت مفعولی مرخم» ناشناس همان ناشناخته است که صفت مفعولی است.

۱۴۲- **جواب** (۳) . در مورد تمیز قبلاً سخن به میان آمده است

۱۴۳- **جواب** (۲) . «شرق شناس آلمانی» بدل است که برای توضیح نقش مبدل منه یعنی زاخاء می‌آید.

۱۴۴- **جواب** (۴) . درس ابوریحان بیرونی (فارسی دوم)

۱۴۵- **جواب** (۴) . ابوریحان اولین اثر خود را به نام «آثارالباقیه عن القرون الخالیه» حدود سال ۳۹۱ ه‍ ق به عربی یعنی زبان علمی ممالک اسلامی نوشته است.

۱۴۶- **جواب** (۳) . «التفهیم لاوایل صناعة التنجیم» در آموزش مقدماتی ستاره‌شناسی به وسیله بیرونی نوشته شده است.

۱۴۷- جواب (۴) .

۱۴۸- جواب (۳) . زیرا : انفاس، ج نَفَس: ج نَفْس، نفوس: ج نَفْس.

۱۴۹- جواب (۱) . کلمات : تیر، شمشیر و جنگ با هم ارتباط دارند.

۱۵۰- جواب (۲) . زیرا وقتی بخت شوم خشمگین شد دیگر مقاومت وجود ندارد و سنگ خارا مانند موم می‌وشد، یعنی تسلیم را به دنبال می‌آورد.

۱۵۱- جواب (۴) .

۱۵۲- جواب (۲) .

۱۵۳- جواب (۱) . «چرا» اول از مصدر چریدن و غذا خوردن حیوانات با حرف اضافه (به)، «چرا» دوم قید پرسش و این دو کلمه قافیه بیت است و ردیف نیست اما سایر بیتها که مثنوی هستند کلمه‌های تکراری ردیف است پس همگی **«مُرَدَّف»** یعنی ردیف‌دار هستند.

۱۵۴- جواب (۳) . چونِ اول «مسند» و «چونِ» دوم قید است.

۱۵۵- جواب (۲) .

۱۵۶- جواب (۳) . «رستم» مشبه و «کوه پولاد» مشبه به است.

۱۵۷- جواب (۱) .

۱۵۸- جواب (۳) . به معنی «که نام من در جهان نماند و رستم خود را نفرین کرده است.

۱۵۹- جواب (۴) . زیرا، یکی داستان زد= مثلی زد.

۱۶۰- جواب (۲) . زیرا کلمه‌های متضد در آن نیست. در گزینه (۱) دیو و فرشته در گزینه (۳) صالح و طالح و در گزینه (۴) بدو نکو متضاد هستند.

۱۶۱- جواب (۴) . کلمه متضاد ندارد ولی در (۱) طاعت و معصیت و در (۳) طاعت و معصیت و در (۲) شب و روز، متضاد هستند.

۱۶۲- جواب (۳) . این گزینه کلمه متضاد ندارد. در (۱) خسك و خار. در (۲) بیگانه و آشنا و در (۴) نو شده و کهن، متضاد هستند.

۱۶۳- جواب (۲) . من تو را دیدم. در (۱) «ت» مضاف الیه است برای یال. در (۳) «ت» مضاف الیه برای عیسی. در (۴) «ت» متمم است یعنی به تو نگویم.

۱۶۴- جواب (۴) . خونین، صفت نسبی است.

۱۶۵- جواب (۴) . در ترجیع‌بند یک بیت عیناً تکرار می‌شود ولی در ترکیب بند، بیت مابین

بندها که بند برگردان یا واسطه العقد نامیده می‌شود تکراری نیست. هر بار به گونه‌ای است مانند ترکیب‌بند محتشم کاشانی و نمونه ترجیع‌بند از هاتف اصفهانی است که در فارسی سوم آمده است.

۱۶۶- **جواب (۳)** . بنابرقاعده تغلیب (غلبه‌دادن) در زبان عربی، وقتی از دو چیز یکی بر دیگری برتری دارد، دومی را تبدیل به اولی می‌کنند و سپس به صورت تثنیه می‌آورند مانند: مشرق و مغرب که مشرقین می‌شود، والد و والده که والدین می‌شود. حسن و حسین که حسنین می‌گویند. اما در «**عیدین**» این نکته صادق نیست.

۱۶۷- **جواب (۱)** . گوی زمین. اضافه تشبیهی است همچنین سیماب وار. می‌تواند تلمیح هم داشته باشد.

۱۶۸- **جواب (۴)** . معنی کامل شعر. چنین است : «این آسمان بلند که همچون خیمه‌ای بلند است، بدون ستون و خراب و واژگون می‌باشد که خلاصه آن در گزینه ۴ استأ

۱۶۹- **جواب (۴)** . در گزینه (۱) خواسته ←—— خاسته در (۲) تلاتم ←—— تلاطم در (۳) خاست ←—— خواست.

۱۷۰- **جواب (۱)** . جمله چنین است. دین اسلام در سرزمینی شعر پرور و شاعرخیز ظهور کرد. در سؤال ما بین صفت و موصوف فاصله افتاده است، در این جمله، شعرپرور و شاعر خیز صفت و «ی» در سرزمینی «نکره» است.

۱۷۱- **جواب (۱)** . تضادی ندارد.

۱۷۱/۱- **جواب (۴)** . زیرا در این گزینه دو کلمه مترادف هستند ولی سه گزینه دیگر، کلمه‌ها با یکدیگر متضاد هستند.

۱۷۲- **جواب (۳)** .

۱۷۳- **جواب (۴)** . صفت تفضیلی (برتر) قبل از اسمی که سنجش آن مورد نظر است قرار می‌گیرد، چنانچه اسم مفرد باشد. صفت برتر و برترین بدون کسره می‌آید. اگر اسم جمع باشد صفت با کسره حالت مضاف به خود می‌گیرد مانند سه گزینه دیگر. لذا در گزینه (۴) آگاهترین کسره ندارد.

۱۷۴- **جواب (۲)** . او در قرن پنجم در زمان طغرل سلجوقی می‌زیست.

۱۷۵- **جواب (۱)** . دو بیتیهای باباطاهر بر وزن‌مفاعلین، مفاعیلن، مفاعیل است که ۱۱ هجایی است.

۱۷۶- **جواب (۳)** . بازشکاری، نخجیر (شکار) و تیر با یکدیگر ارتباط موضوعی دارند.

۱۷۷- **جواب (۲)** . زیرا جمله چنین است : از سبحان غافل هستی و سبحان متمم است.

۱۷۸- **جواب (۴)** . زیرا همه گزینه‌ها توضیحی بر میکده است.

۱۷۹- **جواب (۳)** .

۱۸۰- **جواب (۳)** . زیرا ضمیرها عبارتست از : «خویشتن : ضمیر مشترک . تو: ضمیر منفصل. کس : ضمیر مبهم. د : ضمیر مستتر در نباشد» .

۱۸۱- **جواب (۱)** . معنی خویش و قوم دارد یعنی با خویش و قوم بیگانه مشو ولی در سایر موارد معنی «خود» دارد.

۱۸۲- **جواب (۲)** . فارسی دوم درس صفت شهر مکه.

۱۸۳- **جواب (۲)** . زیرا پاسخ درست جملهٔ مستقیم سؤال است.

۱۸۴- **جواب (۴)** . اندر: حرف اضافه تأکیدی است، چنانچه جمله اسمیه یا فعلیه باشد «مسجد حرام» نهاد است. «مسجد حرام در میانهٔ این فراخنای وجود دارد».

۱۸۵- **جواب (۱)** . کلمهٔ «سعی» دو معنی دارد یکی کوشش کردن و دیگری انجام عملِ سعی بین صفا و مروه.

۱۸۶- **جواب (۱)** . من عاشقم جملهٔ مستقل است.

۱۸۷- **جواب (۳)** .

۱۸۸- **جواب (۲)** . زیرا با توجه به این که شاعر زن را به کشتی و مرد را به کشتیبان تشبیه کرده واقعیت این است که هر دو در اداره زندگی شریکند.

۱۸۹- **جواب (۱)** . زیرا در (۲) انسان در واقع مرده نیست. در (۳) عمر را از دست داده است. در (۴) هیچ چیز ندارد و در شماره (۱) مفهوم و معنی ضرر کرده است از همه گزینه‌ها مناسبتر است .

۱۹۰- **جواب (۱)** . زیرا منطبق بر سؤال است زیرا می‌گوید: ارزش وجودی انسان به فضل اوست و این معنی در سایر شماره‌ها نیست.

۱۹۱- **جواب (۱)** . بیت دو جمله است و جمله اول عبارتست از: ***«تنی خرم است»*** و در آن ***«خرم»*** مسند است و هر دو جمله ***«اسمیه»*** و رهبر هم مسند است.

۱۹۲- **جواب (۱)** . «مادر» نقش فاعلی دارد. «مادر نادان، فرزند خوب را نپرورد».

۱۹۳- **جواب (۱)** . برای روشن شدنِ پاسخها جمله مستقیم بیتها را نگاه می‌کنیم: ای پروین!

گوهر دانش برای گردن و دست زن نکو سزاست. گوهر الوان سزا نیست.

۱۹۴- **جواب (۲)** . و «را» فک اضافه است. برای روشن شدنِ تمام گزینه‌ها جمله مستقیم بیت را نگاه می‌کنیم: «خویی که از نخست به سر کسی نشست هماره (همواره) تا به دم مرگ بر سر اوست.

۱۹۵- **جواب (۲)** . «ی» فعل ربطی و برابر است با «هستی».

۱۹۶- **جواب (۲)** . بیت را نگاه می‌کنیم: اگر آسایشی در سایه تو به خلق رسد، بهشت بردی و در سایهٔ خدای آسای. «ی» در «آسایشی» نکره است.

۱۹۷- **جواب (۱)** . جمله عبارتست از : اگر هیچ غیرت، ناموس و دانش برای تـو (ت) وجـود دارد. این جمله فعلیه خواهد بود.

۱۹۸- **جواب (۴)** . در اینجا «زاد سروِ» اول و دوم متمم است و «م» در زاد سروم مفعول. جمله عبارتست از او مرا چو زاد سرو در همه کارها راست دیـد، از آن زمـان مـرا چـو زاد سـرو بپیراید.

۱۹۹- **جواب (۴)** . و فعل نبیند همراه با فاعل نیست و فاعل (او) در جمله قبل آمده است. لذا «د» ضمیر است نه شناسه.

۲۰۰- **جواب (۳)** . زیرا، آخرت : *آخر + ت* ، که «ت » ضمیر متصل و مـتمم است و «آخـر» قید است. آخر چند بار به تو نگفتم که دست از دامن من مدار.

۲۰۱- **جواب (۳)** . بیت چهار جمله و عبارتست از : تومانی + بدو نیکت ماند + چو زین عالم برون رفتی + نه فغفوری نه خاقانی با تو در خاکت نیاید، در (۱) باید گفت : هر گاه ضمایر فاعلی متصل به فعل یا فاعل به کار روند، بـاید شنـاسه نـامیده شـوند. در (۴) چـون بـن مضارع از مصدر آمدن : آی + ش = اسم مصدر

۲۰۲- **جواب (۳)** . اشاره به مکتب شهادت و ایثار است که جاودانه است و برای تداوم آن باید همیشه آماده بود.

۲۰۳- **جواب (۳)** . زیرا ابوسعید در قرن پنجم درگذشته است.

۲۰۴- **جواب (۱)** . زیرا داوری به معنی دشمنی آمده و «با» معادل «به» است.

۲۰۵- **جواب (۱)** . جملهٔ اول فعلیّه (شد = رفت) و جـمله دوم اسنـادی است . در (۲) جـمله عبارتست از : استاد منکرِ شیخ ما بود و «را» فک اضافه است و استاد مسندالیه می‌باشد.

۲۰۶- **جواب (۴)** . فعلها عبارتست از : بباید دانست - گـوید - گـوید و سـه جـمله مـی‌شود.

جمله دوم عبارتست از: هر که بد کسی را پیش تو گوید.

۲۰۷- **جواب (۳)** . اگر «چو و چون» معنی «وقتی که» داشته باشد حرف ربط و در صورتی که معنی «مثل و مانند» بدهد حرف اضافه است. پس اولی ربط و دومی اضافه است.

۲۰۸- **جواب (۱)** . زیرا با آمدن کلمه «شیرینی» دو معنی به ذهن می‌آید، یکی حلاوت و دیگری اسم معشوقه خسرو و فرهاد.

۲۰۹- **جواب (۲)**. زیرا آوردن کلمات مناسب در شعر مانند شیرین و فرهاد.

۲۱۰- **جواب (۳)** . در (۱) کلمه‌های یسار و یمین در (۲) یقین و گمان در (۴) بزم و رزم متضاد هستند.

۲۱۱- **جواب (۲)** . کتاب و دفتر مراعات نظیر هستند.

۲۱۲- **جواب (۲)** . صفتی که موصوف خود را بدون سنجش با اسم دیگر توصیف کند صفت مطلق است. در سایر گزینه‌ها وجود «از - که» سنجش را می‌رساند «به» صفت برتر خواهد بود در (۱) بین بین است.

۲۱۳- **جواب (۴)** . زیرا از کلمه‌های: «مثل مانند و چون» برای تشبیه استفاده نشده است.

۲۱۴- **جواب (۳)** . زیرا معنی مصراع عبارتست از: فدایی از مقصود دست بر نمی‌دارد.

۲۱۵- **جواب (۳)** . زیرا «مسلّم» صفتِ احمق است و احمق، مسند است.

۲۱۶- **جواب (۲)** .

۲۱۷- **جواب (۴)** . چون سرکردگان، سوری را از انجام کار خلاف منع نمی‌کردند و در واقع در برابر او مقاومت نمی‌کردند.

۲۱۸- **جواب (۴)** . دیداری: توری و پارچه‌ای که طرف دیگر آن قابل دیدن است.

۲۱۹- **جواب (۳)** . وضیع به معنی فرومایه و همچنین بی‌بضاعت است.

۲۲۰- **جواب (۱)** . زیرا انوری در قرن ششم می‌زیسته و در سال ۵۸۳ هـ ق فوت کرده‌اند و از معاصران سلطان سنجر سلجوقی بوده استأ

۲۲۱- **جواب (۱)** . و درستِ آن عبارتست از: طلب کردن و خواستن در حقیقت گدایی است.

۲۲۲- **جواب (۳)** . زیرا هر دو جمله بر حسب ارکان و جمله مستقیم هستند.

۲۲۳- **جواب (۱)** . زیرا، زینهاردار: امانت دار و زینهار خوار: امانت خوار یا خیانتکار و خائن .

۲۲۴- **جواب (۱)** . زیرا، زینهاردار به معنی امانت دار و «زینهارخوار» به معنی امانت خوار است.

۲۲۵- **جواب (۲)** . زیرا نادان یا کسی که بینش ندارد یوسف صدّیق خود را که کنایه از گوهر جان و استعداد درونی اوست در جایی که خریداری نیست می‌فروشد و بدین وسیله با جهالت خود آنها را ضایع و تباه می‌کند.

۲۲۶- **جواب (۱)** . زیرا، آنچه در راه خدا تصدق کنند «صدقه» نامیده می‌شود (فرهنگ معین) و آن را مانند گاو و گوسفند که در راه خدا تصدق کنند قربان یا قربانی نامیده می‌شود. ترکش و تیردان هم معنی قربان دارد.

۲۲۷- **جواب (۲)** . زیرا این بیت مطلع یک غزل زیبای سعدی است که در پایان فارسی و دستور دوم آمده است و غزل شعری است که بیتهای آن ۷ تا ۱۲ باشد و مصرع اول بیت اول با مصرعهای دوم همقافیه است و ذکر ایام شباب (جوانی) و عاشقانه است.

۲۲۸- **جواب (۲)** . زیرا غیب ، اسم است .

۲۲۹- **جواب (۳)** . و جمله‌ها عبارتند از: گویند چندین سخن از عشقش مگو + ای سعدی + می‌گویم + بعد از من به دورانها گویند.

۲۳۰- **جواب (۲)** . زیرا قربان دارای دو معنی است یکی قربانی کردن گاو گوسفند و دیگری، ترکش و تیردان.

۲۳۱- **جواب (۴)** .

۲۳۲- **جواب (۱)** . زیرا «بایست» با فعل ماضی در معنی مضارع آمده است. همیشه فعلهای بایست، می‌بایست و می‌بایستی همراه با فعل ماضی و «باید» همراه با فعل مضارع می‌آید.

۲۳۳- **جواب (۳)** .

۲۳۴- **جواب (۲)** . زیرا آوردن «ال» بر سر کلمه فارسی درست نیست ، مثلاً ترکیبهای حسب الخواهش، حسب‌الفرموده و حسب الدستور درست نیست ولی حسب‌الامر درست است **(نگارش دوم)**

۲۳۵- **جواب (۱)** . زیرا «بایست» با فعل ماضی در معنی مضارع آمده .

۲۳۶- **جواب (۱)** . زیرا حرف ربط هم و مفعول (روز امید) بعد از فعل آمده و درست نیست.

۲۳۷- **جواب (۴)** . آوردن فعل ماضی «بایست» قبل از مضارع غلط و بقیه گزینه‌ها درست است.

۲۳۸- **جواب (۴)** . در (۱) آوردن «از» بعد از خرید جایز نیست در (۲) آوردن لوازمات درست نیست. در (۳) بعد از وجه وصفی «و» آمده و درست نیست.

۲۳۹- **جواب (۱)** . زیرا این کلمه نشان دهنده یک مجموعه است و تنها برای نشان دادن صورت جمع به کار نمی‌رود.

۲۴۰- **جواب (۲)** . قبلاً راجع به این کلمات صحبت شد.

۲۴۱- **جواب (۴)** . هر سه گزینه جمع مکسر هستند که دو مرتبه با «ها» یا «ات» جمع بسته شده و غلط است.

۲۴۲- **جواب (۳)** . در گزینه (۱ و ۲) آوردن «بر» قبل از کلمات «علیه و له» درست نیست.

۲۴۳- **جواب (۴)** . سه گزینه دیگر به دلیل کاربرد کلماتِ : اکثراً ، اقلاً و حداقل غلط هستند.

۲۴۴- **جواب (۱)** . در این گزینه آوردن «مربوطه» درست نیست . در (۲) آوردن «مدینه منوره» به دلیل کثرت استعمال اشکالی ندارد. در (۳) آوردن له و علیه درست است. در (۴) آودن «هویت» اشکالی ندارد ولی دوئیت ، خوبیت و بدیت غلط است.

۲۴۵- **جواب (۴)** . آوردن بایست با مضارع غلط است. اما آوردن ماضی بایست همراه با قید «دیروز» و مضارع اشکالی ندارد (فارسی و دستور دوم ص ۱۹۲).

۲۴۶- **جواب (۲)** . سایر گزینه‌ها به نوبهٔ خود دارای انسجام و شیوایی هستند.

۲۴۷- **جواب (۴)** . آوردن فعل مضارع «باید» با ماضی التزامی غلط است . گزینه (۲) «خوانـد» وجه مصدری است و اشکالی ندارد.

۲۴۸- **جواب (۱)** . در دو فعل، بدون قرینه حذف شده. در (۳) بعد از وجه وصفی «و» آمده و درست نیست. در (۴) فعلها ناهمگون است.

۲۴۹- **جاب (۲)** . «را» نشانه مفعول، بلافاصله بعد از مفعول می‌آید یا بعد از وابسته مفعول می‌آید. اگر در این فاصله جمله یا کلمه‌ای دیگر بیاید، جمله غلط است مانند گزینهٔ (۲).

۲۵۰- **جواب (۲)** . زیرا آوردن «افضل‌ترین» در فارسی غلط است. (البته سعدی اولی‌تر را آورده است).

۲۵۱- **جواب (۴)** . در (۱) اعلی‌ترین . در (۲) برعلیه و در (۳) مربوطه، غلط نگارشی است.

۲۵۲- **جواب (۳)** . بدلیل آوردن «و» جمله غلط است .

۲۵۳- **جواب (۲)** . بدلیل وجود «و» بعد از وجه وصفی، جمله غلط است (انشاء الله با این همه تمرین بعد از این، این گونه جمله‌ها را فوراً می‌شناسید». در (۳) «و» نیامده و درست است. در (۴) «نام» به قرینه لفظی حذف شده است.

۲۵۴- **جواب (۴)** . در سه گزینه دیگر فعل معینِ جملهٔ اول به قرینهٔ جملهٔ دوم حذف شده است. در گزینه اول چنین بوده است : «او کتاب را برداشته است و خوانده است.

یا اَیُّهَاالَذینَ اٰمَنوُا اصْبروا و صٰابرو و رابطوا واتّقُوااللّٰهَ لَعَلّکُم تُفلِحون.

(آیه ۲۰۰ - آل عمران)

ای آن کسانی که گرویدید صبر کنید و شکیبایی ورزید و آماده باشید و بترسید از خدا باشد که شما رستگار شوید .



تمرین چهارجوابی: درک مطلب، تاریخ ادبیات، دستور، صنایع ادبی و کلمات مترادف از فارسی و دستور سوم دبیرستانها

****

۱- عبارت : «**منّت خدای راکه طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت**» چند جمله است ؟

۱- یک جمله ۲- دو جمله ۳- سه جمله ۴- چهار جمله

۲- عبارت : «**منت خدای راکه طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت**» یعنی منّت مخصوص خدایی است که :

۱- عبادت سبب نزدیکی به اوست و افزونی سپاس موجب افزونی نعمت.

۲- نزدیکی به او با عبادت ممکن است و افزونی نعمت با شکرگزاری.

۳- عبادت، سبب نزدیکی به اوست و سپاس او موجب افزونیِ نعمت.

۴- با عبادت به او می‌توان رسید و با سپاس از او افزونیِ نعمت انتظار می‌توان داشت.

۳- با توجه به عبارت «**هر نفسی که فرو می‌رود ممّد حیات است**» کدام گزینه درست است (آ - س)

۱- حیات : اسم ذات ۲- فرو می‌رود: فعل متعدی

۳- که : حرف ربط همپایگی ۴- هر نفسی که فرو می‌رود: مسندالیه

۴- کدام گزینه در مورد «**که**» بیت زیر درست است؟

«از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش بدر آید»

۱- هر دو ربطی ۲- اولی تعلیلی دومی تأویلی

۳- اولی اضافی دومی تعلیلی ۴- اولی ضمیر اضافی دومی تأویلی

۵- بیت : «ورنه سزاوار خداوندیش کس نتواند که بجای آورد» چند جمله است؟

۱- سه جمله ۲- دو جمله ۳- چهار جمله ۴- یک جمله

۶- مفهوم جمله : «**وظیفه روزی به خطای منکر نَبُرد**» عبارتست از :

۱- خداوند، موظف به تأمین روزی است ۲- هرینه روزی با اشتباه از بین نمی‌رود

۳- جیره انسان در اثر اشتباه قطع نمی‌شود ۴- روزی خوار خطا کار است.

۷- **«را»** در عبارت : **«درختان را به خلعت نوروزی قبای سبزِ ورق در برگرفته و اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده»** از چه نوع است؟

۱- حرف نشانه مفعول ۲- حرف اضافه ۳- فک اضافه ۴- نهادی

۸- در عبارت : **«عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته»** چه صنعتی دارد؟

۱- تنسیق صفات ۲- طباق ۳- ایهام ۴- ترصیع

۹- دنباله عبارت : **«درختان را به خلعت نوروزی ...»** کدام گزینه است (آ - س)

۱- به قدرت او شهد فایق شده ۲- خوان نعمت بیدریغش همه جا کشیده

۳- قبای سبز ورق در برگرفته ۴- کلاه شکوفه بر سر نهاده

۱۰- املای کلمات همه گزینه‌ها، بجز گزینه .... با توجه به معنی مقابل آن درست است.

۱- عنابت : توبه ۲- معونت : یاری

۳- بدعت: نوآوری در دین ۴- برائت: دوری جستن

۱۱- بیت : « شفیعٌ مطاعٌ نبیٌ کریم قسیمٌ جسیمٌ نسیمٌ وسیم» با توجه به معنی آن که صفات حضرت رسول است، چه صنعتی دارد؟

۱- مراعات نظیر ۲- تنسیق صفات ۳- ترصیع ۴- توشیح

۱۲- املای چند کلمه در عبارت **«آکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیهٔ جمالش به تحیّر منصوب»** غلط است؟

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- ندارد

۱۳- درکدام گزینه صنعت **«تسجیع»** یا سجع وجود دارد؟

۱- به خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پر کنم هدیه اصحاب را .

۲- اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاده

۳- فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

۴- درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در برگرفته.

۱۴- با توجه به عبارت : «*بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت*» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

۱- م در «دامنم» : اضافی ۲- م در «گُلم» : اضافی

۳- چنان : قیـد ۴- گل : مضاف الیه

۱۵- کدام گزینه معنی مصرع : «*کان سوخته را جان شدو آواز نیامد*» است ؟

۱- که آن سوخته روح شد و خبری نیامد ۲- روح او رفت و انعکاسی نداشت

۳- جان باخت و ادعایی نکرد ۴- روح عاشق از جسمش خارج شد.

۱۶- کدام گزینه جمله فعلیّه است ؟

۱- گذاشت بستر و بربام شد مؤذّن پیر ۲- چو صبح صادق آمد راست گفتار

۳- هرگز از رحمت خدا مأیوس نشوید ۴- ز نیرنگ زالی بدین سان درست.

۱۷- در بیت : «گذشت بستر و بر بام شد مؤذن پیر | به هر کرانه در افکند نـغمهٔ تـوحید» کدام کلمه مفعول است ؟ (آ - س)

۱- بام ۲- بستر ۳- توحید ۴- کرانه

۱۸- با توجه به بیت :

«خدای خـوانـان از خـواب نـاز بـرجسـتند
ز آب چشـــمه تسـلیم شســتشو کــردند»

کدام پاسخ دربارهٔ «*خدای خوانان*» درست نیست . (آ - س)

۱- صفت جانشین اسم ۲- فاعل ۳- موصوف جمع ۴- اسم

۱۹- با توجه به عبارت : «*بانگ درَ ایشان قوافل معرفت را به منزل سلامت رهنمون است*» همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است . (آ - س)

۱- بانگ : مسندالیه ۲- دَرای : مضاف الیه ۳- رهنمون: مسند ۴- قوافل : مفعول

۲۰-کدام گزینه در مورد کلمه «بازم» با توجه به بیت زیر درست‌تر است ؟

«در خرابات مغان گر گذر افتد بـازم حاصل خرقه و سجاده روان در بازم»

۱- فعل و فاعل ۲- صفت و ضمیر ۳- قید تکرار و ضمیر ۴- قید و شناسه

۲۱- نگارش کدام جمله درست تر است ؟

۱- در اقصی نقاط گیتی اکنون، زبانِ آرزوها و آمال میلیونها مسلمان انقلابی جهان است.

۲- زبان آرزوها و آمال میلیونها مسلمان انقلابی جهان اکنون در اقصی نقاط گیتی است.

۳- اکنون در اقصی نقاط گیتی زبان آرزوها و آمال میلیونها مسلمان انقلابی جهان است.

۴- اکنون زبان آرزوها و آمال میلیونها مسلمان انقلابی جهان در اقصی نقاط گیتی است.

۲۲- در عبارت زیر چند قید وجود دارد؟

«حکام ستمگر، در طی قرون و اعصار، نیروی زیادی را صرف این کرده بودند که از ما ملتی دلمرده و نا امید بسازند و دورنما و نتیجه هر نوع مبارزه با ستمگری را تاریک و محکوم به شکست جلوه دهند.

۱- دو قید ۲- سه قید ۳- چهار قید ۴- پنج قید

۲۳-گزینه نادرست با توجه به بیت زیر کدام است ؟

«خـرامـان بشـد سوی آب روان چـو جـان رفـته گویـا بیـابد روان»

۱- خرامان : قید ۲- روانِ اول: صفت ۳- روانِ دوم: قید ۴-گویا: قید

۲۴- درکدام گزینه «روز» نقش قیدی دارد؟ (آ - س)

۱- روز را غنیمت دان ۲- روز و شب از پسِ هم می‌آیند

۳- روز و شبش یکسان است ۴- روز هوا روشن است.

۲۵- «چنین» درکدام گزینه با بقیه ناسازگار است؟

۱ - آتش آهیم چنین آب کرد ۲ - چنین پاسخ آوردش اسفندیار

۳ -کس نتوانست چنین ره برید ۴ - چنین گفت رستم به اسفندیار

۲۶- قیدِ «چنین» درکدام گزینه وجود دارد؟

۱- دریغ از چنین نفس چیز که چنین به هیچ از دست آدمی می‌رود

۲- چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است.

۳- ز ترکان ندیدم چنین دست و گرز.

۴-که او را چنین دشمنی در قفاست.

۲۷- اگر ترکیبهای : «***بر استقامت، بدانجا***» در عبارت زیر قید باشند نوع آنها را به ترتیب بر حسب معنی و مفهوم درکدام گزینه می‌بینید؟

«شعاعات خورشید که از بلور مسطح بیرون آید بر استقامت رود و بر یک نقطه ایشان را التقا نباشد تا قوّت حرارت بدانجا رسد که احراق تواند کرد»

۱- حالت ، مکان ۲-کیفیت، مکان ۳-کیفیّت، مقدار ۴- حالت، مقدار

۲۸- قیدهای بیت زیر با توجه به معنی و مفهوم درکدام گزینه درست است ؟

«ای سرو نازِ حسن که خوش می‌روی به ناز عشّاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز»

۱- خوش : حالت و هر لحظه : زمان ۲- خوش، ناز: حالت و هر لحظه: زمان

۳- خوش، به ناز: کیفیّت و هر لحظه: زمان

۴- خوش: کیفیت، هر لحظه: زمان، صد نیاز: مقدار

۲۹- قیدهای عبارت زیر درکدام گزینه آمده است ؟

«نمونه‌هایی از این دست بسیار است، البتّه منظور این نیست که استاد و معلمان فعلیِ ما چنین زندگی کنند حاشا و کلاّ».

۱- بسیار، البته ۲- البتّه، چنین، حاشا و کلاّ ۳- بسیار، حاشا و کلاّ ۴- بسیار، چنین

۳۰- «***قراضه طبیعیّات***» به چه نوع نثری نگارش یافته است ؟

۱- ساده ۲- مصنوع ۳- مسجّع ۴- مسجّع و مقفّیٰ

۳۱- حروف موجود و محذوف در جمله‌های : «***در عهد دقیانوس گوشت خوک می‌خوردند و پیه خوك در میان طعامها می‌کردند***» عبارتست از :

۱- در را ، و ۲- در، در میان ، و

۳- در، در میان ، را ، و ۴- در، را، را، در، و

۳۲- نوع «که» در عبارت : «***نان خود خوردن و نشستن، به که کمر شمشیر زرین به***

خدمت بستن» چیست ؟

۱- حرف اضافه ۲- حرف ربط وابستگی ۳- حرف ربط همپایگی ۴- ضمیر مبهم

۳۳- در عبارت : **«خداوندا! دلهای ما را به نور ایمان روشن فرما»** چند حرف اضافه وجود دارد؟ (آ - س)

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۳۴- درکدام مصراع **«قید»** نیست (آ - س)

۱- خرامان بشد سوی آب روان ۲- دگر باره اسبان ببستند سخت

۳- سبک تیغ تیز از میان برکشید ۴- نشست از بر اژدهای دمان

۳۵- ترکیب **«در خورد پیل»** در بیت زیر چه نقشی دارد؟

«یـا مکـن بـا پیلبـانان دوسـتی یا بنـا کـن خـانه‌ای در خـورد پـیل»

۱- متممی ۲- اضافی ۳- تمیزی ۴- وصفی

۳۶- نوع **«را»** در بیت : «من نیز اگر چه ناشکیبم | روزی دو برای مصلحت را» چیست ؟

۱- نشانهٔ مفعول ۲- حرف اضافه ۳- فک اضافه ۴- زائد

۳۷- نوع **«را»** در جمله :**«ما را بباید گریخت»** کدام است؟

۱- نشانهٔ مفعول ۲- حرف اضافه ۳- فک اضافه ۴- زائد

۳۸- حرفهای اضافهٔ عبارتِ **«شبان ایشان را به کوهی برد، نام آن بنجلس و در پیشِ آن غاری بود و نزدیکِ آن غار درخت مُثمره‌ای بود»** درکدام گزینه آمده است ؟

۱- به ، در پیش ۲- را، در ، نزدیک ۳- به، در ، نزدیک ۴- به ، در

۳۹- در بیت زیر مفعول کدام است ؟

«من آنم کـه در پـای خوکـان نـریزم مـر ایـن قـیمتی درّ لفـظ دری را»

۱- این ۲- این قیمتی ۳- این قیمتی در ۴- این قیمتی درّ لفظ دری

۴۰- «هنوز نیک و بد زندگی به دفتر عمر نخوانده‌ای و به چشم تو راه و چاه یکی است (آ - س) یعنی :

۱- بی‌پروایی ۲- بی‌تجربه‌ای ۳- بی‌سوادی ۴- بی‌مسوؤلیّتی

۴۱- حرف «که» در کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است ؟

۱- بگفتا نیکمردی کن نه چندان / که گردد خیره گرگ تیزدندان

۲- چنان برکشیدی و بستی نگار / که به زان نیارد خرد در شمار

۳- چنان بستی آن طاق نیلوفری / که اندیشه را نیست زو برتری

۴- حذر کن ز درد درونهای ریش / که ریش درون عاقبت سر کند

۴۲- بیت : «طی این مرحله به همرهی خضر مکن | ظلمات است بترس از خطر گمراهی» بر کدام گزینه تکیه دارد؟ (آ - س)

۱- رهبری ۲- رهجویی ۳- رهروی ۴- رهگشایی

۴۳- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر، کاملاً متفاوت است؟ (آ - س)

۱- آینه آن روز که گیری به دست / خود شکن آن روز، مشو خودپرست

۲- آنچه در آینه، جوان بیند / پیر، در خشت خام، آن بیند

۳- آینه چون نقش تو بنمود راست / خود شکن، آیینه شکستن خطاست

۴- سپهر آیینه عدل است شاید / که هر چه از تو بیند، وانماید

۴۴- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است (آ - س)

۱- اگر طوطی زبان می‌بست درکام / نه خود را در قفس می‌دید و نه دام

۲- پشیمان ز گفتار دیدم بسی / پشیمان نشد از خموشی کسی

۳- خموشی پرده‌دارِ راز آمد / نه مانند سخن غمّاز آمد

۴- سخن کو از سر اندیشه ناید / نوشتن را و گفتن را نشاید

۴۵- شاعر در بیت زیر چه چیز را توصیه می‌کند؟ (آ - س)

«سخن کم گوی تا در کار گیرند / که در بسیار بد بسیار گیرند»

۱- بسیار سخن نغز گفتن را ۲- کمتر ایراد گرفتن را

۳- کمتر از دیگران بد گفتن را ۴- سنجیده و کم سخن گفتن را

۴۶- «سپهر آیینه عدل است شاید / که هر چه از تو بیند وانماید» (آ - س)

پس روزگار:

۱- آیینه تمام نماست ۲- پذیرای خوبیهاست

۳- در صدد انتقام است ۴- زنجیر عدالت است

۴۷- مفهوم مصرع : «سخن کم گوی تا در کار گیرند» چیست ؟ (آ - س)

۱- سخن کم و سنجیده بگوی تا برای آن ارزش قائل شوند وبه کار بندند

۲-کم حرف بزن تا ترا به کار دعوت کنند

۳-کمتر حرف بزن تا دیگران به کارشان برسند

۴-کمتر صحبت کن مبادا در دیگران اثر بکند.

۴۸- مفهوم بیت زیر به‌نفی کدام صفت تاکید دارد؟ (آ - س)

« خویشتن آرای مشو چون بهار تا نکند در تو طمع روزگار

۱- خود آزاری ۲- خود ستایی ۳- خود کامگی ۴- خودآرایی

۴۹- ترکیبهای: « راست گفتار، محتشم‌وار» به ترتیب در بیت زیر چه‌نقشی دارند؟

« چو صبح صادق آمد راست‌گفتار جهان در زر گرفتی محتشم وار»

۱- هر دو مسند ۲- هر دو قید ۳- اولی مسند دومی قید ۴- اولی قید دومی متمم

۵۰- شهرت نظامی گنجه‌ای از چه‌بابت است؟

۱- مثنوی و داستان رزمی ۲- مثنویهای بزمی

۳- دیوان قصاید ۴- مثنویهای عرفانی

۵۲-کتاب مخزن الاسرار ازکدامیک از شاعران زیر است ؟

۱- خاقانی ۲- ناصرخسرو ۳- جامی ۴- نظامی

۵۳- مفهوم بیت : «چو صبح صادق آمد راست گفتار | جهان در زر گرفتی محتشم وار» با کدام گزینه متناسب است ؟ (آ - س)

۱- راست گفتار جهانی را آرامش می‌دهد ۲- راستگو همچو صبح صریح و آشکار است

۳- راست گفتار جهانی را با قدرت به زیر سلطه خود می‌آورد.

۴- راستگو جهانی را بهره‌مند می‌کند.

۵۴-کدام گزینه به مفهوم بیت زیر نزدیکتر است؟

«عیب کسان منگر و احسان خویش / دیده فرو بر به گریبان خویش»

۱- بدهای مردم و خوبیهای خود را مبین

۲- با عیب مردم چه کاری داری تو خوب باش

۳- در کار دیگران دخالت نکن و کار خود را بکن

۴- عیب دیگران را با خوبی خودت جبران کن

۵۵- اگر در دو بیت زیر مفعول وجود داشته باشد کدام گزینه است ؟

«خرامیدن لاجوردی سپهر / همان گرد برگشتن ماه و مهر

«مپندار کز بهر بازیگری است / سراپرده‌ای اینچنین سرسری است»

۱- خرامیدن لاجوردی سپهر   ۲- همان گرد برگشتن ماه و مهر

۳- دومین جمله   ۴- بیت اول + کز بهر بازیگری است

۵۶- با توجه به بیت زیر گزینه نادرست کدام است ؟

«ای خرم از فروغ رخت، لاله‌زار عمر / باز آکه ریخت بی گل رویت بهار عمر»

۱- خرم : مسند ۲- بهار عمر: مسند ۳- گل : متمم   ۴- لاله‌زار عمر: اضافه تشبیهی

۵۷- در کدام گزینه «*فعل شبه معین*» به کار رفته است ؟ (آ - س)

۱- پایداری و استقامت میخ / شاید، ار عبرت بشر گردد

۲- سپهر آیینه عدل است شاید / که هر چه از تو بیند، وانماید

۳- صد ملک دل به نیم نظر می‌توان خرید / خوبان در این معامله تقصیر می‌کنند

۴- گر به اقلیم عشق روی آری / همه آفاق گلستان بینی

۵۸- مفهوم بیت : «دیو با مردم نیامیزد مترس / بل بترس از مردمان دیوسار» آدمی را از چه کسانی برحذر می‌دارد؟ (آ - س)

۱- آدمهای شیطان نما   ۲- آدمهای شیطان پرست

۳- شیطان صفتان آدم نما   ۴- شیطانهای آدم فریب

۵۹- کدام گزینه به مفهوم این مصراع نزدیکتر است؟ «*حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم*» (آ - س)

۱- تن، پرده‌ای بر آیینه وجود است ۲- تن، قفسی برای مرغ جان است

۳- تن ، گردی بر خورشید وجود است ۴- تن، زنگاری بر آئینه جان است

۶۰- در مصرع : «عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم» مسندالیه کدام است ؟ (آ - س)

۱- عیان ۲- آمدم ۳-کجا بودم ۴- چرا آمدم کجا بودم

۶۱- با توجه به بیتِ : «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود | به کجا می‌روم آخر ننمایی وطنم» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است ؟

۱- آمده‌ام : وجه اخباری ۲- می‌روم : وجه اخباری

۳- ننمایی: وجه اخباری ۴- آمدنم : وجه مصدری

۶۲- از مفهوم بیت : «اگر ز خون دلم بوی شوق می‌آید عجب مدار که همدرد نافه ختنم» همهٔ گزینه‌ها، بجز گزینه .... بر می‌آید.

۱- خون دل، بوی مشک می‌دهد ۲- انسان می‌خواهد به عالم قدس برگردد

۳- دل از فراق اصل خود، خونین شده است

۴- آرزوی همه، بازگشت به اصل خویش است.

۶۳- در بیت : «عیان نشد که چرا آمدم کجا بودم | دریغ و درد که غافل ز کار خویشتنم» شاعر از چه چیزی گله دارد؟ (آ - س)

۱- بی‌نشانی ۲- بی‌مکانی ۳- غفلت ۴- بیکاری

۶۴- معنی واژه «*طراز*» چیست ؟ (آ - س)

۱- برابری، همواری ۲- حاشیه جامه ۳- خشنودی ۴- وسیلهٔ وزن کردن

۶۵-کدام معنی برای بیت زیر بهتر است؟

«طراز پیرهن زرکشم مبین چون شمع که سوزهاست نهانی درون پیرهنم»

۱- حاشیه جامه زربفت مرا نگاه مکن که چون شمع است و سوزهای نهانی درون پیرهن من است.

۲- حاشیه جامه زربفت مرا چون شمع مبین که سوزها درون پیرهن من نهان است.

۳- تو حاشیه جامه زربفت مرا مبین زیرا که سوزهای نهانی چون شمع درون پیرهن من وجود

دارد.

۴- تو به حاشیه جامه زربفت من نگاه مکن زیرا درون این جامه و در نهان سینه‌ام درد جانسوزی چون شمع وجود دارد.

۶۶-کدام معنی بر مصرع : «چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است» منطبق است؟

۱- چنین قفس سزاوار مرغی چون من نیست

۲- این قفس برای خوش الحانی چون روح شایسته نیست

۳- این قفس شایسته مرغی چون روح نیست

۴- چنین قفس برای مرغ خوش آوازی چون من نیست

۶۷-کدام معنی برای بیت زیر مناسبتر است ؟

«بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار که با وجود کس نشنود ز من که «منم»»

۱- ای محبوب بیا و جان مرا بگیر زیرا با وجود داشتن تو نمی‌خواهم وجود داشته باشم.

۲- ای محبوب بیا و جان حافظ را بگیر زیرا من در برابر محبوب هیچم

۳- ای محبوب بیا و وجود حافظ را بستان زیرا با وجود تو خود را هیچ می‌بینم

۴- ای محبوب بیا و وجود مرا از من بستان زیرا با وجود تو نمی‌توانم از «من» بودنِ خود دم بزنم

۶۸-کتاب ***«مرزبان نامه فارسی»*** به انشای کیست ؟ (آ - س)

۱- سعدالدین وراوینی ۲-کیکاوس بن اسکندر

۳- ملاحسین کاشفی ۴- نصراله منشی

۶۹- املای چند کلمه در عبارت : ***«این افسانه از بحر آن گفتم تا بدانی که چون استبداد ضعفا از پیشبرد کارها قاصر آید استمداد از قوت عقل و رذانت رأی و موؤنت بخت و مساعدت توفیق کنند تا قرض به حصول پیوندد»*** غلط است؟

۱- چهار ۲- پنج ۳- شش ۴- هفت

۷۰- نوع «نــه» در بیت زیر چیست ؟

«نه خادم کس بود نه مخدوم کسـی گو، شاد بزی که خوش جهانی دارد»

۱- قید نفی ۲- حرف ربط وابستگی ۳- حرف ربط مزدوج ۴- جزء پیشین فعل

۷۱- مفهوم این عبارت درکدام پاسخ هست ***«ایزد، کشتن بندگان خـویش و از عـاج ایشان از مأوای اصلی برابر می‌نهد»*** (آ - س)

۱- بندگان خدا همه با هم برابرند ۲- دل بریدن از یار و دیار با مرگ برابر است

۳- قتل یک تن با کشتن همگان برابر است ۴- نفی بلد با قتل برابر است

۷۲- املای چند کلمه در عبارت زیر غلط است ***«موش گفت : به چشم استحقار در من نگاه مکن من این مار را بدست باغبان خواهم گرفت که بـه شـعبده حـیل او رابرکشتن مار تـحریز کـنم، روزی چـند مـلاذم کـار بـود و مـترغّب و مـترصّد می‌نشست تا خود کمین مکر بر خصم کی گشاید و خواب بر دیده هزم او چگونه افکند»*** غلط است ؟

۱- (۳) ۲- (۴) ۳- (۵) ۴- (۶)

۷۳- عبـارت ***«... از مناضلت خصم، عنان نپیچند و سلاح هنر در پای کسل نریزند»*** وصف چه کسانی است ؟ (آ - س)

۱- پیش کسوتان ۲- تناوران ۳- دلیر مردان ۴- سوارکاران

۷۴- ***«سنگ در دندان آمدن»*** کنایه از چیست ؟

۱- بیماری و دردمندی ۲- پیری و کهولت

۳- رنج و تشویق ۴- کشمکش و مبارزه

۷۵- کدام گزینه از نظر مفهوم با عبـارت : ***«سلاح هنر در پای کَسِل نریزند»*** منـاسب است؟

۱- سلاح جنگی را به افراد سست و تنبل نمی‌دهند.

۲- هنر اسلحه سازی با کسالت و تنبلی سازگار نیست.

۳- هنر جنگجویی خود را به واسطه کاهلی و تنبلی از دست ندهند.

۴- هنرمند فردِ سست را خلع سلاح می‌کند.

۷۶- «را» در جملهٔ : «*که پیل مست را از دندان او سنگ در دندان آید*» از چه نوع است؟

۱- نشانه مفعول ۲- حرف اضافه ۳- فک اضافه ۴- نهادی

۷۷- جملهٔ : «*به شعاع آفتاب بر بام آسمان رفتن*»

۱- استعاره است ۲- تشبیه است ۳-کنایه است ۴- مجاز است

۷۸- مفهوم عبارت : «*و حق تلافی از آنچه تلف شده باشد او به گردش روزگار به توافی رساند*» کدام است ؟

۱- حق جبران آنچه از دست داده با گذشت روزگار تمام کند

۲- حق مطلب و سخن را ادا کند

۳- آنچه از دست داده به دست آورد

۴- با گذشت روزگار انتقام خود را بگیرد

۷۹- نگارش کدام جمله از نظر دستوری شیواتر است ؟

۱-که پیل مست را از دندان او سنگ در دندان آید

۲-که سنگ از دندان او در دندان پیل مست آید

۳-که از دندآن او سنگ در دندان پیل مست آید

۴-که سنگ در دندان پیل مست از دندان او آید.

۸۰-کدام گزینه در مورد جملهٔ : «*و سلاح هنر در پای کَسِل نریزند*» درست تر است.

۱-اسلحه هنر را در برابر تنبلی قرار ندهد

۲- هنر جنگ‌آوری خود را به دلیل تنبلی از دست ندهد

۳- سلاح را به پای تنبلی نریزند.

۴- از دست دادن هنر با تنبلی برابر است.

۸۱-کدام گزینه مفهوم بیت زیر است ؟

«روزی نگر که طوطی جانم سوی لبت بر بوی پسته آمد و بر شکّر اوفتاد»

۱- روزی طوطی به قصد پسته پرواز کرد و شکر یافت

۲- برای به دست آوردن پسته پرواز کرد و شکر نصیبش شد

۳- از آنچه توقع داشتم چیزی دلپذیرتر یافتم

۴- روزی را نگاه کن که جانم چون طوطی با آرزوی پسته پرواز کرد

۸۲-کدام گزینه معنی عبارت زیر است ؟ (آ - س)

«ایزد جلّ ذکره کشتن بندگان خویش و ازعاج ایشان از آرامگاه و مأوای اصلی برابر می‌نهد»

۱- خداوند مردم بد را می‌کشد و آرامگاه آنان را آماده می‌کند.

۲- خداوند مرگ را در برابر بندگان بد قرار می‌دهد.

۳- از نظر خداوند مردمان بدکار گویی در آرامگاه خود هستند.

۴- از نظر خداوند چه، کسی را بکشند، چه او را تبعید کنند یکسان است.

۸۳-کدامیک از کلمه‌های زیر پسوند ندارد.

۱- خداوند ۲- خداوندگار ۳- سنگک ۴-کودک

۸۴-کدام گزینه پیشوند دارد؟

۱- در واقع ۲- فروتن ۳- نستوه ۴- هر سه (۱و۲ و ۳)

۸۵- درکدام گزینه پیشوند وجود ندارد؟

۱- مردمان بخرد اندر هر زمان / راز دانش را به هر گونه زبان

۲- یکی خنجر آبگون برکشید / همی خواست از تن سرش را برید

۳- یکی داستان زد بدین شهریار / که دشمن مدار ارچه خرد است خوار

۴- اگر ز خون دلم بوی شوق می‌آید / عجب مدار که همدرد نافه ختنم

۸۶- ساخت دستوری کدام کلمه با کلمات دیگر متفاوت است ؟

۱- چراگاه ۲- سحرگاه ۳- دانشگاه ۴- نمایشگاه

۸۷- نوع دستوری کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟

۱- بیزار ۲- چمنزار ۳-گلزار ۴- مرغزار

۸۸- املای چند کلمه در عبـارت : «*آنها ابتدا مقدّمات علوم ادبی و بعدها مـراحـل آلی‌تر را می‌پیموده‌اند تا به زروه تعالی در علوم رسیده‌اند*» غلط است .

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- ندارد

۸۹- در همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ... غلط املایی وجود دارد.

۱- فزع : بیم ۲- زروه : قلّه ۳- غماض : سخن‌چین ۴- مذیق: تنگنا

۹۰- «**مستفید**» یعنی :

۱- بهره‌داده ۲- بهره برگیرنده ۳- فایده برده ۴- فایده دهنده

۹۱- «**ادب نفس**» عبارت است از :

۱- ادب اکتسابی ۲- ادب ذاتی ۳- اخلاق پسندیده ۴- تزکیه جسم

۹۲- املای کلمات همهٔ گزینه‌ها به جز گزینهٔ ... با توجه به معنی مقـابل آن، درست است.

۱- اضراب : روی برگردانیدن ۲- الحاح : پافشاری

۳- شحنه : نگهبان ۴- قبن : زیانکاری

۹۳- درکدام گزینه «**کـه**» حرف ربط است .

۱- زن خوش منش دلستانتر که خوب ۲- جوی مشک بهتر که یک توده گل

۳- بجز از علی که آرد پسری ابوالعجایب ۴- که چندین بپیچم که اسفندیار

******** املای کدام کلمه با توجه به معنی آن غلط است ********

۹۴) ۱- تقلّب : پیروز شدن ۲- مناکب: شانه‌ها ۳- نزهت : پاکی و صفا
۴- هم دندانی: همآوردی

۹۵) ۱- حایل: ترسناك ۲- نعت : صفت ۳- اطلاق : رها کردن
۴- اوتاد: پیشوایان طریقت

۹۶) ۱- علیم: درد آور ۲- طراز: نگار جامه ۳- سراپرده: خانه موقّت
۴-گرد برگشتن : گردیدن

۹۷) ۱- صقیل: سنگین ۲- مستفید: فایده برنده ۳- سِعت : وسعت
۴- ارزیز: قلع

۹۸) ۱- هایل : مانع ۲- مکابدت: رنج کشیدن ۳- رزانت: سنگینی
۴- غبن : زیان یافتن

۹۹) ۱- محطوم : قطعی ۲- یُمن: نیکبختی ۳- بی‌بدیل : بی‌نظیر
۴- نیوشیدن : شنیدن

۱۰۰) ۱- سالوس : چرب زبان ۲- منحط : پست شونده
۳- غوس : فرو رفتن ۴- اُبیّت : بلندی

۱۰۱) ۱- تحلیل : لااله‌الا الله گفتن ۲- ترفند: تزویر
۳- تهییج : برانگیختن ۴- دژخیم : بدنهاد

۱۰۲) ۱- اذناب : دنباله‌ها ۲- قسط : عدل ۳- قوس : فرورفتن ۴- قرع: کوبیدن

۱۰۳) ۱- خوان: بزرگ فامیل ۲- تحیّر: سرگردانی ۳- حلیه: زیور
۴- اِعراض: روی برگردانیدن

۱۰۴- دربارهٔ **«ترجیع بند»** همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است .

۱- از چند بند هم وزن درست می‌شود ۲- هر بندی ابیات هم قافیه دارد
۳- قافیه هر بند با بند دیگر متفاوت است ۴- بیتِ میان بندها گوناگون است

۱۰۵- عمدهٔ شهرت سید احمد هاتف اصفهانی در سرودن چیست ؟ (آ- س)

۱- ترجیع بند عرفانی ۲- رباعیّات عارفانه

۳- غزلیّات عاشقانه ۴- قصاید مذهبی

۱۰۶- ترجیع بند با ترکیب بند در .... تفاوت دارد.

۱- موضوع و وزن و قافیه

۲- تکرار شدن واسطة العقد در ترجیع‌بند و تغییر آن در ترکیب بند

۳- ناهماهنگی مضمون واسطة العقد با بندها

۴- تکراری واسطةالعقد در ترکیب بند و تغییر آن در ترجیع بند

۱۰۷- درکدام بیت : «*خواهد*» فعل معین است (آ - س)

۱- آنچه بینی دلت همان خواهد / وآنچه خواهد دلت همان بینی

۲- ارغوان جام عقیقی به سمن خواهدداد / چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد

۳- بخواهد هم از تو پدر کین من / چو بیند که خشت است بالین من

۴- چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی / هر که خواهد گر سلیمان است و گر قارون گداست

۱۰۸- با توجه به بیت : «چشم دل بازکن که جان بینی | آنچه نادیدنی است، آن بینی»
همه گزینه‌ها بجزگزینه .... نقش مفعولی دارد.

۱- چشم ۲- جان ۳- آن در جمله چهارم ۴- دل

****** درگزینه‌های زیرکدام یک از واژه‌ها غلط معنی شده *****

۱۰۹) ۱- اسوه: سیاه شده ۲- دژخیم: بدنهاد ۳- منحط : پست شده
۴- شبهه : شک

۱۱۰) ۱- یُمن: نیکبختی ۲- متمادی: امتداد ۳- فائق : چیره ۴- عُمّال : کارکنان

۱۱۱) ۱- صحیفه: صفحه ۲- متنکراً: ناشناس ۳- نعت : صفت ۴- اوتاد: میخها

۱۱۲) ۱- مأوا: پناهگاه ۲- کرّت : دفعه ۳- اطلاق : مجازات
۴- معونت : یاری

۱۱۳) ۱- نزهت: پاکی ۲- مناکب: جمع منکب ۳- چهاربالش: مَسند

۴- تغلّب: دگرگونی

۱۱۴) ۱- ازعاج: بیرون آوردن ۲- اُبیّت : بلندی ۳- غبن: زیان یافتن

۴- مألف: مهربانی کردن

۱۱۵) ۱- الحان: آوازها ۲- زرکش: زرکشنده ۳- سراپرده: خانه موقت

۴- خرامیدن: راه رفتن با ناز

۱۱۶) ۱- مندفع گردیدن: دفع شدن ۲-گران: سنگین

۳- قراضه: فاسد شده ۴- احتراق : احراق

۱۱۷) ۱- منافذ: سوراخها ۲- صیحه: صحنه ۳- تبعیض: اختلاف قائل شدن

۴- جائر: ستمگر

۱۱۸) ۱- عجین: خمیرشده ۲- اقصی : نزدیک ۳- نهضت: جنبش

۴- عرصه: میدان

۱۱۹) ۱- ناموس: آبرو ۲- ممّد : مددکننده ۳- منّت : نعمت گرفتن

۴- مزید: افزونی

۱۲۰) تحیّر: سرگردانی ۲- عهده: مسؤولیّت ۳- حِلیه: زیور ۴- باسق: زیبا

۱۲۱-کدام گزینه در مورد هاتف اصفهانی صادق است ؟

۱- شاعر قرن ۱۱ و عمده شهرت وی سرودن غزل به پیروی از سعدی و حافظ بوده است.

۲- شاعر قرن ۱۱ و عمده شهرت وی سرودن قصاید، غزلیات، مقطعات و رباعیّات است.

۳- شاعر قرن ۱۱ و عمده شهرت وی به واسطه ترجیع بند عرفانی است.

۴- شاعر دوره افشاریه و زندیان و عمده شهرت وی به واسطه ترجیع‌بند عرفانی اوست.

۱۲۲-کدام گزینه معنی مصرعِ «سر ز ملک جهان گران بینی» است ؟

۱- سر را از ملک جهان بالاتر بینی ۲- سر را از پادشاهی زمان سرافراز بینی

۳- او را بی‌اعتنا به پادشاهی جهان می‌بینی ۴-گدای سرزمین عشق سر را از ملک جهان بالاتر می‌بینند

۱۲۳-کلمهٔ «*میان*» در مصرع : «آفتابیش در میان بینی» چه نوع و نقشی دارد؟

۱- حرف اضافه و نقشی ندارد ۲- اسم است و مضاف

۳- اسم است و متمم ۴- بخشی از فعل مرکبِ (در میان بینی)

۱۲۴- نقش کلمه‌های : «**مست و هشیار**» در بیت زیر کدام است ؟

«هاتف ارباب معرفت که گهی مست خواندشان و گه هشیار

۱- هر دو مسند ۲- اولی متمم دومی مسند ۳- هر دو متممِ‌فعل

۴- هر دو تمیز

۱۲۵- در بیت : «هاتف ارباب معرفت که گهی مست خواندشان و گه هشیار» «**شان**» چه نقشی دارد؟

۱- پسوند ۲- ضمیر و مضاف الیه ۳- بخشی از فعل ۴- مفعول

۱۲۶- کدام گزینه در مورد «**عین الیقین**» در بیت زیر صادق است؟

«با یکی عشق ورز از دل و جان تا به عین الیقین عیان بینی

۱- شهود حق است در مقام عین

۲- سالك با کشف بسیاری از رموز و اسرار جهان موفق می‌شود

۳- آگاهی و آشنایی به یقین

۴-گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ می‌تواند تعریف عین الیقین باشد.

۱۲۷- بیت : «باریابی به محفلی کان جا جبرئیل امین ندارد بار» چه صنعتی دارد؟

۱- تشبیه ۲- مراعات نظیر ۳- تلمیح ۴- صنعتی ندارد

۱۲۸- بیت : «این ره آن زاد راه و آن منزل | مرد راهی اگر بیا و بیار» چند جمله است؟

۱- دو جمله ۲- سه جمله ۳- چهار جمله ۴- شش جمله

۱۲۹- در عبارت : «آن سلطانِ جبّار قصری عظیم ساخته بود از آبگینه» متمم کدام است (آ - س)

۱- آبگینه ۲- سلطان ۳- عظیم ۴- قصر

۱۳۰- معنیِ «**اگر**» در جملهٔ «**اگر مرا از آن بهره‌کنی وگرنه تو را به پادشاه سپارم**» چیست؟ (آ - س)

۱- چون ۲- شاید ۳- هر چند ۴- یا

۱۳۱- مفهومِ عبارتِ : «***حاصل اعمال بندگان بدان باز آید که از خود برخیزند تا به حق رسند، آنگاه واسطه از میان برخیزد و تصرف در ایشان خود کند***» در کدام گزینه آمده است ؟

۱- در اثر از بین بردن هواهای نفسانی فاصله انسان با معبود از بین می‌رود

۲- انسان متعهد به وظایف اخلاقی و انسانی خود عمل می‌کند

۳- خداوند خود به اعمال بندگان رسیدگی می‌کند

۴- از شما حرکت از خدا برکت

۱۳۲- با توجه به جملهٔ : «***و ایشان را ملکی بود صالح***» کدام گزینه غلط است؟

۱- «را» : حرف اضافه ۲- صالح : مسند ۳- ایشان: متمم ۴- «ی» : نکره

۱۳۳- کدام دو کلمه در گزینه‌های زیر مترادف نیستند؟

۱- مغ: موبد زردشتی ۲- مغاک : گودال ۳- آبدست: وضو ۴- افگار: اندیشه‌ها

۱۳۴- مفهوم جملهٔ : «***سر در چنر اطاعت وی نیاوردی***» در کدام گزینه نهفته است؟ هر کس :

۱- ارادتمند نبود ۲- سرکش بود ۳- مطیع نمی‌شد ۴- به دور او نمی‌چرخید

۱۳۵- نقش کلمهٔ «***دقیانوس***» در جملهٔ : «***آن متکبّر متمرّد، دقیانوس، بر این صفت پادشاهی و مملکت می‌راند***» درکدام گزینه است ؟

۱- بدل از متمم ۲- فاعل ۳- بدل از فاعل ۴- بدل از مفعول

۱۳۶- با توجه به جملهٔ مرکّب : «***گفتند: در آن چه اندیشه است***» کدام گزینه درست است؟

۱- چه : ضمیر پرسشی با نقش مسندی ۲- چه : ضمیر پرسشی و بخشی از مسند

۳- چه : صفت پرسشی و بخشی از فاعل ۴- چه : ضمیر پرسشی با نقش قیدی

۱۳۷- با توجه به عبارت : «***خدایی راکسی شاید و خداوندی راکسی سزد***» تمام گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است ؟

۱- خدایی: متمم ۲- کسی : مسندالیه

۳- شاید: فعل لازم ۴- «را» حرف نشانه

۱۳۸- در جمله: «***این نامها، خود، نه نام اهل این زمان است***» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- این نامها: مسندالیه ۲- نه : قید ۳- خود : بدل از مسندالیه ۴- نامها: مسندالیه

۱۳۹- «***از خود برخاستند***» یعنی :

۱- از تمایلات نفسانی صرفنظر کردند ۲- با پای خود بلند شدند

۳- از خود خواهش کردند ۴- از خود پیشنهاد کردند

۱۴۰- عبارتِ «***می‌گفت : به آن خدایی که یکتاست که او راست می‌گوید و این جدّ من است***» چند جمله است ؟

۱- سه جمله ۲- چهار جمله ۳- پنج جمله ۴- پنج جمله باحذف یک فعل

۱۴۱-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- از خود برخاستند: خود بینی و خودپرستی و تمایلات نفسانی را رها کردند.

۲- اگر مرا از آن بهره‌کنی: یا به من از آن گنج سهمی بدهی

۳- دقیانوس را تبی نگرفت : دقیانوس تب نکرد

۴- محنت بر نعمت گزیدند: رنج و زحمت را بر فراوانی و آسایش ترجیح دادند

۱۴۲- در کدام گزینه غلط املایی هست (آ - س)

۱- سدید و سلیم ۲- سعید و شقی ۳- صحیح وصقیم ۴- فصیح و بلیغ

۱۴۳- «من گهر روشن گنج دلم فارغم از زحمت قفل و کلید» توصیف چیست ؟

۱- اشک ۲- آه ۳- محبت ۴- مروارید

۱۴۴- در همه گزینه‌ها بجز گزینه ... صنعت «***تضاد***» وجود دارد.

۱-گاه درخشید و گهی تیره ماند ۲- همسفرم بود صباحی امید

۳-گاه نهان گشت وگهی شد پدید ۴- برد بسی رنج نشیب و فراز

۱۴۵-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- پرده‌نشین : ملائکه آسمان ۲- پرده‌نشین : خلوت نشین

۳- پرده‌نشین : مستور و پوشیده ۴- پرده‌نشین: چادرنشین

۱۴۶- معنی مصراع : «من به نظر قطره، به معنی یمم» چیست ؟ (آ - س)

۱- من در ظاهر قطره آبی هستم ولی درحقیقت دریا می‌باشم.

۲- من در ظاهر قطره‌ام ولی از دریا جدا شده‌ام.

۳- من در ظاهر قطره را می‌بینم که همچون دریاست.

۴- من در ظاهر قطره نیستم بلکه حقیقتاً دریا هستم.

۱۴۷- با توجه به مصرعِ «من سفر دیده ز دل کرده‌ام» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است .

۱- سفر : مفعول ۲- سفر بخشی از فعل مرکب

۳- دیده می‌تواند متمم باشد ۴- دل : متمم

۱۴۸- جمله پایه در بیت :«داد به هر یک هنر و پرتوی | آن که در و گوهر و اشک آفرید» درکدام گزینه آمده است ؟

۱- داد به هر یک هنر و پرتوی ۲- آنکه در و گوهر و اشک آفرید

۳- آن به هر یک هنر و پرتوی داد ۴- در و گوهر و اشک آفرید

۱۴۹- جملهٔ پیرو در بیت: «آتش آهیم چنین آب کرد | آب شنیدید کز آتش جهید» در کدام گزینه آمده است ؟

۱- کز آتش جهید ۲- آب از آتش جهید

۳- آتش آهیم چنین آب کرد ۴- شنیدید

۱۵۰- کدام گزینه از نظر تعداد جمله باگزینه‌های دیگر ناهمگون است ؟

۱- گر چه تو سرخی به نظر من سپید ۲- من به نظر قطره به معنی یمم

۳- گفت : مرا با تو چه گفت و شنید ۴- بی سبب از خلق نباید رمید

۱۵۱- جمع مکسّر کدام واژه غلط است ؟

۱- تابع : توابع ۲- امام: ائمه ۳- صحابه: اصحاب ۴- غار: اغیار

۱۵۲- جمع مکسّرِ کدام گزینه نادرست است ؟

۱- علیم: علما ۲- عالم: علما ۳- خیل : اَخیال، خُیول ۴- خَشم: احشام

۱۵۳- بیتِ «کاش قضایم چو تو برمی‌فراشت | کاش سپهرم چو تو بر می‌گزید» دارای چه صنعتی است ؟

۱- مراعات نظیر ۲- تضاد ۳- تلمیح ۴- ترصیع

۱۵۴- کدام گزینه معنی مصرع :«من سفر دیده ز دل کرده‌ام» می‌باشد؟

۱- من سفرِ دیده را از دل آغاز کرده‌ام ۲- من سفر را از دل به دیده آغاز کرده‌ام

۳- من از دیده به دل سفر کرده‌ام ۴- من از دل به دیده سفر کرده‌ام

۱۵۵- کدام گزینه معنی روانِ مصرع :«تیرگی ملک تنم رنجه کرد» است .

۱- تیرگیِ ملک تنِ من، رنجه‌ام کرد ۲- تیرگی ملک ، تن مرا رنجه کرد

۳- تیرگی ملک تن برای من رنجش آورد ۴- تن مادّی و خاکی، مرا رنجه کرد

۱۵۶- «رخ بر متاب» یعنی :

۱- صورت را روشن مکن ۲- روی را برمگردان

۳- روی را سرخ مکن ۴- فروغ به روی مده

۱۵۷- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- شقی : بدبخت ۲- سعید: خوشبخت ۳- راه بریدن: سفر کردن ۴- تاب: جعد

۱۵۸- اضافه‌های تشبیهی و استعاری در کدام گزینه آمده است؟

۱- طراز پیراهن، زبان شمع، خار غم ۲- زبان شمع، خار غم، پایه افکار

۳- پایه افکار، خار گل، اسب بادپای ۴- زبانه شمع، زبان شمع، پایه‌افکار

۱۵۹- بیت : «ای خرم! از فروغ رخت لاله زار عمر | باز آ که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر» دارای چند ترکیب اضافی است ؟

۱- چهار ۲- پنج ۳- شش ۴- هفت

۱۶۰- کدام گزینه «*ترکیب اضافی*» است ؟ (آ- س)

۱- زندان ابدی ۲- زندان بی در و پیکر ۳- زندان تاریك ۴- زندان قاضی

۱۶۱- کدام گزینه ترکیب اضافی است (آ - س)

۱- دل بیدار ۲- عالم خاک ۳- مرد هشیار ۴- مواعید جمیل

۱۶۲- با توجه به بیت : «حذر کن ز آنچه دشمن گوید آن کن | که بر زانو زنی دست تغابن» کدام گزینه نادرست است ؟

۱- دست تغابن : اضافه اقترانی ۲- دست تغابن : مفعول

۳- آنچه : متمم ۴- آن کن : فعل مرکب

۱۶۳- کدام گزینه اضافه تشبیهی نیست ؟ (آ - س)

۱- شعلهٔ آتشین ۲- شط خون ۳- شط مرگ ۴- شط نومیدی

۱۶۴- کدام گزینه اضافهٔ استعاری است ؟

۱- دایه ابر، تیغ حلم، تیر تدبیر، سلاح هنر

۲- کاخ هستی، جعبه امکان، خَصم نَفْس، بنات نبات

۳- چشم دل، پای کَسِل، پشت طاقت، گردن خشم

۴- غواصِّ خرد، اطفال شاخ ، کلاه شکوفه، سفره دل

۱۶۵- جملهٔ : «*یکی میوه داری بماند زمن*» مضاف کدام است ؟

۱- یکی ۲- میوه ۳- دار ۴- مضاف ندارد

۱۶۶- در جملهٔ «*بادام شکوفه بر سر آورد*» مضاف کدام است ؟

۱- بادام ۲- شکوفه ۳- درخت ۴- نمی‌تواند مضاف داشته باشد

۱۶۷- کدام گزینه اضافه استعاری است ؟

۱- زبانهٔ شمع ۲- خار گل ۳- خار غم ۴- زبان شمع

۱۶۸- ترکیبِ «*چشم ادب*» در مصرعِ «با چشم ادب نگر پدر را» از چه نوع است؟

۱- تشبیهی ۲- اقترانی ۳- استعاری - تخصیصی

۱۶۹- کدام ترکیب «*اضافه تشبیهی*» است ؟ (آ - س)

۱- قصر اَمَل ۲- قصر بابل ۳- قصر خسرو ۴- قصر فیروزه

۱۷۰- نوع کدام ترکیب با گزینه‌های دیگر متفاوت است ؟

۱- پای سلامت ۲- طوطی جان ۳- گنج سعادت ۴- کیمیای عشق

۱۷۱- در جملهٔ: «***زبان فارسی، زبان دوم عالم اسلام و زبان اوّل جهان تشیع و زبان رسمی کشور ما، ایران است***» گزینه نادرست کدام است؟

۱- زبان دوم عالم اسلام، گروه مسندی	۲- زبان اول جهان تشیع، گروه مسندی

۳- زبان رسمی کشور ما: گروه مسندی	۳- ایران : مسند

۱۷۲- کدام گزینه ستیز آوایی «***تنافر حروف و آواها***» دارد؟ (آ - س)

۱- برف فام	۲- رنگارنگ	۳- سرگرای	۴- گلبانگ

۱۷۳- قیدهای عبارت : «***و دیگر نیازی به پژوهشهای تازه نیست، بر عکس، باید دانست که هنوز در آغاز کاریم و کارهای انجام شده در برابر کارهای انجام نشده، ناچیز است***» در کدام گزینه آمده است؟

۱- تازه، برعکس، هنوز، درآغاز	۲- دیگر، برعکس، هنوز، درآغاز

۳- در آغاز، دیگر، هنوز	۴- دیگر، برعکس، هنوز

۱۷۴- با ملاحظهٔ : «***البته علوم و معارف جدید دارای اصطلاحات و تعبیرات جدیدی است از قبیل فیزیولوژی ...*** »***کدام گزینه غلط است؟***

۱- دارای: حرف اضافه	۲- دارای : مسند

۳- دارای: صفت فاعلی	۴- علوم و معارف : مسندالیه

۱۷۵- در مصراع : «چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست» مفعولِ «**مگو**» در کدام گزینه آمده است؟

۱- سخن	۲- سخن اهل دل	۳- چو بشنوی سخن اهل دل	۴- خطاست

۱۷۶- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- تاریخ طبری به زبان عربی است	۲- تاریخ بلعمی ترجمه تاریخ طبری است

۳- تاریخ بلعمی به فارسی است	۴- تاریخ طبری به فارسی است

۱۷۷- ... از مورخان قرن چهارم است که تاریخ طبری را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرد، نام نویسنده در کدام گزینه آمده است؟

۱- ابوالفضل بیهقی	۲- ابوریحان بیرونی

۳- ابوعلی بلعمی ۴- ملاحسن نائینی

۱۷۸-کتابهای : «*رسالهٔ عروضیّه و مثنوی جلایرنامه*» از آثار کیست؟

۱- ملک الشعرای بهار ۲- دکتر محمد معین

۳- قائم مقام فراهانی ۴- فروزانفر

۱۷۹-کدام دو کلمه با یکدیگر مترادف نیستند ؟

۱- غَنا: توانگری ۲- غِنا: سرود ۳- قلبگاه: قلب لشکر ۴- حِلیت: صبر

۱۸۰- در بیت : «ملکا ذکر تو گویم که تو پاکی و خدایی | نروم جز به همان ره که توام راهنمایی» تمام گزینه‌ها بجز گزینهٔ ... درست است .

۱- بیت : پنج جمله ۲- راهنمای: مضاف

۳- تو در «توام»: مسندالیه ۴- همان : صفت اشاره

۱۸۱- دیوان شمس سروده کیست ؟ (آ - س)

۱- شمس مغربی ۲- شمس تبریزی ۳- شمس قیس رازی ۴- مولوی

۱۸۲-کدام گزینه معنیِ مصرعِ «*که گور پرده جمعیت جنان باشد*» است ؟

۱- که گور پرده‌ای در برابر بهشتیان است

۲- که گور واسطه‌ای است بین بهشت و مردم

۳- برای رفتن به بهشت باید از گور عبور کرد

۴- برای رفتن به دوزخ باید از گور عبور کرد

۱۸۳-کدام گزینه معنی : «*گمان مبر که مرا درد این جهان باشد*» است ؟

۱- تصوّر مکن که برای من در این جهان دردی وجود دارد.

۲- تصوّر مکن که من در این دنیا ناراحتی دارم

۳- تصوّر مکن که برای من عشق و علاقه‌ای به این دنیا وجود دارد.

۴- تصوّر مکن که در این دنیا عشقی وجود دارد.

۱۸۴- ... / ۳۶۳۶۰ بیت شعر در قالب غزل سرود که در دیوان شمس معروف به دیوان کبیر گرد آمده است.

۱- شمس تبریزی ۲- شمس المعالی

۳- شمس قیس رازی ۴- جلال الدین بلخی

۱۸۵- مأخذ عمده شاهنامه فردوسی عبارتست از:

۱- شاهنامهٔ ابوالمؤید بلخی ۲- شاهنامه ابوعلی محمدبن احمد بلخی

۳- شاهنامه منثور ابومنصوری ۴-گشتاسبنامه دقیقی

۱۸۶- بیت: «خرامان بشد سوی آب روان | چنان جان شده باز یابد روان» چند قید دارد؟

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۱۸۷-کدام گزینه از نظر تعداد جمله با دیگر گزینه‌ها ناهمانند است؟

۱- من گهر ناب و تو یك قطره آب | من ز ازل پاک تو پست پلید

۲- خروشید کای فرخ اسفندیار | هماوردت آمد، برآرای کار

۳- بخندید و گفت اینک آراستم | بدانگه که از خواب برخاستم

۴-که سهراب کشته است و افکنده خوار | همی خواست کردن تو را خواستار

۱۸۸- درکدام گزینه ترتیب ارکان جمله رعایت نشده است؟

۱- من امروز نز بهر جنگ آمدم | پی پوزش و نام و ننگ آمدم

۲- تو با من به بیداد کوشی همی | دو چشم خرد را بپوشی همی

۳- بس نامور به زیر زمین دفن کرده‌اند | کز هستیش به روی زمین بر، نشان نماند

۴- کمندی به فتراک زین بر ببست | بر آن بارهٔ پیل پیکر نشست

۱۸۹- در بیت: «بسانِ پلنگی که بر پشت گور | نشیند برانگیزد از گور شور» کدام یک از اجزای جمله محذوف است؟

۱- ادات تشبیه ۲- مشبه ۳- مشبّه به ۴- وجه شبه

۱۹۰- درکدام گزینه فاعل وجود ندارد؟

۱- ز نیروی اسبان و زخم سران | شکسته شد آن تیغهای گران

۲- مرا یار هرگز نیاید به کار | تو را گر همی یار باید بیار

۳- ز نیرنگ زالی بدین سان درست وگرنه که پایت همی دخمه جست

۴- به باد افره این گناهم مگیر تو ای آفریننده ماه و تیر

۱۹۱- نقش ضمیر «ش» در بیت : «هم آنگه نهادش ورا در کمان | سر خویش کردی سوی آسمان» چیست ؟ (آ - س)

۱- اضافی ۲- فاعلی ۳- متممی ۴- مفعولی

۱۹۲- «کنون گر تو در آب ماهی شوی و یا چون شب اندر سیاهی شوی» یعنی هرگاه : (آ- س)

۱- از پیش من بروی و دور شوی ۲- تو از اینجا بروی و شبانه حرکت کنی

۳- چون ماهی به شنا و عیش بپردازی

۴- مثل ماهی در آب روی و در تاریکی محو شوی.

۱۹۳- درکدام گزینه جمله پایه و پیرو وجود ندارد؟

۱- بگو تا سوار آورم زابلی ۲- تا نگردی آشنا زین پرده رمزی

۳- تو کز سرای طبیعت نمی‌روی بیرون کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد

۴- شمع جوی و آفتابْ بلند روز بس روشن و تو در شب تار

۱۹۴- مصراع : «خرد را مکن با دل اندر مغاک» کنایه از چیست ؟ (آ - س)

۱- بر خلاف عقل و احساس عمل مکن ۲- با عقل و احساس، مبارزه کن

۳- عقل خود را به دست احساس مده ۴- عقل و احساس را با خود به گور مبر

۱۹۵- درکدام مصراع فعل متعدّی نیست ؟

۱- دل از جنگ جستن پشیمان کنیم ۲- سینه زاغ پران فرو برد سر

۳- نشست از بر اژدهای دمان ۴- نگیرم فریب تو زین در مکوش

۱۹۶- با توجه به بیت : «همان گه نهادش ورا در کمان | سر خویش کردش سوی آسمان» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- «ش» در هر دومصرع : فاعل ۲- «و» : مفعول

۳- سر : مفعول ۴- همان گه : متمم

۱۹۷- معنی کلماتِ همهٔ گزینه‌ها، بجز گزینه ... درست است ؟

۱- سرادق : دخمه ۲- دستگاه: قدرت ۳- خوی : عرق ۴- پالهنگ : ریسمان

۱۹۸- «ز پیکار، دل بر چه آراستی ؟ » یعنی : (آ - س)

۱- از چه، دل را به جنگ راضی کردی ۲- به چه منظور می‌خواهی بستیزی؟

۳- چرا سپاه را برای جنگ آرایش دادی؟ ۴- درباره نبرد چه تصمیمی گرفتی؟

۱۹۹- کدام گزینه جمله اسمیه است ؟

۱- آن سوخته را جان شد و آواز نیامد ۲- و یا چون شب اندر سیاهی شوی

۳- و گر چون ستاره شوی بر سپهر ۴- از او دور شد دانش و فرهی

۲۰۰- کدام پاسخ مترادف کلمهٔ «برافراختن» نیست ؟ (آ - س)

۱- برآوردن ۲- برافراشتن ۳- برافروختن ۴- برکشیدن

۲۰۱- «ی» در «زالی» با توجه به مصرعِ «ز نیرنگ زالی بدین سان درست» کدام است؟

۱- نکره ۲- نسبی ۳- ضمیر ۴- رابطه

۲۰۲- «پوششی که در هنگام جنگ بر اسب افکنند» معنی‌کدام کلمه است ؟ (آ - س)

۱- برگستوان ۲- زین ۳- فتراک ۴- لگام

۲۰۳- مفهوم مصرعِ : «برافراختند آن زمان یال را» در کدام گزینه آمده است ؟

۱- گردن فرازی کردند ۲- رزم کردند

۳- یال را روشن کردند ۴- جنگ افروزی کردند

۲۰۴- کدام گزینه با توجه به مصرعِ : «که چندین چه گویی چنین نابکار» نادرست است

۱- چندین : قید ۲- چه : قید ۳- چنین : قید ۴- گویی : فعل

۲۰۵- در مورد مصرعِ : «ز زور وز شادی که بود اندر اوی» کدام غلط است؟

۱- زور و شادی : متمم ۲- زور و شادی: مسندالیه یا فاعل

۳- اندر اوی: مسند

۴- ز زور و ز شادی که بود اندر اوی: جمله اسمیه

۲۰۶-کدام گزینه با توجه به بیت : «چو نزدیک گشتند پیر و جوان | دو شیر سرافراز و دو پهلوان » نادرست است ؟

۱- پیر و جوان : نهاد ۲- دو شیر : بدل از نهاد

۳- دو پهلوان : بدل از نهاد ۴- نزدیک : حرف اضافه

۲۰۷- توضیح دستوری «چه» در کدام گزینه درست نیست ؟

۱- چه باید مرا جنگ زابلستان، چه : قید پرسش

۲-که چندین چه گویی چنین نابکار، چه : ضمیر پرسشی

۳- بگو تا چه داری ز رستم نشان، چه : قید پرسشی

۴- از این خویشتن کشتن اکنون چه سود، چه : صفت پرسشی

۲۰۸- معنی مصرعِ «ز شبگیر تا سایه گسترد هور» چیست ؟ (آ - س)

۱- از سحر تا وقت ظهر ۲- از سحرگاه تا دیرگاهی از روز

۳- از شام تا سحر ۴- از شب تا بامداد

۲۰۹-کلمه «گرز» در مصرع : «همان دسته بشکست گرز گران» چه نقشی دارد؟

۱- فاعلی ۲- اضافی ۳- مفعولی ۴- قیدی

۲۱۰- «ی» در مصرعِ «نهادند پیمان دو جنگی که کس» از چه نوع است؟

۱- نکره ۲- مصدر ۳- فاعلی ۴- نسبی

۲۱۱-کتاب «*اخلاق ناصری*» درکدام قرن تألیف شده است ؟ (آ - س)

۱- ششم ۲- هفتم ۳- هشتم ۴- نهم

۲۱۲-کدام گزینه نادرست است ؟

۱- علم حکمت : شناخت حقایق اشیاء به قدر توان انسان

۲- علم کلام: دانشی که در آن، دربارهٔ عقاید اسلامی با ادّله عقلی بحث شود.

۳- منطق : دانشی که قوانین استدلال صحیح و طرق جلوگیری از خطاهای فکر را بیان می‌کند.

۴- اسطرلاب : وسیله‌ای که در قدیم جادوگران از آن استفاده می‌کردند.

۲۱۳- در مورد خواجه نصیر توسی همه گزینه‌ها بجز ..... درست است.

۱- کتاب اخلاق ناصری را به نام ناصرالدین نامگذاری کرد.

۲- کتاب اساس الاقتباس را در منطق تألیف کرد.

۳- کتابهای بیست باب و تذکره را در شرح بزرگان نجوم نوشت.

۴- افراد مبرّزی چون قطب الدین شیرازی و علّامه حلّی را تربیت کرد.

۲۱۴- در جملهٔ مرکب : «***این دانشمند بزرگ از امنیّت و آسایشی که در آن سرزمین نصیب او شده بود استفاده نکرده***» جمله پایه در کدام گزینه آمده است؟

۱- در آن سرزمین نصیب او نشده بود

۲- این دانشمند بزرگ از امنیّت و آسایشی استفاده نکرده

۳- این دانشمند بزرگ از امنیّت و آسایشی که نصیب او شده بود.

۴- در آن سرزمین نصیب او شده بود.

۲۱۵- کدام پاسخ از آثار خواجه نصیر توسی نیست (آ - س)

۱- اخلاق ناصری ۲- اساس الاقتباس

۳- اوصاف الاشراف ۴- کلمات مکنونه

۲۱۶- کدام دو کلمه در گزینه‌ها مناسب نیست.

۱- اسالیب : اسلوب ۲- مقاصد : مقصد و مقصود

۳- دعات : داعی ۴- توالی :تالی

۲۱۷- املای کدام کلمه غلط است ؟

۱- عقیده‌مند ۲- علاقه‌مند ۳- علاقمند ۴- جلوه گاه

۲۱۸- کدام دو کلمه با یکدیگر متضاد نیستند؟

۱- مبدأ : معاد ۲- اسلاف : اخلاف ۳- شروح : حواشی ۴- نژند: شاد

۲۱۹- کدامیک از فقهای بزرگ شیعه،شاگردخواجه نصیرتوسی بوده است؟ (آ- س)

۱- شیخ بهایی ۲- علامه حلّی ۳- علامه مجلسی ۴- میرداماد

۲۲۰-کدام گزینه معنای لغت : «**اسلاف**» است ؟ (آ - س)

۱- پیشینیان ۲- جانشینان ۳- ساده‌اندیشان ۴- سلف خرها

۲۲۱-کدام گزینه غلط املایی ندارد.

۱- فردوسی هم که از صره‌نویسان بوده چنین نکرده است.

۲- ترجمه امری است که بر اقتباس و غرض لغات بیگانه ترجیح دارد

۳- اگر اهتمام او نبود غالب آن آثار نفیس از میان می‌رفت.

۴- اگر به جای جامعه واژه «هازه» را بگزارند خواننده گیج می‌شود.

۲۲۲-کدام گزینه غلط املایی ندارد

۱- چرا طعام نخوری و بر تبع خود نیستی

۲- این کار نوعی خلع صلاح زبان است.

۳- از میان عناصر مرده انتخاب نشده است مگر بوسیله متعصبّان

۴- شاگردان مبرز خواجه نصیر حلقه اتصّال اسلاف به اخلاف شدند.

۲۲۳-کدام گزینه غلط املایی ندارد.

۱- اسلوب و مقاصد آن را نپسندید

۲- عقاید حکما را دربارهٔ مَبدع و معاد ناقص دید

۳- در علوم ریاضی به درجات آلی آن توفیق یافت

۴- کار بر مردم مضطرب گشت و سر به ذلالت در نهادند

۲۲۴- در کدام گزینه غلط املایی وجود ندارد.

۱- قرآن تأثیری ژرف در شنوندگان داشت.

۲- با بیانی شیوا احکام دینی را الغا می‌کرد.

۳- مردم را به نشر آیات علاقمند می‌نمود.

۴- تا از قدرتهای سلطه‌گر بی‌زاری جویند.

۲۲۵- در بیت : «بَدان را نیک دار ای مرد هشیار | که نیکان خود بزرگ و نیکروزند» کدام کلمه، صفت جانشین موصوف است (آ - س)

۱- بزرگ ۲- نیکان ۳- نیکروز ۴- هشیار

۲۲۶- مثنوی جلایرنامه سروده کیست ؟

۱- اقبال لاهوری ۲- ملّا احمد نراقی ۳- قائم مقام فراهانی ۴- قاآنی شیرازی

۲۲۷- کدام کلمه مفرد است ؟ (آ - س)

۱- دوال ۲- ظِلال ۳- عیال ۴- نِعال

۲۲۸- معنی کدام واژه درست است ؟

۱- توافی: دیدارکردن ۲- خیل : زیاد ۳- لجّه: زاری ۴- دُرج : صندوقچه

۲۲۹ - در جملهٔ «*سیاست نه شرقی نه غربی کشور ما افتخار آمیز است*» نقش نادرست در کدام گزینه است؟

۱- سیاست: فاعل ۲- سیاست نه شرقی نه غربی : مسند الیه

۳- ما: نقش اضافی ۴- افتخار آمیز: مسند

۲۳۰- در کدام گزینه صفت اشاره وجود دارد؟

۱- به همین از خدا خشنود می‌بودیم ۲- این ره آن،زاد راه و آن منزل

۳- آن سفر کرده که صد قافله دل همره اوست ۴- همی این بر آن،آن بر این کرد زور

۲۳۱- درکدام گزینه فك اضافه وجود ندارد؟

۱- آخر سؤال کن که گدا را چه حاجت است ۲- تو را آتش عشق اگر پر بسوخت

۳- فلك را سقف بشکافیم و طرح نو دراندازیم ۴-کی بود تمییز تیغ وتیر را

۲۳۲-کدام کلمه باکلمه‌های دیگر هم معنی نیست؟ (آ- س)

۱- آتی ۲- پیرو ۳- تابع ۴- تالی

۲۳۳- با توجه به بیت:«به بالا زسر و سهی برتر است | چو خورشید تابان به دو پیکر است » همه گزینه‌ها بجزگزینه ... درست است.

۱- به دو پیکر: متمم ۲- برتر : مسند

۳- سرو: متمم ۴- چو خورشید : مسندالیه

۲۳۴- با توجه به بیت: « چو آواز او رعد غرنده نیست | چو بازوی او تیغ برنده نیست»

گزینه نادرست کدام است؟

۱- چو آواز: مسند ۲- آواز: مسند ۳- چو بازو: مسند ۴- تیغ و رعد: مسندالیه

۲۳۵- اولین تفسیر قرآن در چه دوره‌ای به‌زبان فارسی ترجمه شد؟ (آ- س)

۱- سامانیان ۲- صفّاریان ۳- طاهریان ۴- غزنویان

۲۳۶- کدا مگزینه به مفهوم جمله: **«به دقتی که مسلمین در تحفظ قرآن از اندك تغییر و تحریف داشتند اشاره شد»** نزدیکتر است؟(آ - س)

۱- اشاره شد که مسلمانان در حفظ قرآن تغییر عقیده نمی‌دادند

۲- در حفظ کردن قرآن مسلمانان دچار تحریف نشدند

۳- گفته شد که مسلمانان قرآن را بی هیچ دگرگونی از بر می‌کردند

۴- گفته شد که‌مسلمانان کوشیدند که در قرآن اندك دگرگونی راه نیابد

۲۳۷- کدام گزینه دربارهٔ امام فخر رازی غلط است؟(آ- س)

۱- شرحی بر اشارات ابن سینا دارد ۲- شیعی مذهب بود

۳- عالم معقول و منقول بود ۴- مفاتیح‌الغیب از آثار اوست

۲۳۸- شهرت :**«ابن یمین فریومدی»** در سرودن چه نوع شعری است؟

۱- دوبیتی ۲- غزل ۳- قصیده ۴- قطعه

۲۳۹- درکدام گزینه فعلهای مصدر خواستن فعل معین است؟

۱- حالت مال و علم اگر خواهی / که بدانی که هر یکی چون است

۲- آنچه بینی دلت همان خواهد / وآنچه خواهد دلت همان بینی

۳- اگر جنگ خواهی و خون ریختن / برین گونه سختی بر آویختن

۴- صبری ای باغبان که برگ امید / خواهد از شاخه حیات گسست

۲۴۰- کدام گزینه به مفهوم این بیت نزدیکتر است؟ **«مال دارد چو بدر روی به‌کاست / علم‌چون ماه نو در افزون است»** (آ- س)

۱- مال به پایان رسیدنی است و علم تمام ناشدنی

۲- مال روبه زوال می‌رود و علم رو به کمال

۳- مال ماه شب چهارده است و علم ماه یك شبه

۴- مال نقصان پذیر است و علم کاستی ناپذیر

۲۴۱- درکدام گزینه صنعت تضاد وجود ندارد؟

۱- به گاه فقر توانگر نمای همت‌باش	گرچه هیچ نداری، بزرگ دارندت

۲- مال دارد چو بدر، روی به کاست	علم ، چون ماه نو در افزون است

۳- چو نتوان راستی را درج کردن	دروغی را چه باید خرج کردن

۴- مبادا کس که او کژی گزیند	که از کژی بجز کژی نبیند

۲۴۲- درکدام گزینه حرف عطف وجود ندارد؟

۱- حالت مال و علم اگر خواهی	۲- سود دنیا و دین اگر خواهی

۳-کسی که بازوی ظلم و سرمستم دارد	۴- غمی گشته اسبان و مردان تباه

۲۴۳-کدام گزینه از نظر تعداد جمله با دیگر گزینه‌ها ناهمانند است؟

۱- نه آنکه که با همه هستی شوی خسیس مزاج	شوی اگر چه تو قارون گدا شمارندت

۲- نترسد آنکه بر افتادگان نبخشاید	که گر ز پای درآید کسش نگیرد دست

۳- خوشا کسی که از او هیچ بد به کس نرسد	غلام همت آنم که این قدم دارد

۴- پیش دیوار آنچه گویی هوش دار	تا نباشد در پس دیوار گوش

۲۴۴- مفهوم کدام گزینه باگزینه‌های دیگر متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- دانه باشی، مرغکانت برچنند	غنچه باشی، کودکانت برکنند

۲- خویشتن آرای مشو چون بهار	تا نکند در تو طمع روزگار

۳- عیب کسان منگر و احسان خویش	دیده فرو بر به گریبان خویش

۴- هر که داد او حسن خود را در مزاد	صد قفای بد، سوی او رو نهاد

۲۴۵-کدام گزینه به مفهوم جملهٔ : «*مردگان تمنی می‌کنند که : کاش زنده بودیمی و در راه خداکاری کردیمی*» نزدیکتر است ؟ (آ - س)

۱- تمنّی مردگان این است که هرگاه زنده بودیم کار خوب می‌کردیم.

۲- مردگان تمنّی دارند که کاش زنده شوند و کار کنند.

۳- مردگان آرزو دارند که کاش زنده بودند و باز هم کار می‌کردند.

۴- مردگان آرزو دارند که کاش زنده بودند و در راه خدا کار می‌کردند.

۲۴۶- مفهوم بیت : «چون توانستم ندانستم، چه سود | چون بدانستم، توانستم نبود» با همه گزینه‌ها بجز گزینه .... متناسب است (آ - س)

۱- هوشیاری هنگام قدرت ۲- هوشیاری پس از زمان غفلت

۳- ناتوانی در ایام هوشیاری ۴- غفلت به روزگار قدرت

۲۴۷- کدام گزینه در مورد علی اکبر دهخدا صحیح است ؟

۱- «لغت فرس اسدی» را تصحیح کرد ۲- روح القوانین را تصحیح و چاپ کرد

۳- فرهنگ فارسی به فرانسه را تألیف کرد ۴- مدیر مسؤول روزنامه صور اسرافیل در ایران بود

۲۴۸- کدام گزینه دربارهٔ علی‌اکبر دهخدا غلط است ؟

۱- از نویسندگان روزنامه صور اسرافیل بود.

۲- «امثال و حکم» و «چرند و پرند» از اوست.

۳- «روح القوانین» را به فارسی در آورد.

۴- در قزوین به دنیا آمد و کودکی را در آنجا گذراند.

۲۴۹- کدام گزینه غلط نگارشی دارد؟

۱- قرنها این میدان گشاده، گوی و پهنه نهاده بود.

۲- نخست، دانسته‌های خویش را از لغت گرد کردم.

۳- اول در قیافه او تفّرس و نظر باید.

۴- چون فراهم ساختن مجموع لغات متداول محاورتی و کتبی می‌خواستم.

۲۵۰- مفهوم جمله : *«گویی مرا خواست این شیفته سار»* در کدام گزینه آمده است؟

۱- گویا این کار به انسان عاشقی چون من احتیاج داشته است.

۲- خواستِ من ، این شیفته سار بود.

۳- گویی این شیفته سار خواستِ مرا اجابت کرده است.

۴- گویی این عاشق و دلباخته مرا دعوت کرده.

۲۵۱- کدام گزینه غلط املایی ندارد؟

۱- گویی مرا خاست این شیفته‌سار ۲- قصد اغراء و اغواء خواننده‌گان داشته‌ایم.

۳- به پایان رسیدن طبع، امیدی بس فراخ و عملی بس طویل است.

۴- نظم و نثر خواص نویسندگان را از عامیانه و مبتذل خواندم.

۲۵۲- با توجه به بیت : «در بحر غم تو غوطه خواهم خوردن | یا غرقه شدن یا گهری آوردن» گزینه نامناسب کدام است؟

۱- بیت : سه جمله ۲- خواهم در مصرع دوم به قرینه مصرع اول حذف شده است.

۳- مصرع دوم یک وجه مصدری ۴- «یا» در مصرعِ «ربط مزدوج» است.

۲۵۳- کدام گزینه به مفهوم این بیت نزدیکتر است؟ «در بحر غم تو غوطه خواهم خوردن | یا غرقه شدن یا گهری آوردن» (آ - س)

۱- تا در دریای محبت فرو نروی مروارید عشق را نخواهی یافت.

۲- تن به خطر می‌دهم یا می‌میرم یا به آرزوی خویش می‌رسم.

۳- حتّی اگر بمیرم به آرزوی خویش دست نخواهم یافت.

۴- خطر را به جان می‌خرم گر چه به آرزوی دل نرسم.

۲۵۴- گزینه نامناسب با توجه به عبارتِ : «*آبگینه خویش را به سنگ آزمودم و حاصل جز شکست خویش نبردم*» کدام است؟

۱- آبگینه و حاصل: مفعول ۲- سنگ و شکست : متمم

۳- عبارت : دو جمله ۴- «م» در هر دو جمله : شناسه

۲۵۵- بیت : «قصد تو مخاطره است خواهم کردن | تا سرخ کنم روی بدان یا گردن» کدام گزینه را تأیید می‌کند.

۱- قصد تو این است که خود را به خطر اندازی

۲- این خطر یا شکست دارد یا پیروزی

۳- خود را به خطر انداختن پیروزی ندارد.

۴- خود را به خطر انداختن پیروزی دارد.

۲۵۶- جملهٔ **«بخیه بر روی کار افتادن»** کنایه است از :

۱- آشکار شدن راز ۲- ریختن آبرو و حیثیت

۳- حفظ حیثیت و آبرو ۴- پوشاندن راز

۲۵۷- نگارش کدام گزینه درست‌تر و بهتر است ؟ (آ - س)

۱- دانسته‌های خویش را نخست از لغت گرد کردم.

۲- دانسته‌های خویش را گرد کردم از لغت نخست.

۳- نخست دانسته‌های خویش را از لغت گرد کردم.

۴- گرد کردم دانسته‌های خویش را از لغت نخست.

۲۵۸- گزینه نامناسب با توجه به عبارتِ : **«چه، بارها در شب از بستر برمی‌خاستم و پلیته بر می‌کردم و چیزی می‌نوشتم»** کدام است ؟

۱- چه : حرف ربط ۲- پلیته : مفعول ۳- چیزی می‌نوشتم: فعل مرکب

۴- برمی‌خاستم : فعل ماضی استمراری و پیشوندی

۲۵۹- با توجه به عبارت : **«هر چه شاهد بیشتر، مدعا ثابت‌تر و صدق دعوی روشنتر بود»** گزینه نامناسب کدام است؟

۱- عبارت : سه جمله ۲- بیشتر: قید ۳- مدعا: مسندالیه ۴- هرچه: قید

۲۶۰- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است ؟ .

۱- آب به هاون کوفتن ۲- البرز به کلند برگرفتن

۳- بخیه بر روی کار افتادن ۴- محیط به کفچه پیمودن

۲۶۱- **«محیط به کفچه پیمودن»** کنایه از چیست ؟ (آ - س)

۱- دریا پیمودن ۲- کار بیحاصل کردن

۳- کوشش زیاد کردن ۴- مشکلات را آسان گرفتن

۲۶۲- محیط به کفچه پیمودن و البرز به کلند برگرفتن یعنی :

۱- پیرامون مکانی را پیمودن ۲- به کوه البرز بالا رفتن

۳- کار بیهوده کردن ۴- محیط را پیمودن و البرز را خراب کردن

۲۶۳-کدام گزینه به معنیِ «**شرکت کردن دو نفر در سرمایه و کار**» است ؟ (آ - س)

۱- اِضرب ۲- تضارب ۳- تضریب ۴- مضاربه

۲۶۴-کدام دو کلمه مترادف نیستند ؟

۱- اِضراب : روی برگرداندن ۲- اِغراء : تحریک کردن

۳- اِغواء : گمراه کردن ۴- فصل : بخش

۲۶۵-کدام دو کلمه مترادف نیستند ؟

۱- تحریض : تحریک کردن ۲- نوم : یقظه

۳- اغراء : تحریک کردن ۴- اغواء : گمراه کردن

۲۶۶-کدام دو کلمه را می‌توان به ترتیب به جای نقطه چین قرار داد؟ (آ-س)

... شوند به آزادگی و عزتْ نفس ... شوند به طبع بلند و سحر بیان

۱- اَلَم - ثَمر ۲- سَمَر: اَلَم ۳- سَمَر : عَلَم ۴- علم: ثَمَر

۲۶۷-کدام گزینه دارای فعل ربطی و جمله اسمیه است؟

۱- مادَری بود و دختر و پسری پسرک از می محبت مست

۲- دختر از غصّه پدر مسلول پدرش تازه رفته بود ز دست

۳- یک شب آهسته با کنایه طبیب گفت با مادر این نخواهد رست

۴- ماه دیگر که از سموم خزان برگها را بود به خاک نشست

۲۶۸- با توجه به بیتِ: «ماه دیگر که از سموم خزان | برگها را بود به خاك نشست»، گزینه نادرست کدام است ؟

۱- برگها: مسندالیه ۲- نشست برگها: مسندالیه

۳- «را» فک اضافه ۴- به خاك : مسند

۲۶۹- با توجه به بیت : «صبری ای باغبان که برگ امید | خواهد از شاخهٔ حیات گسست»، همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است .

۱- بیت : دو جمله ۲- برگ امید : فاعل

۳- خواهد گسست : فعل مستقبل ۴- گسل : بن مضارع

۲۷۰- با توجه به عبارتِ«***اگر تشخیص بر محتسب دشوار باشد می‌تواند انـدکی از آن شیر را در ظرفی بریزد و نزد خود نگاهدارد و اگر آب داشته باشد معلوم می‌شود***» تمام گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است.

۱- اندکی : مفعول ۲- تشخیص : مسندالیه

۳- آب داشته باشد: مسندالیه ۴- عبارت : پنج جمله

۲۷۱- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها مناسب نیست ؟

۱- انتباه ۲- تنبیه ۳- تنبُّه ۴- تباه

۲۷۲- با توجه به قطعه زیر گزینه نامناسب کدام است ؟

بس نامور به زیـر زمـین دفـن کـرده‌انـد کز هستیش به روی زمین بر، نشان نماند

و آن پیر لاشه راکه سپردند زیـر خـاک خاکش چنان بخورد کز او استخوان نماند

خیری کن ای فلان و غنیمت شمار عـمر زان پیشتر که بانک بر آید: فلان نماند

۱- نامور، آن پیرلاشه، ش در «خاکش» و عمر: مفعول

۲- نشان، استخوان و فلان : فاعل

۳- بیت سوم : پنج جمله ۴- «بر» در بیت اول اسم است.

۲۷۳- با توجه به مصراعهـای : «خاک تو توتیایم و سنگ تو گوهرم | گویی فتاده در دهن شرزه اژدرم» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- م در «توتیایم» : مسندالیه ۲- م در «گوهرم» : مضاف الیه

۳- م در «اژدرم» : فاعلی ۴- سنگ : مسندالیه

۲۷۴- کدام گزینه مفهوم این بیت را در بر دارد؟ (آ - س)

«تـا سـاغرم ز بـادهٔ وصـل تـو شـد تـهی بـاشد ز زهـر هـجر تو لبریز سـاغرم»

۱- بی تو شراب وصالم زهر است ۲- بی شراب وصلت کام جانم تلخ است.

۳- پیمانه‌ام از شراب وصال، تهی و از باده هجران لبریز است.

۴- زهر دوری تو از شرابِ وصالِ دیگران گواراتر است.

۲۷۵- با توجه به قطعه زیر تمام گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است؟

گفتند: کسب فضل و ادب کن که هر که کرد
عمرش قرین شادی و اقبال و عزّت است
من جز به سوی حق و شرف رو نمی‌کنم
هر چند کس نه طالب حق و فضیلت است

۱- فعلهای مصرع اول: گفتند، کسب کن وکسب کرد
۲- اگر «جز» حرف اضافه باشد متمم آن «حق و شرف» است
۳- اگر «به سوی» حرف اضافه مرکب باشد متمم آن «حق و شرف» است.
۴- «نه» در مصرع چهارم قید است.

۲۷۶- کدام گزینه از حیث نگارش نادرست است؟

۱- اگر چه درباره رفتن خواجه نصیر به قِلاع اسمعیلیه علل مختلف وجود دارد ولی علّت عمده آن بررسی مذهب اسمعیلیه بوده است.
۲- هر کدام از مهمانان که وارد شد، در جایش نشست.
۳- هر یک وارد شد و در جایش نشت.
۴- هیچکدام از دانش آموزان در زمین ورزش نبود.

۲۷۷- از لحاظ نگارش کدام گزینه درست است ؟ (آ - س)

۱- باید سخن می‌گفت
۲- بایستی سخن بگوید
۳- سخن باید گفت
۴- می‌بایستی سخن بگوید

۲۷۸- کدام گزینه از نظر نگارش غلط است ؟

۱- او در زندگی بسیار غصه خورده است
۲- من تصمیم خود راگرفته‌ام
۳- من برای خود تصمیم گرفته‌ام
۴- باید این را بیشتر توضیح بدهید

تستهای آزمون سراسری کلاسهای سوم ریاضی آینده سازان در فروردینماه ۷۲/ (از ۲۷۹ تا ۲۹۸)

****

۲۷۹- مفهوم کلی بیت :

«دُرّ و مروارید طوقش اشک اطفال من است
لعل و یاقوت ستامش خون ایتام شما است»

به کدام گزینه اشاره می‌کند؟

۱-گشاده دستی ۲- سیه دستی ۳- دراز دستی ۴-کوتاه دستی

۲۸۰- مفهوم عبارت : «*مقدّراتم را به سعادت محیط سوق ده*» در کدام گزینه بهتر بیان شده است ؟

۱- سرنوشتم را به سعادت جامعه پیوند بده ۲- مرا به سعادت جامعه رهنمون کن

۳- سرنوشتم را از سعادت جامعه بهره‌مند ساز ۴- از سرنوشتم جامعه را بهره‌مندکن

۲۸۱- مفهوم مصراع دوم بیت :

«از این خویشتن کشتن اکنون چه سود چنین رفت و این بودنی کار بود»

درکدام گزینه بیان شده است ؟

۱- این کار اتفّاقی بود ۲- این کار تقدیر بود

۳- این کار مصلحت بود ۴- این کار قبلاً اتفاق افتاد

۲۸۲- با توجه به بیت:

«چو سرو از راستی بر زد علم را ندید اندر جهان تاراج غم را»

بی غمی در چیست ؟

۱- راست صفتی ۲- راست قامتی ۳- راست روشی ۴- راست گویی

۲۸۳- معنی بیت :

«ندانست آنکه رحمت کرد بر مار که آن ظلم است بر فرزند آدم»

به مفهوم کدام عبارت نزدیکتر است؟

۱- مروّت نباشد بر افتاده خشم ۲- لطف بی وقت هیبت ببرد

۳- عفو کردن از ظالمان جور است بر درویشان

۴- رحم آوردن بر بدان ستم است به نیکان

۲۸۴- از نظر دستوری کدام گزینه با بقیّه متفاوت است ؟

۱- تا به، تابش ۲- پذیره، پذیرش ۳- پویه، پویش ۴- لرزه، لرزش

۲۸۵- در کدام گزینه قید نیست.

۱- به حقیقت آدمی باش و گرنه مرغ باشد ۲- انصاف از این سخن برنجیدم

۳- قضا را در یکی از روزها به بازار ورّاقان رفتم ۴- عمرِ بسیار بباید پدر پیر فلک را

۲۸۶- با توجه به بیت زیر:

«طراز پیرهن زرکشم مبین چون شمع که سوزهاست نهانی درون پیرهنم»

کدام گزینه غلط است ؟

۱- زرکش: صفت مفعولی ۲- بیت یک مفعول دارد

۳- بیت دو متمم دارد ۴- بیت دو مضاف الیه دارد

۲۸۷- با توجه به بیت :

«به نوبتند ملوک اندرین سپنج سرای

کنون که نوبت توست ای ملک به عدل گرای»

کدام گزینه غلط است.

۱- بیت دو مسندالیه دارد ۲- سه جمله است

۳- بیت دو صفت دارد ۴- فاعل مستتر است

۲۸۸- با توجه به بیت :

«گفت حمزه، چونکه من بودم جوان مرگ می‌دیدم وداع این جهان»

کدام گزینه غلط است ؟

۱- بیت یک مفعول دارد ۲- وداع این جهان تمیز است.

۳- دو صفت دارد ۴- من مسندالیه است

۲۸۹- درکدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

۱- تقلّب اوضاع ۲- تفقّد دلها ۳- بدایع ابداع ۴- عمارت ضیاء

۲۹۰- با توجه به معنی املای کدام گزینه درست نیست.

۱- اقواء : گمراه کردن ۲- اهداء : بخشیدن

۳- اغراء: تحریک کردن ۴- القاء : افکندن

۲۹۱- املای کدام کلمه با توجه به معنی غلط است ؟

۱- افاضت : بهره‌رساندن ۲- بصارت : بینایی

۳- رضانت : استواری ۴- غزارت : فراوانی

۲۹۲- اعلاء یعنی :

۱- برتری ۲- برکشیدن ۳- برآوردن ۴- برآمدن

۲۹۳- کدام گزینه با بقیه همگون نیست.

۱- تهدید و تحریف ۲- ترغیب و تحریض

۳- افراط و تفریط ۴- ترمیم و تعمیر

۲۹۴- توجیه، با کدام گزینه هم معنی است ؟

۱- تودیع ۲- توقیر ۳- توضیح ۴- توفیر

۲۹۵- کدام گزینه غلط معنی شده است؟

۱- سدید : محکم ۲- مزید: افزونی ۳- مضیق : تنگنا ۴- ضمین: مشکوک

۲۹۶- کدام گویندهٔ زیر در خدمت سربداران بود؟

۱- انوری ۲- خاقانی ۳- ابن یمین ۳- نظامی

۲۹۷- موضوع کدام اثر با بقیه متفاوت است؟

۱- مثنوی معنوی ۲- گلشن راز ۳- حدیقه الحقیقه ۴- بوستان

۲۹۸- کدام اثر شرح حال عرفاست ؟

۱- الهی نامه ۲- تذکرة الاولیاء ۳- کشف الاسرار ۴- منازل السائرین

۲۹۹- با توجه به ابیات زیر گزینه نادرست کدام است؟

«بـه بـازوان تـوانـا و قـوت سرِ دست   خطاست پنجه مسکین ناتوان بشکست»
«نـترسد آن کـه بـر افـتادگان نبخشـاید   که گر ز پای درآید کسش نگیرد دست»

۱- بیت اول : دو جمله

۲- اگر «ش» در کَسَش، مضاف الیه باشد، دست، مضافِ آن است.

۳- بشکست: هسته فاعل   ۴- پنجه مسکین ناتوان بشکست: مسندالیه

۳۰۰-گزینه نادرست کدام است ؟

۱- مواضیع : موضوع   ۲- طرایف : طرفه   ۳- مواضع: موضع   ۴- طُرف: طرفه

۳۰۱-گزینه نادرست کدام است؟

۱- مکاتب : مکتب   ۲- مکاتیب : مکتوب

۳- معاریف : معروف   ۴- معارف : معروف

۳۰۲- نقش ضمیر «م» در کدام گزینه متفاوت است (آ - س)

۱- ای آرزوی خاطر غمگین و مضطرم   ۲- آید به گوش نغمه الله اکبرم

۳-گویی فتاده در دهن شرزه اژردم   ۴- ییلاق تو خجسته‌تر از قصر جنتم

۳۰۳-کدام کتاب سفرنامه تمثیلی است.

۱- سیرالعباد الی المعاد   ۲- سیاحت نامه شاردن

۳- سفرنامه ناصرخسرو   ۴- ماللهندِ ابوریحان

۳۰۴- از لحاظ نگارش فارسی، همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

۱- هر کدام از مهمانان که وارد شد در جایش نشست

۲- هر یک از مهمانان که وارد شدند، در جایشان نشستند

۳- هر کدام وارد شدند در جایشان نشستند

۴- هریک وارد شد، در جایش نشست

یا ایّها الذّین آمنُوا استَعینُو بِالصَّبْرِ وَ الصَّلوٰةِ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّابرین

(۱۴۹ - بقره)

ای کسانی که گرویدید یاری جویید به صبر و نماز به درستی که خدا با شکیبایان است.



پاسخ تشریحی تمرینهای فارسی و دستور و صنایع ادبی کلاسهای سوم دبیرستانها

****

۱- **جواب (۳).** منّت مخصوص خداست - طاعتش موجب قربت است - به شکر اندرش مزید نعمت (است)

۲- **جواب (۳).** زیرا آوردن کلمهٔ سبب به معنیِ موجب، مطلب را بهتر می‌رساند و توجیه می‌کند.

۳- **جواب (۴).** ممّد حیات، مسند است و اِسناد داده می‌شود به جمله «هر نفسی که فرو می‌رود» پس جملهٔ فعلیهٔ «هر نفسی که فرو می‌رود» مسندالیه است.

۴- **جواب (۴).** «که» در مصرع اول به «زبان» اضافه شده، پس اضافی است. «که» در مصرع دوم فعل جمله را به مصدر تبدیل یا تأویل می‌کند. پس تأویلی است. اینگونه است: از عهده شکرش بدر آمدن از دست و زبان که برآید. ضمناً مصرع دوم فاعل فعل جمله مصرع اول است.

۵- **جواب (۱).** به دلیل وجود دو فعل «نتواند - بجای آورد» بیت دو جمله است. بعضی از همکاران معتقدند که «ورنه یا وگرنه» یک جمله است و چنین تفسیر می‌کنند «اگر اینطور نبود» در لغت معین و کتاب فارسی سوم دبیرستانها «ورنه» حرف ربط مرکب آمده است. و می‌توانیم به جای آن بگوییم : «در غیر این صورت ....»

۶- **جواب (۳).** وظیفه به معنی جیره و «خطا» به معنی اشتباه و نَبُرَد به معنی قطع نمی‌کند.

۷- **جواب (۳).** جمله چنین است: به خلعت نوروزی قبای سبزِ ورق در برِ درختان گرفته و «را» نشانه مضاف الیه (فک اضافه) است یا قبای سبزِ ورق را به خلعت نوروزی در برِ درختان گرفته.

۸- **جواب (۴).** ترصیع و مرصّع به معنی جواهرنشان کردن دو جمله یا دو مصراع قسمت به قسمت هم وزن باشد.

۹- جواب (۳). فارسی کلاس سوم «گلستان».

۱۰- جواب (۱). عنابت ⇐ انابت به معنی توبه

۱۱- جواب (۴). وقتی چندین صفت در جمله یا بیت در کنار هم آمد، نظم صفت به وجود می‌آید و تنسیق به معنی نظم دادن است. در این صورت بیت یا جمله دارای صنعت تنسیق صفات می‌شود برای آشنایی به صنایع ادبی در حد رشته تجربی و ریاضی فیزیک به کتاب ۷۰۰ پرسش و پاسخ نظم و نثر مراجعه نمائید.

۱۲- جواب (۲). زیرا کلمه «آکفان» و منصوب به صورت: «عاکفان و منسوب» درست است.

۱۳- جواب (۳). کلمات بگسترد و بپرورد سجع دارند.

۱۴- جواب (۲). زیرا «م» مفعول است و چنین بوده: بوی گل مرا چنان مست کرد که ...

۱۵- جواب (۳). معنی روان مصرع است.

۱۶- جواب (۱). است و بقیه جمله‌ها اسمیه هستند.

۱۷- جواب (۲). زیرا جمله چنین بوده: مؤذن پیر بستر را گذاشت (رها کرد) و بر بام رفت.

۱۸- جواب (۳). خدای خوانان، صفت است که جای اسم قرار گرفته لذا، اسم است فاعل هم هست ولی موصوف نیست.

۱۹- جواب (۴). جمله این گونه‌بوده است. بانگ دَرایشان برای قوافل معرفت به منزل سلامت رهنمون است و «قوافل» متمم است. شکل دیگر جمله عبارتست از: بانگ در ایشان رهنمونِ قوافل معرفت به منزل سلامت است. در این حالت قوافل نقش اضافی دارد.

۲۰- جواب (۳). بازم: باز(قید تکرار) + م (ضمیر)

۲۱- جواب (۳).

۲۲- جواب (۲). اولین قید «در طی قرون و اعصار» از قیدهای نشاندار است و دو مورد دیگر یکی «تاریك» و دیگری «محکوم به شکست» می‌باشد.

۲۳- جواب (۳). روان اسم ومفعول است.

۲۴- جواب (۴). زیرا می‌توان از جمله حذف کرد. درگزینه (۱) روز با نقش مفعولی و گزینه (۲) با نقش فاعلی و گزینه (۳) با نقش مسندالیهی است.

۲۵- جواب (۳).

۲۶- جواب (۱). چنین به هیچ از دست آدمی می‌رود.

۲۷- جواب (۳). اگر قید، چگونگی فعل را بیان کند، کیفیت نامیده می‌شود. پس «براستقامت» کیفیت است. قید دوم «بدانجا» یعنی به آن مقدار از درجه حرارت می‌رسد که آتش می‌گیرد پس قید مقدار است نه مکان.

۲۸- جواب (۳). خوش، به‌ناز، چگونگی فعل را بیان می‌کند پس کیفیت است و هر لحظه قید زمان است.

۲۹- جواب (۲). بسیار در گزینه (۱) مسند است. حاشا و کلّا به معنی هرگز و قید است.

۳۰- جواب (۱). راجع به انواع نثر در تستهای کلاس چهارم اشاره می‌گردد.

۳۱- جواب (۴). اگر «را» محذوف را در جمله‌ها اضافه کنیم این طور است: «در عهد دقیانوس، گوشت خوک را می‌خوردند و پیه خوک را در میان طعامها می‌کردند» کلمه «میان» در اینجا متمم است.

۳۲- جواب (۱).

۳۳- جواب (۱). زیرا فقط یک حرف اضافه «به» وجود دارد./

۳۴- جواب (۴). زیرا در آن قیدی وجود ندارد ولی در سایر گزینه‌ها قیدهای «خرامان: دگرباره، سخت و سبک » وجود دارند.

۳۵- جواب (۴). «در خورد» به معنی شایسته است و همراه با پیل برای خانه صفت است. «ی» در خانه‌ای «نکره» است و می‌توانیم بگوییم: خانهٔ در خورد پیلی «ی» در ترکیب وصفی نکره یا وحدت است.

۳۶- جواب (۴). جمله مستقیمِ بیت عبارتست از : اگر چه من نیز روزی دو برای مصلحت ناشکیبم. می‌توانیم بگوییم «را» حرف اضافه تأکیدی است. اما دلیلی برای رد زائد بودن آن نداریم.

۳۷- جواب (۳). جمله چنین است: گریختن ما باید «لازم است». «را» فک اضافه و کلمه «گریخت» مسندالیه استأ

۳۸- جواب (۳). «به، در» حرف اضافه هستند و کلمه نزدیک اگر با کسره جلو اسم آمد، حرف اضافه و اگر بدون کسره بود قید است.

۳۹- جواب (۴). «مر - را» حرف نشانه مفعول است. در نثر کهن حرف «مر» قبل از مفعول و متمم و حرف «را» بعد از مفعول می‌آمده است که در نثر امروز معمول نیست.

۴۰- جواب (۲). زیرا، چاه و راه، را یکی دیدن و برابر دیدن، نتیجه بی‌تجربه بودن است .

۴۱- جواب (۴). «که» به معنی «زیراکه» آمده و «که» ی تعلیلی نامیده می‌شود.

۴۲- جواب (۱). زیرا حافظ می‌گوید: بدون راهنمایی و رهبریِ خضر که از انبیاء است. این راه را طی مکن.

۴۳- جواب (۲). است که مفهومی جدا از سه گزینه دیگر دارد و جنبه ضرب المثل. ضمناً گزینه ۴ نیز با (۳) ناسازگار است و تست سراسری است.

۴۴- جواب (۴). زیرا می‌گوید: «اگر سخن از روی اندیشه نباشد برای گفتن و نوشتن شایسته نیست ولی در سه گزینه دیگر، سکوت کردن را توصیه می‌کند.

۴۵- جواب (۴). زیرا روی «حساب و درست سخن گفتن»، کم گفتن را توصیه می‌کند و سه مورد دیگر مفهوم بیت را ندارد.

۴۶- جواب (۱). زیرا آسمان همانند آینه همه چیز را نشان می‌دهد و سه مورد دیگر با بیت تناسب ندارد.

۴۷- جواب (۱). «در کار گرفتن» یعنی «ارزش قائل شدن» است.

۴۸- جواب (۴). زیرا خودآرایی ظاهری موجب جلب توجه و طمع دیگران می‌شود چنانچه مولوی گوید: «هر که داد او حسن خود را در مزاد صد قضای بد سوی او رونهاد.

۴۹- جواب (۳). فعلِ آمد در مصرع اول ربطی است و چنین است، چو صبح صادق راست گفتار شد و «راست گفتار» مسند است و محتشم وار، قید.

۵۰- جواب (۲).

۵۲- جواب (۴). یکی از پنج کتابِ خمسه نظامی استاْ

۵۳- جواب (۴). زیرا با طلوع خورشید تمام موجودات از آن بهره‌مند می‌شوند و استفاده

می‌کنند.

۵۴- **جواب (۱)**. در توضیح این بیت در کتاب فارسی آمده است: چشم بر عیب کسان نداشته باش و فقط نیکی خود را مبین بلکه عیبهای خود را نیز ببین.

۵۵- **جواب (۴)**. در شعر آمده است که : مپندار که خرامیدن لاجوردی سپهر، همان گرد برگشتن ماه و مهر از بهر بازیگری است. در جملهٔ مذکور، آنچه پیرو واقع شده مفعول می‌باشد. اگر سؤال کنیم چه چیز را مپندار. در جواب همان گزینه (۴) خواهد آمد.

۵۶- **جواب (۲)**. بهار عمر، فاعل است.

۵۷- **جواب (۳)**. فعلُ «می‌توان» شبه معین است و در گزینه ۱ و ۲ «شاید» به معنی شایسته است آمده و فعل اصلی است.

۵۸- **جواب (۳)**. زیرا مردمان دیوسار، انسانهایی در لباس شیطان هستند.

۵۹- **جواب (۲)**. زیرا، تن = غبار تن و حجاب = قفس و جان = روح . پس تن خاکی من مانند پرده یا قفس موجب جدایی مرغ روح از حق می‌شود و بعد اشاره می‌کند، خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم و چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است ضمناً گزینه ۴ هم می‌تواند پاسخ باشد و از نظر جمله زیباتر است.

۶۰- **جواب (۴)**. و جملهٔ چرا آمدم کجا بودم، مسندالیه برای عیان نشد و «عیان» مسند است.

۶۱- **جواب (۴)**. و «آمدنم» = آمدن + م (ضمیر متصل) و هر دو با هم مضاف و مضاف الیه هستند و وجه مصدری نیست.

۶۲- **جواب (۱)**. خون دل هیچوقت بوی مشک نمیدهد و در بیت هم نیامده است بلکه بوی شوق آمده است.

۶۳- **جواب (۳)**. زیرا در مصرع دوم به غافل بودن اشاره می‌کند.

۶۴- **جواب (۲)**.

۶۵- **جواب (۳)**. تست مذکور دارای جمله‌های طولانی است و در آزمون سراسری چنین جمله‌هایی نمی‌آید. این گونه جمله‌ها به منظور تمرین و آموزش کتاب اهمیّت دارد.

۶۶- **جواب (۲)**. «من» در این مصرع یعنی روح است و «نه سزا» یعنی شایسته نیست لذا گزینه

(۲) معنیِ روان مصرع است.

۶۷- جواب (۴).

۶۸- جواب (۱). نویسنده مرزبان نامه. مرزبان بن رستم بوده که آن را به زبان طبری نوشت و ترجمه اول به نام روضةالعقول و مرتبه دوم . سعدالدین وراوینی با استفاده از سبک نثر نصراله منشی مرزبان نامه را به فارسی ترجمه کرد.

۶۹- جواب (۱). و غلط ها عبارتست از : از بحر = از بهر. رذانت = رزانت ، مؤونت = معونت، قرض = غرض .

۷۰- جواب (۳). اگر دو جمله مستقل با دو حرف ربط شروع شوند و در پی یکدیگر بیایند این حرفها را، حرف ربط مزدوج یا تسویه گویند مانند: یا، یا - خواه، خواه. برای اطلاع کافی از حروف به کتاب حرفهای اضافه، ربط و نشانه از اینجانب مراجعه نمائید.

۷۱- جواب (۴). زیرا کشتنِ بنده با بیرون کردن از خانه (نفی بَلَد) برابر است و در سایر گزینه‌ها این مفهوم نیست.

۷۲- جواب (۲). و درستِ غلط، عبارتست از : بدست = به دست، تحریز= تحریض. ملاذم = ملازم، هزم = حزم.

۷۳- جواب (۳). لازمه تیراندازی و سرپیچی نکردن از این کار و همچنین سستی نکردن در تیراندازی و جنگ آوری، دلیری و شجاعت است و «دلیر مردان» درست است.

۷۴- جواب (۳). زیرا مادر موش می‌گوید: ... که پیل مست را از دندان او سنگ در دندان آید که کنایه از رنج و تشویش یافتن است.

۷۵- جواب (۳).

۷۶- جواب (۳). و جمله چنین است: که سنگ از دندان او در دندان پیل مست آید .

۷۷- جواب (۳). کنایه از کار ناممکن کردن یا وسیلهٔ نامناسب با هدف است.

۷۸- جواب (۳).

۷۹- جواب (۲). گزینه (۲) نسبت به (۴) شیواتر است. گرچه (۴) هم عیب دستوری ندارد.

۸۰- جواب (۲).

۸۱- جواب (۳).

۸۲- جواب (۴).

۸۳- جواب (۴). خداوند= خدا+ وند، خداوندگار = خدا + وند +گار، سنگک = سنگ + ك

۸۴- جواب (۴). زیرا، در واقع = در + واقع، فروتن = فرو + تن، نستوه = ن + ستوه.

۸۵- جواب (۳). در (۱) بخرد= بِ + خرد، در (۲). برکشید = بر + کشید. در (۴). همدرد = هم + درد، پیشوندار هستند.

۸۶- جواب (۲). زیرا سه مورد دیگر دارای پسوند مکان و گزینه (۲) دارای پسوند زمان است.

۸۷- جواب (۱). «بیزار» صفت و به معنی بی‌میل است و «زار» پسوند نیست و سه گزینه دیگر ترکیبی از یک اسم و پسوند مکانِ «زار» است.

۸۸- جواب (۲). زیرا کلمه: الی = عالی و زروه = ذِرْوه و جمع آن ذُریٰ می‌باشد.

۸۹- جواب (۱). گزینه‌های غلط عبارتست از : زروه= ذِروَه، غماض = غمّاز، مذیق = مضیق.

۹۰- جواب (۲).

۹۱- جواب (۳). درس ادب نفس (فارسی سوم)

۹۲- جواب (۴).

۹۳- جواب (۴). «که» در اولی و دومی حرف اضافه و سومی ضمیر با نقش فاعلی و در چهارمی ربطی است.

۹۴- جواب (۱). تقلّب به معنی دگرگونی.

۹۵- جواب (۱). حایل به معنی پرده و مانع.

۹۶- جواب (۱). علیم و به معنی آگاه و دانا.

۹۷- جواب (۱). صقیل به معنی شفاف و درخشنده.

۹۸- جواب (۱). هایل به معنی ترسناک .

۹۹- جواب (۱). محتوم به معنی قطعی.

۱۰۰- جواب (۳). غوص کردن به معنی فرو رفتن.

۱۰۱- جواب (۱). تحلیل به معنی تجزیه و تفسیر

۱۰۲- جواب (۳). قوس به معنی کمان و ابرو.

۱۰۳- جواب (۱). خوان به معنی سفره.

۱۰۴- جواب (۴). و بیت میانِ بندها که واسطةالعقد یا بند برگردان نامیده می‌شود، تکراری است.

۱۰۵- جواب (۱). ترجیع بند هاتف اصفهانی شهرت جهانی دارد.

۱۰۶- جواب (۲). واسطة العقد بین بندهای ترجیع بند عیناً تکرار می‌شود. اما در ترکیب‌بند در هر بندی عوض می‌شود و بیت دیگری است.

۱۰۷- جواب (۲). زیرا «خواهد» در فعلهای «خواهد داد» و «خواهد شد» فعل معین است. امّا در سایر گزینه‌ها (۱ و ۲ و ۳) فعل اصلی است.

۱۰۸- جواب (۴). «دل» نقش اضافی دارد و بقیه گزینه‌ها مفعول هستند.

۱۰۹- جواب (۱). اُسوه به معنیِ پیشوا.

۱۱۰- جواب (۲). متمادی به معنیِ مدت دارنده. طولانی.

۱۱۱- جواب (۱). صحیفه به معنیٔ کتاب، نامه، ورق کاغذ. صفحه شامل فلز هم می‌شود.

۱۱۲- جواب (۳). اطلاق بر معنی رها کردن.

۱۱۳- جواب (۴). تغلّب به معنی پیروزی.

۱۱۴- جواب (۴). مألف یعنی جای الفت گرفتن.

۱۱۵- جواب (۲). زرکش یعنی به زرکشیده شده.

۱۱۶- جواب (۳). قراضه یعنی ذرّات فلز که در موقع تراشیدن ریخته شود.

۱۱۷- جواب (۲). صیحه یعنی فریاد.

۱۱۸- جواب (۲). اقصی یعنی دورتر در مقابل اَدنی.

۱۱۹- جواب (۳). منّت یعنی نعمت دادن.

۱۲۰- جواب (۴). باسق یعنی بلند.

۱۲۱- جواب (۴). هاتف در سال ۱۱۹۸ هـ ق فوت کرد یعنی در قرن ۱۲ می‌زیسته است ولی در سایر گزینه‌ها قرن ۱۱ ذکر شده است.

۱۲۲- **جواب (۳).** گدای سرزمین عشق که لذت عاشقی را چشیده و به عالم حقیقت راه یافته به پادشاهی جهان سر فرو نمی‌آورد یعنی توجهی ندارد.

۱۲۳- **جواب (۳).** میان، گاهی حرف اضافه است مانند: پدرش زمان حیات خود اموالش را میان فرزندان تقسیم کرد. یا میان ماه من تا ماه گردون / تفاوت از زمین تا آسمان است.

۱۲۴- **جواب (۴).** در تست‌های قبل راجع به تمیز سخن به میان آمده است.

۱۲۵- **جواب (۴).** «شان» مفعول است یا آنها (شان) را مست خوانند.

۱۲۶- **جواب (۱).** عین الیقین، یقینی است که از دیدن حاصل شود و جای تردید در آن نباشد.

۱۲۷- **جواب (۳).** زیرا اشاره به رفتن پیامبر به عرش اعلا است و این که جبرئیل چند قدم به عرش متوقف شد و حضرت جلو رفتند تا خدا را ملاقات کنند دارای تلمیح است.

۱۲۸- **جواب (۴).**

۱۲۹- **جواب (۱).** جمله چنین است: آن سلطان جبّار قصری عظیم از آبگینه ساخته بود.

۱۳۰- **جواب (۴).** حرف ربط است. اگر = یا ***(فارسی دوم - قصه اصحاب کهف).***

۱۳۱- **جواب (۱).** در عبارت آمده است که با اعمال خوب یعنی نَفْس‌کُشی، انسان به حق می‌رسد یعنی فاصله بین بنده و خدا از بین می‌رود و خداوند وضع بنده را رسیدگی می‌کند و این معانی در گزینه (۱) نهفته است.

۱۳۲- **جواب (۲).** جمله مستقیم آن عبارتست از : ملکی صالح برای ایشان بود (وجود داشت). و صالح نقش اضافه وصفی دارد. اگر «ی» نبود جمله چنین می‌شد. ملک ایشان صالح بود و در این حالت «صالح» مسند بود.

۱۳۳- **جواب (۴).** ***افگار یعنی رنجور، خسته و زخمی است.***

۱۳۴- **جواب (۳).** در چنبر اطاعت نبودن یعنی اطاعت نکردن و مطیع نشدن است.

۱۳۵- **جواب (۳).** دقیانوس یعنی «آن متکبّر متمرد» که مبدل منه است و دقیانوس بدل از آن.

۱۳۶- **جواب (۳).** چه اندیشه، صفت و موصوف است و جمعاً نقش مسندی دارد.

۱۳۷- **جواب (۴).** جمله چنین است «کسی برای خدایی شایسته است و کسی برای خداوندی سزاوار است» «را» حرف اضافه است.

۱۳۸- جواب (۴). انواع صفات پیشین با موصوف نقش پذیرند. لذا گزینه (۴) درست نیست.

۱۳۹- جواب (۱).

۱۴۰- جواب (۴). و جمله‌ها عبارتند از: ۱- می‌گفت ۲- به آن خدایی سوگند می‌خورم + که یکتاست + او راست می‌گوید + این جدّ من است.

۱۴۱- جواب (۳). و معنیِ جمله عبارتست از: مسأله و بحران حادّی گریبانگر دقیانوس نشد.

۱۴۲- جواب (۳). سَقیم به معنی نادرست و متضّاد صحیح است.

۱۴۳- جواب (۱). با توجه به درس گوهر اشك، گوهر گنج دل اشك خواهد بود.

۱۴۴- جواب (۲). زیرا هیچ تضّادی وجود ندارد ولی در سایر گزینه‌ها (۱) درخشید با تیره (۳) نهان با پدید (۴) نشیب با فراز، تضاد دارند.

۱۴۵- جواب (۴). در گزینه‌های (۱ و ۲ و ۳) هر سه مترادف هستند ولی چهارمی این طور نیست.

۱۴۶- جواب (۱). زیرا منطبق بر مصرع است.

۱۴۷- جواب (۱). جملهٔ مستقیم مصرع عبارتست از: من از دل به دیده سفر کرده‌ام، با این ترتیب سه گزینه دیگر درست است.

۱۴۸- جواب (۳). جمله پایه و پیرو عبارتست از: آن به هریک هنر و پرتوی داد که در و گوهر و اشک آفرید.

۱۴۹- جواب (۲). پایه و پیرو چنین است: شنیدید که آب از آتش جهید.

۱۵۰- جواب (۴). یک جمله است و گزینه (۱). گر چه تو به نظر سرخ هستی من سپید هستم. گزینه (۲) من به نظر قطره هستم به معنی یم هستم. گزینه (۳) گفت + گفت و شنید من با تو چیست؟

۱۵۱- جواب (۴). اغیار جمع مکّسر «غیر» است.

۱۵۲- جواب (۲). جمع مکسّر عالِم «عُلاّم» است و علیم مانند شهید می‌شود علما و شهدا.

۱۵۳- جواب (۴). و دو مصراع قسمت به قسمت هم وزن است.

۱۵۴- جواب (۴).

۱۵۵- **جواب (۴).** «م» در تنم مفعول است و تیرگی ملک تن معادل تن مادی و خاکی است *(فارسی سوم -گوهر اشک)*

۱۵۶- **جواب (۲).** رخ بر تافتن یعنی روی برگرداندن.

۱۵۷- **جواب (۴).** سه مورد دیگر مترادف هستند اما تاب به معنی فروغ و روشنی است.

۱۵۸- **جواب (۲).**

۱۵۹- **جواب (۳).** ترکیبها عبارتند از : ۱- فروغ رخ ، ۲- رخ تو، ۳- لاله زار عمر ۴-گل روی ۵- روی تو ۶- بهار عمر

۱۶۰- **جواب (۴).** زیرا «زندان» و «قاضی» هر دو اسمند.

۱۶۱- **جواب (۲).**

۱۶۲- **جواب (۴).** «آن» مفعول است و «کن» فعل ساده است. برای شناختن اضافه اقترانی می‌گوییم : دست را «برای نشان دادن» تغابن به زانو زَن اگر جمله مناسب بود، اقترانی است مانند همین ترکیب.

۱۶۳- **جواب (۱).** زیرا آتشین صفت نسبی است وترکیب وصفی است.

۱۶۴- **جواب (۳).**

۱۶۵- **جواب (۳).** «دار» به معنی درخت است و جمله چنین بوده است: یکی دارِ «درخت» میوه‌ای از من بماند.

۱۶۶- **جواب (۳).** این تمرین در کتاب درسی نبود. برای توجه داوطلب به مطالب جنبی و گاهی هوشی، این مثال آورده شد و جمله چنین است: درخت بادام شکوفه بر سر آورد.

۱۶۷- **جواب (۴).** (۱) زبانه شمع = تخصیصی. (۲) خارگل = تخصیصی. (۳) خار غم = تشبیهی

۱۶۸- **جواب (۳).** در اضافه استعاری منظور از ترکیب مضاف الیه است و در ترکیب چشم ادب یعنی با ادب و احترام به پدر نگریستن. در اضافه استعاری وجود مضاف یک تصور است. نه یک واقعیت.

۱۶۹- **جواب (۱).** زیرا آرزو به قصر تشبیه شد.

۱۷۰- **جواب (۱).** استعاری بقیه تشبیهی.

۱۷۱- **جواب (۴).** ایران نقش بدل دارد برای «کشور ما».

۱۷۲- **جواب (۱).** زیرا حرفهای «ف» با یکدیگر تنافر حروف دارند.

۱۷۳- **جواب (۴).** در (۱) تازه صفت است. «در آغاز» در جمله فوق مسند است ولی در جای دیگر می‌تواند قید باشد. «برعکس» قید مرکب است. «دیگر» قید تکرار و هنوز قید زمان.

۱۷۴- **جواب (۱).** «دارا» صفت فاعلی به معنی دارنده و نقش مسندی دارد.

۱۷۵- **جواب (۴).** وقتی سؤال کنیم چه چیز را مگو. جواب می‌آید «خطا است» و سخن اهل دل، مفعولِ فعلِ «بشنوی» می‌باشد.

۱۷۶- **جواب (۴).** ابوعلی بلعمی از مورخان قرن چهارم است که تاریخ طبری را از زبان عربی به فارسی ترجمه کرد و تاریخ بلعمی نامید. تاریخ طبری موسوم به تاریخ الرُّسُل وَ الملوک در تاریخ عالم به زبان عربی تألیف محمدبن جریر طبری.

۱۷۷- **جواب (۳).**

۱۷۸- **جواب (۳).**

۱۷۹- **جواب (۴).** حلیت به معنی زیور، آرایش، صورت ظاهر آمده است.

۱۸۰- **جواب (۱).** بیت شش جمله است و عبارتست از: ۱- ملکا (ای ملک) ۲- ذکر تو گویم ۳- تو پاک هستی ۴- خدا هستی ۵- جز به همان ره نروم ۶- تو راهنمای من هستی.

۱۸۱- **جواب (۴).** زیرا مولوی دیوان غزلیات شمس یا دیوان کبیر را خطاب به شمس سرود و آن را دیوان شمس تبریزی نام نهاد.

۱۸۲- **جواب (۳).** جنان جمع جنت به معنی بهشتها.

۱۸۳- **جواب (۳).** در ادبیات «درد» به معنی عشق است و دردِ این جهان یعنی عشق این جهان. سایر گزینهها درست نیست.

۱۸۴- **جواب (۴).**

۱۸۵- **جواب (۳).** معرفی فردوسی. فارسی سوم.

۱۸۶- **جواب (۲).** کلمه‌های خرامان و چنان قید هستند ضمناً «چون» حرف ربط و «باز»

پیشوندِ فعلِ «یابد» است. روان در مصرع اول، صفت و در مصرع دوم اسم معنی با نقش مفعولی است.

۱۸۷- **جواب (۴)**. بیت اول = همی گفت، ای پاک دادار، ای هور و ای فزاینده دانش جمعاً (۴) جمله می‌شود. بیت دوّم، خروشید، ای فرخ اسفندیار، آمد، برآرای، چهار جمله است. بیت سوم: بخندید، گفت، آراستم و برخاستم. چهار جمله است و بیت چهارم سه جمله.

۱۸۸- **جواب (۳)**. زیرا در مصرع دوم «نشان» نهاد است و چنین می‌شود: «که نشان از هستیش به روی زمین نماند، بقیه مصرعها جمله مستقیم است.

۱۸۹- **جواب (۲)**. «مشبه» اسفندیار است که در جنگ با رستم بر شبدیز سوار می‌شود.

۱۹۰- **جواب (۱)**. است و فعل مجهول، جمله اسمیه می‌سازد. فاعل ندارد و مفعول جای فاعل است.

۱۹۱- **جواب (۲)**. «ش» یعنی او و فاعل است.

۱۹۲- **جواب (۴)**. در فارسی دوم راجع به همین بیت آمده است: اگر مانند ماهی در آب روی یا مانند شب در سیاهی محو گردی. گزینه (۱) تا حدودی درست است اما به دلیل این که در آن به مصرع دوم اشاره نشده نمیتواند پاسخ باشد.

۱۹۳- **جواب (۴)**. پایه در سایر گزینه‌ها عبارتست از : (۱) بگو. (۲) زین پرده رمزی نشنوی. ۳- تو کجا به کوی حقیقت گذر توانی کرد.

۱۹۴- **جواب (۱)**. زیرا کنایه است ولی معنی مصرع در گزینه (۴) نهفته است (فارسی سوم - فردوسی).

۱۹۵- **جواب (۳)**. زیرا، نشست از مصدر نشستن و لازم است و با اضافه کردن «اندن» و «انیدن» متعدی می‌شود مانند: نشاند و نشانید.

۱۹۶- **جواب (۴)**. «همان گه» قید است.

۱۹۷- **جواب (۱)**. سرادق به معنی سراپرده و خیمه آمده است.

۱۹۸- **جواب (۴)**. زیرا سهراب از رستم می‌پرسید: که شب چون بدی روز چون خاستی / ز پیکار دل بر چه آراستی، ز کف بفکن این تیر و شمشیر کین.

۱۹۹- **جواب (۴)**. جمله اسمیه است: دانش و فرهی از او دور شد. در (۲ و ۳) شوی به معنای رَوی.

۲۰۰- **جواب (۳)**. کلمه‌های : برآوردن، برافراشتن و برکشیدن معنی برافراختن است. (فرهنگ معین) ولی برافروختن به معنی روشن کردن است.

۲۰۱- **جواب (۴)**. از نیرنگ زال بدین سال درست هستی.

۲۰۲- **جواب (۱)**. پوششی که جنگاوران قدیم به هنگام نبرد داشتند یا به اسب می‌پوشانیدند.

۲۰۳- **جواب (۱)**. یعنی گردنها را برکشیدند، گردن فرازی کردند و آماده جنگ شدند (فارسی سوم).

۲۰۴- **جواب (۲)**. «چه» صفت پرسشی است یعنی چه مطلب بیفایده (نابکار) را گویی و نقش مفعولی دارد. چندین مانند چندان قید مقدار است و چنین (چون این) قید تشبیه است.

۲۰۵- **جواب (۲)**. اگر بگوییم: نیرو یا قدرتی از زور و شادی اندر وی بود (وجود داشت) مسندالیه یا فاعل محذوف است «زور و شادی» متمم است نه مسندالیه.

۲۰۶- **جواب (۴)**. نزدیک، مسند است. در صورتی که نزدیک با کسره جلو کلمه‌ای آمد و معنی «جنب، پهلو و کنار» داشته باشد حرف اضافه است، مانند: بفرمود تا زین بر اسب سیاه/ نهادند و بردند نزدیک شاه (کتاب حروف اضافه و ربط و نشانه را نگاه کنید).

۲۰۷- **جواب (۳)**. مصرع چنین است: بگو تا چه نشان از رستم داری. «چه» صفت پرسشی است نه قید.

۲۰۸- **جواب (۲)**.

۲۰۹- **جواب (۲)**. مصرع چنین است : همان دستهٔ گرز گران بشکست. «گرز» مضاف الیه دسته است.

۲۱۰- **جواب (۳)**. جنگی به معنی جنگ کننده و «ی» فاعلی است.

۲۱۱- **جواب (۲)**. این‌کتاب را خواجه نصیرالدین به نام ناصرالدین قهستانی از محتشمان قهستان تألیف نمود (قهستان معرّب کهستان و در جنوب خراسان بوده است).

۲۱۲- **جواب (۴)**. اسطرلاب، ابزاری است فلزی با صفحات درجه‌دار که در قدیم برای

اندازه‌گیری موقع و ارتفاع ستارگان و دیگر امور فلکی به کار می‌رفته است (فارسی سوم).

۲۱۳- **جواب (۳)**. این دو کتاب را در زمینه هیأت تألیف کرده است.

۲۱۴- **جواب (۲)**. جمله چنین است: این دانشمند بزرگ از امنیت و آسایشی استفاده نکرده که در آن سرزمین نصیب او شده بود.

۲۱۵- **جواب (۴)**. سه کتابِ گزینه ۱ و ۲ و ۳ از تألیفات خواجه نصیر است.

۲۱۶- **جواب (۴)**. توالی یعنی پی در پی و تالی به معنی رونوشت است و با سایر گزینه‌ها که جمع مفرد هستند متفاوت است.

۲۱۷- **جواب (۳)**.

۲۱۸- **جواب (۳)**. شروح جمع شرح و حواشی جمع حاشیه است ولی سایر گزینه‌ها متصاد هستند.

۲۱۹- **جواب (۲)**. علامه حلّی نو قطب الدّین شیرازی دو شاگرد برجستهٔ خواجه نصیرتوسی بوده‌اند که در قرن هفتم می‌زیسته‌ان.

۲۲۰- **جواب (۱)**. و اسلاف جمعِ سَلَف است.

۲۲۱- **جواب (۳)**. در (۱) صَرِه نویسان = سره نویسان در (۲) غرض = قرض در (۴) بگذارد = بگذارد.

۲۲۲- **جواب (۴)**. در (۱) تبع = طبع در (۲) صلاح = سلاح در (۳) بوسیله = به وسیله.

۲۲۳- **جواب (۱)**. در (۲) مبدع = مبداء. در (۳) الی = عالی. در (۴) ذلالت = ضلالت.

۲۲۴- **جواب (۱)**. در گزینه (۲)، الغا= القا در (۳) علاقمند = عَلاقه‌مند در (۴) بی‌زاری = بیزاری.

۲۲۵- **جواب (۲)**. زیرا موصوف آن حذف شده. بزرگ و نیکروز مسند هستند و هشیار صفت مرد است. ضمناً «بدان» هم در شرایط نیکان قرار دارد.

۲۲۶- **جواب (۳)**.

۲۲۷- **جواب (۱)**.

۲۲۸- **جواب (۴)**.

۲۲۹- **جواب (۱)**. گاهی برای کامل شدن نقش یک کلمه لازم است، وابسته هم با آن کلمه یک نقش داشته باشد و گروه فاعلی یا مفعولی یا مسندالیهی را تشکیل می‌دهد. لذا اگر بگوییم، سیاست افتخار آمیز است «مسندالیه» نارسا است ولی مسندالیه است.

۲۳۰- **جواب (۳)**. موصوف آن «سفر کرده».

۲۳۱- **جواب (۴)**. «را» حرف اضافه است، کی تمییز برای تیغ و تیر وجود دارد؟

در اولیّ: فک اضافه «حاجت گدا چیست» در دومی: گریختن ماباید «لازم است». در سومی: سقف فلک را بشکافیم.

۲۳۲- **جواب (۱)**.

۲۳۳- **جواب (۴)**. چو خورشید، مسند است. اسفندیار چو خورشید تابان به دو پیکر است. ضمناً دو پیکر نام ستاره جوزا (توامان) است.

۲۳۴- **جواب (۲)**. هر گاه حرف اضافه قبل از مسند آمد، نقش مسندی دارد مانند گزینه (۱ و ۳)

۲۳۵- **جواب (۱)**. زیرا قرآن را در زمان سامانیان به فرمان امیر سیّد ملک مظفر ابوصالح به فارسی ترجمه کردند و بیست مجلّه بود در سال ۳۴۵ هجری قمری.

۲۳۶- **جواب (۴)**. سؤال این است : مسلمین در حفظ قرآن از تغییر دقت کردند.

۲۳۷- **جواب (۲)**. امام فخر شافعی مذهب بوده‌است.

۲۳۸- **جواب (۴)**.

۲۳۹- **جواب (۴)**. زیرا «خواهد» فعل معین «گسست» یعنی خواهد گسست می‌باشد در سایر گزینه‌ها فعل اصلی است.

۲۴۰- **جواب (۲)**. زیرا مال روی به کاست دارد و علم رو به زیادی است.

۲۴۱- **جواب (۴)**. در اولی فقر و توانگری. در دومی کاست و افزون. در سومی راستی و دروغی متضادند.

۲۴۲- **جواب (۴)**. زیرا در این مصرع دو جمله با «و» ربط داده شده و در سایر گزینه‌ها معطوف و معطوف علیه هستند. «اسبان غمی گشته و مردان تباه گشته»

۲۴۳- **جواب (۴)**. در گزینه (۱) نه آن باشد که با همه هستی شوی خسیس مزاج = دو جمله در

گزینه (۲) هنر بباید + مردی و مردی و خرد بباید = دو جمله. در گزینه (۳) چهار جمله آشکار است.

۲۴۴- جواب (۳). زیرا معنی و مفهوم این بیت با سه گزینه دیگر تفاوت فاحش دارد. در این بیت انسان را از خودپرستی منع می‌کند ولی در گزینه‌های دیگر از «خود را در معرض دیدن قرار دادن» سخن رفته است.

۲۴۵- جواب (۴). زیرا ترجمه جمله است و «ی» در آخر فعل برای بیان آرزوست.

۲۴۶- جواب (۱). زیرا عکس مصرع اول و دوم است.

۲۴۷- جواب (۱).

۲۴۸- جواب (۴). زیرا دهخدا در تهران به دنیا آمد (فارسی سوم) و از تألیفات برجسته و مشهور او لغتنامه است.

۲۴۹- جواب (۱). زیرا بین گشاده و گویی حرف ربط (و) لازم است و فعل معینِ «بود» بعد از گشاده به قرینه لفظی حذف شده است و فعل وصفی نیست.

۲۵۰- جواب (۴).

۲۵۱- جواب (۴). در (۱) خاست ← خواست در (۲) خواننده‌گان ← خوانندگان در (۳) عملی ← املی، غلط بوده‌اند.

۲۵۲- جواب (۳). مصرع دوم دارایِ دو وجه مصدری و دو جمله است یکی غرقه خواهم شدن و دیگری، گهری خواهم آوردن که این دو جمله به وسیله حرف ربطِ مزدوج «یا» با هم مربوط هستند.

۲۵۳- جواب (۲). زیرا برای بدست آوردنِ مروارید باید خود را به خطر انداخت وممکن است غرقه شدن هم داشته باشد.

۲۵۴- جواب (۴). وقتی فاعل با فعل آمده باشد. دارای شناسه است. در اینجا فاعل نیامده پس «م» ضمیر است.

۲۵۵- جواب (۲).

۲۵۶- جواب (۱).

۲۵۷- جواب (۳). زیرا ترتیب جمله رعایت شده و جمله مستقیم است و در سایر گزینه‌ها غیر مستقیم.

۲۵۸- جواب (۳). می‌نوشتم فعلِ ماضی استمراری و متعدی است. چیزی، مفعول آن است.

۲۵۹- جواب (۲). بیشتر صفت است و نقش مسندی دارد. در عبارت، کلمه‌های شاهد، مدّعا و صدق دعوی مسندالیه و کلمه‌های بیشتر، ثابت‌تر و روشنتر مسند هستند. «بود» در جمله اول و دوم به قرینه جملهٔ سوم حذف شده است.

۲۶۰- جواب (۳). زیرا کنایه از آشکار شدن راز است. اما سه مورد دیگر به معنیِ کارِ بیهودن کردن است.

۲۶۱- جواب (۲). محیط به معنی اقیانوس و کفچه به معنی قاشق. اقیانوس را با قاشق خالی کردن = کار بیحاصل کردن و بقیه موارد چنین مفهومی ندارد.

۲۶۲- جواب (۳). زیرا خالی کردن اقیانوس را با قاشق خالی کردن و کوه البرز را با کلند، خراب کردن، کاری غیر ممکن و بیهوده است.

۲۶۳- جواب (۴). البته معنی دیگر آن زد و خورد کردن است.

۲۶۴- جواب (۴). فصل به معنیِ جدایی و فاصله است.

۲۶۵- جواب (۲). نوم به معنی خواب و یقظه به معنی بیداری و با یکدیگر متضاد هستند.

۲۶۶- جواب (۳). «سمر» به معنی افسانه است و «عَلَم» به معنی پرچم و بیرق که سمبل بلندی است.

۲۶۷- جواب (۴). گزینه (۱) فعلِ بود به معنی وجود داشت. در (۲) فعلِ رفته بود. در (۳) گفت و نخواهد. در (۴) جمله چنین است: نشستِ برگها از سموم خزان به خاك بُوَد و این جمله اسمیّه است.

۲۶۸- جواب (۱). جملهٔ مستقیم بیت چنین است: ماه دیگر که نشست برگها از سموم خزان به خاك بُود.

۲۶۹- جواب (۱). بیت سه جمله است. یکی از معانیِ صبر «انتظار فرج خدا» است. لذا شاعر می‌گوید: ای باغبان، انتظار فرج خدا را داریم که برگ امید...

۲۷۰- **جواب (۴)**. فعلها عبارتند از : باشد، می‌تواند، بریزد، نگاهدارد، داشته باشد، می‌شود و عبارت، شش جمله است.

۲۷۱- **جواب (۴)**. تباه به معنی فاسد و از بین رفتن اما سایر گزینه‌ها از یک ریشه و مشتق هستند و انتباه به معنی بیداری است.

۲۷۲- **جواب (۴)**. «بر» حرف اضافه تأکیدی است.

۲۷۳- **جواب (۱)**. زیرا «م» در «توتیایم» مضاف الیه است یعنی خاك تو توتیای من است. در سومی: گویی من در دهن شرزه اژدر افتاده‌ام و «م» در اژدرم = من.

۲۷۴- **جواب (۲)**. زیرا وقتی باده به جای شراب وصل از زهر هجران لبریز شده در کام تلخی ایجاد می‌کند.

۲۷۵- **جواب (۳)**. متمم «چیزی» خواهد بود و جمله چنین بوده است: من به سوی چیزی جز حق و شرف رو نمی‌کنم.

۲۷۶- **جواب (۱)**. در صورتی که حرفهای: «اگر چه، با این که، هر چند که، با وجود این که، اول جمله بیاید جمله دوم به حرف ربط احتیاج ندارد.

۲۷۷- **جواب (۳)**. «گفت» مصدر مرخم است.

۲۷۸- **جواب (۲)**. زیرا آوردن کلمه بین دو بخش فعل مرکب صحیح نیست و شکل درست آن در شماره (۳) است.

۲۷۹- **جواب (۳)**. زیرا دراز دستی یعنی تجاوز و غارت و مفهوم بیت بیان کننده غارت و چپاول از هر کس و هر چیز است و گزینه‌های دیگر به ترتیب کنایه است از: بخشندگی، فرومایگی و عدم دستیابی.

۲۸۰- **جواب (۳)**. زیرا گویند سعادت محیط و جامعه را طالب است و بعد بهره‌مندی از آن را آرزو می‌کند در حالی که در سایر گزینه‌ها چنین نیست. شماره (۴) سعادت خویش را به خوشبختی جامعه ترجیح می‌دهد در گزینه (۱) می‌گوید سرنوشت مرا با خوشبختی جامعه آمیخته کن و در گزینه (۳) خواستار آنست که با سعادت جامعه راهبری شود.

۲۸۱- **جواب (۲)**. زیرا بودنی کنایه از تقدیر است و چنین رفت کنایه است از اتفاق و مجموعاً

پاسخ (۲) را بیان می‌کند.

۲۸۲- **جواب (۱)**. زیرا طبیعتِ درختِ سرو آن است که مستقیم می‌روید و می‌بالد پس غرض شاعر در همین نکته نهفته است.

۲۸۳- **جواب (۴)**. با توجه به معنای بیت که رحمت بر مار (استعاره برای ستمگر و مردم آزار) را ظلمی بر انسان می‌داند هر چند گزینه (۱) به این مفهوم نزدیک است اما باید توجه داشت که عفو کردن به معنی بخشودن و رحم آوردن به معنی دلسوزی است و در معنا متفاوتند.

۲۸۴- **جواب (۱)**. زیرا کلمهٔ اولِ آن، اسم آلت است و دوم اسم مصدر اما در بقیه گزینه‌ها هر دو کلمه اسم مصدر است.

۲۸۵- **جواب (۴)**. قیدهای گزینه‌ها به ترتیب (به حقیقت)، (انصاف = انصافاً)، (قضا را = اتفاقاً).

۲۸۶- **جواب (۴)**. زیرا بیت سه مضاف الیه دارد به ترتیب (پیرهن، «م» در زرکشم - «م» در پیرهنم).

۲۸۷- **جواب (۳)**. بیت یک صفت دارد (این).

۲۸۸- **جواب (۱)**. بیت دو مفعول دارد مفعول اول (از چونکه تا آخر بیت) مفعول دوم کلمهٔ (مرگ).

۲۸۹- **جواب (۴)**. املای صحیح ترکیبِ عمارت ضیاع (آبادانی زمینها).

۲۹۰- **جواب (۱)**. املای درست آن (اغواء) است و اقواء به معنی نیرومند کردن است.

۲۹۱- **جواب (۳)**. املای درست آن رزانت است.

۲۹۲- **جواب (۲)**.

۲۹۳- **جواب (۳)**. زیرا این دو کلمه متضاد است و بقیه مترادفند و معنای گرینه‌ها به ترتیب (تهدید و تحریف = ترسانیدن) (ترغیب و تحریض = برانگیختن و تشویق کردن) (افراط = زیاده روی و تفریط = کم روی یا کوتاهی) (ترمیم و تعمیر = آباد کردن).

۲۹۴- **جواب (۳)**.

۲۹۵- **جواب (۴).** و کلمهٔ ضمین به معنی ضامن و عهده‌دار.

۲۹۶- **جواب (۳).** ابن یمین بهترین قطعه‌گوی ایران در قرن هشتم در خدمت سربداران بوده ولی سه گویندهٔ دیگر در قرن ششم می‌زیسته‌اند.

۲۹۷- **جواب (۴).** موضوع بوستان تربیتی و اجتماعی و اخلاقی و موضوع بقیه کتابها عرفانی است.

۲۹۸- **جواب (۲).**

۲۹۹- **جواب (۱).** جمله مستقیمِ بیت اول چنین است: بشکستن پنجه مسکین ناتوان به بازوی توانا و قوت سرِ دست خطاست. در گزینه (۲). چنین است: کسی دست او را نگیرد. در گزینه (۳). وقتی وابسته‌های بشکستن (بشکست) را برداریم بقیه را هسته فاعل می‌گویند.

۳۰۰- **جواب (۲).** طرایف جمع مکسّرِ طریفه به معنی چیزهای لطیف و نو و پسندیده و طُرفه به معنیِ چیزِ تازه و شگفت یا عجیب.

۳۰۱- **جواب (۴).** معارف جمع معرفت است.

۳۰۲- **جواب (۳).** زیرا «م» ضمیر فاعلی است: گویی در دهن شرزه اژدر افتاده‌ام. در سایر گزینه‌ها «م» مضاف الیه است مانند: مضطرم، به گوش من. در (۴) م متمم است و تست اشکال دارد.

۳۰۳- **جواب (۱).** در این کتاب مراحل کمال معنوی انسان از پست‌ترین مرحله تا برترین مقام بخوبی نمایانده شده است.

۳۰۴- **جواب (۲).** برای ضممیرهای مبهم «هر یک ، هر کدام و هیچکدام» می‌توانیم فعل جمع یا مفرد بیاوریم، امّا در چند جمله پی در پی باید یکسان عمل کنیم. اگر این کلمه‌ها با

کلمهٔ «از» همراه شوند فقط فعلِ مفرد می‌گیرند مانند گزینه (۱) و اگر فعل جمع بگیرند غلط است مانند گزینه (۲).

فَاذکرونی اَذکُرکم وَ اشکُرولی وَ لا تَکفُرون

(۱۴۸ - بقره)

پس یادکنید مرا تا یادکنم شما را و شکر کنید مرا و ناسپاسی نکنید مرا.



تمرین چهارجوابی: درک مطلب، تاریخ ادبیات، دستور، صنایع ادبی و کلمات مترادف از فارسی و دستور چهارم دبیرستانها

****

۱- با توجه به بیت آغازین فارسی و دستور کلاس چهارم، همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

«اوّل دفتر به نام ایزد دانا　　صانع و پروردگار حیّ توانا»

۱- اوّل دفتر: مفعول　　۲- حذف فعل به قرینه معنوی است.

۳- ایزد: مضاف الیه　　۴- حذف فعل به قرینه لفظی است.

۲- درکدام بیت، «ضمیر» فاعلی هست؟ (آ - س)

۱- از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق　　وز همه عالم نهان و بر همه پیدا

۲- بار خدایا مهیمنی و مدّبر　　وز همه عیبی منزّهی و مبرّا

۳- قسمت خود می‌خورند منعم و درویش　　روزیِ خود می‌برند پشّه و عنقا

۴- هر که نداند سپاس نعمت امروز　　حیف خورد بر نصیب صحبت فردا

۳- کدام گزینه جملهٔ «اِسنادی» است؟

۱- اول دفتر، به نام ایزد دانا　　صانع و پروردگار حیّ توانا

۲- از در بخشندگیّ و بنده‌نوازی　　مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

۳- بار خدایا مهیمنیّ و مدبر　　وز همه عیبی منزهیّ و مبرّا

۴- بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی　　همچو عرق بر عذار شاهد غضبان

۴- با توجه به بیت: «از در بخشندگی و بنده نوازی | مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا» همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است؟

۱- مرغ: مفعول　۲- نصیب: مفعول ۳- بنده‌نوازی: مضاف الیه　۴- ماهی: مضاف الیه

۵- از بیت: «حاجت موری به علم غیب بداند | در بن چاهی به زیر صخره صمّا» کدام یک از صفات الهی دریافت نمی‌شود. (آ - س)

۱- آگاهی از اسرار　۲- بی‌نیازی　۳- تشخیص نیاز　۴- دانایی فراگیر

۶-کدام گزینه با مفهوم این بیت متناسب است ؟ (آ - س)

«از در بخشندگی و بنده‌نوازی مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا»

۱- پرندگان را قسمت ماهیان دریا ساخت

۲- پرندگان و ماهیان را فراخور خویش بهره‌ای داد

۳- ماهیان را روزی پرندگان قرار داد.

۴- هوا را جهت پرندگان و دریا را جهت آبزیان آفرید.

۷- با توجه به معنی واژهٔ «مُهَیمن» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است .

۱- مهیمن: ایمن کننده از ترس ۲- مهیمن :گواه

۳- مهیمن : اسم فاعل از مصدر هَیمَنَه ۴- مهیمن : با ایمان

۸- در کدام گزینه حذف فعل صورت نگرفته است ؟

۱- چو تویی قضای گردان به دعای مستمندان که ز حال ما بگردان ره آفت بلا را

۲- اول دفتر به نام ایزد دانا صانع و پروردگار حیّ توانا

۳- خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا

۴- حاجت موری به‌علم غیب بداند در بن چاهی به زیر صخره صمّا

۹- در کدام مصراع فعل حذف نشده است ؟ (آ - س)

۱- از عظمت ماورای فکرت دانا ۲- از همه عالم نهان و بر همه پیدا

۳- اول دفتر به نام ایزد دانا ۴- روزی خود می‌برند پشّه و عنقا

۱۰- فعل کدام بیت به قرینه لفظی حذف شده است ؟ (آ - س)

۱- خود نه زبان در دهان عارف مدهوش حمد و ثنا می‌کند که موی بر اعضا

۲- پرتو نور سرادقات جلالش از عظمت ماورای فکرت دانا

۳- از در بخشندگی و بنده نوازی مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا

۴- از همگان بی‌نیاز و بر همه مشفق از همه عالم نهان و بر همه پیدا

۱۱- معنی مصرع : «مرغ هوا را نصیب و ماهی دریا» چیست ؟ (آ - س)

۱- خداوند روزی رسان بهره و روزی مرغ هوا را ماهی دریا قرار داده است.

۲- خداوند روزی رسان بهره و روزی مرغ هوا و ماهی دریا را می‌رساند.

۳- خداوند روزی رسان مرغ هوا را بهره و روزی ماهی دریا قرار داده است.

۴- خداوند روزی رسان مرغ هوا و ماهی دریا را روزی انسان قرار داده است.

۱۲- اگر بیت : «پرتو نور سرادقات جلالش | از عظمت ماورای فکر دانا» بیت میانی یک شعر دوازده بیتی باشد قالب آن چیست ؟

۱- قطعه ۲- قصیده ۳- غزل ۴- ۱ و ۲ و ۳

۱۳- از مفهوم بیت : «سعدی از آنجاکه فهم اوست سخن گفت | ورنه کمال تو وهم کی رسد آنجا» همهٔ گزینه‌ها بجز گزینه ... فهمیده می‌شود. (آ - س)

۱- شناخت نسبی ۲- عظمت پروردگار ۳- محدودیت پندار ۴- قدرت کلام

۱۴- «*صمّا*» یعنی : (آ - س)

۱- کور ۲- لال ۳- محکم ۴- مهربان

۱۵- تفسیر «*کشف الاسرار و عدة الابرار*» از کیست ؟ (آ - س)

۱- خواجه عبدالله انصاری ۲- رشید الدّین میبدی

۳- شیخ ابوسعید ابی‌الخیر ۴- محمدبن منّور

۱۶- انتشار روزنامه *عُروة الوُثقی* توسط ... انجام گرفت.

۱- شیخ محمد عبده ۲- سید جمال الدّین اسدآبادی

۳- شیخ محمد عبده و سید جمال الدّین ۴- نسیم شمال

۱۷- .... در قرن سیزده هجری می‌زیست، با سید جمال الدین اسدآبادی روزنامه عُروة الوثقی را در پاریس منتشر کرد از جمله تألیفات او شرحی بر نهج البلاغه است.

۱- میرزا حبیب خراسانی ۲- شیخ محمد عبده

۳- شیخ محمد روحی ۴- شیخ فضل الله نوری

۱۸- در بیت : «هر جاکه عرضه کرد قناعت متاع خویش | بازار حرص و معرکهٔ آز را شکست» کدام کلمه مضاف الیه نیست ؟ (آ - س)

۱- آز ۲- حرص ۳- خویش ۴- متاع

۱۹- در مصراع : «چشم انتظار آبند»ای روحِ سبزِ باران»، «*روحِ باران*» چه نوع اضافه‌ایست ؟ (آ - س)

۱- استعاری ۲- تخصیصی ۳- تشبیهی ۴- توضیحی

۲۰- با توجه به بیت : «در بادهای سوزان، نیلوفران آبی | چشم انتظار آبند ای روح سبز باران »، تمام گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است .

۱- بادهای سوزان : استعاره است از فضای سوزان و پر آتش صحنهٔ جنگ

۲- روح سبز باران: استعاره است برای هر چیز پاک، از جمله (خدا)

۳- چشم انتظار : مسند ۴- نیلوفر : مسند

۲۱- غزالی کتاب ... را در قرن پنجم و اوایل قرن ششم هـ ق که ترجمه و خلاصه‌ای از کتاب احیاء علوم الدین است به فارسی ساده و مرسل و به شیوهٔ نوشته‌های عرفانی نوشت.

۱- تاریخ بیهقی ۲- کیمیای سعادت ۳- قابوسنامه ۴- قراضه طبیعیّات

۲۲- معنی عبارت «*تو را حقیقت خود طلب باید کرد*» چیست ؟ (آ - س)

۱- باید حقیقت وجودی خویش را جستجو کنی

۲- باید خودت بر حق باشی تا طالب حقیقت شوی

۳- باید همیشه دنبال حق و حقیقت باشی ۴- حقیقتاً تو همیشه طالب حق هستی

۲۳- املای کدام کلمه با توجه به معنی مقابل آن غلط است ؟ (آ - س)

۱- ارازل : فرومایگان ۲- اصیل : ریشه‌دار ۳- الیم: دردناک ۴- اَوانی: ظروف

۲۴- کلمهٔ «*هیچ*» در بیت: «در عالم نطق، هیچ ناطق | ناگفته سزای تو ثنایت» چیست؟

۱- ضمیر مبهم ۲- قید ۳- اسم ۴- صفت

۲۵- معنی کلمهٔ «*سِباع*» چیست ؟ (آ - س)

۱- تندروها ۲- درنده‌ها ۳- کناره‌ها ۴- هفته‌ها

۲۶- کدام نسبت دربارهٔ «*حاج میرزا حبیب خراسانی*» درست نیست. (آ - س)

۱- شاعر ۲- عارف ۳- فیلسوف ۴- مجتهد

۲۷- از مفهوم بیتِ : «همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش رب | در درون اهل دل جا کن کمال این است و بس» کدام مفهوم دریافت نمی‌شود؟ (آ - س)

۱- دل صاحبدلان عرش خداست ۲- صاحبدلان خدای خوانانند

۳- کمال صاحبدلان، دیدار خداوند است

۴- کمال در نشست و برخاست صاحبدلان است

۲۸- آیه شریفه : «*فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعِصاکَ الحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشَرَتَ عَیناً*» اشاره به کدام گزینه است ؟

۱- همنشینی با خدا خواهی اگر در عرش رب | در درون اهل دل جا کن کمال این است و بس

۲- دل چو سنگ خاره شد ای پور عمران! با عصا | چشمه‌ها زین سنگ خارا کن، کمال این است و بس

۳- ما نتوانیم حق حمد تو گفتن | با همه کروبیان عالم بالا

۴- پرتو نور سرادقات جلالش | از عظمت ماورای فکرت دانا

۲۹- با توجه به بیت: «کوری چشم عدو را روی در روی حبیب | خاک ره بر فرق اعدا کن، کمال این است و بس» گزینه نادرست کدام است؟

۱- کوری چشم عدو : مفعول ۲- روی در روی : حرف اضافه

۳- خاک : مفعول ۴- این : مسند

۳۰- شاعر در بیت : «سنگِ دل را سرمه کن در آسیای درد و رنج | دیده را زین سرمه بینا کن، کمال این است و بس » چه کاری را توصیه می‌کند؟

۱- خودسازی ۲- تحمل رنج ۳- شفا یافتن ۴- کمال و معرفت

۳۱- بیت : « کوری چشم عدو را روی در روی حبیب | خاک ره بر فرق اعدا کن کمال این است و بس » چه صنعتی دارد؟

۱- تلمیح ۲- ترصیع ۳- ایهام ۴- کنایه

۳۲- املای کلمات همه گزینه‌ها بجز گزینه ... با توجه به معنی مقابل آن، درست است. (آ - س)

۱- احراز : به دست آوردن ۲- صیانت : نگاهداشتن

۳- حذم : دور اندیش ۴- صمّا : ناشنوا

۳۳-کدامیک ازکتابهای زیر به تقلید ازگلستان سعدی نوشته شده است ؟

۱- پریشان ۲- بهارستان ۳- روضه خلد ۴- ۱ و ۲ و ۳

۳۴- «**سنگ سراچه دل**» در عبارت « ***سنگ سراچه دل به الماس آب دیده می‌سفتم***» چه نوع اضافه‌ای است ؟ (آ - س)

۱- استعاری ۲- تخصیصی ۳- تشبیهی ۴- توضیحی

۳۵- نظرسعدی درباره مصرعِ : «خنک آن کس که گوی نیکی برد» عبارتست از:

۱- خوش به حال کسی که درکار خیر موفق شد

۲- آن کسی خوشحال است که خوب است.

۳- خوشا به حال کسی که در خوبی برنده است

۴- خوشا به حال کسی که در این مسابقه برنده شد

۳۶- از مفهوم بیت : «نیک و بد چون همی بباید مرد | خنک آن کس که گوی نیکی برد» کدام گزینه دریافت نمی‌شود؟ (آ - س)

۱- پاداش و کیفر قطعی است ۲- خوب و بد گذشتنی است

۳- خوب و بد هر دو ماندنی است ۴- مرگ و نابودی حتمی است

۳۷- املای کدام کلمه با توجه به معنی نادرست است ؟

۱- نقض : برخلاف ۲- نغز : شیرین ۳- گزیر: چاره ۴- خید:گندم وجو نارس

۳۸- با توجه به بیت : «عمر برف است و آفتاب تموز | اندکی ماند و خواجه غرّه هنوز» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

۱- آفتاب : متمم ۲- غرّه : مسند ۳- «و» : حرف ربط ۴- عمر: مسندالیه

۳۹- کدام پاسخ به مفهوم این بیت نزدیکتر است ؟ (آ - س)

«عمر برف است و آفتاب تموز اندکی ماند و خواجه غرّه هنوز»

۱- بـه آواز گفتند کای سرفراز غم و شادمانی نماند دراز

۲- عشق دیدم که در مقابل صبر / آتش و پنبه بود وسنگ و سبوی

۳- فرصت شمار صحبت کز این دو روزه منزل / چون بگذریم نتوان دیگر بهم رسیدن

۴- قطره‌ای از قعر دریا دم مزن / فتنه‌ای از مهر والا دم نزن

۴۰- با توجه به بیت : «هر که مزروع خود بخورد به خوید | وقت خرمنش خوشه باید چید»
کدام گزینه را می‌توان به جای نقطه چین قرار داد؟ (آ - س)

هر کس کشته *نارس خویش را بخورد*، به هنگام برداشت محصول ...

۱- باید خوشه چینی کند   ۲- باید از خرمن دیگران خوشه‌ای بردارد

۳- باید گدایی کند   ۴- باید خوشه‌ها را فراهم کند

۴۱- مفهوم بیت : «هر که مزروع خود بخورد به خوید| وقت خرمنش خوشه باید چید»
کدام گزینه را توصیه می‌کند؟ (آ - س)

۱- دم غنیمت شمردن ۲- آینده نگر بودن ۳- تلاش معاش کردن ۴-کوشش بجا داشتن

۴۲-کدام گزینه درست نیست ؟

۱- الماس آب دیده: اضافه تشبیهی   ۲- سراچه دل: اضافه تشبیهی

۳- منابر قضبان : اضافه تشبیهی   ۴- خار گل : اضافه تشبیهی

۴۳- در کدام گزینه صفت وجود ندارد ؟

۱- خواب نوشین بامداد رحیل / باز دارد پیاده را ز سبیل

۲-گل همین پنج روز و شش باشد / وین گلستان همیشه خوش باشد

۳- باد در سایه درختانش / گسترانیده فرش بوقلمون

۴-که فردا چو پیک اجل در رسد / به حکم ضرورت زبان درکشی

۴۴- مصرع : «وقت خرمنش خوشه باید چید» بر چه نکته‌ای تکیه دارد؟

۱- تهیدستی و نیازمندی   ۲-گدایی   ۳- بی‌نیازی   ۴- تلاش و کوشش

۴۵- معنی ومفهوم بیت : «چو جنگ آوری باکسی برستیز |که از وی گزیرت بود یا گریز»
در کدام گزینه درست‌تر است؟

۱- با کسی مبارزه و مقابله کن که قدرت مقاومت داشته باشی یا راه فرار

۲- هنگام مبارزه با کسی جنگ کن که بتوانی فرار کنی

۴- با کسی جنگ کن که ناچار باشی او را فراری دهی

۵- با کسی ستیزه کن که ضربه بزنی یا فرار کنی

۴۶- «**خردهٔ مینا**» در عبارت : «**...گفتی که خرده مینا بر خاکش ریخته و عقد ثریا از تاکش آویخته**» دارای چه صنعتی است ؟ (آ - س)

۱- استعاره ۲- جناس ۳- تمثیل ۴- تشبیه

۴۷- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- منطق الطّیر عطار مثنوی عرفانی است ۲- شاهنامه فردوسی مثنوی حماسی است

۳- بوستان سعدی مثنوی عرفانی است ۴- هفت پیکر مثنوی بزمی است

۴۸- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- کوس رحلت زدن: کنایه از رسیدن وقت مرگ

۲- دفتر از گفته‌های پریشان شستن: کنایه از حرف پریشان نزدن

۳- بر مرکب چوبین نشستن : کنایه از ، به دار آویختن

۴- صفرا جنبیدن : کنایه از خشمگین‌شدن است.

۴۹- کدام دو کلمه مترادف نیستند؟

۱- کرّ : حمله ۲- نقض : شیرینی

۳- شاهد : زیبا روی ۴- طیره : خفّت

۵۰- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟

۱- نشاط ملاعبت کرد و بساط مداعبت گسترد.

۲- همچو عرق بر عذار شاهد قضبان

۳- فلان عزم کرده و نیّت جزم

۴- در همان روز اتفاق بیاض افتاد در حسن معاشرت و آداب معاشرت

۵۱- درکدام گزینه غلط املایی هست ؟

۱- بلبل گوینده بر منابر قضبان ۲- خلاف راه ثواب است و نغز رأی الوالالباب

۳- در فصل ربیع که صولت بَرد آرمیده بود

۴- برای نزهت ناظران و فسحت حاضران کتاب گلستان تصنیف خواهم کرد

۵۲- در گزینه‌های زیر کلمه نامناسب کدام است؟

۱- مُلاعِبت ۲- لَعِبْ ۳- مَلْعَبه ۴- لَعاب

۵۳- املای چند کلمه در عبارت : «***برای نزحت ناظران و فصحت حاظران، کتاب گلستان توانم تصنیف کردن که باد خزان را بر ورق او دست تتاول نباشد...***» غلط است ؟

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۵۴- «***آزردن دوستان جهل است وکفّارت یمین سهل***» یعنی : (آ - س)

۱- آزردن دوستانِ نادان خوب است و کفاره دادن هم مناسب

۲- آزار دادن دوستان اگر چه آسان است ولی کفر است.

۳- دوست آزاری و سوگند شکنی از نادانی است.

۴- رنجاندن دوستان، نادانی است و کفّاره سوگند آسان

۵۵- معنی عبارت : «***مگر آنکه که سخن گفته شود به عادت مألوف و طریق معروف***» کدام است ؟ (آ - س)

۱- الاّ آنکه سخن معروف و مهم گفته شود زیرا عادت دوستی است.

۲- مگر زمانی که سخن به شیوه و روش و عادت معمولی و همیشگی گفته شود.

۳- مگر آنکه سخنهایی که باعث دوستی از طریق معرفت است گفته شود.

۴- مگر آنکه عادت کنیم سخن معروف و دوستانه در بین راه بگوییم.

۵۶- با توجه به بیت : «**بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی | همچو عرق بر عذار شاهد غضبان**» کدام تشبیه درست نیست؟ (آ - س)

۱- رخسار به گل ۲- شاهد به گل ۳- عرق به شبنم ۴- مروارید به شبنم

۵۷- املای کدام کلمه با توجه به معنی درست است ؟ (آ - س)

۱- تبایع : نهادها ۲- فراغ : دوری ۳- قضبان: شاخه‌ها ۴- واثق: اطمینان

۵۸- در کدام پاسخ «**میانوند**» وجود دارد؟ (آ - س)

۱- آن پراز لاله‌های رنگارنگ ۲- بر گل سرخ از نم اوفتاده لآلی

۳- تو از دیار کدامین ستاره می‌آیی ۴- بوریای خود به قالینش مده

۵۹- دو کلمهٔ «*بَرد و وَرد*» در عبارت ، «***صولت بَرد آرمیده بود و ایّام دولت ورد رسیده***» دارای:

۱- ایهام ۲- ترصیع ۳- تسجیع ۴-کنایه

۶۰- تمام گزینه‌ها با توجه به معنی و مفهوم جز گزینه ... درست است .

۱- وقت خرمنش خوشه باید چید: کنایه از تهیدستی و نیازمندی

۲- دفتر از گفته‌های پریشان بشویم: حرفهای پریشان و آشفته نزنم

۳- دامن صحبت فراهم چینم : صحبت‌های خود را قطع کنم.

۴-کوس رحلت زدن : کنایه از رسیدن وقت مرگ

۶۱- با توجه به عبارت : «***گفتا به عزّت عظیم و صحبت قدیم که دم بر نیارم***» گزینه نادرست کدام است؟

۱- عبارت : دو جمله ۲- به عزت عظیم و صحبت قدیم: پایه

۳- به عزت عظیم و صحبت قدیم که دم برنیارم: مفعول

۴- دم بر نیارم : فعل مضارع

۶۲- معنی کلمات همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است.

۱- سلسال : زنجیر ۲- طیش ، خشم ۳- حَرَج : بزه ۴- یمین: سوگند

۶۳- با توجه به معنی، املای کدام کلمه صحیح است؟ (آ - س)

۱-گزاردن : به جای آوردن ۲-گزاردن : عبوردادن

۳-گذاردن : اداکردن ۴-گذاردن : ترجمه کردن

۶۴-گزینه نادرست با توجه به بیت :

«گل کیست؟ قاصدی است ز بستان عقل و جان

گل چیست؟ رقعه‌ای است ز جاه و جمال گل»

۱- گل : مسندالیه ۲- کی : مسند ۳- رقعه‌ای: مسند ۴- ز جاه: مسند

۶۵- با توجه به بیت زیر کدام پاسخ صحیح است ؟ (آ - س)

«جامه دران رسید گل از بهر داد ما ز آن می‌دریم جامه به بوی وصال گل»

۱- جامه: فاعل ۲- جامه دران: قید ۳- رسید: فعل متعدی ۴- گل : مفعول

۶۶- درکدامیک ازگزینه‌ها «**خواهد**» فعل اصلی است؟

۱- در آن ساعت که خواهند این و آن مرد نخواهند از جهان بیش از کفن برد

۲- خواهم اندر عقبش رفت به یاران عزیز شخصم ار باز نیاید خبرم بازآید

۳- نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

۴- چون گدایی چیز دیگر نیست جز خواهندگی هر که خواهد گر سلیمان است اگر قارون گداست

۶۷- بیت زیر دارای چه صنعتی است ؟

«مانند چار مرغ خلیل از پی فنا در دعوت بهار ببین امتثال گل»

۱- تسجیع ۲- ترصیع ۳- تلمیح ۴- طباق

۶۸- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- نزدیک شد که پای از جای بشود: انحراف از مسیر درست

۲- ز پیکار دل بر چه آراستی: قصد تو درباره جنگ چیست

۳- روزگار در آن مستغرق گردانید: روزگار را غرق کردم

۴- درد فراق بر اثر است: درد انتظار در پی است

۶۹- با توجه به عبارت : «***چنانکه از برادران و خواهران مستثنیٰ شدم و به مزید تربیت و ترشح مخصوص گشت***» گزینه نادرست کدام است؟

۱- عبارت : دو جمله اسمیه ۲- گشت : سوم شخص ماضی

۳- مستثنیٰ و مخصوص : مسند ۴- ترشح : مضاف الیه

۷۰- کدام گزینه مفهوم عبارت زیر را بیان می‌کند؟ (آ - س)

«***قوی‌ترین سببی ترک دنیا را مشارکت این مُشتی دونِ عاجز است که به آن مغرور گشته‌اند***»

۱- قوی‌ترین دلیل ترک دنیا ضعف ناشی از غرور است.

۲- قوی‌ترین دلیل من برای ترک دنیا غرور بود

۳- قوی‌ترین دلیل من برای ترک دنیا فقط غرور نبود بلکه مردم را می‌خواستم

۴- قوی‌ترین دلیل برای ترک دنیا این بود که نمی‌خواستم مثل این مردم پست فریفته دنیا باشم.

۷۱- «**اُمنیّت**» یعنی : (آ - س)

۱- آنچه به آرزو خواهند ۲- آنکه زینهار طلبد ۳- خودخواهی ۴- فراغت یافتن

۷۲- در همه گزینه‌ها بجز گزینه ... غلط املایی وجود دارد.

۱- به رغبت صادق و حرص قالب در تألّم آن می‌کوشیدم

۲- برای فراق اهل و فرزندان و تمحید اسباب معیشت ایشان به جمع مال حاجت افتد.

۳- رنج و تبعت آن بسیار باشد و انتفاع و استمتاع اندك.

۴- کاه که علف سطوران است به طبع آن هم حاصل آید.

۷۳- کدام دو کلمه مترادف نیستند؟

۱- استمتاع : بهره‌گرفتن ۲- تیسیر پذیرفتن: حاصل شدن

۳- ترشح ، به تدریج قوت گرفتن و داناشدن ۴- بَرفور: فراوان

۷۴- معنی و مفهوم عبارت: «***سور آن از شیون قاصر است واندوه بر شادی راجح***» در کدام گزینه آمده است؟

۱- شادی آن از ناراحتی کمتر است ۲- شادی آن به ناراحتی برتری دارد

۳- غم و شادی آن کم است ۴- شادی واندوه آن زیاد است

۷۵- مفهوم جملهٔ «***دردِ فراق، بر اثر است***» درکدام گزینه است؟

۱- اندوه بر شادی راجح است ۲- سوز هجر، مُنتَظر است

۳- عشق جدایی به دنبال است ۴- جدایی ناراحتی دارد

۷۶- منادا در بیت زیر کدام است ؟ (آ - س)

«ای بیخبر بکوش که صاحب خبر شوی تا راهرو نباشی، کی راهبر شوی»

۱- بی‌خبر ۲- راهرو ۳- راهبر ۴- صاحب خبر

۷۷- در بیت زیر گزینه نادرست کدام است؟

«خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد
آنگه رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی»

۱- خواب و خورت: فاعل ۲- ی در «رسی» : ضمیرفاعلی

۳- ی در «شوی» : مسندالیه ۴-«ت» : مفعول

۷۸- جملهٔ : «*این انتصاب قامت از انتساب استقامت بگردد*» دارای کدام صنعت ادبی است (آ - س)

۱- ایهام ۲- تضاد ۳- جناس ۴- سجع

۷۹- «*معالم القُربه فی امور الحسبه*» اثر کیست؟

۱- ابن اِخوه ۲- ابن یمین ۳- قطب شیرازی ۴- محمدبن منّور

۸۰- مؤلّف کتابِ مجمع النّوادر، کیست ؟ (آ - س)

۱- خواجه نصیر توسی ۲- خواجه نظام الملك

۳- نظامی‌عروضی سمرقندی ۴- ملّا احمد نراقی

۸۱- عبارت «*او را دست و پای ببستند وگلوش ببریدند برکردار گوسفند*» چه نوع نثری است ؟

۱- شکسته ۲- متکلّف ۳- مرسل ۴- مسجّع

۸۲- مفهوم کدام بیت با ابیات دیگر متفاوت است؟ (آ - س)

۱- بوریای خود به قالینش مده بیدق خود را به فرزینش مده

۲- با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریا شکر نخوری

۳- با مایهٔ خود بساز و چون بی‌هنران سرمایه به عاریت مخواه از دگران

۴- گر تو می‌دانی حسابش را درست از حریرش نرمتر کرباس توست

۸۳- از نظر دستوری «**خیمه زربفت**» چه ترکیبی است ؟ (آ - س)

۱- اضافی ۲- فاعلی ۳- نسبی ۴- وصفی

۸۴- در عبارت : «***اندر آن مسجد کودکان به کُتّاب بودند***» کُتّاب یعنی : (آ - س)

۱- کاتبان ۲- کتیبه ۳- کتابت ۴- مکتب

۸۵- «***به جای***» در عبارت : «***اگر به جای خلق نیکویی نتوان کردن باری بد خویش از ایشان بازدار***» به کدام معنی است؟ (آ - س)

۱- به عنوان ۲- به نظر ۳- دربارهٔ ۴- در پیش

۸۶- در کدام گزینه مفعول وجود دارد؟

۱- این را نشاید کشتن ۲- وی را سگِ همچون خویشتنی نبایستی بود

۳- آن کودك این را همی گفت .. ۴- دانه باشی مرغکانت برچنند

۸۷- «***دوش***» در کدام گزینه مسند است؟

۱- دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند ۲- دوش با من گفت پنهان کاردانی تیزهوش

۳- سری درکار هم آریم، دوش بار هم باشیم ۴- مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش

۸۸- با توجه به بیت زیر گزینه درست کدام است ؟ (آ - س)

«بیا تا مونس هم یار هم غمخوار هم‌باشیم انیس جان غم فرسوده بیمار هم باشیم»

۱- ردیف : هم‌باشیم ۲- ردیف : ار هم باشیم

۳- قافیه: غمخوار هم - بیمار هم ۴- قافیه : هم باشیم

۸۹- با توجه به بیت زیر گزینه نادرست کدام است ؟

«بیا تا مونس هم یار هم، دلدار هم باشیم انیس جان غم فرسوده بیمار هم باشیم»

۱- هم : ضمیر مبهم ۲- هم : مضاف الیه

۳- انیس جان غم فرسودهٔ بیمار هم‌باشیم: جمله اسمیه ۴- جمله‌های بیت : اسمیه هستند

۹۰-گزینهٔ نادرست در بیت زیر کدامست ؟

«دوای هم، شفای هم، برای هم، فدای هم دل هم، جان هم، جانانِ هم دلدار هم باشیم»

۱- هم : در تمام موارد نقش اضافی دارد ۲- یک «هم» متمم است

۳- بیت : یک جمله اسمیه ۴- باشیم: مسندالیه و رابطه

۹۱- کدام گزینه از نظر تعداد جمله با بقّیه نابرابر است؟

۱- ای جفای تو ز دولت خوبتر ۲- ای نام تو بهترین سرآغاز

۳- اول دفتر به نام ایزد دانا ۴- ای حیات عاشقان در مردگی

۹۲- کدام گزینه در مفهوم بیت نیست؟ (آ - س)

«ای دریغا! مرغ کارزان یافتم زود روی از روی او برتافتم»

۱- آسان به دست آوردن ۲- تشخیص نادرست

۳- دو رویی و فرصت طلبی ۴- ندامت و پشیمانی

۹۳- مفهوم بیت زیر بیانگر کدام گزینه است ؟ (آ - س)

«اندرون توست آن طوطی نهان عکس او را دیده تو بر این و آن»

۱- پنهان داشتن استعدادهای باطنی خود ۲- غفلت انسان از شناخت خود

۳- مخالفت با اعمال و رفتار دیگران ۴- نادیده گرفتن اسرار آفرینش

۹۴- در کدام گزینه قید «*باز*» وجود دارد؟

۱- مرکب استانید پس آواز داد آن سلام و آن امانت باز داد

۲- ای خرم از فروغ رخت لاله‌زار عمر باز آ که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر

۳- در خرابات مغان گر گذر افتد بازم حاصل خرقه و سجاده روان در بازم

۴- گفت طوطی: «ارمغان بنده کو آنچه دیدی و آنچه گفتی، باز گو

۹۵- کدام گزینه، بیتِ «*نکته‌ای کان جست ناگه از زبان ...*» را تکمیل می‌کند.(آ-س)

۱- چون ببینی، کن ز حال ما بیان ۲- من در این حبس و شما در گلستان

۳- ور نه هم افهام سوزد هم زبان ۴- همچو تیری دان که جست آن از کمان

۹۶- از نظر تعداد جمله، کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است ؟

۱- حرف چبود ؟ تا تو اندیشی از آن حرف چبود ؟ خار دیوار رَزان

۲- می‌برد شادیت را تو شاد از او می‌پذیری ظلم را چون داد از او

۳- ای که جان را بهر تن می‌سوختی سوختی جان را و تن افروختی

۴- ای دریغا، ای دریغا، ای دریغ کانچنان ماهی نهان شد زیر میغ

۹۷- مفهوم بیت زیر از چه چیز حکایت می‌کند؟

«شد پشیمان خواجه از گفت خبر گفت رفتم در هلاک جانور»

۱- پشیمانی از هلاک جانور ۲- رفتن به‌سوی جانور

۳- رفتن برای گفتنِ خبر ۴- گفتنِ خبر پشیمانی

۹۸- «**چون**» درکدام گزینه «***حرف اضافه***» است ؟

۱- چون ببینی کن ز حال ما بیان ۲- چون شنید آن مرغ کان طوطی چه کرد

۳- خویشتن آرای مشو چون بهار ۴- نداند که چون کردی آغازشان

۹۹- از مفهوم بیت : «این زبان چون سنگ و هم آهن وش است | و آنچ بجهد از زبان چون آتش است» همه گزینه‌ها، بجز گزینه ... دریافت می‌شود (آ - س)

۱- زبان مانند سنگ و آهن محکم و استوار است ۲- سخن مانند آتش است.

۳- زبان می‌تواند خطرآفرین باشد ۴- سنجیده باید حرف زد

۱۰۰- کلمهٔ «**من**» درکدام گزینه قافیه است ؟ (آ - س)

۱- ای دریغا مرغ خوش آواز من ای دریغا همدم و همراز من

۲- خود بدیدید ای خسیسان ز من که شما بودید افسانه نه من

۳- ای دریغا مرغ خوش الحان من راح روح و روضه و ریحان من

۴- طوطی من مرغ زیرکسار من ترجمان فکرت و اسرار من

۱۰۱- مثنوی، شعری است که :

۱- ابیات آن فقط هم وزن هستند ۲- ابیات آن فقط هم قافیه هستند

۳- مصراعهای اول و دوم و چهارم آن هم قافیه هستند

۴- وزنش یکی است و هر بیتش قافیه جداگانه دارد.

۱۰۲- درکدام گزینه منادا ذکر شده است ؟

۱- ای زبان تو بس زیانی مرمرا ۲- ای جفای تو ز دولت خوبتر

۳- ای نام تو بهترین سرآغاز ۴- ای که جان را بهر تن می‌سوختی

۱۰۳- با توجه به بیت : «هر که داد او حسن خود را در مزاد | صد قضای بد سوی او رو نهاد» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... در معنی ونقش اصلی خود است.

۱- «او» در مصرع اول : بدل ۲- رو نهاد: ماضی ساده

۳- صد قضا : فاعل ۴- «او» در مصرع دوم : متمم

۱۰۴- مفهوم بیت: «هر که داد او حسن خود را در مزاد | صد قضای بدسوی او رو نهاد» به نفی کدام صفت تأکید دارد؟ (آ - س)

۱- خودآرایی ۲- خود آزاری ۳- خودستایی ۴- خودکامگی

۱۰۵- درکدام پاسخ، فعل به قرینه معنوی حذف شده است ؟ (آ - س)

۱- از حلاوتها که دارد جور تو | وز لطافت، کس نیابد غور تو

۲- این روا باشد که من در بند سخت | گه شما بر سبزه گاهی بر درخت

۳- حیات یگدگر باشیم و بهر یگدیگر می‌ریم | گهی خندان زهم، گه خسته و افگار هم باشیم

۴- هر غلام و هر کنیزک راز جود | گفت بهر تو چه آرم گوی زود

۱۰۶- معنی کلمه «**نشاف**» چیست ؟ (آ - س)

۱- برتری ۲- خوشدلی ۳- دلگیری ۴- دیوانگی

۱۰۷- درکدام گزینه حرف ندا نیست ؟

۱- ای حیات عاشقان در مردگی | دل نیابی جز که دَر دل بردگی

۲- ای بدی که تو کنی درخشم و جنگ | با طرب‌تر از سماع و بانگ چنگ

۳- ای به شبان خفته! ظن مبر که بیاسود | گر تو بیاسودی، این زمانه ز گشتن

۴- ای بخردا با جهان مکن ستد و داد | کاو بستاند ز تو کلند به سوزن

۱۰۸- بیت زیر چند جمله است ؟ (آ - س)

«چون شنید آن مرغ کان طوطی چه کرد | پس بلرزید اوفتاد و گشت سرد»

۱- دو ۲- سه ۳- چهار ۴- پنج

۱۰۹- درکدام گزینه حرف عطف وجود ندارد؟

۱- خواجه اندر آتش و درد و حنین | صد پراگنده همی گفت اینچنین

۲- ای که جان را بهر تن می‌سوختی | سوختی جان را و تن افروختی

۳- نوح و موسی را نه دریا یار شد | نه بر اعداشان به کین قهار شد

۴- هـر غـلام و هـر کـنیزک راز جـود گـفت : بـهر تـو چـه آرام گـوی زود

۱۱۰- «**چو**» درکدام گزینه حرف ربط است ؟

۱- بر سرش ریزد چو آب از مشکها ۲- دست از مس وجود چو مردان ره بشوی

۳- چو نیکان از بدی اندیشه کردن ۴- چو مهمان در رسد، شیرین زبان شو

۱۱۱- کدام بیت جناس دارد؟

۱- چونکه تا اقصای هندوستان رسید در بیابان طوطی چندی بدید

۲- مرد بازرگان پذیرفت این پیام کو رساند سوی جنس از وی سلام

۳- خرامان بشد سوی آب روان چو جان رفته گویا بیابد روان

۴- جان من کمتر ز طوطی کی بود جان چنین باید که نیکو پی بود

۱۱۲- «م» در مصرع «گفت طوطی :کاو به فعلم پند داد» چیست ؟

۱- بدل ۲- متمم ۳- مضاف الیه ۴- مفعول

۱۱۳- درکدام گزینه فاعل وجود دارد؟

۱- تیر او دلکش‌تر آید یا سپر ۲- بس دراز است این حدیث خواجه گو

۳- این چه بودت ؟ این چراگشتی چنین ۴-گر سلیمان را چنین مرغی بدی

۱۱۴- درکدام مصرع فاعل وجود دارد؟

۱- زیر دریا خوشتر آید یا زبر ۲-کوشش بیهوده به از خفتگی

۳- غرق حق خواهد که باشد غرقتر ۴- تیر او دلکش‌تر آید یا سپر

۱۱۵- «*احصاء العلوم*» ازکیست ؟ (آ - س)

۱- ابوالحسن بهمنیار ۲- ابن سینا ۳- ابونصر فارابی ۴- امام محمد غزالی

۱۱۶- شهرت شعری ناصر خسرو به چیست ؟

۱- غزل سرایی ۲- مثنوی پردازی ۳- قصیده‌پردازی ۴- هیچکدام

۱۱۷- درکدام گزینه «**خویشتن**» مسند یا بخشی از آن است؟

۱- خویشتن آرای مشو چون بهار تا نکند در تو طمع روزگار

۲- خویشتن خویش را رونده گمان بر هیچ نشسته نه نیز خفته مبرظن

۳- در حال خویشتن چو همی ژرف بنگرم صـفرا هـمی بـرآیـد از انـده بـه سـر مـرا

۴- از این خویشتن کشتن اکنون چه سود چـنین رفت و ایـن بـودنی کـار بـود

۱۱۸- درکدام گزینه صنعت طباق نیست ؟ (آ - س)

۱- بر خسک و خار، همچو برگل وسوسن ۲- بیگانه شد ز خود که شود آشنای غیر

۳- جانها فدای آنکه به جان شد فدای غیر ۴- نو شده‌ای نو شده کهن شود آخر

۱۱۹- شاعر در بیت : «خلق همه یکسره نهال خدایند | هیچ نه برکن تو زین نهـال و نـه بشکن » از چه چیزی برحذر می‌دارد؟ (آ - س)

۱- آبیاری نهال مردم ۲- ستمکاری به مردم

۳- شکستن نهال مردم ۴-کندن نهال مردم

۱۲۰- در مصرع زیر کدامیک از صنایع شعری به کار رفته است ؟ (آ - س)

«شمع خرد بر فروز در دل و بشتاب »

۱- تشبیه ۲- تضاد ۳- طباق ۴- مجاز

۱۲۱-کدام گزینه از مفهوم بیت زیر دریافت نمی‌شود ؟ (آ - س)

«نـو شـده‌ای نـو شـده کـهن شـود آخـر گر چه به جان کوه قارنی بـه تـن آهـن»

۱- جهان بر هیچ چیز رحم نمی‌کند ۲- همه چیز دستخوش تغییر است

۳- همه چیز فرسودنی است ۴- هیچ چیز بر یک حال نمی‌ماند

۱۲۲- بیت زیر چند جمله است ؟ (آ - س)

«در ره عـــقبی بـــه پـــای رفت نبـــاید بلکه بـه جـان و بـه عـقل بـاید رفتن»

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۱۲۳- با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها بجزگزینه .... درست است ؟

«خسته از آنم که شست سال فزون است تـا بـه شبـانروزها هـمی بـروم مـن»

۱- خسته : مسند ۲- «م» در «آنم» مسندالیه و رابطه

۳- شست سال : مسند ۴- به شبانروزها همی بروم من : مسندالیه

۱۲۴- مفهوم بیت زیرکدام است؟

«گر نپسندی همی که خونت بریزند خون دگر کسی چرا کنی تو به گردن»

۱- اگر نمی‌خواهی ستمگر باشی، ستم پذیر مباش ۲- اگر بدبین نیستی، بدخواه مباش

۳- اگر خودکامه نیستی خودپسند مباش ۴- اگر ستم برخود نمی‌خواهی، ستمگر مباش

۱۲۵- بیت : «ای به شبان خفته ظن مبر که بیاسود | گر تو بیاسودی این زمانه زگشتن»

کدام مفهوم را در نظر ندارد؟ (آ - س)

۱- چوپانان نباید از روی حدس و گمان بخوابند ۲- زمان در حال حرکت است

۳- انسان همیشه در حال حرکت است حتی در خواب هم در طول زمان حرکت می‌کند

۴- اگر تو بخوابی زمانه نمی‌خوابد.

۱۲۶- درکدام مصراع «*وجه فعل*» با سایر مصراعها متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- دل ز نهال خدای کندن بر کن ۲- سود ندیدم از آن که سوده شدم تن

۳- هیچ نشسته نه نیز خفته مبر ظن ۴- هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن

۱۲۷- در بیت : «زن خوب فرمانبر پارسا | کند مرد درویش را پادشا» ساخت کدام صفت با صفات دیگر متفاوت است ؟ (آ - س)

۱- پارسا ۲- خوب ۳- درویش ۴- فرمانبر

۱۲۸- نوع و نقش «به» درکدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است ؟

۱- به ز دانشمند ناپرهیزگار ۲- تهی پای رفتن به از کفش تنگ

۳- به زندان قاضی گرفتار به ۴- به پاسخ آن که از وی رفت گرفتار

۱۲۹- این بیت: «زن خوش منش دلستانتر که خوب | که آمیزگاری بپوشد عیوب» کدام ویژگی را می‌ستاید (آ - س)

۱- دانایی ۲- دلربایی ۳- زیبایی ۴- سازگاری

۱۳۰- بیت: «هر کسی را نتوان گفت که صاحب نظر است | عشقبازی دگر و نفس پرستی دگر است » چند جمله است ؟

۱- یک جمله ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۱۳۱-کدام بیت از نظر تعداد جمله با دیگر بیتها ناهمگون است؟ (آ - س)

۱- ببرد از پریچهره زشتخوی | زن دیو سیمای خوش طبع، گوی
۲- دلارام باشد زن نیکخواه | ولیکن زن بد خدایا پناه
۳- چو طوطی کلاغش بود همنفس | غنیمت شمارد خلاص از قفس
۴- تهی پای رفتن به از کفش تنگ | بلای سفر به که در خانه جنگ

۱۳۲- درکدام بیت وجه فعلها با ابیات دیگر متفاوت است ؟

۱- بر آن بنده حق نیکویی خواسته است | که با وی دل و دست زن راست است
۲- به زندان قاضی گرفتار به | که در خانه دیدن بر ابرو گره
۳- تهی پای رفتن به از کفش تنگ | بلای سفر به که در خانه جنگ
۴- در خرّمی بر سرایی ببند | که بانگ زن از وی برآید بلند

۱۳۳- کتاب «*تماشاگه راز*» اثر کدام دانشمند است؟

۱- آیة الله حسن زاده آملی　　۲- شهید مرتضی مطهری
۳- شیخ محمود شبستری　　۴- قطب الدین شیرازی

۱۳۴- شاعر در بیت: «سخن عشق نه آنست که آید به بیان | ساقیا می ده و کوتاه کن این گفت و شنود» می‌گوید :

۱- الفاظ بشر برای شرح معانی عرفانی ناتوان است.
۲- پیام عشق، مختصر و کلام آدمی مفصّل است.
۳-کلام آدمی شیوا و حدیث عشق اندك است.
۴-گفتار بشر از توصیف زیبای معانی شعر عاجز است.

۱۳۵- مجموعه «*القصائد الفاخره فی مدح العتره الطّاهره*» سروده کیست؟
(آ - س)

۱- حاج ملا هادی سبزواری　　۲- دعبل بن علی خزاعی
۳-کمیت بن زیداسدی　　۴- میرزای شیرازی

۱۳۶- سبک کدام شاعر با بقیّه متفاوت است ؟

۱- صائب تبریزی　　۲- عرفی شیرازی　　۳- هاتف اصفهانی　　۴-کلیم کاشانی

۱۳۷- کدام کتاب از جهت سبک نثر، با کتابهای دیگر متفاوت است ؟

۱- بهارستان ۲- قابوسنامه ۳- گلستان ۴- مناجات نامه

۱۳۸- درباره سبک خراسانی همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است (آ - س)

۱- اشعار این دوره به واقعیت بسیار نزدیک است.

۲- سخنان گویندگان این دوره ساده و بی پیرایه است.

۳- گویندگان، مقصود خود را بیشتر با کلمات فارسی ادا می‌کنند.

۴- لغات و ترکیبات عربی در اشعار این دوره بیش از حد، رونق داشت.

۱۳۹- معانی باریک، تخیلات شاعرانه با استعارات پیچیده و معمّاگونه از ویژگیهای کدام سبک است ؟

۱- خراسانی ۲- هندی ۳- عراقی ۴- دوره بازگشت

۱۴۰- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- ساده و بی‌پیرایه نویسی و تکرار کلمات و افعال از خصوصیات سبک خراسانی است.

۲- آوردن استعاره، کنایه و صنایع لفظی و معنوی و ترکیبات عربی از خصوصیات سبک عراقی است.

۳- آوردن مضامین دقیق و معانی باریک و تخیلات شاعرانه با الفاظ ساده از خصوصیات سبک هندی است.

۴- تاریخ بلعمی، ترجمه تفسیر طبری، حدود العالم، تاریخ سیستان و قابوسنامه، دارای نثر مصنوع است.

۱۴۱- کدام صنعت در عبارت: «***قدمی در راه خدا ننهند و درمی بی منٌّ و اَذی ندهند***» وجود دارد؟

۱- مراعات نظیر ۲- تضاد ۳- ترصیع ۴- تلمیح

۱۴۲- بیت : «ای منّور به تو نجوم جلال | وی مقرّر به تو رسوم کمال» دارای چه صنعتی است ؟

۱- تسجیع ۲- تلمیح ۳- ترصیع ۴- تشبیه

۱۴۳- مفهوم : «نیّت را معنی قصد است و قصد واسطه است میان علم و عمل» یعنی :

۱- آنکه قصد عمل کند به علم می‌رسد ۲- اراده، علم را به عمل می‌رساند

۳- نیّت عملِ ما را به علم می‌رساند ۴- هر کس قصد علم کند به عمل می‌رسد

۱۴۴- کدام گزینه با مفهوم این عبارت هماهنگ است ؟ ***«قصد، واسطه است میان علم و عمل»*** (آ - س)

۱- علم، نیّت ، عمل ۲- عمل، نیّت، علم

۳- نیت، علم، عمل ۴- نیّت ، عمل، علم

۱۴۵- مفهوم بیت : «بندهٔ افرنگ از ذوق نمود | می‌برد از غربیان، رقص و سرود» کدام گزینه است (آ - س)

۱- آدم غرب زده برای خودنمایی، لهو و لعب را از غرب می‌آموزد

۲- اسیر ظواهر غربی، استعداد خود را در رقص و آواز غربی، می‌آموزد

۳- بعضی از مردم اروپا استعدادشان را در فساد و بی‌بند وباری به کار می‌برند.

۴- مردم اروپا، برای تظاهر ، به لهو و لعب روی می‌آورند.

۱۴۶- ***«فنّ شعر»*** از کیست ؟ (آ - س)

۱- ارسطو ۲- افلاطون ۳- هومر ۴- تولستوی

۱۴۷- کتاب ***«تاریخ تمدن اسلام»*** اثری است از :

۱- کارلایل، توماس قرن ۱۹/ م ۲- گوستاولوبون، قرن ۲۰/ م

۳- گونکور، قرن ۱۹/ م ۴- گوبینو، ژوزف آرتو قرن ۱۹/ م

۱۴۸- مفهوم اصلی بیت : «در شط حادثات برون آی از لباس | کاوّل برهنگی است که شرط شناوری است» باکدام گزینه بیشتر مناسبت دارد؟ (آ - س)

۱- آزادی ۲- آمادگی ۳- شایستگی ۴- وارستگی

۱۴۹- «با بذل جان خویش به رغبت برای حق | بگذشت تاگذاشت جهان را برای غیر» یعنی :

۱- برای حق گذشت کرد ۲- جان خویش را بذل کرد

۳- جهان را برای دیگران گذاشت ۴- در راه خدا جانبازی کرد

۱۵۰- «***گویندهٔ خلاف رضا در هوای نفس***» یعنی : (آ -س)

۱- بر خلاف رضای خود در هوای نفس می‌افتد ۲- بر خلاف هوای نفس سخن می‌گوید

۳- خلاف رضایت مردم را در هوای نفس می‌جوید ۴- در هوای نفس گویندهٔ خلافی است

۱۵۱- کدام گزینه دربارهٔ تاریخ بیهقی غلط است ؟

۱- از سی مجلّد آن اندکی باقیمانده است ۲- در قرن ششم هجری تألیف شده است.

۳- نام دیگر آن تاریخ مسعودی است ۴- نثر آن شیوا ودلنشین است.

۱۵۲- «***فعل معین***» در کدام گزینه به قرینه لفظی حذف شده است (آ - س)

۱- به نام او که فرمانها روان از نام او ۲- چرخ ارچه رفیع، خاك پایت

۳- فصلی خواهم نبشت و پس به سر قصه شد ۴- مرغ هوا را نصیب، ماهی دریا

۱۵۳- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- به دیوان ننشست : سرِ کار دیوانی نرفت.

۲- پایهایش همه فرو تراشید: پایهایش خشک شد و ریخت

۳- خداوند را کِرا کند: برای خداوند ارزش دارد.

۴- ما کاری را گرد شده‌ایم : ما کاری را جمع کرده‌ایم.

۱۵۴- فعل کدام گزینه مجهول است ؟

۱- تا آنچه خریده آمده است، جمله، به نام ما قباله نوشته شود.

۲- بوسهل بانگ برداشت و فرادشنام خواست شد.

۳- بوسهل زوزنی چند سال است تا گذشته شده است.

۴- میکائیل بدانجا اسب بداشته بود.

۱۵۵- با توجه به عبارت : « ***جلّادش استوار ببست و رسنها فرود آورد و آواز دادند که: سنگ دهید!*** » گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- رَسَنها: مفعول. ۲- ش در «جلّادش» : مضاف الیه

۳- آواز دادند: فعل مرکب ۴- استوار : قید کیفیّت

۱۵۶- «*این*» درکدام گزینه ضمیر اشاره نیست؟

۱- چون از این فارغ شدند بوسهل و قوم از پایِ دار بازگشتند.

۲- و هر خردمند که این بشنید، بپسندید و جای آن بود.

۳- این آرزوی توست که خواسته بودی که چون پادشاه شوی ما را بردار کن.

۴- دو سه ماه از او این حدیث نهان داشتند.

۱۵۷-کدام دو کلمه مترادف نیست ؟

۱- زعارت : بدخویی ۲- مکاوَحَت : دشمنی

۳- شرارت : بدخواهی ۴-کراکند : پرسش کند

۱۵۸- خواجه بوسهل زوزنی چند سال است تا گذشته شده است و به پاسخ آن که از وی رفت گرفتار، و ما را با آن کار نیست.«***گذشته شده است***» در اینجـا یعنی :

۱- از کارش دست برداشته است ۲- درگذشته است

۳-گرفتاریش تمام شده است ۴- دست از لجاجت برداشته است

۱۵۹- « ***مادر حسنک زنی بود سخت جگر آور***» «***جگر آور***» در اینجا به معنی .... است .

۱- مهربان ۲- دلیر ۳- جهان دیده ۴- مبارزاتی

۱۶۰- «مرد خود مرده بود که جلّادش رسن به گلو افکنده بود و خبه کـرده» «***خبه کرده***» در اینجا به معنی ... است.

۱- به دار آویخته ۲- خفه کرده ۳- خفی کرده ۴- توطئه کرده

با توجه به عبارت : «... از نصر خلف پرسیدم که چه رفت؟ گفت که چون حسنك بیامد، ... همه بر پای خاستند. بوسهل زوزنی بر خشم خود طاقت نداشت، برخاست نه تمام و بر خویشتن می‌ژکید. خواجه احمد او را گفت. در همه کارها ناتمامی، وی‌نـیک از جای بشد و خواجه، امیر حسنك را هر چند خواست که پیش وی نشیند، نگذاشت و بر دست راست من نشست و دست راست بونصر مشکان را بنشاند و بوسهل بر دست چپ خواجه. از این‌نیز سخت‌تر بتابید» به سؤالهای **۱۶۱** و **۱۶۲** و **۱۶۳** پاسخ دهید (آ - س)

۱۶۱- کدام گزینه با مفهوم جملهٔ : «**بر خویشتن می‌ژکید**» نامتناسب است ؟

۱- نیک از جای بشد ۲- از این نیز سختر بتابید

۳- برخشم خود طاقت نداشت ۴- خواست که پیش وی نشیند، نگذاشت

۱۶۲- چه کسی نگذاشت که حسنک، پیش وی نشیند.

۱- بوسهل زوزنی ۲- بونصر مشکان ۳- خواجه احمد ۴- نصر خلف

۱۶۳- کدام گزینه نمی‌تواند دلیل «**خشم بوسهل**» باشد؟

۱- برای این که خواجه، حسنك را محترم بداشت.

۲- برای آن که با حسنك مثل یک متهم رفتار نشد.

۳- چون بوسهل بر دست چپ خواجه قرار گرفت.

۴- چون حسنك نخواست پیش وی نشیند.

۱۶۴- «***پیش وی***» در جملهٔ «***پیش وی نشیند***» در عبارت بالا، یعنی :

۱- کنار او ۲- جلوتر از او ۳- روبروی او ۴- قبل از او

۱۶۵- «برمرکبی که هرگزننشسته بود بنشاندند» «***مرکب***» در اینجا به معنی ... است.

۱- چوبه‌دار ۲- زین ۳- اسب ۴- تابوت

۱۶۶- «پس آواز دادند او را که بدو». «***بدَو***» به تعبیر امروز یعنی :

۱- دویدن ۲- تند برو ۳- بزن ۴- بگیر و بر

۱۶۷- «و دو پیک را ایستانیده بودند که از بغداد آمده‌اند» «***ایستانیدن***» در اینجا به معنی :

۱- نگهداشته بودند ۲- بر پای نگهداشته بودند

۳- جلوی دروازه شهر نگهداری می‌کردند ۴- برای مجازات نگهداشته بودند.

۱۶۸- «و امروز بر جای است و به عبادت و قرآن خواندن مشغول شده است» «***برجای***» در اینجا به معنی ... است.

۱- سلامت ۳- مثل سابق ۳- زنده ۴- سرجایش

۱۶۹- «عامّه شهر او را لعنت کردند بدین حرکت ناشیرین که کرد. «***ناشیرین***» در

اینجا به معنی ... است.

۱- تلخ ۲- مزوّرانه ۳- دل خراش ۴- ناپسند

۱۷۰- خواجه احمد او را گفت : «***در همه کارها ناتمامی***» وی نیک از جای بشد.«***ناتمامی***» در اینجا به معنی ... است.

۱- ناپخته‌ای ۲- بی انتهایی ۳- نامردی ۴- عصبانی

۱۷۱- کدام دو کلمه مترادف نیستند؟

۱- بِحِل کردن : حلال کردن ۲- بر اثر : به دنبال

۳- به رغم : برخلاف ۴- ضیاع : روشنایی

۱۷۲- گزینه نامناسب کدام است ؟

۱- ژاژ خاییدن : کنایه از سخن بیهوده گفتن

۲- برمرکب چوبین نشستن : کنایه از مردن و رو به نابودی رفتن

۳- صفرا جنبیدن : کنایه از خشمگین شدن است.

۴- فرو نتوانست برد: کنایه از این است که نتوانست او را بخورد

۱۷۳- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بر صفرای خویش بر نیامدم: نتوانستم بر خشم خود چیره شوم

۲- بر مرکب چوبین نشستن : کنایه از مردن و رو به نابودی رفتن است

۳- فرا دشنام خواست شد: خواست به ناسزاگویی بپردازد

۴- وی را فرو نتوانست برد: نتوانست او را بخورد

۱۷۴- با توجه به عبارت : «***پس گفت : «بزرگا مردا که این پسرم بود! که پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود، آن جهان!***» گزینه نادرست کدام است.

۱- این جهان بدو داد :بدو، متمم است.

۲- آن جهان بدو داد: جملهٔ فعلیه

۳- بزرگا مردا که این پسر من بود : سه جمله

۴- محمود و مسعود : هر دو متمم

۱۷۵- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- هر چند مرا از وی بد آید : هر چند از او به من بد رسید.

۲- بر وی استخفاف کرده بود و وی را بینداخته : او را تحقیر کرده و به درون راه نداده بود.

۳- جز استادم که وی را فرو نتواست برد: غیر از استاد من که او را نمی‌توانست معزول کند یا به دام حیلهٔ خود اندازد.

۴- مرا دعای نشابوریان بسازد : دعای مردم نیشابور گرفتاریم را رفع خواهد کرد.

۱۷۶- کدام گزینه جملهٔ اسمیه است ؟

۱- فصلی خواهم نبشت در ابتدای این، حالِ بردار کردن این مرد و پس به سر قصّه شد

۲- یک روز به سرای حسنک شده بود در روزگار وزارتش، پیاده و به درّاعه.

۳- این است حسنک و روزگارش و گفتارش

۴- خردمندان دانستندی که نه چنان است.

۱۷۷- و در شهر خلیفهٔ شهر را فرمود داری زدن بر کران مصلّای بلخ، فرودِ شارستان، **«خلیفهٔ شهر»** در اینجا به معنی ... شهر است.

۱- وزیر ۲- داروغه ۳- حاکم ۴- قاضی

۱۷۸- کدام گزینه را می‌توان به ترتیب به جای نقطه چینها قرار داد تا معنی عبارت درست باشد؟ ***«بوسهل از کرانه بجستی و فرستی جُستی و ... کردی و ... بزرگ به چاکر رسانیدی»***. (آ - س)

۱- اَلَمی ، تضریب ۲- تضریب ، المی ۳- تضریب، عَلَمی ۴- علمی، تضریب

۱۷۹- معنی : ***«پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و پادشاهی چون مسعود آن جهان»*** چیست ؟ (آ - س)

۱- پادشاهی چون محمود این جهان و آن جهان را به مسعود داد

۲- پادشاهی مثل محمود به او حکومت دنیا داد و مسعود او را کشت و بردار زد.

۳- جهان، ملک و پادشاهی را به محمود داد و آخرت را به مسعود

۴- محمود باعث آبادی دنیای وی و مسعود باعث رستگاری آخرتش شد.

۱۸۰- معنی عبارت ***«او را صفرا بجنبید وبانگ برداشت و فرا دشنام خواست شد»*** چیست ؟

۱- از بس داد زده بود عصبانی شد وخواست ناسزا بگوید.

۲- بیمار شد و با عصبانیّت فریاد می‌زد و می‌خواست ناسزا بگوید.

۳- خشمگین شد و از فریاد دیگران نزدیک بود ناسزا بگوید.

۴- خشمگین شد و فریاد زد و خواست به ناسزاگویی بپردازد.

۱۸۱- پدرم گفت : ***«بنوشتمی، امّا شما تباه‌کرده‌اید»*** یعنی: (آ- س)

۱- می‌نوشت اما اثری ندارد	۲- می‌نوشتم اما شما بدکردارید

۳- می‌نوشتم اما شما بدکرده‌اید	۴- می‌نوشتم ولی دیگر فایده‌ای ندارد

۱۸۲- ***«او (حسنک وزیر) برفت واین قوم که این مکر ساخته بودند نیز برفتند و اینهمه اسباب منازعت و مکاوحت از بهر حطام دنیا به یک سوی نهادند»*** با توجه به عبارت فوق چرا این قوم اسباب منازعت و مکاوحت را به یک سوی نهادند؟ (آ -س)

۱- به خاطر حطام دنیا ۲- به خاطر آن‌که مردند ۳- به خاطر خدا ۴- به‌خاطر دنیا

۱۸۳- با توجه به عبارت : ***«بونصر مردی بود عاقبت نگر و حال حسنک دیگر بود»*** حسنك : (آ - س)

۱-کس دیگر بود	۲- عاقبت اندیش نبود

۳- با بونصر خصومت و اختلاف داشت	۴- عاقبت دیگری مورد نظرش بود

۱۸۴- معنی عبارت ***«عاصی که دست بردارد به از عابدی که در سر دارد»*** چیست؟ (آ - س)

۱- پارسا هنگامی که فکر گناه هم بکند مثل این است که گناه کرده است.

۲-گنهکار هنگامی که دست از گناه بر می‌دارد از پارسا هم بهتر است

۳-گنهکاری که دست به دعا بردارد عملش بهتر از فکری است که پارسا در سر دارد

۴- گنهکاری که دست توبه به درگاه ایزد برفرازد از پارسایی که در سر غرور دارد بهتر باشد

۱۸۵- با توجه به عبارت : «***خاکستر نَسَبی عالی دارد که آتش جوهری علوی است ولیکن چون به نفس خود هنری ندارد با خاک برابر است***» چه چیز مهمتر است (آ - س)

۱- مساوات ۲- استعداد ذاتی ۳- خاکساری ۴- نسب عالی

۱۸۶- نگارش کدام گزینه غلط است ؟ (آ - س)

۱- معصیت از هر که صادر شود ناپسندیده است و از علما ناخوبتر

۲- معصیت از همگان ناپسندیده است از علما ناخوبتر

۳- معصیت علما از معصیت همگان ناخوبتر است

۴- معصیت از هر کس صادر شود خوبتر و از علما ناپسندیده است

۱۸۷- با توجه به عبارت : «***توانگر فاسق، کلوخ زراندود است و درویش صالح، شاهد خاك آلود، این دلق موسی است مرقّع و آن ریش فرعون مرصّع***» از همه گزینه‌ها بجز گزینه ... صنعت تشبیه دریافت می‌شود (آ - س).

۱- توانگر فاسق به ریش مرّصع فرعون ۲- درویش صالح به شاهد خاك آلود

۳- درویش صالح به دلق مرقّع موسی ۴- کلوخ زراندود به شاهد خاک آلود

۱۸۸- با توجه به بیت: «**الا تا نخواهی بلا بر حسود | که آن بخت برگشته خود در بلاست**» ، نباید بلا بر حسود بخواهیم، زیرا :

۱- حسد او را به دشمنی با این و آن وا می‌دارد ۲- حسد خود مصیبتی بزرگ است

۳- حسود به خود هم حسد می‌ورزد ۴- حسود، دشمنی همگان را برمی‌انگیزد

۱۸۹- عبارت : «***تلمیذ بی ارادت عاشق بی‌زر است و روندهٔ بی معرفت مرغ بی پر و عالم بی عمل درخت بی‌بر و زاهد بی‌علم خانهٔ بی در***» چند جمله است؟ (آ - س)

۱- هشت ۲- شش ۳- چهار ۴- دو

۱۹۰- با توجه به عبارت : «***تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی زر است و رونده بی‌معرفت***

مرغ بی‌پر» کدام تشبیه درست نیست؟ (آ - س)

۱- اندیشه به طلا ۲- سالک به مرغ ۳- شناخت به بال ۴- شاگرد به عاشق

۱۹۱- کدام گزینه را می‌توان به ترتیب به جای نقطه چینها قرار داد تا معنی عبارت درست باشد ؟ (آ - س)

« مراد از نزول قرآن تحصیل ... خوب است نه ترتیل ... مکتوب »

۱- سیرت، سورت ۲- سیرت ، صورت

۳- صورت ، سیرت ۴- صیرت، صورت

۱۹۲- عبارت : ***«عامی متعبد پیاده رفته است و عالم متهاون سوار خفته»*** چه چیز را می‌ستاید؟ (آ - س)

۱- بندگی ۲- رهبری ۳- عرفان ۴- علم

۱۹۳- عبارت ***«چون لاشه که در کعبش دمی فربه نماید»*** وصف چه کسانی است؟ (آ - س)

۱- احمقها ۲- بی‌باکان ۳- ترسوها ۴- ستمگران

۱۹۴- مفهوم عبارت : ***«متکلّم را تا کسی عیب نگیرد، سخنش صلاح نپذیرد»*** متناسب است با : (آ - س)

۱- گفتار سخنگو، با خرده‌گیری، نغز و نیکو شود.

۲- نکته سنجی درکلام سخنور، نشانه گفتار نغز است.

۳- کلام سخنور، با عیبجویی از دیگران نیکو شود.

۴- خرده‌گیری از گفتار سخنوران، موجب نقص کلام شود.

۱۹۵- مفهوم جملهٔ : ***«رحم آوردن بر بدان، ستم است بر نیکان»*** با کدام گزینه در تضاد است ؟ (آ - س)

۱- از محبت خارها گل می‌شود ۲- جای گل، گل باش و جای خار خار

۳- با بدان بد باش و با نیکان نکو ۴- هر چیز به جای خویش نیکوست

۱۹۶- مفهوم بیت : «بضاعت نیاوردم الاّ امید | خدایا ز عفوم مکن ناامید» به کدام

گزینه نزدیکتر است ؟ (آ - س)

۱- خدایا امید بضاعتی ندارم از عفو خود ناامیدم مکن

۲- خدایا سرمایه‌ای جز امید ندارم ناامید مکن که خطاکاری را عفو کنم

۳- خدایا فقط سرمایه‌ام امید است از بخشایش خود ناامیدم مکن

۴- خدایا سرمایه‌ای جز بخشش تو ندارم به بخشش خود امیدوارم‌کن

۱۹۷- عبارت : «عام نادان پریشان روزگار | به ز دانشمند ناپرهیزگار» بر چه مفهومی تکیه دارد؟

۱- تقوی ۲- دانش ۳- عبادت ۴- عرفان

۱۹۸- جملهٔ : «***عالم بی‌عمل به زنبور بی عسل ماند***» یعنی: عالم بی‌عمل ... (آ- س)

۱- برای مردم بی‌فایده است ۲- بود و نبودش یکسان است

۳- سود و زیانش برابر است ۴- عدمش به ز وجود است

۱۹۹- «***عالم ناپرهیزگار کور مشعله‌دار است***» یعنی خود نمی‌بیند. (آ - س)

۱- اما راه را از دیگران می‌پرسد ۲- اما راه را به دیگران می‌نماید

۳- و دیگران را نیز گمراه می‌کند ۴- و راه را به دیگران نیز نمی‌نمایاند

۲۰۰- کلمهٔ «*زرّین*» در مصراع «فغان که کاسه زرّین بی‌نیازی را» چه نوع صفتی است؟

۱- فاعلی ۲- لیاقت ۳- مفعولی ۴- نسبی

۲۰۱- با توجه به عبارت: «***دشمن چواز همه حیلتی فرو ماند، سلسلهٔ دوستی بجنباند، پس آنگه به دوستی کارهایی کند که هیچ دشمن نتواند***» از چه باید ترسید؟ (آ - س)

۱- دشمنِ دوست ۲- دشمن دوست نما ۳- دوست دشمن ۴- دوست دشمن‌نما

۲۰۲- در عبارت «***هرکه با داناتر از خود بحث کند که بدانند که داناست بدانند که نادان است***» چند ضمیر هست؟ (آ - س)

۲۰۳- کدام گزینه به مفهوم عبارت : «***هرکه بدی را بکشد خلق را از بلای او برهاند و او را از عذاب خدا***» نزدیکتر است (آ - س)

۱- قصاص موجب تخفیف کیفر گناهکار است

۲- قصاص موجب آسودگی آفریدگان خداوند است

۳- قصاص موجب کاهش گناه در اجتماع و رهایی از کیفر است.

۴- قصاص موجب آسودگی آفریدگان و رهایی بدکار از کیفر است.

۲۰۴- با توجه به بیت : «گر هنرمند از اوباش جفایی بیند | تا دل خویش نیازارد و درهم نشود» همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است ؟

۱- بیت : سه جمله ۲- خویش : ضمیر مشترك ۳- هنرمند: فاعل ۴- دل : مفعول

۲۰۵- کدام گزینه از نظر مفهوم با عبارت «***دانا چو طبله عطّار است، خاموش و هنرنمای***» مناسب است ؟ (آ - س)

۱- دانا مانند صندوقچه عطار است که ساکت است و پر از چیزهای سودمند و مختلف

۲- دانا مانند طبل خاموش است که تا سخن نگفته با نادان فرق دارد

۳- دانا مانند عطاری است که همه چیز دارد و در عین حال ساکت است

۴- دانا همیشه فریاد می‌زند و هنر خود را در جای خاموش ارائه می‌دهد.

۲۰۶- «**چه**» در کدام گزینه صفت پرسشی است ؟

۱- چه غم خورد که بمیرد چراغ پیرزنی ۲- او چه داند که حال گرسنه چیست

۳- چه حاجت که با او کنی دشمنی ۴- گفت که ای پیشه و نام تو چیست

۲۰۷- با توجه به بیت: «نه عجب گر فرو رود نفسش | عندلیبی غراب هم قفسش» گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بیت : یک جمله ۲- عجب : مسند

۳- غراب: مسندالیه ۴- عندلیب : بدل از مضاف الیه

۲۰۸- گزینه نادرست کدام است ؟

۱- بار به منزل افکندن : به مقصود رسیدن

۲- سلسلهٔ دوستی بجنباند: از درِ دوستی در آید و اظهار محبت کند

۳- رونده بی‌معرفت : سالِك ناآگاه از مراحلِ سلوک و عرفان

۴- بحل کردن : حل کردن

۲۰۹- جملهٔ : «**جلو هر خطر را باید از اول گرفت**» در مورد کدام گزینه صادق است؟

۱- ای سلیم آب ز سرچشمه ببند   که چو پرشد نتوان بستن جوی

۲- ندانست آن که رحمت کرد بر مار   که آن ظلم است بر فرزند آدم

۳- ضعیفان را مکن بر دل گزندی   که در مانی به جور زورمندی

۴- سمند بادپای از تک فروماند   شتربان همچنان آهسته می‌راند

۲۱۰- درکدام گزینه صفت اشاره وجود دارد.

۱- وگر این مصلحت بدانستی، نادان نبودی   ۲- وین دو چشمش بود و در چاه اوفتاد

۳- این خصلتی بس شریف است

۴- و قیمت شکر نه از نی است که آن خود خاصیت وی است

۲۱۱- نگارش کدام گزینه غلط است ؟ (آ - س)

۱- تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی زر است و روندهٔ بی معرفت مرغ بی پر.

۲- تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی زر و روندهٔ بی‌معرفت مرغ بی پر است.

۳- تلمیذ بی‌ارادت عاشق بی‌زر است و روندهٔ بی‌معرفت مرغ بی پر است.

۴- تلمیذ بی‌ارادت و عاشق بی‌زر است و روندهٔ بی‌معرفت مرغ بی‌پر.

۲۱۲- با توجه به بیت : «واللّه که شهر بی تو مرا حبس می‌شود | آوارگی و کوه و بیابانم آرزوست » همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است؟

۱- بیت دو جمله   ۲- «را» در مصرع اول: فک اضافه

۳- م در «بیابانم» : مضاف الیه آرزو   ۴- آوارگی : مسندالیه

۲۱۳- در مصرع : «جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او» چه نوع ماضی هست (آ- س)

۱- استمراری   ۲- التزامی   ۳- مطلق   ۴- نقلی

۲۱۴- از بیت : « گویا ترم ز بلبل، اما زرشک عام | مهر است بر دهانم و افغانم آرزوست»

کدام پاسخ دریافت نمی‌شود (آ - س)

۱- سخنوری شاعر ۲- سکوت مصلحتی

۳- فواید خاموشی ۴- هیاهوی کوته نظران

۲۱۵- آیه کریمه «**لا تُدْرِکُهُ الأَبْصارُ و هُوَ یُدْرِکُ الأَبْصارَ**» ناظر بر کدام گزینه است؟

۱- جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او — آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

۲- پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست — آن آشکار صنعت پنهانم آرزوست

۳- بیدلی در همه احوال خدا با او بود — او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد

۴- کان به نابینائی از راه اوفتاد — وین دو چشمش بود و در چاه اوفتاد

۲۱۶- درکدام مصراع «**مسند**» وجود ندارد؟

۱- پنهان ز دیده‌ها و همه دیده‌ها از اوست ۲- جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او

۳- دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر ۴- والله که شهر بی تو مرا حبس می‌شود

۲۱۷- قالب شعری کدام اثر با آثار دیگر متفاوت است ؟

۱- اسرار نامه ۲- الهی نامه ۳- مختار نامه ۴- مصیبت‌نامه

۲۱۸- مفهوم کدام گزینه با مفهوم بیت : «اگر شب را چو انجم زنده داری | همیشه با رخ تا بنده باشی» متناسب است ؟ (آ - س)

۱- سیمای نورانی نتیجه عبادت شب هنگام است

۲- سیرت نیکو نتیجه بیداری در شب است

۳- شب زنده‌داری نتیجه شادابی و طراوت است

۴- عبادت شب هنگام نتیجه درخشندگی سیمای مؤمن است.

۲۱۹- در دو مصراع مقابل «**ردیف**» کدام است ؟ (آ - س)

«اگر دل از علایق کنده باشی — به منزل بار خود افکنده باشی»

۱- باشی - باشی ۲- کنده - افکنده

۳- کنده باشی - افکنده باشی ۴- هیچکدام

۲۲۰- بیت زیر چند جمله است ؟

«سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد»

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۲۲۱- با توجه به بیت : «سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد | و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» نقش کدام کلمه نادرست است؟

۱- جام جم : مفعول ۲- طلب می‌کرد: فعل ماضی

۳- خود: فاعل ۴- جام : مضاف الیه

۲۲۲- بیت : «گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است | طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد» کنایه‌ای دارد به ... :

۱- عقل گرایان ۲- گمراهان ۳- نادانان ۴- دانایان

۲۲۳- بیت : «گوهری کز صدف کون و مکان بیرون است | طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد» اشاره دارد به :

۱- عقل گرایان، که از درك حقیقت عاجزند

۲- دانشمندانی که راهنمای گمراهان شده‌اند

۳- دنیا دوستانی که از آرمانهای انسانی دور شدند

۴- ساده دلانی که از عقل و منطق بی‌بهره‌اند

۲۲۴- با توجه به بیت : «مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش | کاو به تأیید نظر حلّ معمّا می‌کرد» همه گزینه‌ها، بجز گزینه ... درست است .

۱- مصرع دوم: جمله پیرو ۲- بیت دو مفعول دارد

۳- بیت : سه ضمیر دارد ۴- سه ترکیب اضافی دارد

۲۲۵- کدام گزینه مصرع : «مشکل خویش بر پیر مغان بردم دوش ...» را کامل می‌کند؟ (آ - س)

۱- طلب از گمشدگان لب دریا می‌کرد ۲- کاو به تأیید نظر حلّ معما می‌کرد

۳- و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد ۴- وندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

۲۲۶- مقصود از «*آینه*» در بیت : «دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست | وندر آن

آینه صد گونه تماشا می‌کرد» (آ - س)

۱- اندیشه والای انسان دانا ۲- پدیده‌های شگفت انگیز عالم خلقت

۳- چهره نورانی مردان حق طلب ۴- دل آگاه و حقیقت بین عارف

۲۲۷- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر مناسبت کمتر دارد؟ (آ - س)

۱- بیدلی در همه احوال خدا با او بود او نمی‌دیدش و از دور خدایا می‌کرد

۲- ز آب بی‌رنگ، صد هزاران رنگ لاله و گل نگر در آن گلزار

۳- سالها دل طلب جام جم از ما می‌کرد و آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد

۴- شمع جویی و آفتاب بلند روز بس روشن و تو در شب تار

۲۲۸- در بیت : «اینهمه شعبده‌ها عقل که می‌کرد اینجا | سامری پیش عصا و ید بیضا می‌کرد» مقصود از «*اینجا*» چیست ؟ (آ - س)

۱- دل که کانون عشق است ۲- جهان که میدان عمل است

۳- زندگی مردم جهان ۴-کوه طور

۲۲۹- مفهوم جمله‌های داده شده در همه گزینه‌ها بجز گزینه .... درست است.

۱- از جای بشد: خشمگین شد ۲- بر سرِ آنم : تصمیم دارم

۳- غصّه سر آید: اندوه افزون شود ۴-گذشته شده است : مرده است

۲۳۰- مفهوم مصرع : «خلوت دل نیست جای صحبت اضداد» چیست ؟

۱- خلوت دل جای صحبت دشمنان نیست.

۲- در خلوت نمی‌توان صحبت‌های مختلف را بررسی کرد

۳- دلی که جایگاه حق است محل شیطان و غیر حق نیست.

۴- هنگامی که با دل خود خلوت کرده‌ای صحبت مکن

۲۳۱- مفهوم بیت : «بر درِ اربابِ بی مروّت دنیا | چند نشینی که خواجه کی بدر آید» کدام صفت را نکوهش می‌کند؟ (آ - س)

۱- افتادگی ۲- تنگ چشمی ۳- دون همتی ۴- با جوانمردی

۲۳۲- مکمّل مصراع : «صالح و طالح متاع خویش نمودند...» کدام است ؟

۱- دیو چو بیرون رود فرشته درآید　　۲- تا که قبول افتد و که در نظر آید

۳- چند نشینی که خواجه کی بدر آید　　۴- نور ز خورشید جوی، بو که برآید

۲۳۳- با توجه به بیت : «بوی پیراهن یوسف که کند روشن چشم | باد گویی که به پیر غم کنعان آرد» همه گزینه‌ها بجز گزینه ... درست است ؟

۱- چشم : مفعول　　۲- روشن : مسند　　۳- که : حرف ربط　　۴- گویی : قید

۲۳۴- جملهٔ : «***میان بسته بود تعصّب آل برمک را*** » به معنی ... است.

۱- آماده برای کار شدن　　۲- برای انجام کاری مصمّم شدن

۳- کمربند خود را بستن　　۴- برای دشمنی کردن با برمکیان، تصمیم گرفتن

۲۳۵- کدام عبارت از نظر نگارش درست است ؟ (آ - س)

۱- گفت : خداوند بر منظر باید نشست و یحیی و پسرانش را می‌نشاند.

۲- گفت : خداوند را بر منظر باید نشست و یحیی و پسرانش را بنشاند

۳- گفت : خداوند بر منظر بایستی بنشیند و یحیی و پسرانش را بنشاند

۴- گفت : خداوند بر منظر می‌بایست بنشیند و یحیی و پسرانش را بنشاند

۲۳۶- با توجه به جملهٔ : «***خداوند را بر منظر باید نشست***» گزینه نادرست کدام است؟

۱- جمله : فعلیه　　۲- جمله: اسمیه　　۳- «را» : فک اضافه　　۴- نشست : مسندالیه

۲۳۷- در جملهٔ : «و منهیان سوی یحی می‌نبشتند» «***می‌نبشتند***» چه نوع ماضی است؟

۱- استمراری　　۲- التزامی　　۳- بعید　　۴- نقلی

۲۳۸- معنی عبارت : «***یحیی گفت: ای فرزندان! ما از شدگانیم و سبب محنت بعد قضاء الله شمایید***» با کدام گزینه مناسبت دارد؟

۱- تقدیر الهی، ما را بدین رنج و محنت افکنده است

۲- سرنوشت و کردار شما، باعث این رنج و زحمت شده است.

۳- شما خود، به عذاب الهی و معصیت، گرفتار آمده‌اید.

۴- عملکرد ، ما راگرفتار این بلا کرده است .

۲۳۹- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (آ - س)

۱- ترا ز کنگره عرش می‌زنند صفیر — ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

۲- چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس — که در سراچهٔ ترکیب تخته بند تنم

۳- مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک — دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

۴- مسکن تو عالمیست روشن و باقی — نیست ترا عالم فرو دین مسکن

۲۴۰- با توجه به بیت : «فیض روح القدس ار باز مدد فرماید | دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد» کلمات همه گزینه‌ها، بجز گزینه .... فاعل است.

۱- دیگران ۲- روح القدس ۳- فیض ۴- مسیحا

۲۴۱- «کو» در کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها متفاوت است ؟

۱- مکن بد با کسی کاو با تو بد کرد ۲- سخن کاو از سر اندیشه ناید

۳- کاو به تأیید نظر حل معمّا می‌کرد ۴- کو دوستان پاک نهاد و سخنورم

۲۴۲- شاعر می‌خواهد در بیت : «کیست در دیده که از دیده برون می‌نگرد | یا چه جان است ، نگویی، که منش پیرهنم» بگوید:

۱- انسان ناطق دارای عظمت است ۲- انسان اشرف مخلوقات است

۳- از حیرت انسان در برابر عظمت روح است ۴- روح در جسم محبوس است

۲۴۳- در بیت : «تا به تحقیق مرا منزل و ره ننمایی | یک دم آرام نگیرم نفسی دم نزنم» چند قید هست؟ (آ - س)

۱- یک ۲- دو ۳- سه ۴- چهار

۲۴۴- بیت : «ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید | هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند» با کدام گزینه متناسب نیست ؟

۱- بیا و مشتاقان را دریاب ۲- شیفتگان بی‌تاب را آرامش بخش

۳- تو را و نشان سر منزل تو را می‌جوییم ۴- ما خود توانایی این راه را داریم

وَ اُفَوِّضُ امری اِلَی اللّه اِنَّ اللّهَ بَصیرٌ بالعباد

(آیه ۴۸ - المؤمن)

و وا می‌گذارم کارم را به خدا به درستی‌که خدا بیناست به بندگان



پاسخ تشریحی تمرینهای چهار جوابی درک مطلب، تاریخ ادبیات، دستور، صنایع ادبی و کلمات مترادف از فارسی و دستور چهارم دبیرستانها

****

۱- **جواب (۴)**. این بیت یک جمله است و فعلِ «شروع می‌کنم یا آغاز می‌کنم» به قرینه معنوی از آن حذف شده است. جمله، چنین است: «اول دفتر را به نام ایزد دانا، صانع و پروردگار آغاز می‌کنم» سایر گزینه‌ها درست است.

۲- **جواب (۴)**. « د » در «حیف خورد» ضمیر و در نقش فاعل است و نهاد اختیاری حذف شده است.

۳- **جواب (۳)**. این بیت سه جمله اسمیه است و «ی» فعل ربطی است. سایر گزینه‌ها جمله فعلیّه هستند. (۱) اول دفتر را به نام ایزد دانا آغاز می‌کنم. (۲) نصیب مرغ هوا و ماهی دریا رامی‌رساند (۳) لآلی ازنم، همچو عرق بر عذار شاهد غضبان، بر گل سرخ افتاده است.

۴- **جواب (۱)**. جمله مستقیم بیت، چنین است : خداوند نصیب مرغ هوا و ماهی دریا را از در بخشندگی و بنده‌نوازی می‌رساند.

۵- **جواب (۲)**. زیرا خداوند، آگاهی از اسرار و تشخیص نیاز و دانایی فراگیر دارد. در این بیت راجع به بی‌نیازی سخنی به میان نیامده بلکه برعکس از «حاجت و نیاز» سخن رفته است.

۶- **جواب (۲)**. خداوند با بخششی که دارد بهره و روزی مرغ هوا تا ماهی دریا را فراهم می‌کند.

۷- **جواب (۴)**. هَیمَنه به معنیِ شکوه و هیبت و ایمنی دهنده است نه با ایمان.

۸- **جواب (۴)**. (۱) به دعای مستمندان سوگندت می‌دهم (۲) اول دفتر رابه نام ایزد دانا آغاز می‌کنم. (۳) که موی بر اعضا حمد و ثنا می‌کند.

۹- **جواب (۴)**. زیرا جمله چنین بوده است: پشه و عنقا روزیِ خود را می‌برند. امّا فعلِ سه گزینه دیگر محذوف است. (۱) از عظمت ماورای فکرت دانا [است] (۲) از همه عالم نهان [است] و بر همه پیدا [است] (۳) اول دفتر را به نام ایزد دانا [آغاز می‌کنم].

۱۰- جواب (۱). دنبالهٔ جملهٔ دوم چنین بوده است:که موی بر اعضاء حمد ثنا می‌کند. در سایر گزینه‌ها حذف فعل به قرینه معنوی است.

۱۱- جواب (۲). زیرا این گزینه جملهٔ مستقیم مصراع است: در این مصراع «را» فک اضافه و جمله مستقیم، عبارتست از: نصیب (بهره و روزی) مرغ هوا و ماهی دریا را می‌رساند.

۱۲- جواب (۴). یک بیت از غزل سعدی است ولی با طرح این سؤال می‌تواند قصیده یا غزل و گاهی قطعه باشد.

۱۳- جواب (۴). زیرا سعدی در مصرع اول از تناسب قدرت سخن گفتن و کلام صحبت نکرده است.

۱۴- جواب (۳). صخره صمّا به معنایِ سنگ محکم و سخت.

۱۵- جواب (۲). این تفسیر در ده جلد و یک تفسیر عارفانه است که رشید الدین میبدی در دهه دوم قرن ششم ه ق تألیف کرده است و کاملترین تفسیر صوفیانه فارسی است.

۱۶- جواب (۳). این روزنامه با همکاری سید جمال الدین اسد آبادی و محمد عبده در پاریس منتشر شد (قرن ۱۳ ه ق)

۱۷- جواب (۲).

۱۸- جواب (۴). «متاع» مفعول و مضاف است و جمله چنین بوده است: «هر جا که قناعت، متاع خویش را عرضه کرد»

۱۹- جواب (۱). روح باران دارای صنعت استعاره است که برای هر چیز پاک حیاتبخش و برکت‌زای است. (فارسی چهارم ، آیینه زمان)

۲۰- جواب (۴). جمله چنین است : نیلوفران خاکی در بادهای سوزان چشم انتظار آب هستند، نیلوفران «مسندالیه» است.

۲۱- جواب (۲). زیرا امام محمد غزالی این کتاب را از کتاب احیاء علوم‌الدین ترجمه کرده و نوشته است.

۲۲- جواب (۱). در توضیحات درسِ شناختنِ نفس خویش آمده است.

۲۳- جواب (۱). درستِ آن «اراذل» جمعِ رذل یعنی پست و فرومایه .

۲۴- جواب (۴).

۲۵- جواب (۲). سِباع جمعِ کلمه سَبُع و به معنای درنده است.

۲۶- جواب (۳). وی مجتهد، عارف و شاعر مشهور دوره قاجاریه است.

۲۷- جواب (۴). معنی بیت چنین است: اگر می‌خواهی خدا را در عرش ملاقات کنی باید هوا و هوس درون را از بین ببری و در ردیف عارفان قرار بگیری در آن صورت به کمال رسیده‌ای لذا گزینه (۴) در بیت نیامده است.

۲۸- جواب (۲). اشاره است به آیه شریفه ۵۹ سوره مبارکهٔ بقره، قلب به واسطهٔ تیرگیها مانندِ سنگ خارا سخت و سیاه شده است. تو نیز باید مانند حضرت موسی که از سنگ خارا چشمه‌ها جاری کرد، از دلِ سخت و کدر خویش چشمه‌های معرفت جاری کنی .

۲۹- جواب (۱). «را» در کوری چشم عدو را، حرف اضافه و «کوری» متمم است = به کوری چشم عدو .

۳۰- جواب (۲). بیت، شاعر، دل را به سنگ تشبیه کرده که در اثر نرم‌شدن به سرمه تبدیل می‌شود. شاعر معتقد است، برای انجام این کار، تحمل رنج و زحمت می‌تواند دلِ سختِ چون سنگ را نرم کند تا معرفت به دست آید.

۳۱- جواب (۳). زیرا حبیب به معنی دوست و معشوق و نام شاعر نیز می‌باشد.

۳۲- جواب (۳). حذم ⇐ حزم‌یعنی دوراندیشی .

۳۳- جواب (۴). کتاب پریشان را قاآنی، بهارستان را جامی و روضه خلد را مجد خوافی به تقلید گلستان نوشته‌اند.

۳۴- جواب (۳). سنگ سراچه = تخصیصی که دل به آن (سنگ) تشبیه شده. (کتاب فارسی چهارم درس گلستان).

۳۵- جواب (۱). زیرا گوی بردن به معنی موفق شدن است وگوی نیکی بردن به معنای «در خوبی و کار نیک موفق شدن و برنده شدن است» سایر گزینه‌ها این مفهوم را ندارند.

۳۶- جواب (۱). زیرا در بیت راجع به پاداش و کیفر قطعی سخنی به‌میان نیامده.

۳۷- جواب (۴). درستِ آن «خوید» است.

۳۸- جواب (۳). (و) حرف اضافه است و آفتاب متمم، جمله چنین است: عمر چون برف در مقابل (در برابر) آفتاب تموز است.

۳۹- جواب (۳). زیرا مانندِ بیت، از کوتاهی عمر صحبت می‌کند.

۴۰- جواب (۱). زیرا در مصرع دوم آمده: «خوشه باید چید».

۴۱- جواب (۲). زیرا هر که مزروع خود را نارس چید در آینده از محصول و خرمن محروم است.

۴۲- جواب (۴). خار به درخت گل اختصاص دارد، هر کجا گل هست خار هم هست، لذا تخصیصی است در گزینه (۱) آب دیده (اشك) مانند الماس است.

۴۳- جواب (۴). در گزینه (۱) خواب نوشین (موصوف و صفت) در (۲) پنج روز و این گلستان (صفت و موصوف) در (۳) فرش بوقلمون (رنگارنگ) موصوف و صفت است.

۴۴- جواب (۱). معنی مصرع عبارتست از : هنگام برداشت خرمن، باید خوشه‌های بازمانده از دیگران را جمع‌آوری کند: کنایه از تهیدستی و نیازمندی (فارسی چهارم - گلستان)

۴۵- جواب (۱).

۴۶- جواب (۱). ضمناً خرده مینا اضافه تخصیصی است.

۴۷- جواب (۳). بوستان سعدی در ده باب و مثنوی اخلاقی و اجتماعی است.

۴۸- جواب (۳). کنایه از مردن و رو به نابودی رفتن است. (فارسی چهارم - حسنك)

۴۹- جواب (۲). نقض به معنایِ «برخلاف» و به صورت «نغز» به معنای «شیرین» درست است.

۵۰- جواب (۲). قضبان به معنی شاخه‌های درختان است و در این گزینه اشتباه است و باید «غضبان به معنای غضبناك و عصبانی آمده باشد.

۵۱- جواب (۲). ثواب ⇐ صواب . نغز ⇐ نقض

۵۲- جواب (۴). ملاعبت به معنایِ با یکدیگر بازی و شوخی کردن و لَعْب به معنای بازی و ملعبه بازیچه از یک ریشه هستند و با «لعاب» ارتباطی ندارند.

۵۳- جواب (۳). و درستِ غلطها عبارتست از : نزهت : خوشحالی - حاضر: آماده - فسحت:

فراخی - تطاول : درازدستی.

۵۴- جواب (۴). یمین به معنای «سوگند» و کفارت یعنی چیزی که گناه به وسیله آن پاک شود و در بقیه پاسخها به این روانی و درستی نیست.

۵۵- جواب (۲).

۵۶- جواب (۲). تشبیه شاهد به گل درست نیست اما رخسار شاهد به گل درست است. (البته در این بیت)

۵۷- جواب (۳). زیرا قُضبان جمع قضیب و به معنای شاخه‌ها است امّا سه گزینه دیگر غلط است که درستِ آنها عبارتست از (۱) طبایع: نهادها (۲) فراق : دوری (۴) وثوق: اطمینان.

۵۸- جواب (۱). کلمه رنگارنگ = رنگ + ا + رنگ و «الف» میانوند است در سایر گزینه‌ها میانوند وجود ندارد.

۵۹- جواب (۳). سجع عبارتست از : از آوردن کلمات هماهنگ در آخر جمله‌های یک عبارت مانند جمله‌های مسجّع گلستان سعدی و مناجاتنامه خواجه عبدالله انصاری.

۶۰- جواب (۳). دامن صحبت فراهم چینم به معنای «گوشه نشینی اختیار کنم».

۶۱- جواب (۱). عبارت سه جمله است. الف - گفتا. ب - به عزّت عظیم و صحبت قدیم سوگند می‌خورم . ج - دم برنیارم

۶۲- جواب (۱). سلسال به معنایِ آب گوارا.

۶۳- جواب (۱). مانند نمازگزاردن -گذاردن به معنای قرار دادن و عبور دادن است.

۶۴- جواب (۴). جاه متمم است و بیت چهار جملۀ اسمیه .

۶۵- جواب (۲). ضمناً گل، فاعل و فعلِ «رسید» لازم و جامه مفعول است.

۶۶- جو اب (۴). زیرا خواهد فعل اصلی است. در (۱) خواهند مرد. (۲) خواهم رفت (۳) خواهد شد فعل معین است.

۶۷- جواب (۳). در این بیت به داستان حضرت ابراهیم اشاره شده است که خداوند فرمود چهارمرغ را بگیر و گوشت آنها را درآمیز و بر سر کوهی بگذار و آنها را بخوان و ...

۶۸- جواب (۳). یعنی عمرم را صرف آن نمودم.

۶۹- جواب (۲). «گشت» در این جمله، اول شخص ماضی ساده است و در اصل «گشتم» بوده، «م» به قرینه لفظیِ «شدم» حذف شده است.

۷۰- جواب (۴). زیرا مفهوم کامل عبارت را در بر دارد.

۷۱- جواب (۱). تمرین درس کلیله و دمنه (باب برزویه طبیب)

۷۲- جواب (۳). غلطها عبارتند از : سطور ← ستور. طبع ← تبع. فراق ← فراغ . تألم ← تعلّم

۷۳- جواب (۴). کلمه برفور به معنایِ فوراً و فی‌الفور است.

۷۴- جواب (۱).

۷۵- جواب (۲). رنج و ناراحتیِ جدائی و دوری در انتظار است.

۷۶- جواب (۱).

۷۷- جواب (۱). خواب و خرر = فاعل و «ت» مفعول است.

۷۸- جواب (۳). فارسی چهارم ص ۳۹ آمده است: نویسنده با به کار بردن صنعت جناس و سجع می‌خواهد خمیده شدن قد انسان را در پیری بیان کند.

۷۹- جواب (۱). این کتاب در آیین شهرداری است.

۸۰- جواب (۳). یکی از کتابهای نثر فارسی، مجمع النّوادر مشهور به چهار مقاله عروضی در بیان شرایطی‌است که چهار طبقه دبیر، شاعر، منجّم و طبیب به زعمِ مؤلف، می‌بایست داشته باشد در نیمه قرن ششم تألیف شده است.

۸۱- جواب (۳). نثر ساده است و هیچگونه سجع یا صنعتی ندارد و عامیانه هم نیست .

۸۲- جواب (۲). بیت اول و چهارم از اقبال لاهوری که می‌گوید: حصیر خود را با قالی خارجی عوض مکن و همچنین کرباس تو از حریر خارجی بهتر است و بیت سوم می‌گوید: با درآمد خود بساز و چیزی به قرض مگیر و هر سه یک مفهوم دارند اما بیت دوم می‌گوید: با افراد پست زندگی مکن زیرا هیچگاه نیِ حصیر، شکر نمی‌دهد کنایه از این که این افراد مفید نیستند.

۸۳- جواب (۴). زربفت یا زربافته است که صفت مفعولی مرکّبِ مرخم است.

۸۴- جواب (۴).

۸۵- جواب (۳).

۸۶- **جواب (۴)**. «را» نشانه مفعول، در مصرع وجود دارد، «مرغکان تو را برچینند».

۸۷- **جواب (۳)**. در سه گزینه دیگر «دوش» قید است.

۸۸- **جواب (۱)**. برای این که، کلمه یا کلمات تکراری در شعر ردیف نامیده می‌شود.

۸۹- **جواب (۴)**. فعل «بیا» یک جمله و فعلیه است بنابراین همهٔ جمله‌ها اسمیه نیستند.

۹۰- **جواب (۱)**. سومین «هم» متمم و بقیه مضاف الیه. پس تمام «هم» ها مضاف الیه نیستند.

۹۱- **جواب (۳)**. و یک جمله است. سایر گزینه‌ها هر یک دو جمله هستند. (۱) ای محبوب جفای تو ز دولت خوبتر است (۲) ای خدا، نام تو بهترین سرآغاز است (۴) «ای» صوت است و چنین است : شگفتا، زندگی عاشقان در مُردن است» در توضیحات طوطی و بازرگان (فارسی چهارم) به جای شگفتا «راستی» آورده است. «ای» صوت هست ولی قید نیست.

۹۲- **جواب (۳)**. زیرا در بیت راجع به دو رویی و فرصت طلبی، سخنی به میان نیامده است.

۹۳- **جواب (۲)**. با توجه به گفتگوی طوطی و بازرگان و عدم آگاهی بازرگان و پختگی طوطی گزینه (۲) استنباط می‌شود. معنی بیت عبارتست از: خصوصیات و حالات آن طوطی در درون تو پنهان است و تو تصویر او را در خارج تن و در این و آن دیده‌ای - پاسخهای تست سراسری نارسا است.

۹۴- **جواب (۳)**. بازگو از مصدرِ بازگفتن (مصدر مرکب) یعنی تکرار سخنی یا مجدداً گفتن. در مورد دیگر

۹۵- **جواب (۴)**. در این گزینه، خارج شدن نکته از دهان به پرتاب شدن تیر تشبیه شده است و مکملِ جمله اول یعنی مصرع اول است.

۹۶- **جواب (۲)**. این گزینه سه جمله و بقیه گزینه‌ها هر یك چهار جمله.

۹۷- **جواب (۱)**. زیرا خواجه با گفتنِ خبر، موجبات هلاکت جانور را فراهم کرد.

۹۸- **جواب (۳)**. چون در(۱) = حرف ربط . در (۲) حرف ربط . در (۴) قید است.

۹۹- **جواب (۱)**. زیرا در بیت از محکم و استواری صحبت نشده ولی مطالب سه گزینه دیگر از بیت دریافت می‌شود.

۱۰۰- **جواب (۲)**. در این گزینه، دو کلمهٔ «زمن یا زمان» و «من» قافیه هستند که «َـ ن» حرف

قافیه است اما در سایر مصرعها و بیتها «من» ردیف است.

۱۰۱- **جواب (۴)**. زیرا در مثنوی تمام بیتها یک وزن دارند و مصرع اول با دوم هر بیت هم قافیه است.

۱۰۲- **جواب (۱)**. «زبان» مناداست.

۱۰۳- **جواب (۲)**. فعل ماضی در مصرع دوم به جای مستقبل به کار رفته و خاصِّ مواردی است که وقوعُ فعل در آینده حتمی است. معنی مصرع دوم چنین است: با حوادثِ ناخوش‌آیندی روبرو خواهد شد.

۱۰۴- **جواب (۱)**. خودآرایی موجب جلب توجه دیگران می‌شود. نظامی می‌گوید:

خویشتن ارای مشو چون بهار　　　تا نکنند در تو طمع روزگار

۱۰۵- **جواب (۲)**. در تمام گزینه‌ها حذف به قرینهٔ لفظی است و حذف معنوی ندارد. در گزینهٔ (۲) در مصرع دوم حذف دارد ولی با توجه به مصرع دوم باز هم لفظی است

۱۰۶- **جواب (۴)**.

۱۰۷- **جواب (۱)**. «ای» در گزینه (۱) صوت است به معنای : «راستی، زینهار» در سه مورد دیگر حرف ندا آمده است.

۱۰۸- **جواب (۴)**. زیرا، پنج فعل «شنید، کرد، لرزید، افتاد و گشت» در بیت آمده و فعل محذوف هم ندارد.

۱۰۹- **جواب (۲)**. اگر واو بین دو کلمه باشد حرفِ عطف است اگر بین دو جمله باشد حرف ربط است: مصرعِ دومِ این بیت دو جمله و «واو» حرف ربط است.

۱۱۰- **جواب (۴)**. «چو» در سه گزینه دیگر به معنایِ «مانند» و حرف اضافه است.

۱۱۱- **جواب (۳)**. کلمهٔ «روان» در مصرع اول به معنایِ جاری و «روان» در مصرع دوم به معنای «جان» است و جناس دارند.

۱۱۲- **جواب (۲)**. چنین بوده است: طوطی گفت که او با کار خود به من پند داد، «من» متمم است.

۱۱۳- **جواب (۴)**. در (۱) فعلِ «آید» به معنای است ربطی در (۳) گشتی به معنایِ شدی، فعل

ربطی در (۴) بُدی به معنای (وجود داشت)، و چنین مرغی = فاعل.

۱۱۴- جواب (۳). درگزینه ۱و ۴ ، آید به معنی است فعل ربطی است.گزینه (۲) هم اسمیه است.

۱۱۵- جواب (۳).

۱۱۶- جواب (۳). ناصر خسرو از بزرگترین قصیده پردازان قرن پنج است و قصاید حکمی و اخلاقی او شهرت دارد.

۱۱۷- جواب (۱). خویشتن آرای صفت فاعلی و مسند است، خویشتن بخشی از مسند است. در (۲) مفعول در (۳) مضاف الیه. در (۴) خویشتن کشتن متمم.

۱۱۸- جواب (۳). زیرا هیچگونه کلمه متضادی در مصرع نیامده است.

۱۱۹- جواب (۲). زیرا شاعر در بیت، انسان را از شکستن و کندن برحذر می‌دارد و این هر دو مورد، ستمکاری و ظلم به مردم است.

۱۲۰- جواب (۱). شمع خرد، اضافه تشبیهی است.

۱۲۱- جواب (۱). زیرا رحم کردن یا رحم نکردنِ جهان، در شعر مطرح نیست.

۱۲۲- جواب (۲). در بیت دو وجه مصدری «نباید رفت یا رفتن و باید رفتن» آمده و فعل معینِ «باید» زمان فعل را مضارع می‌کند و بیت دو جمله است.

۱۲۳- جواب (۳). «شست سال» متمم است (به شبانروز رفتنِ من از شست سال فزون است). گزینه (۱) من از آن جهت خسته هستم و خسته، «مسند» است.

۱۲۴- جواب (۴).

۱۲۵- جواب (۱). زیرا، شبان = شب + آن و جمعِ «شب» است و در این گزینه به معنای چوپانان آمده و درست نیست.

۱۲۶- جواب (۲). در این گزینه وجه فعل اخباری است ولی در سایر گزینه‌ها فعلها دارای وجه امری است.

۱۲۷- جواب (۴). زیرا «فرمانبر» صفت فاعلی مرکب مرخم است ولی سه گزینه دیگر، صفت ساده است.

۱۲۸- جواب (۴). (به) در این گزینه حرف اضافه است در بقیه صفت برتر.

۱۲۹- **جواب (۴).** در بیت آمده است که : زن خوش رفتار از زیبا بهتر است و سازگاری همه عیبها را می‌پوشاند، لذا این ویژگی در گزینه (۴) نهفته است.

۱۳۰- **جواب (۴).** جمله‌ها عبارتند از : الف - هر کسی را نتوان گفت ب - صاحبنظر است ج - عشقبازی دگر است د - نفس پرستی دگر است.

۱۳۱- **جواب (۱).** جملهٔ مستقیم آن عبارتست از : زن دیو سیمایِ خوش طبع، گوی (سبقت) را از پریچهرهٔ زشتخوی ببرد.

۱۳۲- **جواب (۴).** گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ دارای وجه اخباری است ولی مصرع اول گزینه چهار وجه امری است.

۱۳۳- **جواب (۲).** شهید مطهری کتاب تماشاگه راز را در ردّ کتابِ نقشی از حافظ نوشته است.

۱۳۴- **جواب (۱).** این گزینه کلام شهید مطهری در تماشاگه راز (فارسی چهارم) است و بعد از بیت مورد نظر آمده است.

۱۳۵- **جواب (۴).** این کتاب دارای اشعار نغزی است از میرزای شیرازی که در قرن چهاردهم هجری می‌زیسته است.

۱۳۶- **جواب (۳).**

۱۳۷- **جواب (۲).** قابوسنامه دارای نثر ساده یا مرسل است ولی گزینه‌های دیگر دارای نثر مسجّع است.

۱۳۸- **جواب (۴).** در این سبک ترکیبات عربی در اشعار وجود ندارد.

۱۳۹- **جواب (۲).**

۱۴۰- **جواب (۴).** این کتابها دارای نثر ساده یا مرسل و از آثار قرن چهارم و به سبک خراسانی است نه عراقی .

۱۴۱- **جواب (۳).** ترصیع در لغت معنی گوهر نشان کردن است و از لحاظ بدیع یکی بودن کلمات مصرعی با مصرع دیگر یا جمله‌ای با جملهٔ دیگر است در وزن و حروف پایانی آنها.

۱۴۲- **جواب (۳).** مانند (۱۴۱).

۱۴۳- **جواب (۲)**. وقتی معنیِ «نیت» قصد باشد و قصد بین علم و عمل قرار گیرد. پس اراده سبب می‌شود علم را به عمل برساند.

۱۴۴- **جواب (۱)**. زیرا در جمله آمده است که : قصد میان علم و عمل قرار دارد.

۱۴۵ **جواب (۱)**.

۱۴۶- **جواب (۱)**.

۱۴۷- **جواب (۲)**. وی پزشک جامعه‌شناس و مورخ فرانسوی، آثاری که دربارهٔ تاریخ و جامعه‌شناسی دارد، از آثار پزشکی و روانشناسی مهمتر است. کتاب تاریخ تمدن اسلام از اوست.

۱۴۸- **جواب (۴)**. «وارستگی» حاصل مصدر است و به معنایِ آزادی، آزادگی و رهایی‌است برای عبور از مشکلات وارستگی لازم است.

۱۴۹- **جواب (۴)**. زیرا در راه خدا جان را تسلیم کرد «به رغبت برای حق».

۱۵۰- **جواب (۲)**. زیرا حضرت امام حسین (ع) مخالف با ارضای هواهای نفسانی بود. (فارسی چهارم - مرثیه).

۱۵۱- **جواب (۲)**. زیرا در قرن پنجم توسط ابوالفضل بیهقی نوشته شده است.

۱۵۲- **جواب (۳)**. جمله چنین است ... و پس به سرِ قصه خواهم شد. «خواهم» به قرینه لفظی در جمله قبلی حذف شده است. اما در گزینه‌های دیگر، فعلها به قرینه معنوی حذف شده.

۱۵۳- **جواب (۴)**. ما کاری را گرده شده‌ایم یعنی ما برای کاری جمع شده‌ایم.

۱۵۴- **جواب (۱)**. برای مجهول ساختن فعل در متون قدیم از مصدر «آمدن» استفاده می‌کرده‌اند. لذا خریده آمده است = خریده شده است (مجهول). در سایر گزینه فعل مجهول ندارد، در (۳) گذشته شده است = مرده است و فاعل آن بوسهل زوزنی است در (۴) بداشته بود یعنی متوقف کرده بود.

۱۵۵- **جواب (۲)**. «ش» نقش مفعولی دارد و جمله چنین است : جلاّد او را محکم ببست .

۱۵۶- **جواب (۴)**. در این گزینه «این حدیث» صفت و موصوف است ولی «این» در سایر

گزینه‌ها ضمیر اشاره است یعنی هیچکدام موصوف ندارند.

۱۵۷- **جواب** (۴). کراکردن یعنی ارزش داشتن .

۱۵۸- **جواب** (۲).

۱۵۹- **جواب** (۲).

۱۶۰- **جواب** (۲).

۱۶۱- **جواب** (۴). در صورتی که متوجه نشدید باز هم متن پرسش را مطالعه کنید.

۱۶۲- **جواب** (۳). خواجه احمد حسن میمندی حسنك را که می‌خواست در روبروی او (= خواجه احمد حسن یا بوسهل) بنشیند نگذاشت بنشیند. بنابراین حسنك آمد و سمت راست نصرِ خلف نشست، توضیح اینکه : باید مرجع ضمیر او را خواجه بدانیم به این دلیل که خواجه حاضر نشد در جائی که متهم و گناهکاری آنجا می‌نشیند، حسنك بنشیند، چون او را گناهکار نمی‌دانست و اگر مرجع را بوسهل بدانیم به این دلیل که اگر حسنک در مقابل بوسهل زوزنی می‌نشست ، احتمالاً به اختلاف آنها دامن زده می‌شد (تاریخ بیهقی، دکتر مصطفوی سبزواری).

۱۶۳- **جواب** (۴).

۱۶۴- **جواب** (۳). دو دلیل دارد که در پاسخ تشریحی شماره (۱۶۲) به آن اشاره شد .

۱۶۵- **جواب** (۱).

۱۶۶- **جواب** (۲). بدَو فعل امر از مصدرِ دویدن، به تعبیر امروز «زود باش» یا «تند برو» البته با لحنی که پاسبانی یا مأموری به مجرمی می‌گوید.

۱۶۷- **جواب** (۲).

۱۶۸- **جواب** (۳).

۱۶۹- **جواب** (۴). ناشیرین به معنایِ حرکت ناشایست و ناپسند.

۱۷۰- **جواب** (۱).

۱۷۱- **جواب** (۴). ضیاع به معنای زمینهای زراعتی است و ضیاء به معنی روشنایی است .

۱۷۲- **جواب** (۴). کنایه از این است که نتوانست او را به کام حیله‌های خود درکشد.

۱۷۳- **جواب (۴).** فرو نتوانست برد یعنی نتوانست او را به زیر آورد یا پایین آورد یا به کام حیله‌های خود درکشد. این جمله برمی‌گردد به بونصر مشکان که صاحب دیوان رسالت مسعود غزنوی بود.

۱۷۴- **جواب (۳).** الف بزرگامردا، برای مبالغه در وصف است و چنین است: مرد بسیار بزرگی است که پسر من بود و دو جمله است.

۱۷۵- **جواب (۱).** درستِ آن عبارتست از : هر چند از او بدم می‌آید. در رشته ادبیات و فرهنگ و ادب جملهٔ متن عبارتست از: هر چند مرا از وی بد آمد و معنی‌جمله عبارتست از : «هر چند از وی به من بد رسید» دکتر مصطفوی در شرح تاریخ بیهقی ص ۱۱۶ شمارهٔ ۱۵ آورده است: ... در جای دیگر نیز گفته که «من از بوسهل جفا دیدم» و این معنی را تأیید می‌کند.

۱۷۶- **جواب (۳).** حسنك، روزگار و گفتار، هر سه مسندالیه و کلمهٔ «این» مسنداست. «شد» در گزینه (۱) به معنی رفت. شده بود در گزینه (۲) به معنای رفته بود.

۱۷۷- **جواب (۲).** خلیفه شهر به معنی داروغه و شهربان است. (دکتر مصطفوی - تاریخ بیهقی)

۱۷۸- **جواب (۲).** در متنِ حسنک، فارسی چهارم آمده: ... و فرصتی جستی و تضریب کردی و المی بزرگ به چاکر رسانیدی.

۱۷۹- **جواب (۴).** این، گفتهٔ مادرِ حسنك است. زیرا حسنک در زمان محمود مقام وزارت داشت و در زمان مسعود به دار آویخته شد.

۱۸۰- **جواب (۴).** زیرا «او را صفرا بجنبید» یعنی: خشمگین شد و «فرا دشنام خواست شد» یعنی : خواست ناسزا گوید.

۱۸۱- **جواب (۴).** وقتی بوسهل نزد پدر خواجه عمید رفت تا مانعِ شفاعت حسنك شود، وی گفت: می‌نوشتم ولی دیگر سودی ندارد.

۱۸۲- **جواب (۲).** زیرا در عبارت ذکر شده «حسنک برفت و ... این قوم برفتند یعنی مردند.

۱۸۳- **جواب (۲).** یعنی روش حسنك جز این بود یعنی عاقبت اندیش نبود.

۱۸۴- **جواب (۴).**

۱۸۵- **جواب (۲).** با این که خاکستر نسب عالی دارد به دلیل بی‌هنری ارزش ندارد پس استعداد

ذاتی کم از نسب عالی نیست. گیرم پدر تو بود فاضل / از فضل پدر تو را چه حاصل.

۱۸۶- ***جواب*** **(۴)**. زیرا مفهومی ندارد در مقابلِ گزینه (۱) که جمله مستقیم است.

۱۸۷- ***جواب*** **(۴)**. زیرا کلوخ جسم بی‌ارزش در برابر شاهد به معنیِ معشوق و با ارزش است. هر گاه زر و خاك کنار رود چهرهٔ واقعی آنها پیدا می‌شود.

۱۸۸- ***جواب*** **(۴)**. چنین نیست زیرا با این تشبیه، در واقع توانگر فاسق به شاهد خاك آلود تشبیه شده و غلط است.

۱۸۸- ***جواب*** **(۲)**. زیرا بنا به گفته سعدی، آن بخت برگشته خود در بلاست که همان مصیبت بزرگ است.

۱۸۹- ***جواب*** **(۳)**. زیرا یک فعل ربطیِ «است» دارد و سه مورد دیگر به قرینه لفظی محذوف است.

۱۹۰- ***جواب*** **(۱)**. زیرا در عبارت، اندیشه به طلا تشبیه نشده و در متن سؤال چنین مطلبی نیامده است.

۱۹۱- ***جواب*** **(۱)**. این جمله از سعدی است که می‌گوید: مراد از نزول قرآن تحصیل سیرت خوب است نه ترتیل سورت مکتوب، که منظور از سورت همان سوره است.

۱۹۲- ***جواب*** **(۱)**. زیرا عامی بخاطر بندگی از عالم سهل انگار بهتر است و سه مورد دیگر پاسخ درستی نیست.

۱۹۳- ***جواب*** **(۱)**.

۱۹۴- ***جواب*** **(۱)**.

۱۹۵- ***جواب*** **(۱)**. زیرا از سؤال چنین برمی‌آید که نباید با بدان خوب بود و در (۱) عکس آن استنباط می‌شود، یعنی : با بدان باید خوب بود تا آنها هم خوب شوند.

۱۹۶- ***جواب*** **(۳)**. «بضاعت» به معنیِ سرمایه و معنیِ مصرع اول این است سرمایه‌ای جز امید ندارم.

۱۹۷- ***جواب*** **(۱)**. زیرا شخص عامی بخاطر تقوا از دانشمند بهتر است.

۱۹۸- ***جواب*** **(۴)**. زیرا عالمی که عمل ندارد مانند زنبوری است که عسل ندارد و زنبور

بی‌عسل زیان دارد پس عدمش به ز وجود است.

۱۹۹- **جواب (۲)**. زیرا عالم ناپرهیز خود می‌داند و عمل نمی‌کند ولی دیگران راه را از او می‌پرسند و می‌روند.

۲۰۰- **جواب (۴)**. زیرا «ین» همراه با اسم، صفت نسبی می‌سازد.

۲۰۱- **جواب (۴)**. زیرا دشمن، دوست می‌شود تا با تظاهر به دوستی، دشمنی کند، پس دوستِ دشمن نماست.

۲۰۲- **جواب (۱)**. ضمیرها عبارتند از : «هر که - خود - ند در دو مورد» ضمناً یادآوری می‌شود که «د» در «بحث کند» شناسه است و آن وقتی است که فاعل همراه فعل بیاید. در اینجا «هرکه» ضمیر مبهم مرکب با نقش فاعلی است.

۲۰۳- **جواب (۴)**. زیرا کشتن انسانِ بد، موجب آسایش دیگران و جلوگیری از گناه بیشتر او می‌شود.

۲۰۴- **جواب (۱)**. بیت چهار جمله است. برای این که سه فعل در بیت وجود دارد و کلمهٔ «تا» به معنای زینهار و صوت است که یک جمله محسوب می‌شود.

۲۰۵- **جواب (۱)**. زیرا دانا همه مطلبی می‌داند و مانند صندوقچه عطاری است که همه نوع گل و دانه گیاهی دارد و ادعایی ندارد.

۲۰۶- **جواب (۳)**. چه حاجت = (صفت پرسشی + موصوف) ولی در (۱) «غم خورد» فعل و «چه» ضمیر پرسشی است در (۲) ضمیر پرسشی با نقشِ مفعولی در (۴) ضمیر پرسشی با نقشِ مسندی.

۲۰۷- **جواب (۱)**. بیت سه جمله است و عبارتست از : عجب نیست اگر نَفَس او (عندلیب) فرو رود (آواز نخواند) که غراب (کلاغ) همقفس او باشد. با نوشتن جمله مستقیمِ بیت، سایر نقشها مشخص می‌شود.

۲۰۸- **جواب (۴)**. بحل کردن یعنی حلال کردن و بخشودن.

۲۰۹- **جواب (۱)**. زیرا پس از آن که آب جمع و زیاد شد ایجاد خطر و تخریب می‌کند، قبل از ایجاد خطر باید جلوِ آن را گرفت.

۲۱۰- جواب (۱). این مصلحت، صفت و موصوف است امّا در سه گزینهٔ دیگر ضمیر است.

۲۱۱- جواب (۴). گزینه (۱) از همه زیباتر و مستقیم است و گزینه (۴) بهم ریخته و نادرست است.

۲۱۲- جواب (۱). بیت سه جمله است. جملهٔ اول = به خدا سوگند می‌خورم + دو جملهٔ مشخصِ دیگر.

۲۱۳- جواب (۳).

۲۱۴- جواب (۳). سه مورد، سخنوری و سکوت مصلحتی در شعر آمده است، امّا شاعر سود و فایده را در سکوت و خاموشی می‌داند، زیرا می‌گوید به خاطر حسدِ مردم سکوت کرده‌ام (مهر است بر دهانم).

۲۱۵- جواب (۲). ترجمهٔ آیه عبارتست از : او را دیده‌ها در نمی‌یابد و او دیده‌ها را در می‌یابد و این ترجمه منطبق است بر گزینه (۲) یعنی خدا از چشمها پوشیده است در حالی که همه دیده‌ها را او آفرید.

۲۱۶- جواب (۳). فعلِ «همی گشت» فعل خاص است زیرا راه رفتن است و فعلیت دارد.

۲۱۷- جواب (۳). کتاب مختارنامه از آغاز تا پایان، رباعیهای عارفانه شیخ عطار است سه مورد دیگر هم از عطار، اما در قالب مثنوی است.

۲۱۸- جواب (۱). در بیت آمده است: اگر شب هنگام مانند ستاره بیدار و زنده باشی دارای صورت روشن هستی و این معنی با مفهوم گزینه (۱) مطابقت دارد.

۲۱۹- جواب (۱). زیرا کلمهٔ تکراری، در یک بیت از مثنوی یا پایان مصرعهای دومِ غزل و قصیده ردیف نامیده می‌شود.

۲۲۰- جواب (۳). فعلها عبارتند از : الف - طلب می‌کرد - داشت و تمنّا می‌کرد.

۲۲۱- جواب (۴). جملهٔ مستقیم مصرعِ اول عبارتست از : سالها دل جام جم را از ما طلب می‌کرد.

۲۲۲- جواب (۱). معنای بیت عبارتست از : دل، گوهری را که از بس والاست و در صدف و پوستهٔ هستی نمی‌گنجد و خود آن را دارد از کسانی می‌طلبد که در کنار دریای حقیقت

گمراه و سرگشته‌اند و کنایه‌ای به عقل گرایان دارد که نمی‌توانند حقیقت را بیابند.

۲۲۳- **جواب (۱)**. به توضیحات شماره ۲۲۲ مراجعه نمایید.

۲۲۴- **جواب (۴)**. زیرا چهار ترکیب اضافی دارد. الف - مشکل خویش ب - پیر مغان ج - تأیید نظر . ضمناً، حلّ معما هم خود یک ترکیب اضافی صوری است ولی در جمله مستقیم می‌شود: معما را حل می‌کرد.

۲۲۵- **جواب (۲)**. مصرع مورد سؤال، جمله پایه است و احتیاج به پیرو دارد و حرف ربط «که» پیرو را به دنبال دارد و این خود می‌تواند کمکی به یافتن پاسخ نماید لذا گزینه (۲) توصیه می‌شود.

۲۲۶- **جواب (۴)**. جام جم و آینه استعاره از دل آگاه و حقیقت بین عارف است که انسان می‌تواند آن را داشته باشد ولی بدان واقف نیست.

۲۲۷- **جواب (۲)**. در سه گزینه دیگر آمده است که : عارف یا عاشق به آنچه داشته، توجه نداشته و در بی‌خبری بسر می‌برده اما در گزینه (۲) این استنباط وجود ندارد.

۲۲۸- **جواب (۱)**. زیرا این تردستیها که عقلِ سودجو در برابر دل که کانون عشق است در بیت با کلمهٔ «اینجا» آمده است.

«عشق می‌گفت که دل مسکن و مأوای من است

عقل خندید که یا جای تو یا جای من است»

۲۲۹- **جواب (۳)**. غصه سرآمدن به معنای از بین رفتن غصّه است نه زیاد شدنِ آن .

۲۳۰- **جواب (۳)**. این گزینه عیناً در تمرینات درس خلوت دل، فارسی چهارم آمده است.

۲۳۱- **جواب (۳)**. زیرا افراد پست اهل تملّق و چاپلوسی و التماس هستند.

۲۳۲- **جواب (۲)**. زیرا این مصرع مکمّل سؤال و پاسخ صالح و طالح است.

۲۳۳- **جواب (۲)**. روشن بخشی از فعل مرکّبِ (روشن کند) است.

۲۳۴- **جواب (۴)**. زیرا میان بستن به معنی آماده شدن و تصمیم گرفتن و تعصّب در اینجا به معنای از بین بردن و دشمنی کردن با آل برمك است.

۲۳۵- **جواب (۲)**. باید نشست فعل مصدری و درست است.

۲۳۶- جواب (۱). جمله اسمیه است و عبارتست از: نشستِ خداوند بر منظر باید (لازم است) و نشستن (نشست)، مسندالیه، بر منظر (متمم) و لازم است (مسند و رابطه).

عده‌ای معتقدند که «باید» در اینجا و موارد مشابه فعل خاص است.

۲۳۷- جواب (۱).

۲۳۸- جواب (۲). زیرا یحیی به بزرگی و دانش و تدبیر فرزندان خود اشاره می‌کند و می‌گوید: که سبب رنج و بلای خاندان ما، اول قضای پروردگار است، دوم شما که مورد حسدِ دشمنان هستید.

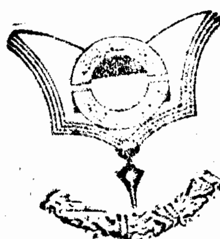
۲۳۹- جواب (۴). در این بیت اشاره دارد به این که جای زندگی تو در این دنیا نیست در دنیای باقی است. در صورتی که در سه گزینه دیگر صحبت از روح، جان، مرغ و پرواز از این دنیا به دنیای دیگر است ولی گزینه (۴) قاطع است.

۲۴۰- جواب (۲).

۲۴۱- جواب (۴). «کو» در این گزینه به معنی کجا است یا کجا هستند اما در سه مورد دیگر که + او) می‌باشد.

۲۴۲- جواب (۳). معنای بیت عبارتست از: در دیدهٔ من کیست که از این روزنه بیرون را می‌نگرد، حقیقت آن روح چیست که بدنم پوشش آن است و بیت بیانگر حیرت شاعر در برابر عظمت روح انسانی است.

۲۴۳- جواب (۳). قیدها عبارتند از: به تحقیق، یک دم و نفسی



۲۴۴- جواب (۴). برای رسیدن به مقصد و ملاقات حضرت مهدی (عج) ما سه مورد (۱ و ۲ و۳) را طی می‌کنیم اما خود بدون کمك و خواست آن حضرت توانایی نداریم (مصرع دوم). لذا گزینه (۴) درست نیست.

رَبَّنٰا اَفرِغْ عَلَینٰا صَبْراً و ثَبِّتْ اَقدامَنٰا وَانصُرنٰا عَلیَ القَومِ الْکافِرینْ

(آیه ۲۵۲ - بقره)

ای پروردگارا شکیبایی را به ما عطا فرما و قدمهای ما را استوار بفرما وما را یاری کن بر گروه کافران .



السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۷۲/۲/۱۷ - سید عبدالرشید صهبا